

۴۹۵

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده

جمعه ۲۱ تا پنجشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۳ خورشیدی

سال چهل و یکم - شماره ۱۹۶۱

دغدغه‌ی اصلی غرب

در ایران

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنججاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت»
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری



بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم
کیهان شماره ۱۹۶۱ (۴۹۵)
جمعه ۲۱ تا پنجشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۳
۱۰ تا ۱۶ ژانویه ۲۰۲۵



کیمهان

* فهرست مطالب *

سرمقاله - نه به اعدام! فرقی نمی کند علیه چه کسی باشد! / الاله بقرات ۴

تیتز هفته - دغدغهی اصلی غرب در ایران... / ۴-۵

پیام شهبانو فرح پهلوی به مادران دادخواه جانباختگان و قهرمانان آزادی ایران... / ۶

آکسیوس: بایدن موافق حمله نظامی به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی نبود... / ۶

جو بایدن به جرج سوروس و هیلاری کلینتون «مدال آزادی» داد... / ۷

بازرسی شدید هواپیمای «ماهان ایر» و چمدان دیپلمات‌های جمهوری اسلامی... / ۸

ارتش اسرائیل برای مقابله با حمله احتمالی جمهوری اسلامی به حالت «آماده باش»... / ۸-۹

امانوئل ماکرون: در ماه‌های آینده باید در بازه فعال شدن «مکانسیم ماشه»... / ۹

طرح «یکان ۸۴۰ سپاه قدس» برای ترور شاهین نجفی در هانوفر... / ۱۰

استننا و قاعده... / خیر اندیش (احمد احرار) ۱۱

خلخال، جانوری که از نوباید شناخت (بخش ۳)... / ۱۱-۱۲

دکتر لاله تنکسیری: از کی ترور و مرگ جوان‌های ما تبدیل به امری عادی شد؟... / ۱۴

دولت جو بایدن برای جمهوری اسلامی «نعمت» بود... / ۱۵

امیر طاهری: سیاست امر همگانی است و هر گونه رهبر تراشی قلبی شکست می خورد... / ۱۶

حمله تروریستی به شهر وندان اسرائیل با چند کشته و مجروح... / ۱۶

جمهوری اسلامی بین «توفان» یحیی السنوار و «توفان» احمد الشرع... / (الشرق الاوسط) ۱۷

بشار اسد و ابغای نقش «اسکوبار»: برای یک رژیم، خطر ات... / (عبدالرحمن الراشد) (الشرق الاوسط) ۱۸

تفاوت جمهوری اسلامی با ترکیه اردوغان در داشتن تسلیحات... / (امایکل روبین) (واشنگتن اگزمنر) ۱۹

کردهای سوریه و شیعیان لبنان... / (محمدالمیچی) (الشرق الاوسط) ۲۰-۲۱

اصلاح انقلابی: پروین اعتصامی از ۱۷ دی، کشف حجاب و آزادی زنان... / (الاله بقرات) ۲۱-۲۲

جمهوری اسلامی و ایتالیاسفرای یکدیگر را احضار کردند... / ۲۲-۲۳

هشدار وزیر خارجه فرانسه به جمهوری اسلامی: روابط دو جانبه ما و آینده تحریم‌ها به آزادی... / ۲۳

گزارش ویژه: پرونده سنگین محمدعابدینی نجف آبادی و «واکنش مناسب»... / (احمد رافت) ۲۴-۲۵

آزادی روزنامه نگاران ایتالیایی از اوین، موضوع اصلی دیدار جورجیا ملونی و... / (احمد رافت) ۲۵

فانینشال تایمز: نسل دوم رهبری در رژیم‌های خودکامه مهارت مدیریت بحران را ندارند... / ۲۶-۲۷

آزادی پرسش بر انگیز روزنامه نگاران ایتالیایی؛ پایان سر بیخ یک گروگانگیری به سود... / ۲۷

آیاتیم اطلاعاتی ترامپ برای جانش‌های امنیتی رژیم ایران... / (عرفان قانع) (فرد) (اورشلیم پست) ۲۸

«پهلوی» گفتمان نیمه تمام انسان ایرانی؛ رستگاری در گذشته و جدال «تقویم» و... / (جلال حیدری نژاد) ۲۹

جزئیات تبلیغات ظریف در رسانه‌های بین‌المللی: حالا که رژیم ایران تضعیف شده، ترامپ... / ۳۰-۳۱

جزئیات جدید از شکار حسن نصرالله: عملیات با اذان مغرب آغاز شد و در... / ۳۱

استقرار یکگان‌های پدافندی ارتش و سپاه پاسداران در کنار مراکز حساس... / ۳۲

حسین طائب: برای دور زدن تحریم‌ها نیاز به روابط ما با همسایگان آسیب ببیند... / ۳۲-۳۳

جمهوری اسلامی ناتوان در تأمین رفاه مردم: چرا شیخ تمیم می‌تواند ما خامنه‌ای نه؟!... / ۳۳

حمله به تأسیسات هسته‌ای در ایران: مماشات بایدن و جسارت ترامپ؟! / (طارق الشامی) (این‌دپندنت عربی) ۳۴-۳۵

«مکران» در منطقه مرزی گزین انتقال پایتخت!... / ۳۶-۳۷

جمشیداسدی کارشناس اقتصاد: عدم سرمایه گذاری خارجی در ایران فاجعه است... / ۳۷

واکنش به ادعای «نفوذ دشمن» و «استخدام جاسوس» از درون مجلس شورای اسلامی... / ۳۸

ممنوعیت ورود نفتکش‌های ایرانی به چند بندر چین... / ۳۹

وزرای اقتصاد، نفت و گاز بر تیغ استیضاح: احتمال طرح استیضاح دوزیر دیگر!... / ۴۰-۴۱

افشای یک شبکه بزرگ قاچاق نفت ایران: ارسال محموله‌های نفتی با اسناد جعلی به... / ۴۱

ادعای بز شکیان برای ارائه بسته‌های معیشتی به «عموم مردم»... / ۴۲-۴۳

سوداگری شرکت‌های اتومبیل‌سازی داخلی: انحصار و دریافت مبالغ نجومی از برای... / ۴۳-۴۴

رویارویی... / (بهنام محمدی) ۴۴

جمهوری اسلامی دارای دومین مقام در محدودیت و اختلال اینترنت... / ۴۵

۱۲ سال گذشت: سرنوشت شلر فرهادی از بازداشت تا «خودکشی»... / ۴۶-۴۷

نقش شهر وندان بهائی در توسعه فرهنگ و ادب و هنر ایران... / ۴۷

«زنان در سایه تبعیض»: نگاه حقوقی مهر انگیز کار به قوانین زن‌ستیز در جمهوری اسلامی... / ۴۷

حافظیه شیراز در چنبره‌ی «سپاه پاسداران» و «فرزگاه خاتم الانبیاء»... / (فیروزه نور دستروم) ۴۸-۴۹

رهبر گروه «بیکار» با کوزا: به تلاش برای قاچاق مواد هسته‌ای به ایران اعتراف کرد... / ۴۹

افزایش ۸۲ درصدی نرخ مهاجرت نخبگان از ایران... / ۵۰-۵۱

موج افزایش قیمت مواد غذایی: کاهش ۳۰ درصدی تقاضای بازار مرغ... / ۵۱-۵۲

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام از تباطو میان فهرست سپاه FATF و ارزش پول ملی... / ۵۲-۵۳

زنان و مجازات اعدام در ایران: در پیچه‌ای به آسیب‌شناسی جنسیتی مجازات مرگ... / ۵۴

هشدار درباره خطر «بستی زمین» در مازندران به دلیل گسترش فرونشست... / ۵۵

گفتگو با هنرمندی که جریبان آگاهی در هنر را رسالت آن می‌داند... / ۵۶-۵۷

برگزاری مراسم یادبود جانباختگان سر تکوینی «پرواز ۷۵۲»... / ۵۷

گاز ۱۴ کارخانه پتروشیمی قطع شد: هشدار وزیر صمت درباره «اختلال در چرخه تولید»... / ۵۸-۵۹

هشدار وزیر نیرو درباره «تابستان سخت»: سرعت انرژی توسط مافیاهای حکومتی... / ۵۹-۶۰

هشدار درباره استیصال و فقر و حشمتاک کارگران ایران در سال ۱۴۰۴... / ۶۰-۶۱

۸۵۳۲ کلاس درس در پایتخت نیازمند تخریب و نوسازی... / ۶۲-۶۳

ورود غیرمجاز روزانه ۱۳ هزار ۴۰۰ نفر از افغان به ایران... / ۶۳

خبرهای کوتاه... / ۶۴-۶۵

پشت جلد - عکس هفته / رؤسای جمهور در مراسم درگذشت یک رئیس جمهور... / ۶۶

بازنشر
بازنشر

بازنشر



دغدغهی اصلی غرب در ایران

سرمقاله
نه به اعدام!
فرقی نمی‌کند علیه چه کسی باشد!

زندگی در نفس خود موهبت است و هیچ قانونی که توسط انسان‌ها برای تنظیم مناسبات بین آنها وضع می‌شود، حق ندارد این موهبت را از جانداران سلب کند. هر اندازه یک نظام حقوقی بیشتر ایدئولوژیک و واپسمانده باشد، به همان اندازه قوانین آن نه در خدمت زندگی و همزیستی بلکه مرگ پرور و تفرقه افکن هستند چنین نظام‌های حقوقی در رژیم‌های فاشیست و کمونیست و دیگر دیکتاتوری‌ها مانند حکومت‌های نظامی و در جمهوری اسلامی که ملغمه‌ای از همه اینها باضافه اسلام سیاسی است، تجربه شده. با اینهمه مجازات مرگ در نظام حقوقی چند دموکراسی از جمله برخی ایالت‌های آمریکا پابرجا مانده اگرچه این مجازات برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر است که آمریکا از مبتکران آن بوده است.

البته این نیز واقعیتی است که درک انسان و جوامع نسبت به خیلی چیزها، به ویژه از نیمه قرن بیستم به اینسو از جمله نسبت به خشونت و قهر دولتی تغییر کرده. برای نمونه، آنچه تازه از چند دهه پیش در ارتباط با خانواده، «خشونت خانگی» نامیده می‌شود، پیش از این بدیهی و حتا ضرورت «تعلیم و تربیت» نه تنها در خانواده بلکه در مدارس کشورها، و نه فقط ایران یا ملل شرق، به شمار می‌رفت!

در همین ارتباط، وقتی دستگاه قضائی آلمان تروریست‌های چپ‌گرای گروه «بادرمانیوف» یا «فراکسیون ارتش سرخ» را در دهه هفتاد میلادی به «اشد مجازات» محکوم کرد، این «اشد» به معنی حبس ابد بود و اگر مجازات اعدام در آلمان لغو نشده بود، آنها اعدام می‌شدند. مجازات مرگ در فاصله‌ی بین ۱۹۶۹ تا ۱۹۵۱ و ۱۹۵۶ توسط دولت محافظه‌کار و راست‌گرای کتراد آدانوفر در آلمان غربی لغو شد و علت سراسری نبودن تاریخ لغو آن، اداره‌ی فدرالی و ایالتی این کشور بود بطوری که قانون اعدام حتی تا سال ۱۹۹۸ در ایالت بایرن وجود داشت اگرچه اجرا نمی‌شد. در آلمان شرقی تحت حکومت کمونیست‌ها اما مجازات اعدام چهل سال بعد تازه در ۱۹۸۹ لغو شد! آخرین اعدام در آلمان غربی در همان سال ۱۹۶۹ بود در حالی که در آلمان شرقی در سال ۱۹۸۱ نیز حکم مرگ اجرا شد. تازه حبس ابد هم در بسیاری از دموکراسی‌ها بین ۲۰ تا ۳۰ سال است و اگر محکوم مجاز باشد از بند ارفاق استفاده کند، می‌تواند پس از چند سال تقاضای آزادی کند مگر اینکه مانند تروریست‌های بادرمانیوف حق استفاده از این امتیاز را نداشته باشد.

در سیاست و احکام شرعی جمهوری اسلامی اما اعدام و «حذف» یک راهکار استراتژیک است و فرقی نمی‌کند که علیه مجرمان قضائی باشد یا مخالفان سیاسی! نتیجه‌ی این «راهکار»، اما برای خود حکومت فاجعه است چرا که بر شمار هم مجرمان و هم مخالفانش اضافه شد! اعدام که در ایران کنونی بخشی از سنگینی بار آن به اسم «قصاص» بر دوش قربانیان و خانواده‌های آنها گذاشته می‌شود، یک مجازات غیرانسانی و جبران‌ناپذیر است چه علیه محکومان جنایی باشد و چه علیه سیاسی‌ها و با مقامات رژیم‌های ضدبشری که توسط مردم سرنگون می‌شوند.

محکومان جنایی اگر به ناحق محکوم شده باشند، با اعدام هرگز این بخت را نخواهند داشت تا عدالت درباره آنها اجرا شود و اگر بحق محکوم شده باشند، تاوان جرم و جنایت خود را با تبدیل موهبت زندگی به دوران حبس می‌پردازند.

مخالفان سیاسی یک حکومت هم اساساً نمی‌بایست مجازات شوند چه برسد به اینکه آنها را اعدام کرد!

جنایتکاران رژیم‌های ضدبشری نیز بجای اینکه یکبار بپیرند و راحت شوند، و یا مانند جنایتکاران جمهوری اسلامی به خیال خود، پیروزمندان راهی بهشت شوند، در حبس است که مجبور خواهند شد شکست و اضمحلال خود را در آزادی و آبادی کشوری بدون حضور منحوس خود در قدرت ببینند و تحمل کنند.

از این رو مخالفت با مجازات مرگ نه تنها برای امروز بلکه برای ایران آینده نیز یک چشم‌انداز سیاسی و حقوقی استراتژیک ترسیم می‌کند.



● اگر تلاش‌های مردم ایران برای رهایی از جمهوری اسلامی حمایت‌های لازم را در داخل و خارج به دست آورد، نه تنها می‌تواند پرونده هسته‌ای را به عنوان بزرگترین دغدغهی غرب در ارتباط با ایران به پایگانی بسپارد، بلکه روابط آن با کشورهای منطقه و جهان را نیز در مسیر درست قرار خواهد داد

جمهوری اسلامی اسپرند. سسیل کوهلر و شریک زندگی‌اش ژاک پاری از بهار سال ۱۴۰۱ به اتهام واهی جاسوس در زندان بسر می‌برند. یک فرانسوی دیگر که تنها با نام اولیویه معرفی شده نیز از پائیز همان سال در زندان است و نه تنها نام کامل این زندانی بلکه جزئیات پرونده‌ی او نیز مخفی نگاه داشته شده است. مشخص نیست جمهوری اسلامی در ازای آزادی این سه گروگان فرانسوی چه خواسته‌هایی را روی میز قرار داده که دولت فرانسه آماده‌ی قبول آنها نیست.

پرونده هسته‌ای، دغدغه اصلی غرب در ارتباط با ایران پرونده دیگر، در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی است که با توجه به مذاکراتی که قرار است در همین رابطه بین سه کشور اروپائی آلمان، فرانسه و بریتانیا و همچنین اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی در ژنو برگزار شوند مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت. در روزهای گذشته امانوئل ماکرون رئیس جمهور فرانسه هشدار داده بود که برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی «در مرحله رسیدن به نقطه بدون بازگشت» قرار دارد. ساکن کنونی کاخ الیزه همچنین جمهوری اسلامی را «چالش استراتژیک و امنیتی اصلی برای فرانسه، اروپا و کل منطقه» خوانده و از رهبران کشورهای امضاکنده‌ی توافق هسته‌ای موسوم به «برجام» خواسته تا اعلام کنند که آیا قبل از غروب این توافق

جمهوری اسلامی بار دیگر به یکی از دغدغه‌های عمده کشورهای غربی تبدیل شده است. پنجشنبه ۹ ژانویه در رم وزرای خارجه گروه موسوم به Quintet یا «گروه پنج» که کشورهای آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان و البته ایتالیا را در بر می‌گیرد به گفتگو نشستند. در این نشست که کایا کلاس مقام ارشد جدید اتحادیه اروپا برای سیاست خارجی و امنیت نیز حضور داشت، دو پرونده روی میز قرار گرفت: ایران و سوریه. وزیر خارجه ایتالیا که قرار است در همین ساعات تنظیم این گزارش برای ملاقات با رهبران جدید سوریه راهی دمشق شود، نتایج این گفتگوها را به اطلاع آنها نیز خواهد رساند.

در رابطه با ایران قرار بود دو مسئله مورد بررسی قرارگیرد. با آزادی چچلیا سالا روزنامه‌نگار ایتالیائی پس از سه هفته و بازگشت او به رم در عصر روز چهارشنبه ۸ ژانویه ۲۰۲۵، ایتالیا در نظر داشت پرونده گروگان‌گیری‌های جمهوری اسلامی را از این مذاکرات حذف کند، ولی با اصرار ژان نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه در این رابطه نیز صحبت شد چرا که اگر ایتالیا در ازای عدم استرداد محمد عابدینی نجف آبادی، قاچاقچی سیستم‌های هدایتی پهپادهای جمهوری اسلامی به آمریکا، توانست چچلیا سالا را تنها سه هفته پس از بازداشت غیرقانونی از سلول انفرادی اوین به خانه بازگرداند، سه گروگان فرانسوی هنوز در زندان‌های جمهوری

ریاست جمهوری دونالد ترامپ نیز تصمیم به خروج از برجام و تصویب تحریم‌های جدید، پس از ۱۷ ماه تلاش برای مذاکره با جمهوری اسلامی افتاد.

دونالد ترامپ پس از ۴ سال به کاخ سفید است که مهم‌ترین تغییر در صحنه سیاست جهانی به شمار می‌رود. دیگری، تغییر است که در اتحادیه اروپا از ابتدای سال جاری میلادی

در اکتبر سال ۲۰۲۵، خواهان فعال کردن «مکانیسم ماشه» و بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی هستند یا می‌خواهند به سیاست انفعال خود ادامه



آیا اینبار نیز چون دوره قبل، دونالد ترامپ تلاش خواهد کرد اول با مذاکره مقامات جمهوری اسلامی را مجبور به عقب‌نشینی از رویاهای هسته‌ای خود بکند؟ آیا ضربات سختی که «محور مقاومت» و نیروهای نیابتی حکومت ایران در یک سال و نیم اخیر متحمل شده و آن را به شدت تضعیف کرده‌اند بر این مذاکرات تأثیر خواهد گذاشت و علی‌خامنه‌ای را در نهایت مجبور به نوشیدن «جام زهر» و «نرمش قهرمانانه» دیگری خواهد کرد؟

اینهمه پرسش‌هایی هستند که در شرایط کنونی یافتن پاسخ برای آنها دشوار است. جهان سیاست مانند تویی است که چرخش آن قابل پیش‌بینی نیست و به عوامل بسیار بستگی دارد. البته یک عامل مهم تا کنون در چرخش این توپ در محافل بین‌المللی در نظر گرفته نشده است: تلاش و فداکاری مردم ایران برای رهایی از نظامی که کشور را نه تنها از نظر اقتصادی بلکه از همه نظر به فلاکت کشانده است. این تلاش اگر بتواند حمایت‌های لازم را در داخل و خارج از مرزهای ایران به دست آورد، می‌تواند نه تنها پرونده هسته‌ای را به عنوان بزرگترین دغدغه‌ی غرب به پایگانی بسپارد، بلکه تنش‌ها در خاورمیانه را به صورت قابل توجهی کاهش داده و روابط آن با کشورهای منطقه و جهان را نیز در مسیر درستی قرار خواهد داد.

این گزینه‌ی واقعی و مؤثر و پایدار اگرچه در چند سال گذشته در دستور کار اکثریت ملت ایران در چهار گوشه مملکت و ایرانیان خارج کشور قرار گرفته، اما از سوی برخی قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای هنوز مورد توجه لازم قرار نگرفته است.

رخ داده که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. کایا کالاس نخست‌وزیر سابق جمهوری استونی اکنون به عنوان مقام ارشد در سیاست خارجی و امنیت اتحادیه اروپا قدم به صحنه گذاشته است. کایا کالاس برخلاف سلف خود، جوزپ بورل اسپانیایی، مخالف مداخلات و امتیاز دادن به جمهوری اسلامی است زیرا همکاری استراتژیک رژیم حاکم بر تهران با روسیه ولادیمیر پوتین را خطری جدی برای امنیت استونی می‌داند.

این دو تغییر سیاسی در آمریکا و اروپا در کنار افزایش نگرانی‌های کشورهای غربی از شتاب گرفتن فعالیت‌های اتمی و تهدیدهای مقامات جمهوری اسلامی به خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های کشتار همگانی (ان‌پی‌تی) می‌تواند به اعمال سیاست‌های شدید و سختگیرانه‌ی جدید در قبال تهران منتهی شود. مقامات اسرائیلی نیز در ماه‌های اخیر چندین بار صحبت از اقدام نظامی گسترده به تاسیسات اتمی در ایران کردند که این مسئله نیز بر نگرانی‌های کشورهای غربی افزوده است چرا که نمی‌خواهند درگیر بحران نظامی جدیدی در منطقه بشوند.

گزینه‌های دونالد ترامپ

تحلیلگران آمریکایی پیش‌بینی می‌کنند که سیاست دولت آینده آمریکا در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ، ادامه مذاکرات با تهدیدات جدی به اقدام نظامی خواهد بود. برخی مدت زمانی را که رئیس‌جمهوری آینده آمریکا به مذاکره مستقیم یا با واسطه با جمهوری اسلامی اختصاص خواهد داد بین ۶ تا ۹ ماه پیش‌بینی می‌کنند. در دوره قبلی

دهند.

در متن قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد که پس از انعقاد توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ میلادی به تصویب رسید، به روشنی اشاره شده است که اگر جمهوری اسلامی از اجرای تعهدات برجامی خود امتناع کند، تمامی تحریم‌های شورای امنیت که از سال ۲۰۰۶ میلادی تا آن زمان وضع شده بودند، بار دیگر و بدون احتیاج به رای‌گیری مجدد به صورت خودکار تا تصویب قطعنامه جدید بازگردانده خواهند شد. مسئله‌ای که می‌تواند اقتصاد در آستانه ورشکستگی کامل جمهوری اسلامی را دچار بحرانی بسیار عمیق‌تر کند و در عمل به گمنا بفرستد. دقیقاً همین واژه اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت خارجه دولت مسعود پزشکیان را وادار ساخت تا با بیانی غیردپلماتیک این هشدار رئیس‌جمهور فرانسه را «فرافکنانه» و «آشکارا مزورانه» بخواند.

نگرانی امانوئل ماکرون اما نگرانی تمام کشورهای غربی و حتی بسیاری از کشورهای منطقه است، اگرچه به ندرت با این صراحت بیان می‌شوند. بعید هم به نظر می‌رسد که در نشست دوشنبه آینده در ژنو، بیانیه‌ای با چنین محتوای روشن و سختگیرانه‌ای صادر شود.

بازگشت ترامپ به کاخ سفید و مقام جدید سیاست خارجی اتحادیه اروپا

از سوی دیگر، دو تغییر مهم در صحنه سیاسی غرب می‌تواند بر پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی و مذاکرات در هفته‌های آینده تأثیر جدی بگذارد. یکی، بازگشت

آکسیوس: بایدن موافق حمله نظامی به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی نبود



جو بایدن / عکس: رویترز

برنامه‌ریزی سناریویی محتاطانه بود تا در صورت اقدام رژیم ایران به غنی‌سازی اورانیوم با غلظت ۹۰ درصد پیش از ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵، واکنش مناسبی در نظر گرفته شود.

منابع دیگر اشاره کردند که در حال حاضر هیچ بحث فعالی در کاخ سفید درباره اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران وجود ندارد. با این حال، برخی از مشاوران ارشد بایدن استدلال کرده‌اند که دو روند فعلی، یعنی تسریع برنامه هسته‌ای ایران و تضعیف جمهوری اسلامی و متحدانش در جنگ با اسرائیل، به بایدن دلیلی منطقی و فرصتی مناسب برای اقدام نظامی می‌دهد.

به گفته منابع، برخی از دستیاران بایدن از جمله جیک سالیوان بر این باورند که تضعیف سیستم‌های دفاع هوایی و توانایی‌های موشکی جمهوری اسلامی، همراه با ضعف شدید نیروهای نیابتی آن در منطقه، احتمال موفقیت حمله و کاهش خطر واکنش تلافی‌جویانه رژیم ایران برای تشدید تنش‌های منطقه‌ای را افزایش می‌دهد.

یک مقام آمریکایی افزود که سالیوان در این مورد هیچ توصیه مستقیمی به بایدن نکرده و تنها به بحث درباره برنامه‌ریزی سناریویی پرداخته است.

به گفته منابع آکسیوس، در آن جلسه پرسیده شد، آیا جمهوری اسلامی اقداماتی انجام داده است که نیاز به یک حمله نظامی آنهم چند هفته پیش از آغاز به کار رئیس جمهور جدید را توجیه کند؟

برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی در دوره ریاست جمهوری بایدن بطور قابل توجهی پیشرفت کرد و آن را در «آستانه هسته‌ای شدن» قرار داد.

جمهوری اسلامی سطح غنی‌سازی اورانیوم خود را به ۶۰ درصد افزایش داده که بسیار نزدیک به سطح ۹۰ درصد مورد نیاز برای ساخت سلاح هسته‌ای است. با استفاده از سانتریفیوژهای پیشرفته، رژیم می‌تواند در عرض چند روز به این سطح برسد.

بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)، جمهوری اسلامی اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی به اندازه ساخت چهار بمب هسته‌ای در اختیار دارد.

● پایگاه خبری «آکسیوس» گزارش داد که جیک سالیوان مشاور امنیت ملی دولت جو بایدن چند هفته پیش در جلسه‌ای محرمانه، گزینه‌هایی را برای مقابله با برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی از جمله حمله به تأسیسات هسته‌ای در ایران ارائه داده است.

● این گزینه‌ها برای آن ارائه شده بود که اگر جمهوری اسلامی تا پیش از ۲۰ ژانویه (زمان بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید) به سمت ساخت سلاح هسته‌ای حرکت کند، بایدن چه راهکارهایی را در اختیار دارد.

● در این گزارش که دوم ژانویه (۱۳ دی‌ماه) منتشر شد آمده است، با اینکه بایدن قول داده است اجازه دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای را نخواهد داد، در آن جلسه مجوز حمله به تأسیسات اتمی ایران را صادر نکرد و تاکنون نیز چنین کاری نکرده است.

پایگاه خبری «آکسیوس» گزارش داد که جیک سالیوان مشاور امنیت ملی دولت جو بایدن چند هفته پیش در جلسه‌ای محرمانه، گزینه‌هایی را برای مقابله با برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی از جمله حمله به تأسیسات هسته‌ای در ایران ارائه داده است.

این گزینه‌ها برای آن ارائه شده بود که اگر جمهوری اسلامی تا پیش از ۲۰ ژانویه (زمان بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید) به سمت ساخت سلاح هسته‌ای حرکت کند، بایدن چه راهکارهایی را در اختیار دارد.

در این گزارش که دوم ژانویه (۱۳ دی‌ماه) منتشر شد آمده است، با اینکه بایدن قول داده است اجازه دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای را نخواهد داد، در آن جلسه مجوز حمله به تأسیسات اتمی ایران را صادر نکرد و تاکنون نیز چنین کاری را نکرده است.

بایدن و تیم امنیت ملی او در این جلسه که حدود یک ماه پیش برگزار شد، گزینه‌ها و سناریوهای مختلفی را بررسی کردند، اما به گفته منابع، هیچ تصمیم نهایی اتخاذ نشد.

یک مقام آمریکایی آگاه به این موضوع گفت که این جلسه در کاخ سفید به دلیل اطلاعات جدید یا با هدف تصمیم‌گیری قاطع برگزار نشده بود، بلکه بخشی از یک

پیام شهبانو فرح پهلوی به مادران دادخواه جانباختگان و قهرمانان آزادی ایران



● شهبانوی ایران در این پیام که در آستانه‌ی هشتاد و نهمین سالگرد ۱۷ دی ۱۳۱۴ و رویداد تاریخی کشف حجاب و آزادی زنان در ایران انتشار یافت، خود را در کنار این زنان و مادران دادخواه و هر ایرانی دانسته که «قلب داغ‌دیده‌اش برای آزادی، برای عدالت و برای ایران می‌تپد».

شهبانو فرح پهلوی در پیامی که روز ۱۶ دی‌ماه ۱۴۰۳ خطاب به مادران دادخواه در رسانه‌های اجتماعی منتشر شد، دادخواهی مادران جانباختگان و قهرمانان میهن را که به دست جمهوری اسلامی در اعتراضات خیابانی و یاد در زندان‌ها زیر شکنجه کشته شده و یا اعدام گشته‌اند، ستود و آنها را «سرو استوار» نامید که یاد عزیزان خود را به «صدایی رسا علیه فراموشی» تبدیل کرده‌اند. شهبانوی ایران در این پیام که در آستانه‌ی هشتاد و نهمین سالگرد ۱۷ دی ۱۳۱۴ و رویداد تاریخی کشف حجاب و آزادی زنان در ایران انتشار یافت، خود را در کنار این زنان و مادران دادخواه و هر ایرانی دانسته که «قلب داغ‌دیده‌اش برای آزادی، برای عدالت و برای ایران می‌تپد».

متن پیام شهبانو فرح پهلوی به شرح زیر است: «مادران رنج‌کشیده‌ی ایران که داغ فرزندان خود را برای همیشه در دل دارید؛ دادخواهی شما را می‌ستایم، و پایداری و ایستادگی شما را چراغ راه آزادی ایران می‌دانم. شما که همچون سرو استوار، یاد عزیزان جاویدنام خود را به صدایی رسا علیه فراموشی بدل کرده‌اید و اجازه نداد‌اید که اشک چشمان شما، مایه‌ی خرسندی ضحاک و دستگاه ستمگری او شود.

درد شما درد من، و داغ شما داغ من است. اما همانطور که خیابان‌های ایران گواهی می‌دهند، یاد فرزندان شما از هر زمانی زنده‌تر است، و آنها اکنون فرزندان ملت ایران هستند. در این مسیر، استوار بمانید، و تلاش کنید در کنار دادخواهی برای خون به ناحق ریخته‌ی عزیزان خود، خواسته‌ها و آرمان‌های بلند آن قهرمانان دلیر میهن را نیز زنده نگه دارید. اگر چه به صورت حضوری در گردهمایی شما نیستم اما من را نیز در کنار خود ببینید؛ کنار هر ایرانی که قلب داغ‌دیده‌اش برای آزادی، برای عدالت و برای ایران می‌تپد. به شما افتخار می‌کنم و تردید ندارم که با کوشش شما و جوانان آگاه میهن‌مان، نور ایران بر تاریکی اهریمن پیروز خواهد شد.»

جو بایدن به جُرج سوروس و هیلاری کلینتون «مدال آزادی» داد؛ جمهوریخواهان: ملاک گرفتن جایزه، اهدای میلیون‌ها دلار پول به بایدن است!

مورد انتقاد شماری از قانونگذاران جمهوریخواه قرار گرفت. به ویژه آنکه جرج سوروس میلیاردر معروف از اصلی‌ترین حامیان دموکرات‌ها نیز در بین دریافت‌کنندگان این جایزه است. جایزه سوروس ۹۵ ساله را که به دلیل کوهلوت در این مراسم شرکت نداشت، پسرش دریافت نمود. پایگاه خبری «هیل» که اخبار کنگره آمریکا را پوشش می‌دهد، گزارش داد که ریک اسکات سناتور جمهوریخواه ایالت فلوریدا در واکنش به این اقدام در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «گویا تنها چیزی که برای دریافت بالاترین افتخار غیرنظامی از بایدن لازم است، اهدای میلیون‌ها دلار به او و خانواده‌اش است.»

جرج سوروس شهروند مجارستانی-آمریکایی از خانواده‌ای یهودی که از هولوکاست و کشتار سازمان‌یافته یهودیان توسط رژیم هیتلری جان به در برده و پس از جنگ جهانی دوم به انگلستان رفت و سپس ساکن آمریکا شد، بارها از سوی جمهوریخواهان به دلیل حمایت مالی از جریان‌های چپ‌گرای افراطی و پشتیبانی از شبکه‌ها و لابیگران همسو با رژیم ایران مورد انتقاد قرار گرفته است.

جامعه‌باز» بر اساس گزارش رسانه‌های آمریکایی بعد از آغاز عملیات اسرائیل علیه تروریست‌های حماس پس از جنایت «هفت اکتبر»، میلیون‌ها دلار خرج تظاهرات ضداسرائیلی چپ‌ها در دانشگاه‌های آمریکا کرده است.

در وبسایت «بنیاد جامعه‌باز» آمده سوروس تا کنون بیش از ۳۲ میلیارد دلار خرج حقوق بشر و دموکراسی کرده است، او یکی از حامیان مالی اصلی حزب دموکرات آمریکاست.

در همین ارتباط روزنامه «نیویورک پست» اواسط اردیبهشت ۱۴۰۳ در گزارشی نوشته بود که سوروس و همفکران چپ‌گرای افراطی او به همراه گول‌های وال‌استریت (شرکت‌های مالی) اعتراضات خشونت‌بار ضداسرائیلی را در دانشگاه‌های آمریکا تأمین مالی می‌کنند.

همین منبع گزارش در آذرماه ۱۴۰۲ گزارش داده بود که سوروس بیش از ۵۰ میلیون دلار به گروه‌های حامی رژیم ایران مرتبط با رابرت مالی، مسئول سابق مسائل ایران در دولت بایدن، پرداخت کرده است. رابرت مالی به دلایل امنیتی از کار خود برکنار شد.

یکی دیگر از افرادی که از جو بایدن نشان افتخار گرفت،

جو بایدن در واپسین روزهای حضور در کاخ سفید به ۱۹ نفر از چهره‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آمریکا از جمله جُرج سوروس میلیاردر معروف و هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا در دولت باراک اوباما «مدال آزادی» اعطا کرد. این اقدام با انتقادهای زیادی از سوی جمهوریخواهان روبرو شده است.

جُرج سوروس رئیس هیأت مدیره «بنیاد جامعه‌باز» بر اساس گزارش رسانه‌های آمریکایی بعد از آغاز عملیات اسرائیل علیه تروریست‌های حماس پس از جنایت «هفت اکتبر»، میلیون‌ها دلار خرج تظاهرات ضداسرائیلی چپ‌ها در دانشگاه‌های آمریکا کرده است.

روزنامه «نیویورک پست» آذرماه ۱۴۰۲ گزارش داد که سوروس بیش از ۵۰ میلیون دلار به گروه‌های حامی رژیم ایران مرتبط با رابرت مالی پرداخت کرده است.

ریک اسکات سناتور جمهوریخواه ایالت فلوریدا در واکنش به اعطای «مدال آزادی» به سوروس در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «گویا تنها چیزی که برای دریافت بالاترین افتخار غیرنظامی از بایدن لازم است،



الکس سوروس پسر جُرج سوروس به نمایندگی از پدرش نشان افتخار را از بایدن دریافت کرد



هیلاری کلینتون از بایدن نشان افتخار گرفت / عکس: رویترز

اندرو کلاید نماینده جمهوریخواه ایالت جورجیا نیز در «ایکس» نوشت: «جو بایدن نشان آزادی ریاست جمهوری-بالاترین مدال کشوری- را به هیلاری کلینتون و جرج سوروس اعطا کرد. چه مسخره!»

به نوشته «هیل»، در سه ماهه نخست سال ۲۰۲۴ یکی از سازمان‌های وابسته به سوروس ۶۰ میلیون دلار به یکی از گروه‌های سیاسی حامی دموکرات‌ها کمک کرده است.

تام کانت سناتور جمهوریخواه ایالت آرکانزاس نیز گفته «اعطای نشان آزادی به سوروس زشت است و البته تعجب‌آور نیست. سیاستمداران دموکرات از تبهکاران بیشتر از پلیس حمایت می‌کنند. آنها می‌خواهند جنایتکاران به خیابان‌ها برگردند. اگر خواهان جنایت کمتری هستید، کنار جمهوریخواهان باشید.»

هیلاری کلینتون وزیر خارجه پیشین آمریکا و همسر بیل کلینتون رئیس‌جمهوری سابق ایالات متحده است.

بایدن طی سخنانی در این مراسم، دریافت‌کنندگان این جایزه را «مجموعه‌ای از مردم با سوابق و باورها و استعداد‌های مختلف، نسل‌های مختلف و برنامه‌های مختلف» خواند که با اشتیاق تمام جامعه آمریکا را به عنوان «ملت واحد» تقویت کردند و به دنبال آزادی و عدالت برای همگان هستند.

او خطاب به دریافت‌کنندگان این جایزه گفت: «شما از ارزش‌های آمریکا دفاع می‌کنید، به ویژه زمانی که این ارزش‌ها مورد حمله قرار گرفته‌اند.»

اغلب کسانی که این جایزه را دریافت کرده‌اند وابسته یا نزدیک به حزب دموکرات آمریکا هستند که همین نکته نیز

اهدای میلیون‌ها دلار به او و خانواده‌اش است.»

اندرو کلاید نماینده جمهوریخواه ایالت جورجیا نیز در «ایکس» نوشت: «جو بایدن نشان آزادی ریاست جمهوری-بالاترین مدال کشوری- را به هیلاری کلینتون و جرج سوروس اعطا کرد. چه مسخره!»

جو بایدن در واپسین روزهای حضور در کاخ سفید به ۱۹ نفر از چهره‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آمریکا از جمله جُرج سوروس میلیاردر معروف و هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا در دولت باراک اوباما «مدال آزادی» اعطا کرد. این اقدام با انتقادهای زیادی از سوی جمهوریخواهان روبرو شده است.

یکی از افرادی که از بایدن مدال آزادی ریاست جمهوری دریافت کرده است، جُرج سوروس رئیس هیأت مدیره «بنیاد

بازرسی شدید هواپیمای «ماهان ایر» و چمدان دیپلمات‌های جمهوری اسلامی در فرودگاه بیروت



هواپیمای «ماهان ایر»

● منابع اسرائیلی گزارش دادند که مأموران امنیتی در فرودگاه «رفیق حریری» بیروت، پنجشنبه شب دوم ژانویه (۱۳ دی‌ماه)، یک هواپیمای متعلق به شرکت «ماهان ایر» را به ظن حمل میلیون‌ها دلار کمک مالی برای حزب‌الله لبنان، بازرسی کردند.

● خبرگزاری تسنیم نوشت: «بازرسی هیأت دیپلماتیک جمهوری اسلامی در حال است که طبق کنوانسیون وین ۱۹۶۱ در مورد روابط دیپلماتیک، دیپلمات‌ها از مصونیت کامل برخوردارند و کشور میزبان حق بازرسی شخصی آنها یا بررسی اموال و بار آنها را ندارد».

منابع اسرائیلی گزارش دادند که مأموران امنیتی در فرودگاه «رفیق حریری» بیروت، پنجشنبه شب دوم ژانویه (۱۳ دی‌ماه)، یک هواپیمای متعلق به شرکت «ماهان ایر» را به ظن حمل میلیون‌ها دلار کمک مالی برای حزب‌الله لبنان، بازرسی کردند. بسام مولوی وزیر کشور لبنان بازرسی این هواپیما را تأیید کرده است.

مقامات لبنانی اعلام کرده بودند این هواپیما اجازه فرود ندارد مگر اینکه بطور کامل مورد بازرسی قرار بگیرد و هر پولی که در هواپیما پیدا شد مصادره شود.

به گزارش وبسایت «وای نت» یک دیپلمات سفارت جمهوری اسلامی پس از اینکه اجازه بازرسی کیف‌اش را به مأموران امنیتی نداد، در سالن مسافران فرودگاه بازداشت شد. بازرسی این هواپیما پس از آن انجام شد که شبکه «الحدث»، یک رسانه عربستان سعودی، به نقل از «منابع غربی» نوشت که جمهوری اسلامی قصد دارد پنجشنبه از طریق پرواز «ماهان ایر» از تهران به بیروت، میلیون‌ها دلار به حزب‌الله منتقل کند.

خبر بازرسی هواپیمای «ماهان ایر» در رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران بازتاب یافت و آنها از این اقدام از جمله با عنوان «غیرمعمول»، «نامتعارف» و «بازرسی شدید» یاد کردند همزمان با فرود این هواپیما در بیروت، شماری از اعضای حزب‌الله در چند کاروان موتوری به سمت فرودگاه رفتند و

آنها را به آشوب کشاندند و با نیروهای امنیتی درگیر شدند. خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درباره «تنش در فرودگاه بیروت» نوشت: «در پی بازرسی دیپلمات‌های ایرانی در فرودگاه بیروت، ده‌ها نفر از جوانان لبنانی راهی فرودگاه شدند و ارتش لبنان نیز راه‌های منتهی به فرودگاه را مسدود کرد».

طبق این گزارش، مقامات امنیتی فرودگاه بیروت اقدام به بازرسی چمدان‌های دیپلمات‌های جمهوری اسلامی کردند که ممانعت آنها باعث بروز تنش شد.

خبرگزاری تسنیم همچنین نوشته است: «بازرسی هیأت دیپلماتیک جمهوری اسلامی در حال است که طبق کنوانسیون وین ۱۹۶۱ در مورد روابط دیپلماتیک، دیپلمات‌ها از مصونیت کامل برخوردارند و کشور میزبان حق بازرسی شخصی آنها یا بررسی اموال و بار آنها را ندارد».

● خبرگزاری تسنیم نوشت: «بازرسی هیأت دیپلماتیک جمهوری اسلامی در حال است که طبق کنوانسیون وین ۱۹۶۱ در مورد روابط دیپلماتیک، دیپلمات‌ها از مصونیت کامل برخوردارند و کشور میزبان حق بازرسی شخصی آنها یا بررسی اموال و بار آنها را ندارد».

خبرگزاری وابسته به سپاه مدعی شد که این بازرسی‌ها از چند هفته پیش و تحت نظارت افسران آمریکایی آغاز شده است همچنین شماری از نیروهای حزب‌الله نیز در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در بیروت تجمع کردند که مجتبی امانی سفیر رژیم که در حمله پیجری اسرائیل علیه حزب‌الله در بیروت به شدت زخمی شده بود نیز در میان آنها حضور داشت.

پس از سرنگونی بشار اسد، حکومت جدید سوریه عبور تمام هواپیماهای جمهوری اسلامی از آسمان این کشور را ممنوع اعلام کرد. منابع امنیتی گزارش داده بودند که این تصمیم حاکمان جدید دمشق بازسازی توانایی‌های نظامی حزب‌الله لبنان را بسیار دشوار خواهد کرد.

در همین ارتباط روزنامه «تایمز» سوم دی‌ماه ۱۴۰۳ گزارش داده بود که در پی سقوط رژیم اسد در سوریه، حکومت ایران بررسی می‌کند که از فرودگاه بیروت برای قاچاق تسلیحات و پشتیبانی از گروه‌های نیابتی بهره‌برداری کند.

نعیم قاسم رهبر حزب‌الله لبنان اواسط آذرماه ۱۴۰۳ گفته بود که جمهوری اسلامی میلیون‌ها دلار هدایای نقدی به خانواده‌های آسیب‌دیده از جنگ با اسرائیل پرداخت کرده است

ارتش اسرائیل برای مقابله با حمله احتمالی جمهوری اسلامی به حالت «آماده‌باش» در آمده است

● وبسایت «والا نیوز» چهارم ژانویه (۱۵ دی‌ماه) گزارش داد این دستور توسط رئیس ستاد کل نیروهای دفاعی اسرائیل، ژنرال هرتزی هالوی، اتخاذ شده و این آماده‌باش به دلیل واکنش احتمالی جمهوری اسلامی است که پس از ناکامی‌های اخیر در لبنان و سوریه در مشکلات و بحران‌های حیاتی دست و پا می‌زند.

● در این گزارش به نقل از «منابع نظامی» ناشناس آمده، رژیم ایران با مشکلات داخلی از جمله کاهش ارزش ریال، مشکلات زیرساختی، و اعتراضات سیاسی روبروست، همچنین مقامات تهران نگران بازگشت مجدد دونالد ترامپ به کاخ سفید هستند.

● این تحولات موجب نگرانی اسرائیل از حمله احتمالی رژیم ایران شده که در واکنش به این بحران‌ها دست به اقدامات شدید بزند. به همین دلیل ارتش اسرائیل برای رویارویی با سناریوهای مختلف در حال آماده شدن است. جزئیات بیشتری درباره این آمادگی در گزارش ارائه نشده است.

● اظهارات و تهدیدات عراق‌آمیز که سوی مقامات نظامی جمهوری اسلامی مطرح می‌شود، بطور چشمگیری زیاد شده است. در همین ارتباط محمدباقر لکزایی مشاور عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته: «آمریکا و اسرائیل همچنان در انتظار عملیات وعده صادق ۳ مانده‌اند؛ به نوعی در انتظاری فرسایشی اسیر شده‌اند.» موسوی فرمانده ارتش نیز ادعا کرده است: «ما بسیاری از توانمندی‌های خود را نمایش نداده‌ایم.»

منابع اسرائیلی گزارش می‌دهند، نیروهای ارتش این کشور برای مقابله با اقدامات «شدید» احتمالی جمهوری اسلامی علیه اسرائیل در «آماده‌باش» کامل بسر می‌برند.

وبسایت «والا نیوز» چهارم ژانویه (۱۵ دی‌ماه) گزارش داد این دستور توسط رئیس ستاد کل نیروهای دفاعی اسرائیل، ژنرال هرتزی هالوی، اتخاذ شده و این آماده‌باش به دلیل واکنش احتمالی جمهوری اسلامی است که پس از ناکامی‌های اخیر در لبنان و سوریه در مشکلات و بحران‌های حیاتی دست و پا می‌زند.

در این گزارش به نقل از «منابع نظامی» ناشناس آمده، رژیم ایران با مشکلات داخلی از جمله کاهش ارزش ریال، مشکلات زیرساختی، و اعتراضات سیاسی روبروست. همچنین مقامات تهران نگران بازگشت مجدد دونالد ترامپ به کاخ سفید هستند.



امانوئل ماکرون: در ماه‌های آینده باید درباره فعال شدن «مکانیسم ماشه» تصمیم بگیریم



امانوئل ماکرون / عکس: رویترز

بر اساس همین گزارش، ماکرون با اشاره به این نکته که برجام در اکتبر ۲۰۲۵ بطور رسمی منقضی می‌شود، گفت: «در ماه‌های آینده باید تصمیم بگیریم که آیا از مکانیسم ماشه برای بازگرداندن تحریم‌ها استفاده کنیم یا نه.»

وی همچنین افزود: موشک‌های بالستیک ایران و حمایت از روسیه نیز تهدیدی برای اروپا به شمار می‌رود و این به یکی از پرونده‌های اصلی در دیپلماسی با دولت جدید آمریکا پس از روی کار آمدن ترامپ تبدیل خواهد شد.

بریتانیا، فرانسه و آلمان اواسط آذرماه ۱۴۰۳ در نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل اعلام کردند که در صورت لزوم آماده هستند تا برای جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای، «مکانیسم ماشه» را فعال کنند تا همه تحریم‌های بین‌المللی علیه تهران از سر گرفته شود.

مطابق قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، اگر جمهوری اسلامی از اجرای تعهدات برجامی خود سر باز زند، طرفین این توافق امکان و اختیار بازگرداندن تمامی تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد را که با توافق اتمی موسوم به برجام به حالت تعلیق درآمده خواهند داشت.

این نخستین بار است که یکی از رهبران سه قدرت اروپایی با صراحت در مورد احتمال فعال شدن «مکانیسم ماشه» علیه جمهوری اسلامی صحبت می‌کند.

پس از صدور قطعنامه علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی در شورای حکام، مقامات رژیم با افزایش تعداد سانتریفیوژها در تأسیسات اتمی فردو و نطنز میزان غنی‌سازی و ذخیره‌ی اورانیوم غنی‌شده را افزایش دادند. همین اقدام باعث شد که اروپایی‌ها در مورد احتمال فعال شدن «مکانیسم ماشه» هشدار بدهند.

در همین ارتباط عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ۸ آذرماه ۱۴۰۳ با تهدید کشورهای غربی گفت: «اگر غرب تحریم‌های سازمان ملل بر ضد جمهوری اسلامی را دوباره فعال کند، مذاکرات هسته‌ای به سمت ساخت سلاح اتمی تغییر جهت خواهد داد.»

● امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه با بیان اینکه «برنامه اتمی جمهوری اسلامی به نقطه بی‌بازگشت نزدیک می‌شود» گفت که طرفین اروپایی توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) می‌بایست اجرای مجدد تحریم‌ها را در صورتی که گفتگو با تهران پیشرفتی نداشته باشد، در نظر داشته باشند

● دیپلمات‌های فرانسوی، آلمانی و بریتانیایی قرار است ۱۳ ژانویه نشست دیگری با مقامات جمهوری اسلامی برگزار کنند تا در مورد احتمال مذاکرات جدی در ماه‌های آینده برای کاهش تنش‌های رژیم ایران با دونالد ترامپ که از ۲۰ ژانویه دوباره در کاخ سفید مستقر خواهد شد گفتگو نمایند.

● ماکرون با اشاره به این نکته که برجام در اکتبر ۲۰۲۵ بطور رسمی منقضی می‌شود، گفت: «در ماه‌های آینده باید تصمیم بگیریم که آیا از مکانیسم ماشه برای بازگرداندن تحریم‌ها استفاده کنیم یا نه.»

امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه با بیان اینکه «برنامه اتمی جمهوری اسلامی به نقطه بی‌بازگشت نزدیک می‌شود» گفت که طرفین اروپایی توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) می‌بایست اجرای مجدد تحریم‌ها را در صورتی که گفتگو با تهران پیشرفتی نداشته باشد، در نظر داشته باشند

به گزارش رویترز، ماکرون روز دوشنبه ششم ژانویه (۱۷ دی‌ماه) در کنفرانس سالانه‌ی سفیران فرانسه در کشورهای مختلف برای بررسی سیاست خارجی این کشور در سال ۲۰۲۵، قضیه‌ی ایران را یک «چالش اصلی استراتژیک و امنیتی» برای فرانسه و اروپا دانست و گفت «تسریع برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ما را به نقطه‌ی بی‌بازگشت می‌رساند.»

رویترز می‌نویسد، دیپلمات‌های فرانسوی، آلمانی و بریتانیایی قرار است ۱۳ ژانویه نشست دیگری با مقامات جمهوری اسلامی برگزار کنند تا در مورد احتمال مذاکرات جدی در ماه‌های آینده برای کاهش تنش‌های رژیم ایران با دونالد ترامپ که از ۲۰ ژانویه دوباره در کاخ سفید مستقر خواهد شد گفتگو نمایند.

➔ این تحولات موجب نگرانی اسرائیل از حمله احتمالی رژیم ایران شده که در واکنش به این بحران‌ها دست به اقدامات شدید بزند. به همین دلیل ارتش اسرائیل برای رویارویی با سناریوهای مختلف در حال آماده شدن است. جزئیات بیشتری از این آمادگی در گزارش ارائه نشده است.

پیشتر عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری



ژنرال هرتزی هالوی رئیس ستاد ارتش اسرائیل

اسلامی ۱۲ دی‌ماه گفته بود: «خلبانان غیور نیروی هوایی در شرایط حساس منطقه با درک موقعیت اعلام آمادگی برای مقابله رژیم صهیونیستی کردند.» او همچنین تهدید کرده: «تقابل جبهه مقاومت با جبهه استکبار تازه شروع شده و برنده نهایی پایان نبرد مشخص می‌شود.»

مقامات نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی از جمله حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدعی‌اند که به تلافی حمله هوایی به تأسیسات نظامی و پدافندی در ایران، در عملیات «وعده صادق ۳» پاسخ «غیرقابل تصور» به اسرائیل خواهند داد.

بعد از ضربات سنگینی که حزب‌الله و حماس از اسرائیل دریافت کردند، حوثی‌های یمن آخرین گروه نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی هستند که با پرتاب موشک و پهپاد به تهدیدات خود ادامه می‌دهند. منابع نزدیک به سپاه با تیرهای اغراق‌آمیز ادعا می‌کنند «یمنی‌ها مهار ناپذیرند» آنهم در حالی که عمدتاً آمریکا حملات کوبنده علیه آنها را پیش می‌برد.

اظهارات و تهدیدات اغراق‌آمیز که سوی مقامات نظامی جمهوری اسلامی مطرح می‌شود، بطور چشمگیری زیاد شده است. در همین ارتباط محمدباقر لکزایی مشاور عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته: «آمریکا و اسرائیل همچنان در انتظار عملیات وعده صادق ۳ مانده‌اند؛ به نوعی در انتظاری فرسایشی اسیر شده‌اند.» موسوی فرمانده ارتش نیز ادعا کرده است: «ما بسیاری از توانمندی‌های خود را نمایش نداده‌ایم.»

اینهمه درحالیست که دریدار تونی رادکین رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح بریتانیا، دسامبر ۲۰۲۴ (۱۴ آذرماه ۱۴۰۳) در جریان سخنرانی سالانه خود در مؤسسه «رویال یونایتد سرویس» (RUSI) گفت که حمله هوایی اسرائیل به مراکز نظامی در ایران «تقریباً کل سیستم پدافند هوایی جمهوری اسلامی را از کار انداخت و توانایی آنها برای تولید موشک‌های بالستیک نیز تا یک سال از بین رفت.»

طرح «یگان ۸۴۰ سپاه قدس» برای ترور شاهین نجفی در هانوفر؛ شاهین: «پا پس نمی کشیم، ما تکثیر می شویم»



ما نمی میریم؛ تکثیر می شویم.»

شاهین نجفی که در دهه ۸۰ خورشیدی «فتوای ارتداد» وی توسط آیت‌الله صافی گلپایگانی صادر شد، در چند مصاحبه گفته است که به ویژه پس از صدور این فتوا و خواندن آهنگی به نام «نقی» که در آن به امام یازدهم شیعیان اشاره شده بارها تهدید به قتل شده است. برخی عوامل جمهوری اسلامی بر اساس این «فتوا» تهدید کردند که نجفی «مرتد» است و باید کشته شود. حتی خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران گزارش داد که برای قتل او «جایزه مردمی» تعیین شده است.

طی سال‌های اخیر به ویژه بعد از اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ جمهوری اسلامی شبکه‌های تروریستی خود را برای خاموش کردن صدای ایرانیان مخالف خارج کشور اعم از روزنامه‌نگاران، فعالان سیاسی و اجتماعی و چهره‌های سرشناس تقویت کرده است.

همکار سپاه پاسداران، بازجویی کرد.

دو منبع به «ایران اینترنشنال» گفتند حامد اصغری سرتیم محافظ محسن فخری‌زاده از عوامل برنامه هسته‌ای نظامی رژیم ایران که چهار سال پیش به دست موساد ترور شد، عضو دیگر شبکه بزرگ در واحد ۸۴۰ سپاه پاسداران بوده است.

همچنین ادعا شده که حامد اصغری یکی از محافظان باسابقه مقامات جمهوری اسلامی است و در مقطعی مسئولیت حفاظت از منوچهر متکی وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی و اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی را برعهده داشت و بعداً هم محافظ فخری‌زاده شد

واکنش شاهین نجفی: ما تکثیر می شویم

ساعاتی پس از انتشار گزارش «ایران اینترنشنال» شاهین نجفی در رسانه‌های اجتماعی خود نوشت: «یک قدم از راه آزادی میهن و سرافرازی ملت بزرگ ایران پا پس نمی کشیم؛

● شبکه «ایران اینترنشنال» شنبه شب ۱۵ دی‌ماه گزارش داد که یگان ۸۴۰ نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با ایجاد سه جوخه ترور موسوم به «شبکه آلمان» در تلاش برای حذف مخالفان ایرانی خارج کشور و شهروندان یهودی در سراسر اروپا بوده است.

● در این گزارش به نقل از یک منبع اطلاعاتی غربی و یک منبع در سپاه پاسداران آمده است که یکی از برنامه‌های این شبکه توطئه ترور شاهین نجفی خواننده سرشناس ایرانی بود، اما طرح آنها شکست خورده است.

● بر اساس این اطلاعات، یک عامل ترور قرار بود ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۲ همزمان با سالگرد خیزش انقلابی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، شاهین نجفی را در سالن تئاتر «ام اگی» در شهر هانوفر آلمان ترور کند.

● «ایران اینترنشنال» اشاره کرده است که طراحان ترور به این نتیجه رسیدند که توطئه احتمالاً لو رفته و برای جلوگیری از افشای کل شبکه ترجیح دادند ماموریت را لغو کنند.

● ساعاتی پس از انتشار گزارش «ایران اینترنشنال» شاهین نجفی در رسانه‌های اجتماعی خود نوشت: «یک قدم از راه آزادی میهن و سرافرازی ملت بزرگ ایران پا پس نمی کشیم؛ ما نمی میریم؛ تکثیر می شویم.»

شبکه «ایران اینترنشنال» شنبه شب ۱۵ دی‌ماه گزارش داد که یگان ۸۴۰ نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با ایجاد سه جوخه ترور موسوم به «شبکه آلمان» در تلاش برای حذف مخالفان ایرانی خارج کشور و شهروندان یهودی در سراسر اروپا بوده است.

در این گزارش به نقل از یک منبع اطلاعاتی غربی و یک منبع در سپاه پاسداران آمده است که یکی از برنامه‌های این شبکه توطئه ترور شاهین نجفی خواننده سرشناس ایرانی بود، اما طرح آنها شکست خورده است.

بر اساس این اطلاعات، یک عامل ترور قرار بود ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۲، همزمان با سالگرد خیزش انقلابی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، شاهین نجفی را در سالن تئاتر «ام اگی» در شهر هانوفر آلمان ترور کند.

شاهین نجفی در پاسخ به درخواست «ایران اینترنشنال» برای اظهار نظر گفت در آن شب، کنسرت فضایی غیرعادی داشت و تدابیر امنیتی پلیس به شدت افزایش یافته بود. این گزارش تلویزیونی همچنین اشاره کرده است که طراحان ترور به این نتیجه رسیدند که توطئه احتمالاً لو رفته است و برای جلوگیری از افشای کل شبکه، ترجیح دادند ماموریت را لغو کنند.

یک منبع اروپایی نیز به «ایران اینترنشنال» گفت ترور ناموفق شاهین نجفی یکی از پروژه‌های پنهان‌مانده از یگان ۸۴۰ سپاه پاسداران بود؛ واحدی سرّی که مسئول انجام ترورهای برون‌مرزی علیه اهداف غربی، اسرائیلی و هم‌منظور مخالفان حکومت ایران است.

در بخشی از این گزارش آمده، ریاست یگان ۸۴۰ را یزدان میر بر عهده دارد. مشهورترین عملیات شکست‌خورده این گروه، برنامه‌ریزی برای ترور یک دیپلمات اسرائیلی در استانبول، یک روزنامه‌نگار فرانسوی و یک ژنرال آمریکایی در خاک آلمان بود زمانی لو رفت که موساد در عملیاتی ضدجاسوسی در خاک ایران، از منصور رسولی، قاچاقچی



استثنا و قاعده

(کیهان لندن شماره ۱۱۱۸) مرداد ۱۳۸۵

باز نشر

خبراندیش (احمد احرار)

نباید کزین راستی بگذرم
 چو شاهان پیشین پیچد سرم...
 تو ای پیر بیدار دستان سام
 مرا، دیو گفتی که بنهاده دام
 به تارّی و کژّی بگشتم ز راه
 روان گشت بی‌مایه و دل سیاه
 اگر دیو بردی مرا دل ز راه
 تبه کردمی بیشتر زین سپاه
 ردان را سراسر بیازردمی
 گوان را همه خون دل خوردمی
 کشاورز را تخم بریدمی
 ز هر کس به بیداد پرسیدمی
 چو من دورم از اینهمه بدخوی
 به مینو همی ره برم از نوی
 بدانید کاین کار من ایزدیست
 نه فرمان دیو است و نابخردیست

گفتار شاه، زال و رستم را مطمئن ساخت که تصمیم وی از الهامات یزدانی است و نه القائات شیطانی. بدینسان، کیخسرو، لهراسب را جانشین خود قرار داد. سپس، در حالی که امیران و وزیران با دل‌های پر درد و چشمان اشکبار او را بدرقه می‌کردند راه کوهستان پیش گرفت و در دل ابر و مه تاخت و رفت و رفت و دیگر بازنیامد:

چو از کوه خورشید سر برکشید
 ز چشم مهان شاه شد ناپدید
 بجستند از آن جایگه شاهجوی
 به ریگ و بیابان نهادند روی
 ز خسرو ندیدند جایی نشان
 ز ره بازگشتند چون بیهشان
 بَر چشمه یکسر فرود آمدند
 ز خسرو همی داستانها زدند
 که چوین شگفتی نبیند کسی
 وگر در زمانه هماند بسی
 چنین رفتن شاه کی دیده‌ایم
 ز گردنکشان نیز نشنیده‌ایم
 دریغ آن بلند اختر و رای او
 بزرگی و دیدار و بالای او
 دریغ آن شهنشاه والاگهر
 به مردی ز شاهان برآورده سر
 خردمند از این کار خندان شود
 که زنده کسی پیش یزدان شود
 به مردی و بخشش، به داد و هنر
 به بالا و دیدار و نام و گهر
 به رزم اندرون پیل بُد با سپاه
 به بزم اندرون ماه بُد با کلاه
 جهان را چنین است آئین و دین
 نمانده‌ست همواره بر به‌گزین
 یکی را ز خاک سبه برکشید
 یکی را ز تخت کیان درکشید
 نه زین شاد باشد نه زان دردمند
 چنین است رسم سپهر بلند

چو دیدند، بردند پیشش نماز
 از آن پس همه برگشادند راز
 که شاها، دلیرا، سرا، سرورا
 جهاندار و بر مهتران مهترا
 از آنکه که یزدان جهان آفرید
 فلک برکشید و زمین گسترید
 چو تو شاه ننشست بر تخت عاج
 فروغ از تو گیرد همه مهر و تاج
 نترسی ز رنج و ننازی به گنج
 به‌گیتی ز گنجت فزونست رنج
 همه پهلوانان ترا بنده‌ایم
 سراسر به دیدار تو زنده‌ایم
 ندانیم کاندیشه شهریار
 چرا تیره گشت اندرین روزگار
 تو را زین جهان روز برخوردارست
 نه هنگام تیمار و پژمردنست

در جواب آنان که از شاه می‌خواستند اگر غمی در دل یا دشمنی در مقابل دارد بازگوید تا همگی در رفع غم و دفع دشمن بکوشند، کیخسرو پاسخ می‌دهد که نه از دشمنی در هراس است و نه به رنجی و غمی گرفتار، برعکس چون همه چیز بر وفق مراد اوست و به هر آنچه می‌خواسته رسیده است اکنون بهترین زمان است برای چشم پوشیدن از قدرت و وانهادن جای خود به جانشینی شایسته:

بدانید کاین چرخ ناپایدار
 نه پرورده داند نه پروردگار
 همی پرورد پیر و برنا به‌هم
 ازو داد بینیم و هم زو ست

پهلوانان، آزرده‌دل با هم کنکاش می‌کنند که شاه دستخوش پریشانفکری شده و دیو در جانش لانه کرده و بر روانش دست انداخته است و چون حرف ما در وی اثر نمی‌کند باید از زال و رستم مدد جوییم و آنها را خبر دهیم تا بیایند و چاره کار کنند. گودرز، سپهسالار ایران، پسرش گیو را مأمور خبرسانی می‌کند:

باید شدن سوی زابلستان
 سواری فرستی به کابلستان
 به زال و به رستم بگویی که شاه
 ز یزدان پیچید و گم کرد راه

گیو به زابلستان رفت و به کابلستان پیام فرستاد و زال و رستم را با خود به پایتخت برد. در دیدار با شاه، زال اجازه خواست که به‌عنوان پیر و ریش‌سفید قوم بی‌پروا سخن بگوید و شاه را گستاخانه به‌باد ملامت گرفت و گفت آنچه را که کسی جرأت گفتنش نداشت. پاسخ شاه این بود که:

کنون پنج هفته‌ست تا من به پای
 همی خواهم از داور رهنمای
 که بخشد گذشته گناه مرا
 درخشان کند تیره‌ماه مرا
 برد مرمرای زین سرای سپنج
 نماند ز من در جهان درد و رنج
 به‌باغ بهشتم دهد خوب‌جای
 بُود در همه نیکیم رهنمای

کناره‌گیری فیدل کاسترو از ریاست کشور - هرچند که با اما و اگر - درسی است برای عاشقان قدرت که این عروس هزار داماد را سخت چسبیده‌اند و دست برمی‌دارند مگر وقتی مرگ فرمان جدایی صادر کند.

در تاریخ باستانی و طولانی خودمان، بنده به‌یاد نمی‌آورم پادشاهی را که در حال سلامت، پیش از آن که ملک‌الموت شخصاً به دیدارش شتابد یا کسی را برای اجرای حکم نیابت دهد، دل از تخت و بخت بریده و با این احساس که زمان جدا شدن از قدرت فرا رسیده است، داوطلبانه مسند را به دیگری سپرده باشد. اما در تاریخ داستانی ما، استثنایی بر این قاعده وجود دارد: پایان کار کیخسرو.

کیخسرو، از چهره‌های تابناک شاهنامه است. دوران سلطنت او دوران کامیابی ایرانیان است چه در جنگ و چه در صلح. با این حال، این تاجدار کامکار، در اوج فرهنگمندی ناگهان تغییر حالتی پیدا می‌کند و یک هفته در به روی خود می‌بندد و در خلوت، با آفریدگار جهان به راز و نیاز می‌پردازد:

بدین گونه تا سالیان گشت شصت
 جهان شد همه، شاه را زیر دست
 پر اندیشه شد مایه‌ور جان شاه
 از آن ایزدی کار و آن دستگاه
 همی گفت: هر جای آباد بوم
 ز هند و ز چین و ز سقلاب و روم
 هم از خاوران تا دَر باختر
 ز کوه و بیابان و از خشک و تر
 سراسر ز بدخواه کردم تهی
 مرا گشت فرمان و تخت مهبی
 ز بدخواه، کین پدر خواستم
 جهانی به‌خوبی بیاراستم
 روانم نباید که آرد منی
 بد اندیشد و کیش اهرمنی
 شوم بدکنش همچون ضحاک و جم
 که با تور و سلم اندر آیم بهم
 به یزدان شوم ناگهان ناسیاس
 به روشن‌روان اندر آرم هراس
 ز من بگسلد فره ایزدی
 گرایم به کژّی و نابخردی

نگران از این که مبدا جنون قدرت بر وی چیره شود و مانند فرمانروایانی که دچار «من‌زدگی» شدند خدا را فراموش کند و خلق را بیازارد و دست به ستم بگشاید و روشن‌روانان را آزار دهد و بتزساند، از خدا می‌خواهد پیش از آن که دیو خودخواهی بر روانش چنگ اندازد، او را با فرشتگان قرین سازد. پس از هفت روز در حالی که دیگر توان راز گفتن و نیاز طلبیدن برایش باقی نمانده بود از خلوت بیرون شد و در هشتمین روز، امیران و وزیران را بار داد:

به‌هشتم، ز جای پرستش برفت
 آبر تخت شاهی خرامید تفت
 همه پهلوانان ایران سپاه
 شگفتی فرو مانده از کار شاه
 برفتند با دست کرده به گش
 بزرگان اسب‌افکن و شیرفش



امام پشیمان من بود و در تمام مراحل مرا تأیید می‌کرد

در خوزستان مشغول محاکمه «مفسدین فی الارض» بودم که خبر رسید جامعه مدرسین قم علیه من اعلامیه داده است

آقای خزعلی تلفن کرد که اعدامها متوقف شود، گفتم این کار ربطی به ایشان ندارد!

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از فروردین تا اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ - شماره ۱۰۰۴ - ۹۹۸)



خلخالی، جانوری که از نو باید شناخت

(بخش ۳)

نگاهی به کتاب خاطرات صادق خلخالی

شیخ صادق گیوی خلخالی ملقب به قاضی خون و نخستین حاکم شرع دادگاههای انقلاب اندکی قبل از مرگ جلد دوم خاطرات خود را با عنوان «ایام انزوا» منتشر کرد. در این کتاب او به جنایاتی که مرتکب شده است افتخار می‌کند و می‌گوید: «در مقابل اعدامهایی که کردم نه پشیمانم و نه گله مند و نه دچار عذاب وجدان». خاطرات خلخالی تصویری از آن هیولاست با امضای خودش. فصل سوم «دوران انزوا به مصاحبه‌ای اختصاص دارد که طی آن شیخ صادق خلخالی درباره روش محاکمات و صدور احکام اعدام توضیح می‌دهد.

شده بود و مردم امارات که اکثراً ایرانی هستند بی اندازه شائق بودند که حقیر را از نزدیک رؤیت نمایند، این مطلب را آقای عسگری لاری به خدمت حضرت امام راحل علیه السلام عرض داشتند و ما هم کسب اجازه از محضر مقدسشان راهی آن دیار شده و با استقبال رسمی شیوخ منطقه و پرشور ایرانیان مقیم امارات روبرو شدیم و تمام رسانه‌های گروهی این جریان را به تمام جهان مخابره کردند و این

را نوشته‌اید و بالاخره این حکم را به کی‌بدهم که به او اطمینان داشته باشم و روی این اصل حکم را قبول کردم و برای تشکیل دادگاههای انقلاب خدمت امام را ترک کردم و حضرت امام با تمام علماء و من جمله جامعه مدرسین یک‌یک ارتباط داشتند و همه آنها را می‌شناختند، ولی قرعه فال به نام من بیچاره زدند و من هم بدون پروا مشغول کار شدم و روح شهدای پانزده خرداد و قلب ملت ایران

در تاریخ سیاه انقلاب اسلامی نام خلخالی جایگاهی ویژه دارد. او که از طرف خمینی برای به کارانداختن ماشین اعدام و درو کردن انسانها برگزیده شد در اندک مدتی به عنوان «قاضی خون» شهرت یافت. خلخالی در آخرین سالهای زندگی، دومین کتاب خاطراتش را انتشار داد و به دفاع از عملکرد خود پرداخت. با نگاهی به این کتاب چهره جلاد را بهتر می‌شناسیم بویژه آنکه تصویرگر، لاقال در ترسیم چهره خود صادق است و سعی در رفع و رجوع جنایاتش ندارد.

پس از فوت خمینی، جانشینان او خلخالی را که در سراسر جهان به عنوان قاضی جلاد و خون آشام شهرت یافته بود کنارگذاشتند. از جمله صلاحیت او برای عضویت درمجلس خبرگان مامور بازبینی قانون اساسی از طرف شورای نگهبان رد شد. خلخالی درمقام دفاع از خود نامه سرگشاده‌ای به «ساحت مقدس ملت ایران» نوشت و اعلام داشت هرکاری کرده به دستور و تأیید شخص خمینی بوده است.

در این نامه سرگشاده چنین می‌گوید:

انقلاب ازطرف امام راحل علیه السلام تصدی دادگاههای انقلاب اسلامی در سراسر ایران را عهده دار شد و پیرو آن تعداد زیادی از سردمداران فساد وتباهی و طاقتیان و تبهکاران و مهره‌های کثیف نظام شاهنشاهی را به اعدام و مصادره اموال کلانشان محکوم نمود که دررأس آنها هویدا نخست وزیر شاه و پاکروان و نصیری و مقدم روسای ساواک و ناجی فرماندار نظامی اصفهان و علامه وحیدی و مهندی ریاضی و خلعتیری و جواد سعید و تعداد کثیری از سرسپردگان و ایادی مزدوری همچون خسروداد و بید آبادی و یزدگردی و سرلشکر زند و خواجه نوری دادستان اهریمینی شاه و سالار جاف و جمیشد اعلم که همگی اسلام و ایران برباد داده بودند، محکوم به اعدام شدند و اموالشان به حکم اینجانب مصادره گردید - خدا می داند برای تصدی این مقام کوچکترین تلاشی نکرده و از آن اطلاع نداشتیم، حضرت امام با شناختی که از روحیه انقلابییم داشتند عصر روز ۵۷/۱۱/۲۴ اینجانب را به دفترشان احضار و فرمودند: این حکم را به نام شما نوشته‌ام. حقیر پس از رویت حکم به خدمتشان عرض کردم: آقا این حکم سنگین است!

امام فرمودند: برای شما سنگین نیست.

گفتم: خون دارد و وابستگان طاقتیان علیه من تبلیغ می‌کنند.

امام فرمودند: من پشیمان شما هستم و شما حاشیه عروه



صفحه اول کتاب خاطرات خلخالی



امر بیانگر اهمیتی بود که به دادگاههای انقلاب می‌دادند و روش قاطعانه اینجانب درجای جای کشورهای اسلامی موردتوجه عمیق قرارگرفته بود و حال آن که این همه آوازه برای خاطر خمینی بت‌شکن بود و نه من ناچیز و پس از تقریباً شش روز با بدرقه پرشور به ایران برگشتیم و شب در خانه یکی از آقایان مهمان بودیم که جناب آقای هادوی دادستان کل انقلاب با تلفن با ما تماس گرفتند که باید الان به طرف خوزستان حرکت کنید.

گفتم: مگر چه خبر شده؟

گفت: خلق عرب و تعدای از سردمداران فساد می‌خواهند در خوزستان بلوا راه بیندازند.

من گفتم: شب که می‌شود و ایشان با کسب اجازه از

بیت شریف امام مقدمات کار را فراهم آوردند و من ←

و مستضعفان جهان را شاد کردم و امام در مراحل عدیده بر من دعا کردند و کار مرا ستودند و این مطالب نه تنها پس از رحلت امام علیه السلام نوشته می‌شود بلکه در دور دوم مجلس در جراید و روزنامه‌ها و مجلات منتشر شده و امام در حال حیات آن را ملاحظه فرموده‌اند و کوچکترین حرف که حکایت از نارضایتی ایشان باشد بیان نفرموده‌اند و من مقبره پهلوی رضاخان میرپنج را تخریب کرده و به جای آن حوزه علمیه بزرگ ساخته‌ام و امام فرمودند کار خلخالی درست است و آن حضرت تولیت آنجا را به من داده و تمام مخارج آن را درقید حیات بودند از امام دریافت کرده‌ام.

ماشین اعدام در خوزستان

دربهار ۱۳۵۸ که کار دادگاههای انقلاب چون قدری سبک

در این صورت واجب و لازم است که باید از حکم صادره عدول کند و در بعضی از قاچاقچیان حرفه‌ای این امر برای من اتفاق افتاد و حکم اشد را اخف و حکم اخف را اشد کرده‌ام و این وظیفه و تکلیف شرعی من بوده است.

عضویت مجلس خیرگان

آقایانی که در احکام قضا مختصر اطلاعاتی داشته باشند موضوع و حکم را می‌فهمند. آقایان محترم تا حضرت امام علیه السلام در قید حیات بودند نمی‌توانستند کاری صورت دهند؛ چون جرأت مخالفت با حضرت امام راحل علیه السلام را نداشتند، ولی حالا خیال می‌کنند که جو برای مخالفت آنها مساعدت است و لذا شمشیر را به اصطلاح از رو بسته‌اند و نه تنها به جنگ من، بلکه به جنگ حضرت آقای کروی و آقای محتشمی و آقای بیات و آقای هادی خامنه‌ای و آقایان دیگر که جزو جامعه روحانیون مبارز هستند و اخوان دستغیب و آقای جمی و تعداد دیگر رفته‌اند و این حرکت نشان می‌دهد که مسلمانان نقشه‌های درکار است که برای رسیدن



سپهبد بیدآبادی، پس از اجرای حکم اعدام

اینجانب را به دفترشان احضار و فرمودند که: باید به کردستان حرکت کنید!

عرض کردم: من می‌روم، ولی نوشته‌ای باید مرقوم فرمائید تا از رادیو خوانده شود و سپس حرکت کنیم. امام مطالبی را مرقوم فرمودند و عین آن را حاج احمدآقا به آقای محتشمی گفتند، ایشان هم با رادیو تماس گرفت و رادیو برنامه عادی خود را قطع کرد و حکم را درباره حرکت بنده به کردستان به سمع عموم رساندند و ماهم بیرون آمدم و با هلیکوپتر روانه کرمانشاه و کردستان شدم و اوضاع آنجا را آرام کردیم که البته بازرگان و دولت او با رفتن اینجانب به کردستان نیز مخالف بودند، چون کار بحرانی بود امام آن امر را صادر و جواب محکمی نیز به بعضی از جامعه مدرسین که با من مخالف بودند دادند و معذک این جریان خاتمه پیدا نکرد و درآستانه انتخابات دور دوم مجلس شورای اسلامی، آقایان شورای نگهبان که اکثراً قبلاً مخالفت خویش را با حکومت شرعی بنده ابراز داشته بودند - مخالفت خود را با صلاحیت بنده اعلام داشتند و



سپهبد بیدآبادی، فرماندار نظامی تبریز

هم با اینکه خسته بودم اطاعت کردم و با ایشان ساعت شش صبح از فرودگاه مهرآباد روانه اهواز شدم و به مجرد ورود ما که رادیو پخش کرد منطقه از آرامشی نسبی برخوردار شد، آقای هادوی سلمه الله تعالی دادستان اهواز را به دادستان کل خوزستان ارتقاء درجه داد که دست ما در سراسر خوزستان باز باشد، ما هم لدی‌الورد محکمه را تشکیل دادیم و مشغول بررسی جرائم آنها شدم که در نتیجه آقای سرتیپ شمس تبریزی و معاون او آقای سرهنگ تابعی و چند نفر از ساواکهای خوزستان محاکمه و محکوم به اعدام شدند و حکم اعدام درباره آنها به اجرا درآمد. شمس تبریزی و دارو دست‌هاش به جرم آتش زدن بیمارستان عمومی اهواز و به آتش کشیدن بیش از صد دستگاه خودرو کشتن و زخمی کردن تعداد زیادی از هموطنان اهوازی در چهارشنبه سیاه و غیره و غیره محکوم شده بودند، من پس از اجرای حکم اعدام برای بازدید احمد مدنی استاندار وقت روانه استانداری شدم و دم درب با آقای خزعلی روبرو شدم، ایشان گفتند که شما عجله کردید سرتیپ شمس تبریزی را کشتید.

گفتم: او از مفسدین فی الارض درجه یک بود. ایشان پس از ملاقات خصوصی با آقای مدنی راهی قم شدند و من در محکمه بودم که خبر دادند رادیو اعلامیه‌ای را علیه شما از طرف جامعه مدرسین می‌خواند و معلوم شد که درست است، ولی تعجب کردم که این کار چه ربطی به آنها دارد که دخالت در امر قضاوت می‌کنند. من حکم از امام دارم و ایشان مرا فرستاده‌اند، به آنها چه ربطی دارد.

روی این اصل با آقای هادوی تماس گرفتم، ایشان فرمودند: من اعلامیه می‌دهم و اعلامیه دادند و مردم خوزستان حیران به این سناریو نظاره‌گر بودند که جریان از چه قرار است. البته معلوم شد که احمد مدنی و قطب زاده که از طرف خود متصدی رادیو و تلویزیون بودند این فتنه و این اختلاف را برپا نموده بودند که در میان روحانیون مشاجره درگیرد و آنها به آرزوی شیطانی خود برسند که نرسیدند، البته چند نفر پولدار که در پشت جریان بودند و از چپاولگران خشکه مقدس و اسلام آمریکایی در تحریک اشخاص دخالت داشتند. در این میان برای محاکمه چند نفر روانه دزفول شدم و شش نفر از ساواکهای آدمکش را محکوم به اعدام نمودیم و به اهواز برگشتیم. از دادگاه دزفول با ما تماس گرفتند که: آقای خزعلی تلفن کرده که اعدامها متوقف شود!

من گفتم: این کار ربطی به آقای خزعلی ندارد و آنها حکم اعدام را اجرا کردند و ما به قم برگشتیم و خدمت امام رسیدیم و دست ایشان را بوسیدیم، عرض کردم: جریان ناراحت کننده است. امام فرمودند: حل می‌شود. در این حین ملاحظه کردم که آقای یزدی و آقای شرعی در دفتر امام در حضور من به آقای محتشمی فشار می‌آوردند که شما به رادیو بگوئید اعلام کند که آقای خلخالی دیگر حاکم شرع نیست!

ایشان در جواب گفتند: این امر را باید حاج احمد آقا از طرف امام به من بگوئید و من اجرا کنم و حرف شما را من اجرا نمی‌کنم.

آن دو بزرگوار دفتر امام را ترک کردند و قصه علی‌الظاهر تمام شد و من بی اندازه از این جریان ناراحت بودم. ماه رمضان پیش آمد، همه مشغول روزه یک مرتبه از پاره خبر رسید که کومله شهر را گرفته و در سرتاسر کردستان بلوا راه افتاده است.

در کردستان

امام دستور حرکت مردم به طرف کردستان و نجات مردم آزاده آن خطه عزیز را از دست کومله و دموکرات صادر و

خلخالی، در جلد دوم خاطرات خود تصاویری از قربانیانش را قبل و بعد از اعدام به چاپ رسانده و شرحی که بر هر کدام نوشته نشان دهنده آنست که از یادآوری جنایاتش نیز می‌برد.

به آن نقشه شوم می‌خواهند به اصطلاح نامحرمی درکار نباشد و ان شاء الله ما آن نقشه‌ها را در جای خود افشا خواهیم کرد.

آیا کار انقلاب به جایی رسیده که بچه‌های خودش را مانند حیوانات وحشی طعمه خود قرار می‌دهد؟! و اصولاً آیا وقت آن ایام شوم حالیه فرا رسیده است؟ من که این همه زجر کشیده و اسیر و در به در زندانها و تبعیدها بودم و بچه‌های من و زوجه بنده علویه محترمه زمستان و تابستان برای دیدن من از بانه گرفته تا بندرلنگه و از لار گرفته تا انارک و رودبار با چند بچه قد و نیم قد سرگردان اتوبوسها بودم، جزایم این است که از خبرگان محروم و به جای ما چند نفر خلق مسلمان و ضدانقلاب و مستقبیلین شاه صلاحیت داشته باشند و آیا ملت شریف و شهید داده ایران بی چون و چرا ما را محکوم و شورای نگهبان را محق می‌داند؟ حاشا و کلا.

اصول مسأله عضویت خبرگان پس از جدایی عنوان رهبری و مرجعیت به امر حضرت امام امت مسأله قابل توجه نیست، ولی پاکسازی خط امام و امام زدایی و زدودن طرفداران خالص امام مسأله مهمی است که نباید از کنار آن به این آسانی رد شد و دم درنیورد. (دنباله دارد)

آقای امامی کاشانی اصرار داشتند که من استعفا بدهم، ولی حاضر نشدم و کار به خدمت امام کشید، امام فرمودند که: من صلاحیت شما را قبول دارم و این کلمه را به وسیله حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج احمد آقا دامت افاضات به سمع آقای امامی کاشانی رساند و آنها نیز صلاحیت حقیر را اعلام و ما به مجلس راه یافتیم. ولی آنها دست بردار نبودند و به وسیله ایادی خود جلال فارسی و احمد کاشانی روی اعتبارنامه ما اعتراض کردند و کارشان به جایی نرسید و نتوانستند حرفشان را به کرسی بنشانند و این قول امام است که: «من باور نمی‌کنم خلخالی کسی را که محقون الدم است و مهدورالدم اعلام نماید».

وانگهی حاکم شرع در اجرای حکم لازم نیست با کسانی مشورت کند که مخالف حکم او هستند، مناط و میزان حکم حاکم شرع است و حاکم شرع در اجرای احکام دنبال دیگران نمی‌رود و احکام صادره را به ضرس قاطع اجرا می‌کند و اگر غیر از این باشد اصلاً نباید حکمی اجرا شود؛ چون بالاخره بعضی افراد با بعضی احکام مخالفند، ولی میزان، حکم حاکم شرع است و این از مسلمات فقه شیعه است که قاضی به علم خویش عمل می‌کند و چه بسا ممکن است حکمی را صادر کند و سپس متوجه شود که اشتباه است،

دکتر لاله تنگسیری: از کی ترور و مرگ جوان‌های ما تبدیل به امری عادی شد؟ شاهپور علیرضا پهلوی و والاگهر شهریار شفیق شاهدان کابوس جمهوری اسلامی



شد یک روز کامل طول کشید. مهارت و رهبری ایشان چنان تأثیری بر این کروچیف گذاشت که او تصمیم گرفت به نیروی دریایی بپیوندد. در این عملیات از کرافت استفاده کردند چرا که کرافت خشکی، آب و پستی و بلندی را می‌پیماید و در هر نوبت ظرفیت جابجایی ۱۰۰ نفر را دارد در حالی که هلیکوپترها بیش از ۱۲ نفر ظرفیت نداشتند.

پس از دیدن این مهارت‌ها و این عملیات راوی گرامی تصمیم می‌گیرند که به استخدام نیروی دریایی درآمده و به مردم از این طریق خدمت کنند.

خاطره دیگری به زمانی مربوط می‌شود که پرسنل برای انجام یک مانور نظامی در بندرعباس مستقر شدند. به خلبان‌ها در مهمانسرای انکس بندرعباس خوابگاه داده شده بود در حالی که کریچیف‌ها در محل نامناسبی اسکان داده شدند که این امر باعث نارضایتی آنها شد. وقتی والاگهر از این امر مطلع شدند با جدیت به فرمانده تیم پرواز، سروان جعفری، اعتراض کردند و تأکید داشتند که این رفتار در شأن نیروی دریایی نیست. ایشان یادآوری می‌کنند که ما همه همکار هستیم و بدون این همکاران چه کسی متوجه اشکالات هلیکوپتری که سوارش می‌شویم خواهد شد؟! از ایشان می‌خواهند که هرچه سریع‌تر رسیدگی کنند و این پرسنل را به مکان مناسبی منتقل کنند.

شهریار شفیق نه تنها در نیروی دریایی بلکه در کل ارتش شاهنشاهی غماد جدید در انجام وظیفه، نوع دوستی، رشادت و شایستگی بودند. او مقام و جایگاه خود را نه از طریق روابط خانوادگی، بلکه با تلاش و شایستگی به دست آورده بود.

خلخال و سران جمهوری اسلامی خوب می‌دانستند کسی که در آزادسازی جزیره ابوموسی پس از ۶۲ سال از چنگ اشغالگران انگلیسی نقش کلیدی داشته و عملیات مزدوران عمانی را خنثی کرده و بین هم‌میهنان و پرسنل خود بسیار محبوب بود، قطعاً برایشان خطر بزرگ است.

پس از ترور ناجوانمردانه ایشان در فرانسه با وجود حکومت ملایان، جمعی از پرسنل نیروی دریایی پرچم‌های ایران را به احترام ایشان نیمه‌افراشته کردند.

یادشان گرامی و نامشان جاویدان

پاینده ایران - جاوید شاه

در سال ۵۷ همه ما باختمیم؛ ما همه به تاریکی، به تفرقه، به خرافات و به وعده‌های پوشالی باختمیم. فریب وعده برابری حقوق زن و مرد را خوردیم در حالی که از آن حقوق بهره‌مند بودیم. به وعده زندگی بهتر دل بستیم وقتی که زندگی بهتر را داشتیم. وعده آزادی را باور کردیم در حالی که هم آزادی داشتیم و هم آبادی.

به خاطر این نشست با دانشگاه علوم دریایی در شهر دارموت انگلستان تماس گرفتم تا اطلاعاتی درباره جاویدنام شهریار شفیق به دست آورم چرا که ایشان پیش از پیوستن به نیروی دریایی ارتش شاهنشاهی در این دانشگاه تحصیل کرده بودند. متأسفانه به دلیل گذشت بیش از ۵ دهه تلاشم بی‌نتیجه ماند. اما از طریق دوستان و آشنایان توانستم با چند نفر از همکاران سابق ایشان صحبت کنم.

با توجه به محدودیت وقت، چند خاطره از قول این عزیزان بازگو می‌کنم. از بردن بعضی اسامی به دلایل امنیتی خوداری می‌کنم و افرادی که نام می‌برم با رضایت خاطر این عزیزان است تیمسار خلبان نمکی متخصص بمباران لیزری و هم‌رزم والاگهر شهریار شفیق در جنگ ظفار اعتقاد دارند ناخدا دوم شهریار شفیق با اینکه عضو نیروی دریایی بودند، اطلاعات بسیار دقیقی از علم هوانوردی داشتند. بطوری که اگر ایران ناو هواپیمابر می‌خرید، ایشان بهترین گزینه برای فرماندهی آن می‌بود. تیمسار از دانش بی‌نظیر والاگهر درباره جنگنده‌های F5، T33 و ساب دراگون تعریف کردند. ایشان همچنین اشاره کردند که در دوران فرماندهی بر ناو آرتمیس، والاگهر حتی در جزئیاتی مانند ترتیب و ست‌آپ نشست میهمانان در گردهمایی‌ها دقیق و اصولی بودند. منش و اخلاق حرفه‌ای او، کلاس و استاندارد جدیدی در نیروی دریایی شاهنشاهی ایجاد کرد. تیمسار از چهره شهریار گفتند که مصری و شبیه پدرشان (احمد شفیق) بود و از اخلاق ایشان که چقدر با ادب، منظم، جدی و پر تحرک بودند.

یکی دیگر از کروچیف‌های ارتش شاهنشاهی خاطراتی از سال ۱۳۴۸ و سیل خوزستان تعریف کردند. رودخانه بهمنشیر طغیان کرده بود و نیروی دریایی با استفاده از هاورکرافت نقشی حیاتی در نجات مردم محاصره شده آبادان و خرمشهر ایفا کرد. این عملیات که به فرماندهی شهریار شفیق انجام

چهاردهمین یادبود شاهپور علیرضا پهلوی که ۱۴ دی ۱۳۸۹ در بوستون به زندگی خود پایان داد و شهریار شفیق افسر ارشد نیروی دریایی ارتش شاهنشاهی ایران و فرزند شاهدخت اشرف پهلوی که ۱۶ آذر ۱۳۵۸ توسط جمهوری اسلامی در پاریس به قتل رسید، روز شنبه ۴ ژانویه ۲۰۲۵ (۱۵ دی) در هتل اشتاین‌برگر شهر دوسلدورف به همت شماری از ایرانیان میهن‌دوست و ملی‌گرایان حامی پهلوی‌ها برگزار شد.

در این مراسم، دکتر لاله تنگسیری جراح دندانپزشک در سخنانی به این نکته مهم اشاره کرد که سرنوشت شاهپور علیرضا و شهریار شفیق با سرنوشت جوانان چند نسل پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی نقاط مشترک دارد.

متن سخنرانی دکتر لاله تنگسیری را در ادامه می‌خوانید:
ایران یعنی چه؟ ایران یعنی سرزمین آریا.
آریا یعنی چه؟ آریا به معنی نجیب است.
۱۰۰ سال پیش، بزرگان ایران‌زمین، فروغی، قوام‌السلطنه، داور، تیمورتاش و دیگران، نجیب‌ترین خاندان ایران را جایگزین قاجار کردند.

نجیب یعنی چه؟ نجیب یعنی انسانی زحمتکش که به تعالی مردم و کشورش می‌اندیشد، نه به بدگویی و پایین کشیدن دیگران. پرهیز از دروغ‌گویی، نه دفاع از خود در برابر دروغ‌گویان. هر ایرانی، چه مخالف و چه موافق، به زحمات این خاندان اذعان دارد. هیچکس از پهلوی دروغ نشنیده، هیچکس بدگویی نشنیده. این بزرگترین سرمایه پهلوی و آینده‌ی ایران است. از این سرمایه پاسداری کنیم.

از کی ترور و مرگ جوان‌هایمان تبدیل به امری عادی شد؟ شاهپور علیرضا پهلوی و والاگهر شهریار شفیق هر دو شاهدانی بی‌همتا هستند از کابوسی که در این ۴ دهه سیاه بر ایرانیان گذشت. از تولد تا ۴ سالگی را در پایگاه‌های ارتش شاهنشاهی زندگی کردم و محیط زندگی ما از لحاظ نظم و امکانات از پایگاه‌های نظامیان آمریکا و انگلستان چیزی کم نداشت. وقتی در سال ۷۴ میلادی به خارج اعزام شدیم پدر و مادرم همیشه دل‌تنگ و در آرزوی بازگشت به ایران بودند. چرا که ایران بهشت و معبد هر ایرانی بود.

هیچ ایرانی به دلیل فشار اقتصادی یا اجتماعی یا سیاسی و به اجبار در خارج از ایران زندگی نمی‌کرد. هیچ ایرانی پناهنده و فراری از ایران نبود. در اقیانوس‌ها و دریاها هیچ ایرانی به خاطر فرار و مهاجرت از ایران غرق نشده بود. در آسمان ایران هیچ ایرانی هواپیمایش هدف موشک خودی قرار نگرفته بود. کیان ۷ ساله در ماشین شخصی به قتل نمی‌رسید یا نیکای ۱۶ ساله در ون امنیتی مورد تجاوز قرار نمی‌گرفت. آیا همین دلایل کافی نیست که ۴۶ سال بعد حسرت گذشته را بخوریم و در خاطراتمان زندگی کنیم؟

با فاجعه سینما رکس آبادان ناقوس مرگ و نابودی به صدا در آمد؛ اما ما نفهمیدیم. حتی وقتی در خارج از ایران ترور و ناامنی به ما رسید باز هم درک نکردیم. از یک جایی شروع کردیم به فهمیدن ولی باز پافشاری کردیم به خوشباوری چون بهای فهمیدن خیلی سنگین بود.

زمانی فهمیدیم که دیگر دیر شده بود. در ایران نوید افکاری و مجیدرضا رهنورد و در خارج از ایران والاگهر شهریار شفیق و شاهپور علیرضا پهلوی جان باخته بودند. هر ۴ دلارمرد جاویدنام برای ایران زیستند و برای ایران جان دادند.

دولت جو بایدن برای جمهوری اسلامی «نعمت» بود



ایران است نه رفع تحریم‌ها».

بعد از صدور قطعنامه و بیانیه‌های مختلف توسط نهادهای بین‌المللی و همچنین کشورهای غربی در آخرین ماه‌های سال ۲۰۲۴ علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی، عمل‌آزمایی‌های اورانیوم با افزایش تعداد سانتریفیوژها در سایت فردو و نطنز شدت گرفت. روندی که احتمال فعال شدن «مکانیسم ماشه» را تقویت می‌کند. در این میان، عباس عراقچی با صراحت تهدید کرده است: «اگر غرب تحریم‌های سازمان ملل ضد جمهوری اسلامی را دوباره فعال کند، مذاکرات هسته‌ای به سمت ساخت سلاح اتمی تغییر جهت خواهد داد.»

تحلیلگران سناریوهای مختلفی را در مورد گزینه‌های احتمالی ترامپ در مقابل جمهوری اسلامی مطرح می‌کنند. برخی می‌گویند او در قدم اول «مذاکره مستقیم» را مطرح می‌کند اما شروط سختی را برای توافق مطرح خواهد کرد. بعضی بر این باورند که حتی اگر جمهوری اسلامی تن به مذاکره بدهد، آنقدر ضعیف شده که نتواند امتیاز قابل توجهی بگیرد. به ویژه آنکه پس از شکست سنگین حزب‌الله لبنان و حماس در فلسطین و سقوط بشار اسد در سوریه، حکومت در ضعیف‌ترین دوران عمر خود بسر می‌برد.

از سوی دیگر، تا پیش از این رویدادها، هروقت در جمهوری اسلامی صحبت از مذاکره با آمریکا می‌شد، ابزارهای تاثیرگذار حکومت در سیاست خارجی طیفی از تهدیدات را در بر می‌گرفت از جمله افزایش میزان غنی‌سازی اورانیوم، خروج از پیمان منع گسترش تسلیحات کشتار همگانی NPT، بستن تنگه هرمز، گروگانگیری و تهدید منافع آمریکایی‌ها در خاورمیانه و غیره. اما هیچکدام از این تهدیدات به اندازه‌ی «محور مقاومت» مؤثر نبود و دست جمهوری اسلامی را برای معامله و زد و بند با غرب باز نمی‌گذاشت. اکنون اما با حملات کوبنده‌ی اسرائیل عملاً این محور از هم پاشیده و هراس زمامداران جمهوری اسلامی نیز همین است.

روزنهایی برای ارتباط با دولت جدید ایالات متحده است. عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید تهران برای مذاکرات «سازنده و بدون تأخیر» بر سر برنامه هسته‌ای خود آمادگی دارد. وی در جریان سفر به چین با شبکه «سی‌سی‌تی‌وی» مصاحبه‌ای داشت که جمعه ۱۴ دی‌ماه منتشر شد. در این مصاحبه او تأکید می‌کند: «فرمولی که از نظر ما وجود دارد، همان فرمول سابق برجام است؛ یعنی اعتمادسازی درباره برنامه هسته‌ای ایران در مقابل رفع تحریم‌ها. ما بر همین مبنا آمادگی مذاکره را داریم.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی با اشاره به بازگشت مجدد دونالد ترامپ به کاخ سفید افزود که تهران پس از بررسی سیاست‌های دولت جدید آمریکا، تصمیم‌های لازم را اتخاذ خواهد کرد.

او همچنین تأکید کرد راه دیپلماسی در مذاکرات هسته‌ای «هیچگاه بسته نمی‌شود.»

هرچند مذاکره با آمریکا پس از بازگشت رسمی دونالد ترامپ به کاخ سفید برای جمهوری اسلامی یک ضرورت به شمار می‌رود اما هنوز برای تهران مشخص نیست که ترامپ دقیقاً چه سیاستی را دنبال خواهد کرد.

علی لاریجانی مشاور رهبر جمهوری اسلامی اوایل آذرماه ۱۴۰۳ در مصاحبه با وبسایت دفتر خامنه‌ای به ترامپ پیام داده بود: «ما به سمت بمب اتم نمی‌رویم، شما هم شروط ما را قبول کنید.»

طی هفته‌های اخیر حکومت تلاش زیادی کرده است تا از طریق ژاپن و عمان روزنهایی برای مذاکره با تیم ترامپ پیدا کند. بسیاری از خودی‌ها به نظام هشدار می‌دهند تنها راه برای عبور از این تنگنای بی‌سابقه توافق با آمریکاست آنچه در حالی که شماری از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای «قصاص» ترامپ و گرفتن «انتقام» کشته شدن قاسم سلیمانی تأکید می‌کنند و رسانه‌های مثل «کیهان تهران» تیتز می‌زنند که «هدف آمریکا از مذاکره مهار

● تا پایان چهار سال دوران ریاست جمهوری جو بایدن، کمتر از سه هفته باقی مانده است. مذاکره با جمهوری اسلامی و «احیای برجام» یکی از اولویت‌های اصلی و خاورمیانه‌ای دموکرات‌ها در سیاست خارجی و کاهش تنش‌ها با جمهوری اسلامی بود که در آن شکست خوردند ● این در حالیست که کمتر از شش ماه پس از آنکه بایدن در کاخ سفید مستقر شد، حتا موضوع خارج کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی آن کشور نیز مطرح شده بود.

● برای جمهوری اسلامی دولت جو بایدن نعمت بود، زیرا با وجود سرکوب گسترده مردم در خیزش ملی ۱۴۰۱ و حملات مداوم به نیروهای آمریکایی در منطقه و همچنین ارسال تسلیحات و پول برای شبه‌نظامیان، همچنان راه‌های قاچاق نفت و گاز برای تأمین درآمد باز مانده بود.

● عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید تهران برای مذاکرات «سازنده و بدون تأخیر» بر سر برنامه هسته‌ای خود آمادگی دارد. وی در جریان سفر به چین با شبکه «سی‌سی‌تی‌وی» مصاحبه‌ای داشت که جمعه ۱۴ دی‌ماه منتشر شد. در این مصاحبه او تأکید می‌کند: «فرمولی که از نظر ما وجود دارد، همان فرمول سابق برجام است؛ یعنی اعتمادسازی درباره برنامه هسته‌ای ایران در مقابل رفع تحریم‌ها. ما بر همین مبنا آمادگی مذاکره را داریم.»

تا پایان چهار سال دوران ریاست جمهوری جو بایدن، کمتر از سه هفته باقی مانده است. مذاکره با جمهوری اسلامی و «احیای برجام» یکی از اولویت‌های اصلی و خاورمیانه‌ای دموکرات‌ها در سیاست خارجی و کاهش تنش‌ها با جمهوری اسلامی بود که در آن شکست خوردند. این در حالیست که کمتر از شش ماه پس از آنکه بایدن در کاخ سفید مستقر شد، حتا موضوع خارج کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی آن کشور نیز مطرح شده بود.

جو بایدن و دولت‌اش چشم بر دور زدن تحریم‌های نفتی توسط جمهوری اسلامی و اجرای تحریم‌ها علیه آن بستند و هر جا که دست‌شان رسید به بهانه آزادی گروگان‌ها و یا جلوگیری از افزایش تنش‌ها، به ملاها و سپاه پاسداران امتیاز دادند اما هیچکدام از این امتیازات نه تنها نتیجه نداشت، بلکه رژیم ایران و گروه‌های نیابتی چنان گستاخ شدند که دست به حمله تروریستی «هفت اکتبر» زدند و همچنین دو حمله موشکی توسط سپاه پاسداران به خاک اسرائیل انجام شد.

برای جمهوری اسلامی دولت جو بایدن نعمت بود، زیرا با وجود سرکوب گسترده مردم در خیزش ملی ۱۴۰۱ و حملات مداوم به نیروهای آمریکایی در منطقه و همچنین ارسال تسلیحات و پول برای شبه‌نظامیان، همچنان راه‌های قاچاق نفت و گاز برای تأمین درآمد باز مانده بود. دولت بایدن حتا با مطرح کردن گزینه نظامی علیه جمهوری اسلامی نیز به شدت مخالفت می‌کرد.

حال، در آستانه‌ی استقرار دوباره‌ی دونالد ترامپ در کاخ سفید، حکومت ایران با انبوهی بحران داخلی و بین‌المللی و در سرنوشت‌سازترین تنگنایی که در آن گیر افتاده، به دنبال



امیر طاهری: سیاست امر همگانی است و هرگونه رهبرتراشی قلبی شکست می خورد

سال ۲۰۲۴ در حالی پشت سر گذاشته شد که پر از رویدادهای شگفت‌انگیز و تعیین‌کننده و به احتمال زیاد تاریخ‌ساز بود و جهان شاهد پیامدهای آن در سال ۲۰۲۵ و پس از آن نیز خواهد بود.

نازنین انصاری در ارتباط با این رویدادها با امیر طاهری روزنامه‌نگار بین‌المللی و سردبیر پیشین روزنامه کیهان پیش از انقلاب ۵۷ گفتگو کرده و موضوعاتی مانند شکاف در هیئت

حاکمه جمهوری اسلامی، ویژگی‌های نسل جدید اپوزیسیون مشروطه‌خواه، اهمیت نقش رسانه‌های فارسی‌زبان در خنثی کردن پروژه‌های تفرقه‌انگیز دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم و همچنین احتمال جانشینی مجتبی خامنه‌ای بجای پدرش و چشم‌انداز و نقش شاهزاده رضا پهلوی در رهبری دوران گذار را با این روزنامه‌نگار پیشکسوت مطرح کرده است.

حمله تروریستی به شهروندان اسرائیل با چند کشته و مجروح؛ نتانياهو: دست ما به قاتلان منفور می‌رسد



تصویری از محل تیراندازی در روستای الفندق کرانه باختری

● در تیراندازی به سمت یک اتوبوس در اسرائیل (در روستای الفندق واقع در کرانه باختری) روز دوشنبه ششم ژانویه (۱۷ دی‌ماه) دست‌کم سه نفر کشته و شماری زخمی شدند.

● بنیامین نتانياهو نخست وزیر اسرائیل در پیامی اعلام کرد: «دست‌مان به قاتلان منفور می‌رسد و آنها و همه کسانی را که به آنها کمک کرده‌اند، به دست عدالت خواهیم سپرد. هیچکس مصون نخواهد بود.»

● مسئولیت این عملیات تروریستی را گروهی به نام «جنبش المجاهدین» به عهده گرفت و در بیانیه‌ای با تریک برای انجام این اقدام تروریستی اعلام کرد: «این عملیات منحصر به فرد واکنش طبیعی ملت فلسطین به جنایات نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در نوار غزه و تجاوز به شهرهای کرانه باختری و قدس است.»

در تیراندازی به سمت یک اتوبوس در اسرائیل (در روستای الفندق واقع در کرانه باختری) روز دوشنبه ششم ژانویه (۱۷ دی‌ماه) دست‌کم سه نفر کشته و شماری زخمی شدند.

در واکنش به به این حمله تروریستی بنیامین نتانياهو نخست وزیر اسرائیل در پیامی اعلام کرد: «من و همسرم تسلیم عمیق خود را به خانواده سه نفری که در حمله هولناک صبح امروز به قتل رسیدند ابراز می‌کنیم و برای مجروحان آرزوی بهبودی کامل داریم.» او تأکید کرد: «دست‌مان به قاتلان منفور می‌رسد و آنها و همه کسانی را که به آنها کمک کرده‌اند، به دست عدالت خواهیم سپرد. هیچکس مصون نخواهد بود.»

مسئولیت این عملیات تروریستی را گروهی به نام «جنبش المجاهدین» به عهده گرفت و در بیانیه‌ای اعلام کرد: «این عملیات منحصر به فرد واکنش طبیعی ملت فلسطین به جنایات نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در نوار غزه و تجاوز به شهرهای کرانه باختری و قدس است.»

رهبران گروه‌های شبه‌نظامی از جمله حماس و جهاد اسلامی و همچنین مقامات جمهوری اسلامی در توجیه حملات مسلحانه علیه شهروندان اسرائیلی ادعا می‌کنند که «آنها شهرک‌نشین‌های صهیونیست» هستند.

در همین ارتباط پس از عملیات تروریستی «هفت اکتبر» محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی گفته بود: «این افراد [شهرک‌نشینان] داوطلبانه هزینه می‌کنند تا از آمریکا و اروپا به سرزمین‌های اشغالی بروند؛ اینها از نظامیان بدترند. در اسرائیل نظامی‌ها به اجبار و با ترس به میدان می‌روند، اما آن شهرک‌نشین داوطلب به اشغال شده و به مراتب بدتر از آن نظامی است.»

در بخش دیگری از این بیانیه آمده: «این جنبش عملیات تیراندازی قهرمانانه به اتوبوس شهرک‌نشینان را در روستای الفندق در شرق قلقیلیه تریک می‌گوید.»

گروه «المجاهدین» حمله به شهروندان بی‌دفاع در یک اتوبوس شهری را «سیلی محکم به دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی» اسرائیل دانسته و تهدید کرده است: «هیچ کجای فلسطین برای صهیونیست‌ها امن نیست.»

همچنین گروه تروریستی حماس نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد: «تمامی سرزمین فلسطین مردمی آزاده، سرفراز دارد و از حقوق خود دست برنخواهد داشت و مقاومت تا پایان اشغالگری ادامه دارد.»

جمهوری اسلامی بین «توفان» یحیی السنوار و «توفان» احمد الشرع

«توفان» نبوده بلکه تغییر در سرنوشت سوریه بوده است. حلقه‌ی سوریه از «محور مقاومت» گسسته شده و اتحادی که شکل گرفته بود، از هم پاشیده است. سیاستمدارانی که با احمد الشرع دیدار می‌کنند در تلاش‌اند که بفهمند چه در ذهن او می‌گذرد. او که نخستین گام را

وی بسیار دشوار است؛ دوم، از دست دادن «عمق استراتژیک» در سوریه که جغرافیای این کشور اجازه‌ی پس گرفتن آن را نمی‌دهد. بدون سوریه، حزب‌الله نمی‌تواند جنگی علیه اسرائیل به راه بیندازد، به ویژه پس از آنکه این جنگ، شکاف فناوری عظیم بین حزب‌الله و اسرائیل را بیش از

● ماه ژانویه در تهران طنین و فضایی دردناک دارد. از کشته شدن فرمانده «سپاه قدس»، معمار «استراتژی بازوها منطقه‌ای» و پروژه «ضربه بزرگ» در ژانویه ۲۰۲۰ تا ژانویه ۲۰۲۵ که مردی که دستور کشتن او را داد و از برجام خارج شد و شریان‌های اقتصادی جمهوری اسلامی را خشکاند، دوباره به کاخ سفید برمی‌گردد!

غسان شریل (الشرق الاوسط) - ماه ژانویه در تهران طنین و فضایی دردناک دارد. نمی‌توان آنچه را که در سومین روز این ماه در سال ۲۰۲۰ رخ داد، فراموش کرد. مردی در دوردست خط قرمزی را که تهران برای خود ترسیم کرده بود، از بین برد و قاسم سلیمانی در نزدیکی فرودگاه بغداد کشته شد. فرمانده «سپاه قدس»، معمار «استراتژی بازوها منطقه‌ای» و پروژه «ضربه بزرگ» علیه اسرائیل به قتل رسید.

حالا تهران در این ماه نمی‌تواند جز با نگرانی و دلهره به روز بیستم ژانویه ۲۰۲۵ نگاه کند. در این روز، کاخ سفید بار دیگر به دست مردی خواهد افتاد که دستور کشتن قاسم سلیمانی را صادر کرد. مردی که از توافق هسته‌ای خارج شد و شریان‌های اقتصادی رژیم ایران را خشکاند.

بشار اسد نیز بدون آنکه تمایلی به مقاومت در میدان نبرد داشته باشد، سوار هواپیمای تبعید شد و رفت. او ترجیح داد از مقاومتی که به پایان معمر قذافی در لیبی و علی عبدالله صالح در یمن انجامید، بپرهیزد و بدون آنکه مهارتی در خلق صحنه پایانی مانند «رفیق» یعنی اش صدام حسین داشته باشد، صحنه را مخفیانه و بی سر و صدا ترک گفت. فرار اسد پایان‌بخش یک سال پر از ماه‌های دردناک برای جمهوری اسلامی بود که شامل ترور حسن نصرالله و یحیی السنوار، و همچنین ترور اسماعیل هنیه در ضیافت سپاه پاسداران در تهران بود.

مسعود پزشکیان اکنون در دفتر خود تقویم ماه‌ها و روزها را ورق می‌زند. شانس او بسیار بد بود زیرا پست ریاست جمهوری در زمان «توفان»ها به او رسید. مردی که آرزو داشت پنجره‌ها را حتی اگر شده به تدریج و با احتیاط باز کند و به خیال خود می‌خواست اگر پایان جنگ‌ها ممکن نباشد، حداقل آتش‌بس‌های طولانی برقرار شود، توجه به اقتصاد را افزایش دهد و مشکلات معیشتی را برای غلبه بر ناامیدی‌های وسیع که رویهم تنبار شده حل کند. افزایش هیاهو در منطقه برای او نگران‌کننده است و فرصتی برای نفس کشیدن باقی نمی‌گذارد. درست است که پرونده سوریه و نیروهای نیابتی هیچگاه در مسئولیت رئیس قوه مجریه نبوده و به عهده فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و «سپاه قدس» و تحت نظارت رهبر جمهوری اسلامی است. اما واقعیت این است که پزشکیان می‌بایست تحولات و پیامدهایی را که در حال رخ دادن است، مرور کند چرا که موقعیت وی نتیجه‌ی این رویدادهاست.

پزشکیان می‌داند که «حماس» با شدت مبارزه کرده است، اما او این را هم می‌داند که اکنون غزه از وضعیت نظامی و درگیری‌ها خارج خواهد شد تا مشغول بازسازی و درمان زخم‌های خود شود. البته آزادی زندانیان فلسطینی در هر توافقی، این واقعیت را تغییر نمی‌دهد که غزه ویران شده و بهای انسانی سنگینی پرداخته است.

«حزب‌الله» لبنان نیز با شدت جنگید اما بهایی سنگین پرداخت کرد و جنگ این گروه نیز این واقعیت را تغییر نمی‌دهد که تهران دو ضربه سنگین و کوبنده متحمل شده است: نخست، از دست دادن حسن نصرالله که جایگزینی



علی خامنه‌ای و مسعود پزشکیان در روضه‌خوانی ماه محرم / ۲۳ تیر ۱۴۰۳

برای خلع سلاح گروه‌های مسلح و ادغام آنها در ارتش سوریه برداشته است آیا قصد دارد از مدل ترکیه اقتباس کند یا اینکه موج‌های تغییر به سوی یک مدل پیچیده‌تر خواهند رفت؟ در هر حال، یک امر مسلم است: قطعاً دیدارکنندگان با او برای خروج رژیم ایران از جغرافیای سوریه هیچ اشکی نریخته‌اند.

واقعیت این است که بازگرداندن سوریه به «محور مقاومت» در افق نزدیک بسیار دشوار است. این ماموریت بسی سنگین‌تر از توانایی‌های «حشد الشعبی» عراق و «حزب‌الله» لبنان است و با خطرات زیادی روبروست. در همین ارتباط است که پرسش‌های زیادی مطرح می‌شود: آیا رژیم ایران باید رویکرد خود را نسبت به مسائل منطقه تغییر دهد و به نقشی محدودتر بسنده کند؟ آیا پوتین از سرسختی بشار اسد خسته شده بود و به همین دلیل او را به حال خود رها کرد؟ آیا سلطان استانبول تصمیم گرفت تا والی دمشق را به دلیل رد مکرر همراهی با او مجازات کند؟ علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اسرائیل و آمریکا را به دست داشت در رویدادهای دمشق متهم کرده است. او همچنین گفته که «یکی از کشورهای همسایه سوریه در سرنوشت اسد نقشی داشته است» بدون آنکه از ترکیه نام برد چقدر اوضاع خاورمیانه پیچیده است. سرزمینی پر از دام و دشواری و شگفتی. مسعود پزشکیان از طنین دردناک این ماه در تهران آگاه است و این در حالیست که دشواری این صحنه با ماه‌های تلخی که از «توفان» یحیی السنوار تا «توفان» احمد الشرع گذشت، برای رژیم ایران دوچندان می‌شود.

*منبع: روزنامه الشرق الاوسط

*نویسنده: غسان شریل مدیرمسئول روزنامه الشرق الاوسط

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

پیش نمایان ساخت. گزینه‌های حزب‌الله بسیار محدود شده است. مرز لبنان- اسرائیل تحت نظارت قطعنامه ۱۷۰۱ و یک ژنرال آمریکایی است، و مسیر سابق قاسم سلیمانی بین تهران و بیروت بطور محکم بسته شده است.

درواقع سوریه بزرگتر از آن بود که سنگینی آن برای جمهوری اسلامی قابل تحمل باشد. «محور مقاومت» فرو پاشیده است. این روزها از سوی چندین کشور سخنان قاطعی شنیده می‌شود: دوران گروه‌های شبه‌نظامی و ارتش‌های موازی و نیابتی باید پایان یابد!

گروه‌های شبه‌نظامی باید به جغرافیای خود بازگردند و حق ندارند موشک‌ها و پهپادهای خود را به ماموریت‌های منطقه‌ای ارسال کنند. در کشورشان نیز سلاح باید تنها در اختیار دولت باشد دولت‌ها نمی‌توانند به گروه‌هایی که متهم به ایفای نقش‌های تروریستی هستند حقوق پرداخت کنند در حالی که عراق نیز نمی‌خواهد میدان جنگ باشد، آنسوتر موشک‌های «حوثی» هم نمی‌توانند فروپاشی نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی را جبران کنند.

کیفر و عقوبتی که به جمهوری اسلامی تحمیل شده بسیار شدید است. ماشین جنگی اسرائیل اکنون رژیم ایران را تهدید می‌کند و آمریکا خارج از این سیاست نیست. پیش‌شرط آمریکا برای پذیرش جمهوری اسلامی، حذف شبه‌نظامیان منطقه‌ای و عدم تلاش برای مذب‌هسته‌ای است. این دوران سخت‌ترین روزهای جمهوری اسلامی و سخت‌ترین روزهای رهبر آن است پزشکیان در حالی شعله‌های صحنه‌های جنگ سوریه را ورق می‌زند که دمشق در حال مرور برنامه‌های دیگرگریست. الشرع مشغول اطمینان دادن به سیاستمدارانی است که به ملاقات وی می‌روند و به نظر می‌رسد آنچه اتفاق افتاده آن

بشار اسد و ایفای نقش «اسکوبار»؛

برای یک رژیم، خطرات شکست اقتصادی از شکست امنیتی بیشتر است!

● حقیقت اما این است که بشار اسد برخلاف آنچه گفته می‌شود که نظام عامل سرکوب هاست، خود وی به شخصه پشت همه آنچه اتفاق می‌افتاد ایستاده بود و آن را مدیریت می‌کرد. او شکست‌هایش در اداره کشور را با استفاده از زور جبران می‌کرد. در دوران او کشور هر روز فقیرتر می‌شد و تقصیر - برخلاف ادعای او - بر دوش کشورهای مخالف نبود.

● سوریه امروز و حکام جدید آن نیاز به تأمل در بررسی تاریخ رژیم دو اسد دارند. جای تعجب نیست که رژیمی سقوط کند که در آن یک ارتشی که محافظ آن کشور است یا استاد دانشگاه که نماینده نخبگان جامعه است، درآمدشان به حدود بیست دلار در ماه می‌رسد! تجربه نشان داده است که خطرات شکست اقتصادی از شکست امنیتی بزرگتر است.

عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط) - وقتی بشار اسد مناطق نفتی شرق سوریه را از دست داد و بیشتر آنها تحت کنترل «قسد» (نیروهای سوریه دموکراتیک) قرار گرفت، به رژیم ایران متوسل شد تا نفت و مشتقات آن را برای تقویت نیروهایش در جنگ و جلوگیری از توقف خدمات در مناطق تحت سلطه‌اش تأمین کند.

اقتصاد ضعیف سوریه در حال فروپاشی بود و دولت اسد در وضعیت ورشکستگی قرار داشت، زیرا درگیر یک جنگ داخلی بدون هیچ درآمدی شده بود. او برای مقابله با این شرایط به مواد مخدر و تروریسم روی آورد که به دو کالای اصلی صادراتی رژیم یعنی سوریه تبدیل شدند.

برخی ممکن است فکر کنند که این اغراق یا تبلیغی علیه رژیمی است که سقوط کرده و قادر به دفاع از خود نیست، اما خود رژیم اسد این موضوع را پنهان نمی‌کرد و حتی از آن برای تنظیم روابط منطقه‌ای و بین‌المللی خود بهره می‌برد.

البته در ارتباط با مناسبات جدید اسد با ریاض قبل از سقوط وی باید یادآور شویم که با وجود توافقی در ماه مه ۲۰۲۳ اما پای هیچ سفیر سعودی به دمشق نرسید. نمایندگی دیپلماتیک تنها به فعالیت از هتل فورسینز محدود شد، و عربستان نیز سفیر خود را برای اولین بار پس از حوادث داخلی سال ۲۰۱۱ به پایتخت سوریه نفرستاد مگر بعد از ورود احمد الشرع و نیروهایش به دمشق.

روابط ریاض با دمشق به کندی پیش رفت زیرا رژیم اسد به وعده‌های خود عمل نکرد و عملیات قاچاق کپتاگون متوقف نشد. اسد، طبق معمول، در اجرای آشتی مورد انتظار تعلل می‌کرد و انتظار داشت در ازای توقف آن، غرامت‌های مالی به ارزش میلیاردها دلار دریافت کند. این موضوع به مذاق ریاض خوش نیامد، به ویژه اینکه اصل پاداش دادن به قاچاقچیان مواد مخدر برای متوقف کردن فعالیت‌شان می‌توانست به باج‌گیری بیشتر دامن بزند. بشار اسد نقش «اسکوبار»، قاچاقچی معروف مواد مخدر کلمبیایی، را ایفا می‌کرد و طبق برآوردهای غربی، از فروش کپتاگون سالانه بیش از ۵ میلیارد دلار درآمد داشت؛ این مبلغ حتی بیشتر از درآمدهای نفتی او پیش از جنگ بود!

من حداقل پنج بار با بشار اسد رئیس‌جمهور مخلوع سوریه در جلسات مستقیم دیدار داشتم و ساعت‌ها گفتگو کردم. با این حال، نمی‌توانم ادعا کنم که او را می‌شناسم.



ورودی فرودگاه بین‌المللی دمشق / ۳۱ دسامبر ۲۰۲۴ / رویترز

و انفجارها و میزبانی از گروه‌های تروریستی انجام نداد. به همین دلیل، انقلاب سوریه علیه بشار اسد غافلگیرکننده نبود، هرچند که سه ماه پس از رویدادهای تونس آغاز شد. اسد که در بُعد اقتصادی شکست خورده بود، به قاچاق مواد مخدر و میزبانی گروه‌های مسلح در طول جنگ عراق در چارچوب توافقی با جمهوری اسلامی ایران روی آورد و این روش را بعدها در جنگ خود طی دهه گذشته تکرار کرد. من به یاد نمی‌آورم که او پیش از انقلاب درباره توسعه، مدرن‌سازی اقتصادی و بهبود شرایط معیشتی شهروندانش صحبت کرده باشد.

سوریه امروز و حکام جدید آن نیاز به تأمل در بررسی تاریخ رژیم دو اسد دارند. جای تعجب نیست که رژیمی سقوط کند که در آن یک ارتشی که محافظ آن کشور است یا استاد دانشگاه که نماینده نخبگان جامعه است، درآمدشان به حدود بیست دلار در ماه می‌رسد! تجربه نشان داده است که خطرات شکست اقتصادی از شکست امنیتی بزرگتر است.

شکست اقتصادی سوریه سال‌ها قبل از جنگ و با تحریم‌های «قانون سزار» و مسدود شدن دارایی‌های دولت اسد در خارج و فروپاشی ارزش ملی رخ داده بود. این نتیجه‌ی مدیریت ضعیف بشار اسد، فساد گسترده، حکومت ناکارآمد و وابستگی رژیم به «اقتصاد خاکستری» متکی بر مواد مخدر و درگیری خارجی بود.

سوری‌ها حتی پس از رنج‌های زیادی که در کشورهای میزبان به آنها پناه برده بودند متحمل شدند، در هر زمینه‌ای که وارد شدند، موفقیت‌های بزرگی کسب کردند. امروز فرصتی بزرگ توسط دولت احمد الشرع می‌تواند فراهم شود تا همه سوری‌ها با تمام تفاوت‌ها و تنوع خود گرد آیند و با مشارکت در حکومت، درهای کشور را به روی جهان باز کرده و به جذب سرمایه‌گذاری در آن بپردازند.

*منبع: روزنامه الشرق الاوسط

*نویسنده: عبدالرحمن الراشد

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

بیشتر آنچه را هم در آن دیدارها گذشت، همان زمان در روزنامه «الشرق الاوسط» منتشر کردم.

پس از ترورهایی که در لبنان رخ داد، دیگر این دیدارها را متوقف کردم، زیرا تهدیدهای او دامن روزنامه‌نگاران را نیز گرفته بود و من نیز در فهرست ممنوع‌الورودها به لبنان قرار گرفتم. سپس، اندکی پیش از انقلاب سال ۲۰۱۱ علیه رژیم وی، در یک جلسه گروهی او را دیدم. در آن جلسه، او آرام و مطمئن به نظر می‌رسید و یقین داشت که رژیم او در امنیت کامل بسر می‌برد.

به هر حال، با وجود اطلاعات وحشتناکی که پس از سقوط او آشکار شد و به آنچه پیشتر درباره رژیم هولناک او می‌دانستیم اضافه شد، او در سطح شخصی و در دیدارهایش همیشه مؤدب به نظر می‌رسید؛ آماده بود که بشنود و پاسخ دهد، و تنها در موارد اندکی از کوره در می‌رفت. این شخصیت او در برابر تمام مهمانانش بود. این موضوع باعث سردرگمی بسیاری از افراد در درک و شناخت حقیقت او شده بود. آیا یک گروه شیطان‌پشت آنچه در سوریه و لبنان رخ می‌داد وجود داشت؟ آیا برادرش ماهر، یا افسر علی مملوک، یا همسرش اسماء، یا اشخاصی از رژیم ایران مانند قاسم سلیمانی مسئول آنچه بودند که در سوریه جریان داشت؟

حقیقت اما این است که بشار اسد برخلاف آنچه گفته می‌شود که نظام عامل سرکوب هاست، خود وی به شخصه پشت همه آنچه اتفاق می‌افتاد ایستاده بود و آن را مدیریت می‌کرد. او شکست‌هایش در اداره کشور را با استفاده از زور جبران می‌کرد. در دوران او کشور هر روز فقیرتر می‌شد و تقصیر - برخلاف ادعای او - بر دوش کشورهای مخالف نبود. در واقع بشار پس از به دست گرفتن قدرت، با استقبال زیادی از سوی کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی روبرو شد چرا که امیدی برای خروج از میراث حافظ اسد و رهبری سوریه به سمت باز شدن و مدرن شدن وجود داشت، اما او هیچ چیز جز افزایش زندان‌ها، پیشی گرفتن از پدرش در تعداد ترورها

تفاوت جمهوری اسلامی با ترکیه اردوغان در داشتن تسلیحات اتمی؛ «اسب تروا»ی اسلامگرایان در ناتو و غرب



اردوغان در دیدار با علی خامنه‌ای/ تهران/ ۱۶ شهریور ۱۳۹۷

۷ سپتامبر ۲۰۲۴، هابرتین کارامان تئولوژیست نزدیک به اردوغان، با انتشار مقاله‌ای استدلال کرد که «جهان اسلام یا باید با چین و روسیه متحد شده و همکاری کند، یا ترکیه باید به سمت دست یافتن به کلاهک و سلاح هسته‌ای پیش برود.» به نظر می‌رسد که اردوغان هر دو گزینه را انتخاب کرده است. ترکیه نیز همچون جمهوری اسلامی کار بر روی سه‌گانه تسلیحاتی را دنبال می‌کند: غنی‌سازی، طراحی کلاهک و سامانه حمل کلاهک هسته‌ای. برای مثال، به نظر می‌رسد که از آغاز سال ۲۰۲۱، ژنرال‌های ارشد ترکیه و پاکستان و رؤسای صنایع نظامی دو کشور برای گفتگو و تبادل نظر در زمینه سیستم‌های حمل دیدار کرده‌اند. اینبار اما با یک «دژاوو»، که گویی همه اینها را قبلاً شاهد بوده‌ایم، با یک تفاوت مهم مواجه هستیم: در حالی که اسرائیل می‌تواند به جمهوری اسلامی حمله کند، اما عضویت ترکیه در ناتو می‌تواند از آن در برابر اقدامات پیشگیرانه مشابه محافظت کند. اردوغان می‌تواند از غرب و از ائتلاف دفاعی اولیه و اصلی آن بیزار باشد، اما به دو دلیل ترکیه را از ناتو خارج نمی‌کند: نخست اینکه می‌تواند از اصل توافق جمعی ناتو برای فلج کردن این ائتلاف از درون استفاده کند، و دوم اینکه دست‌کم تا زمانی که دستیابی اردوغان به مپ میسر شود، او نیازمند تعهدات متقابل دفاعی ناتو (اصل پنجم این پیمان نظامی) خواهد بود. در حقیقت اردوغان از ناتو به عنوان سپر دفاعی در برابر اسرائیل استفاده می‌کند. ترکیه اسب تروای [اسلامگرایان در غرب] است. جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای می‌تواند واشنگتن و اورشلیم را به خود درگیر کند، اما اردوغان با همان انگیزه‌های یهودستیزانه غیرمنطقی خامنه‌ای، می‌تواند تا حدی به لطف ناتو نفر نخست در رقابت‌های تسلیحات هسته‌ای باشد.

منبع: واشینگتن اگزمینر
نویسنده: مایکل رویین
ترجمه و تنظیم: الهام رفیع‌زاده

موضوع بازدارندگی از بین می‌رود. در ماه‌های آینده، ممکن است اسرائیل چاره‌ای جز حمله به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی نداشته باشد. هرچند ممکن است برخی صاحب‌نظران بر این عقیده باشند که موفقیت عملیات مشترک اسرائیل و آمریکا در مقابله با حملات پهلپادی و موشکی جمهوری اسلامی در ماه‌های آوریل و اکتبر به اسرائیل فرصت بیشتری داده، اما آنها در تفسیر و توضیح وضعیت اشتباه می‌کنند زیرا اگر حملاتی مشابه با نخستین حمله موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل رخ داده و از هر ۳۰۰ موشک و پهلپاد، فقط هفت فروند هم که اینبار حامل کلاهک‌های شیمیایی، بیولوژیک یا رادیولوژیک هستند به اهداف مورد نظر در اسرائیل برخورد کنند، دیگر هیچ شرط و شروطی باقی نخواهد ماند. در این میان، در حالی که جهان بر احتمال دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای متمرکز است، یک تهدید هسته‌ای پنهان نیز جریان دارد. نیروگاه اتمی ترکیه که توسط روسیه ساخته شده امسال به بهره‌برداری می‌رسد. این ایده که فعالیت‌های آنها در راستای جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای است مبتنی بر تضمین‌های آنکارا و مسکو است. حتی در صورتی که فعالیتی در راستای گسترش سلاح‌های هسته‌ای در آن نیروگاه رخ ندهد، رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه ممکن است استراتژی علی خامنه‌ای را دنبال کند. جمهوری اسلامی از راکتور بوشهر که توسط روسیه ساخته شد، برای مشروعیت بخشیدن به سفارش‌ها و واردات تجهیزاتی استفاده کرد که توانست موجب انحراف توجهات از تأمین تجهیزات برنامه پنهانی خود گردد. حدود پنج سال پیش اردوغان در سخنرانی صدمین سالگرد آغاز جنبش استقلال ترکیه، به بلندپروازی‌های هسته‌ای اشاره کرد و گفت: «چند کشور موشک با کلاهک هسته‌ای دارند، آنهم نه یکی دوتا. اما [همانها به ما می‌گویند که] ما نمی‌توانیم آن را داشته باشیم. این پذیرفتنی نیست.» در جایی دیگر نیز به این موضوع اشاره شده است. در

● گسترش اعتراضات سرتاسری و نیز مسئله جانشینی رهبر جمهوری اسلامی پرسش‌هایی را در ارتباط با موضوع ثبات حکومت در ایران ایجاد می‌کند و چنانچه سقوط یک جمهوری اسلامی [دارای سلاح هسته‌ای] اجتناب‌ناپذیر شود، باورمندان سرسخت و متعصب رژیم که زرادخانه هسته‌ای جمهوری اسلامی را در اختیار دارند می‌توانند برای تحقق آنچه سرنوشت ایدئولوژیک خود می‌دانند دست به حمله هسته‌ای بزنند.

● اگر حملاتی مشابه با نخستین حمله موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل رخ داده و از هر ۳۰۰ موشک و پهلپاد، فقط هفت فروند هم که اینبار حامل کلاهک‌های شیمیایی، بیولوژیک یا رادیولوژیک هستند به اهداف مورد نظر در اسرائیل برخورد کنند، دیگر هیچ شرط و شروطی باقی نخواهد ماند.

● در حالی که اسرائیل می‌تواند به جمهوری اسلامی حمله کند، اما عضویت ترکیه در ناتو می‌تواند از آن در برابر اقدامات پیشگیرانه مشابه محافظت کند... در حقیقت اردوغان، با همان انگیزه‌های یهودستیزانه غیرمنطقی خامنه‌ای، از ناتو به عنوان سپر دفاعی در برابر اسرائیل استفاده می‌کند. ترکیه اسب تروای [اسلامگرایان در غرب] است.

مایکل رویین (واشنگتن اگزمینر) - تسلیحات هسته‌ای جمهوری اسلامی می‌تواند بازی در خاورمیانه را تغییر دهد. دست‌کم در صورتی که زمامداران جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای دست یابند، می‌توانند با اتکا بر بازدارندگی هسته‌ای خود احساس امنیت کرده و به گسترش تروریسم بدون ترس از اقدامات تلافی‌جویانه ادامه دهند. تروریست‌های جمهوری اسلامی می‌توانند آمریکاییان را در سرتاسر جهان به قتل رسانده و حتی می‌توانند به واسطه ترس ایالات متحده از تشدید تنش، باعث تردید و ممانعت از اقدام نظامی از سوی واشنگتن شوند. برخی صاحب‌نظران با این استدلال که جمهوری اسلامی دست به خودکشی نخواهد زد، عنوان می‌کنند که جهان، حتی اسرائیل، می‌تواند با جمهوری اسلامی هسته‌ای زندگی کند. این استدلال در حقیقت همان مغلطه پهلپان‌پنه‌ای است. مشکل در اینجا نیست که آیا این رژیم دست به خودکشی خواهد زد یا نه؛ مشکل اینجاست که جمهوری اسلامی یک بیمار با درد بی‌درمان است. حفاظت از هرگونه ضربه به پیکر جمهوری اسلامی بر عهده رادیکال‌ترین و ایدئولوژیک‌ترین واحد یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

گسترش اعتراضات سرتاسری و نیز مسئله جانشینی رهبر جمهوری اسلامی پرسش‌هایی را در ارتباط با موضوع ثبات حکومت در ایران ایجاد می‌کند. هیچ رژیم تا ابد ماندگار نبوده و چنانچه سقوط یک جمهوری اسلامی [دارای سلاح هسته‌ای] اجتناب‌ناپذیر شود - رومانی در حال فروپاشی در سال ۱۹۸۹ را تصور کنید - باورمندان سرسخت و متعصب رژیم که زرادخانه هسته‌ای جمهوری اسلامی را در اختیار دارند می‌توانند برای تحقق آنچه سرنوشت ایدئولوژیک خود می‌دانند دست به حمله هسته‌ای بزنند.

هیچ راهی برای جلوگیری از چنین حمله‌ای وجود ندارد، زیرا بعد از فروپاشی، نه اورشلیم و نه واشنگتن بدون هیچ دلیلی دست به کشتن میلیون‌ها ایرانی که از جمهوری اسلامی متنفر هستند نخواهند زد. در چنین سناریویی،

گردهای سوریه و شیعیان لبنان؛ هر دو چاره‌ای جز پذیرش یک دولت ملی فراگیر ندارند



میدان اموی در دمشق پایتخت سوریه/ ۳ ژانویه ۲۰۲۵ / رویترز

در بر بگیرد، وجود ندارد. مشکل کردها در سوریه این است که آنها رؤیای دیرینه‌ای برای ایجاد یک کشور و دولت مستقل کردی دارند؛ رؤیایی که ذهن تمام کشورهای همسایه را نیز به خود مشغول کرده چرا که آنها در چندین کشور پخش هستند و در سوریه کم‌جمعیت‌ترین گروه کردی در منطقه را تشکیل می‌دهند. اکثریت کردها در ترکیه زندگی می‌کنند در حالی که بخشی از آنها در عراق و گروهی دیگر ایرانیان گرد هستند.

منطقه جغرافیایی که کردهای سوریه در آن ساکن هستند نیز بطور کامل کردی نیست بلکه عرب‌ها، ترکمن‌ها و گروه‌های دیگر قومی در آنجا اکثریت دارند. بنابراین بعید است که سوریه به کشوری با یک اقلیم مستقل کردی تبدیل شود. حضور مسلحانه کردها در دهه گذشته بیشتر جنبه عملکردی داشت و با وقوع تغییرات اخیر، این نقش به پایان رسیده است.

در این میان، ترکیه درگیر یک نزاع طولانی با آندست از احزاب کردی است که شعار ایجاد دولت کردی را سر می‌دهند از جمله حزب کارگران کردستان (PKK) که در بسیاری از کشورها به عنوان یک سازمان تروریستی شناخته شده است. تاریخ درگیری میان کردها و ترک‌ها طولانی است، و ترکیه در مراحل مختلف تلاش کرده است این مسئله را مهار کند.

این در حالیست که همه کردهای ترکیه به «حزب کارگران کردستان» و یا بطور کلی احزاب کردی تعلق ندارند. برخی از کردها در حزب حاکم عدالت و توسعه (AKP) نقش دارند و ۶۰ نماینده این حزب در پارلمان کرد هستند. حتی حزب کارگران کردستان نیز ۹ نماینده در پارلمان ترکیه دارد. علاوه بر این، شخصیت‌های تاریخی برجسته ترکیه ←

مخالفان بوده است. همانطور که یکی از فعالان اپوزیسیون سوریه گفته است: «این بدترین حکومتی است که از زمان فتوحات اسلام بر سوریه حکم رانده است!» بررسی تاریخ آن حکومت به خود سوری‌ها واگذار می‌شود تا تعفن آن را که مشام‌ها را آزار می‌دهد، آشکار کنند. اما آینده چه خواهد شد؟ به‌ویژه موضوع مناسبات حکومت جدید با انواع گروه‌های اجتماعی سوریه چگونه خواهد بود؟

ترکیب جمعیتی سوریه و بهم‌پیوستگی جامعه
سوریه کشوری با شانزده مذهب و قوم مختلف است: عرب‌ها، کردها، ترکمن‌ها، چرکس‌ها، آلبانیایی‌ها (آرناؤوط)، دروزی‌ها، شیعیان، علوی‌ها، مسیحیان، اسماعیلیان، مرشدیان، ایزدی‌ها و دیگر گروه‌ها. این اجزاء، چه کوچک و چه بزرگ، ترکیب جمعیتی سوریه را تشکیل می‌دهند، در حالی که اهل سنت اکثریت جمعیت را که بین اقوام این کشور پخش شده، یعنی عرب سنی یا کرد سنی، دارا هستند علاوه بر این، سوریه (شام) از نظر تاریخی کشوری مهاجرپذیر بوده بطوری که بزرگترین محله دمشق به نام «محله مهاجران» شناخته می‌شود. بیشتر نیروهای مسلحی که به قدرت رسیده‌اند اهل سنت هستند و همچنین یک گروه مسلح گرد نیز در این میان وجود دارد.

پدیده اجتماعی مهم در سوریه این است که تقریباً همه این آحاد در بافت اجتماعی سوریه با یکدیگر آمیخته‌اند، چه در شهرها و چه در مناطق مختلف. به عبارت دیگر، تعداد کمی از این اجزاء دارای جغرافیای خاص و مشخصی هستند، و این موجب شده است که همه، بطور کلی، هویت عربی داشته باشند. بنابراین، برای سوری‌ها راهی به سوی آینده جز ایجاد یک دولت ملی فراگیر که تمام آحاد و تنوع آن را

● پدیده اجتماعی مهم در سوریه این است که تقریباً همه این آحاد در بافت اجتماعی سوریه با یکدیگر آمیخته‌اند، چه در شهرها و چه در مناطق مختلف. به عبارت دیگر، تعداد کمی از این اجزاء دارای جغرافیای خاص و مشخصی هستند، و این موجب شده است که همه، بطور کلی، هویت عربی داشته باشند. بنابراین، برای سوری‌ها راهی به سوی آینده جز ایجاد یک دولت ملی فراگیر که تمام آحاد و تنوع آن را در بر بگیرد، وجود ندارد.

● منطقه جغرافیایی که کردهای سوریه در آن ساکن هستند نیز بطور کامل کردی نیست بلکه عرب‌ها، ترکمن‌ها و گروه‌های دیگر قومی در آنجا اکثریت دارند. بنابراین بعید است که سوریه به کشوری با یک اقلیم مستقل کردی تبدیل شود. حضور مسلحانه کردها در دهه گذشته بیشتر جنبه عملکردی داشت و با وقوع تغییرات اخیر، این نقش به پایان رسیده است.

● شیعیان لبنان نیز راهی جز پذیرش یک دولت ملی فراگیر ندارند، فارغ از تلخی‌ها و مصائبی که گذشته به همراه داشته و همه طرفین در آن نقش داشته‌اند. موضوع اصلی در این مرحله مبهم که چندین کشور عربی مانند لبنان، سوریه، عراق و یمن را در بر می‌گیرد، امتناع یک یا چند گروه برای زندگی مشترک و همزیستی با سایر اجزای جامعه شامل اقوام و مذاهب گوناگون در چارچوب یک وطن است.

محمد الرمیحی (الشرق الاوسط) - آنچه در سوریه آشکار می‌شود این است که کشتارهای عظیمی رخ داده، به گونه‌ای که حتی بدبین‌ترین افراد نیز نمی‌توانستند ابعاد این فجایع را تصور کنند. آنچه جهان تا کنون از آن مطلع شده، تنها نوک کوه یخ از حکومتی فرقه‌ای و مرگبار است که شعارش حذف

مانند تورگوت اوزال نخست‌وزیر و معمار اصلاحات اقتصادی، و امروز محمد شیمشک معمار اقتصاد کنونی در دولت فعلی، از کردها بوده‌اند.

اصلاح انقلابی؛ پروین اعتصامی از ۱۷ دی، کشف حجاب و آزادی زنان می‌گوید: مهر رخشان را نشاید گفت که نورانی نبود!



گرافیک از کیهان لندن

تفاوت که برعکس هدف و تفکر خواستاران و مدافعان حجاب در جمهوری اسلامی، «کشف حجاب» و به در آمدن زن ایرانی از زیر چادر و چاقچور سیاه قرون، بر بستر جنبش و درخواست زنان پیشرو و آگاهی انجام شد که از دوران قاجار به حرکت در آمده بود و در خود دربار با زانی چون تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین شاه و در جامعه با چهره‌هایی مانند قره‌العین و همه زنانی که برای آموزش و پرورش زنان و تأسیس مدارس دخترانه تلاش می‌کردند بازتاب می‌یافت.

زنانی که چادر و چاقچور و روبنده را درست مانند ایرج میرزا مانعی در راه رشد نیمی از جامعه می‌دانستند و رضاشاه نیز کاری جز همراهی با آنها و پاسخ به مطالبه‌ی آنان نکرد. همان مطالبه‌ای که جمهوری اسلامی پس از یک «انقلاب» همچنان به آن بی‌اعتنایی می‌کند!

کشف حجاب یک اقدام و اصلاح انقلابی در یک جامعه سنتی و به شدت خرافی و مذهبی بود که از استبداد قاجاری و مناسبات ارباب و رعیتی به ارث مانده بود. زنان آگاه و روشنفکران آن دوران به همان اندازه در سال ۱۳۱۴ آمده‌ی پذیرش کنار نهادن حجاب سنتی و مذهبی بودند که زنان ناآگاه و روشنفکران دوران انقلاب ۵۷ آمده‌ی خود را برای پذیرش حجاب تحمیلی اعلام کرده و در برابر اقلیتی آگاه که علیه حجاب در روز ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ (۸ مارس ۱۹۷۹) تظاهرات کردند، تمام قد ایستادند و آنها را «ضدانقلاب» نامیدند. اینان در تمام سال‌های بعد نیز، حتا تا به امروز، به توجیه «حجاب» پرداخته و می‌پردازند، فقط با این تفاوت که در برابر کشف حجاب که به نظر آنان از «بالا» تحمیل شد، به تبلیغ «حجاب اختیاری» از «پایین» ارتقاء تفکر یافته‌اند!

در این میان در برابر همه تحریقاتی که صورت می‌گیرد و همه توجیهات علیل که متاسفانه از سوی برخی زنان نیز علیه تاریخ و به در آمدن زنان از زیر حجاب سیاه انجام می‌شود، چه شاهی گویاتر از زبان شاعرانه‌ی زنی آگاه درباره کشف حجاب، که خود در همان دوران بسر می‌برد و از نزدیک با مسئله حجاب و موقعیت زنان در آن تاریخ درگیر بود: پروین اعتصامی...

● برعکس هدف و تفکر خواستاران و مدافعان حجاب در جمهوری اسلامی، «کشف حجاب» و به در آمدن زن ایرانی از زیر چادر و چاقچور سیاه قرون، بر بستر جنبش و درخواست زنان پیشرو و آگاهی انجام شد که از دوران قاجار به حرکت در آمده بود و رضاشاه کاری جز همراهی با آنها و پاسخ به مطالبه‌ی آنان نکرد. همان مطالبه‌ای که جمهوری اسلامی پس از یک «انقلاب» همچنان به آن بی‌اعتنایی می‌کند!

● زنان آگاه و روشنفکران آن دوران به همان اندازه در سال ۱۳۱۴ آمده‌ی پذیرش کنار نهادن حجاب سنتی و مذهبی بودند که زنان ناآگاه و روشنفکران دوران انقلاب ۵۷ آمده‌ی خود را برای پذیرش حجاب تحمیلی اعلام کرده و در برابر اقلیتی آگاه که علیه حجاب در روز ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ (۸ مارس ۱۹۷۹) تظاهرات کردند، تمام قد ایستادند و آنها را «ضدانقلاب» نامیدند. اینان در تمام سال‌های بعد نیز به توجیه «حجاب» پرداخته و می‌پردازند، فقط با این تفاوت که در برابر کشف حجاب که به نظر آنان از «بالا» تحمیل شد، به تبلیغ «حجاب اختیاری» از «پایین» ارتقاء تفکر یافته‌اند!

الاهه بقراط - درباره «کشف حجاب» سخن بسیار رفته است. و البته هیچ تحریفگر سازمانیافته‌ای به ویژه درباره تاریخ معاصر ایران به اندازه دم و دستگاه عریض و طویل جمهوری اسلامی فعال نبوده که با تحریف تاریخ و دروغ‌پردازی، از چند سال پیش، «۲۱ تیر» را نیز به مناسبت غائله ارتجاعی مشهد و مسجد گوهرشاد به تحریک آخوندهای مرتجع علیه کشف حجاب در سال ۱۳۱۴، به عنوان «روز عفاف و حجاب» نامگذاری کرده تا بیشتر مأموران خود را برای مردم‌آزاری و مزاحمت علیه زنان راهی خیابان‌ها و اماکن عمومی کند.

تحریفی که گاه با پای چوبین استدلال برخی «روشنفکران» و سیاسیون نیز همگام شده. مانند این «استدلال»: «کشف حجاب» از «بالا» بود! تو گویی اساساً هیچ اصلاحی از «پایین» هم امکان‌پذیر است! «پایین» فقط می‌تواند انقلاب بکند که کرد تا این بار نه تأمین حقوق زنان بلکه زیر پا نهادن آن و «تحمیل حجاب» از «بالا» انجام شود! با این

ترکیب جمعیتی لبنان و بهم‌پیوستگی جامعه

در لبنان نیز ۱۸ طایفه مختلف وجود دارد. در دوره‌ی «حزب‌الله» توانست با استفاده از حمایت‌های منطقه‌ای، تطمیع یا ارباب، و شعارهای پرطنین، بر دیگران تسلط یابد. اما این شرایط، لبنان را به کشوری شکست‌خورده با اقتصادی فلج تبدیل کرده است.

با توجه به تحولات اخیر، شیعیان لبنان نیز راهی جز پذیرش یک دولت ملی فراگیر ندارند، فارغ از تلخی‌ها و مصائبی که گذشته به همراه داشته و همه طرفین در آن نقش داشته‌اند. وگرنه وضعیت منطقه‌ای و بین‌المللی اجازه نخواهد داد که حزب‌الله همچنان مسلح بماند و بر دولت این کشور مسلط باشد یا تهدیدی برای صلح اجتماعی لبنان به وجود بیاورد. هرچه زودتر رهبران حزب‌الله به این واقعیت پی ببرند، برای خودشان و دیگران بهتر خواهد بود. موضوع اصلی در این مرحله مبهم که چندین کشور عربی مانند لبنان، سوریه، عراق و یمن را در بر می‌گیرد، امتناع یک یا چند گروه برای زندگی مشترک و همزیستی با سایر آحاد جامعه شامل اقوام و مذاهب گوناگون در چارچوب یک وطن است. در این میان، برخی گروه‌ها تحت پوشش شعارهای مختلف تلاش کرده‌اند تا قدرت و ثروت را بطور کامل تصاحب کرده و دیگران را به حاشیه برانند؛ حتی در برخی مناطق به حذف فیزیکی رهبران مخالفان خود نیز دست زده‌اند.

چنین معادله‌ای دیگر تقریباً به انتهای خود رسیده و هیچ راهی جز ایجاد یک دولت ملی قانونی و عادلانه باقی نمانده است. وگرنه درگیری‌های فرقه‌ای ادامه خواهد داشت و کشورهای منطقه ضعیف شده و در معرض نفوذ و افتراق قرار خواهند گرفت.

بنابراین، تنها راه برای بقای نظام جدید در سوریه، ایجاد یک دولت ملی قانونی است که تمام آحاد جامعه را زیر یک سقف و با یک قانون مشترک در بر گیرد.

ساختن مدرنیته در کشوری که از عمق انحصار و استبداد بیرون آمده، کار آسانی نیست. با وجود دشواری‌های این فرآیند اما این مسیر نیاز به تلاش جدی دارد.

سوریه در حال حاضر با دو چالش بزرگ روبرو است: نخست، مسئله اقتصادی که به حل فوری نیاز دارد.

دوم، مسئله بازگشت سرمایه‌های ملی که به دلیل بحران‌ها و ناپایداری‌ها مهاجرت کرده‌اند.

در اینجا اهمیت حمایت کشورهای عربی از سوریه جدید روشن می‌شود، به ویژه کشورهای عربی نزدیک‌تر مانند کشورهای خلیج فارس، اردن و مصر. این تلاشی است که شایسته است با سرعت لازم انجام شود تا سوریه بتواند با امنیت از این برهه حساس عبور کند.

آخرین کلام اینکه شب‌ها پر از حوادث است و پیش‌بینی جهت‌گیری دولت آینده‌ی ایالات متحده دشوار است. بنابراین بر کشورهای عربی است که پیشگام شوند تا امنیت و صلح را در منطقه خود حفظ کنند و سوریه به عنوان حلقه اتصال در حفظ امنیت و صلح اهمیت ویژه‌ای دارد.

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: دکتر محمد الرمیچی استاد جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه کویت و نویسنده کتاب‌هایی درباره جوامع حاشیه‌ی خلیج فارس و فرهنگ عرب، سردبیر سابق مجله «العربی» است.

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

➔ (در ستایش ۱۷ دی ۱۳۱۴ روز آزادی زنان ایران از قید حجاب و چادر و چاقچور)

جلوهی صد پرنیان، چون یک قباي ساده نیست
عزت از شایستگی بود از هوسرانی نبود

زن در ایران، پیش از این گویی که ایرانی نبود
پیشه اش، جز تیره‌روزی و پریشانی نبود

ارزش پوشانده کفش و جامه را ارزنده کرد
قدر و پستی، با گرانی و به ارزانی نبود



پروین اعتصامی و محمدرضا شاه پهلوی (ولیعهد)، کتابخانه دانشسرای عالی ۱۳۱۶

جمهوری اسلامی و ایتالیا سفرای یکدیگر را احضار کردند؛ قضیه‌ی تبادل چچیلیا سالا با محمد عابدینی نجف‌آبادی



محمد عابدینی نجف‌آبادی

● یک روز پس از احضار سفیر جمهوری اسلامی در رم از سوی وزارت خارجه ایتالیا که در اعتراض به بازداشت چچیلیا سالا خبرنگار ایتالیایی در ایران صورت گرفت، سفیر ایتالیا در تهران نیز به وزارت خارجه جمهوری اسلامی احضار شد.

● آنتونیو تاجانی وزیر خارجه ایتالیا ۱۴ دی‌ماه ۱۴۰۳ گفت که محمدرضا صبوری سفیر جمهوری اسلامی ایران در رم به وزارت خارجه احضار شده تا درباره وضعیت سالا و محمد عابدینی نجف‌آبادی با او صحبت شود.

یک روز پس از احضار سفیر جمهوری اسلامی در رم از سوی وزارت خارجه ایتالیا که در اعتراض به بازداشت چچیلیا سالا خبرنگار ایتالیایی در ایران صورت گرفت، سفیر ایتالیا در تهران نیز به وزارت خارجه جمهوری اسلامی احضار شد.

آنتونیو تاجانی وزیر خارجه ایتالیا ۱۴ دی‌ماه ۱۴۰۳ گفت که محمدرضا صبوری سفیر جمهوری اسلامی ایران در رم به وزارت خارجه احضار شده تا درباره وضعیت سالا و محمد عابدینی نجف‌آبادی با وی صحبت شود.

پیشتر کیهان لندن به نقل از یک منبع در وزارت خارجه ایتالیا گزارش داده بود، جمهوری اسلامی «آزادی این روزنامه‌نگار را مشروط به عدم استرداد محمد عابدینی نجف‌آبادی به آمریکا و آزادی این فرد کرده است».

عابدینی نجف‌آبادی ۲۶ آذرماه ۱۴۰۳ به درخواست ایالات متحده در فرودگاه میلان بازداشت شد. آمریکا او را متهم به تأمین فناوری‌های نظامی برای سپاه پاسداران انقلاب

سادگی و پاکی و پرهیز یک یک گوهرند
گوهر تابنده تنها گوهر کانی نبود

از زر و زیور چه سود آنجا که نادان است زن
زیور و زر، پرده‌پوش عیب نادانی نبود

عیب‌ها را جامه‌ی پرهیز پوشانده‌ست و بس
جامه‌ی حجب و حیا بهتر ز عریانی نبود

زن، سبکساری نبیند تا گرانسنگ است و بس
پاک را آسیمی از آلوده‌دامانی نبود

زن چون گنجور است و عفت گنج و حرص و آز دزد
وای اگر آکه ز آیین نگاهیانی نبود

اهرمن بر سفره‌ی تقوی نمی‌شد میهمان
زانکه می‌دانست کآنجا جای مهمانی نبود

پا به راه راست باید داشت، کاندرا راه کج
توشه‌ای و رهنوردی، جز پشیمانی نبود

چشم و دل را پرده می‌بایست اما از عفاف
چادر پوشیده، بنیاد مسلمانی نبود

خسروا، دست توانای تو، آسان کرد کار
ورنه در این کار سخت امید آسانی نبود

شه نمی‌شد گردد این گمگشته کشتی ناخدای
ساحلی پیدا از این دریای طوفانی نبود

باید این انوار را پروین به چشم عقل دید
مهر رخشان را نشاید گفت نورانی نبود

زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می‌گذشت
زن چه بود آن روزها، گر زآنکه زندانی نبود

کس چو زن اندر سباهی قرن‌ها منزل نکرد
کس چو زن در معبد سالوس، قربانی نبود

در عدالتخانه‌ی انصاف زن شاهد نداشت
در دبستان فضیلت زن دبستانی نبود

دادخواهی‌های زن می‌ماند عمری بی‌جواب
آشکارا بود این بیداد، پنهانی نبود

بس کسان را جامه و چوب شبانی بود، لیک
در نهاد جمله گرگی بود، چوپانی نبود

از برای زن به میدان فراخ زندگی
سرنوشت و قسمتی جز تنگ‌میدانی نبود
نور دانش را ز چشم زن نهان می‌داشتند
این ندانستن، ز پستی و گرانجانی نبود

زن کجا بافنده می‌شد، بی نخ و دوک هنر
خرمن و حاصل نبود، آنجا که دهقانی نبود

میوه‌های دکه‌ی دانش فراوان بود، لیک
بهر زن هرگز نصیبی زین فراوانی نبود

در قفس می‌آرمید و در قفس می‌داد جان
در گلستان نام ازین مرغ گلستانی نبود

بهر زن تقلید تبه فتنه و چاه بلاست
زیرک آن زن، کو رهش این راه ظلمانی نبود

آب و رنگ از علم می‌بایست، شرط برتری
با زمرد یاره و لعل بدخشانی نبود

هشدار وزیر خارجه فرانسه به جمهوری اسلامی: روابط دوجانبه ما و آینده تحریم‌ها به آزادی گروگان‌ها بستگی دارد



ژان نوئل بارو، وزیر امور خارجه فرانسه / رویترز

شرایط سه تبعه این کشور را که توسط جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده‌اند، «غیرقابل قبول» خوانده و گفته بود دولت به تلاش برای آزادی فوری آنها ادامه خواهد داد. اما این تلاش‌ها نتیجه نداشت.

رسانه‌های داخلی در همین ارتباط گزارش داده بودند که سپهبد کوهلر فعال سندیکایی فرانسوی که تا کنون بیش از ۹۵۰ روز است در ایران در بازداشت بسر می‌برد، قرار بود روز یکشنبه چهارم آذرماه ۱۴۰۳ در دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه شود.

کوهلر و همسرش ژاک پاری از زمان بازداشت در اردیبهشت سال ۱۴۰۱ تا کنون در بند ۲۰۹ زندان اوین، بند تحت نظارت وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، زندانی هستند.

هشدار وزارت خارجه فرانسه در مورد سفر به ایران یک روز پس از آن اعلام شده که امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه گفت: «در ماه‌های آینده باید درباره فعال شدن «مکانیسم ماشه» تصمیم بگیریم.»

ماکرون هشدار داد: «برنامه اتمی جمهوری اسلامی به نقطه بی‌بازگشت نزدیک می‌شود.»

پس از صدور قطعنامه علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی در شورای حکام، مقامات رژیم با افزایش تعداد سانتریفیوژها در تأسیسات اتمی فردو و نظنز میزان غنی‌سازی و ذخیره‌ی اورانیوم غنی‌شده را افزایش دادند. همین اقدام باعث شد که اروپایی‌ها در مورد احتمال فعال شدن «مکانیسم ماشه» هشدار بدهند.

در همین ارتباط عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ۸ آذرماه ۱۴۰۳ با تهدید کشورهای غربی گفت: «اگر غرب تحریم‌های سازمان ملل بر ضد جمهوری اسلامی را دوباره فعال کند، مذاکرات هسته‌ای به سمت ساخت سلاح اتمی تغییر جهت خواهد داد.»

● فرانسه از شهروندان خود خواست تا «آزادی گروگان‌ها»ی این کشور، به ایران سفر نکنند.

● ژان نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه می‌گوید: «وضعیت هموطنان ما که چندین سال است به ناحق در ایران گروگان گرفته شده‌اند، غیرقابل قبول است. آنها در شرایط نامناسبی در بازداشت بسر می‌برند که طبق قوانین بین‌المللی مصداق شکنجه است.»

● وزیر خارجه فرانسه خطاب به مقامات جمهوری اسلامی هشدار داد: «گروگان‌های فرانسوی باید آزاد شوند و روابط دوجانبه ما و آینده تحریم‌ها به آن بستگی دارد.»

● هشدار وزارت خارجه فرانسه در مورد سفر به ایران یک روز پس از آن اعلام شد که امانوئل ماکرون رئیس جمهور این کشور گفت: «در ماه‌های آینده باید درباره فعال شدن «مکانیسم ماشه» تصمیم بگیریم.»

وزیر خارجه فرانسه روز سه‌شنبه ۷ ژانویه (۱۸ دی‌ماه) از شهروندان این کشور خواست تا زمانی که اتباع فرانسوی که توسط جمهوری اسلامی به «گروگان» گرفته شده‌اند آزاد نشوند، از سفر به ایران خودداری کنند.

به گزارش رویترز، ژان نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه به اتباع این کشور توصیه کرد تا وقتی که «گروگان‌های ما» آزاد نشده‌اند از سفر به ایران خودداری شود.

او تأکید کرد: «وضعیت هموطنان ما که چندین سال است به ناحق در ایران گروگان گرفته شده‌اند، غیرقابل قبول است. آنها در شرایط نامناسبی در بازداشت بسر می‌برند که طبق قوانین بین‌المللی مصداق شکنجه است.»

وزیر خارجه فرانسه خطاب به مقامات جمهوری اسلامی هشدار داد: «گروگان‌های فرانسوی باید آزاد شوند و روابط دوجانبه ما و آینده تحریم‌ها به آن بستگی دارد.»
پیش از این نیز وزارت خارجه فرانسه ۲۶ مهرماه ۱۴۰۳

→ اسلامی کرده است. تجهیزاتی که گفته شد در حمله پهبادی به پایگاه آمریکایی‌ها در اردن مشهور به «برج ۲۲» استفاده شده است. در این حمله سه سرباز آمریکایی کشته شدند.

در شرایطی که آمریکا خواستار استرداد عابدینی است، دادگاه او قرار است ۲۶ دی‌ماه برگزار شود. او اکنون تحت نظر پلیس و در حبس خانگی بسر می‌برد.

مقامات جمهوری اسلامی مدعی هستند که اتهامات به محمد عابدینی نجف‌آبادی بی‌اساس و «واهی» است اما واقعیت آن است که گروگانگیری خبرنگار ایتالیایی در تهران که تا کنون جز در چهارچوب موازین جمهوری اسلامی و با نگاه مثبت به آن گزارشی نداده است، تأیید می‌کند که عابدینی نقشی داشته که برای رژیم ارزشمند است چرا که ایرانیان بسیاری در سراسر دنیا به جرائم متفاوت در کشورهای مختلف زندانی هستند اما حکومت برای استرداد و یا مبادله‌ی آنها هیچ تلاشی نمی‌کند اما برای بازگشت



چچیلیا سالا

عابدینی و افراد مشابه وی به ایران دست به گروگانگیری زده است. همان افرادی که اغلب متهم به تأمین فناوری‌های نظامی و ارسال قطعات با کاربرد نظامی یا پولشویی به نفع رژیم اسلامی هستند.

محمد عابدینی نجف‌آبادی به درخواست دولت آمریکا در شهر میلان ایتالیا در فرودگاه مالپنسا به محض ورود با پروازی از استانبول بازداشت و بلافاصله به زندان بوستو آرسیزیو منتقل شد. دادگستری ایتالیا از زمان بازداشت ۴۵ روز فرصت دارد تا در رابطه با تقاضای استرداد محمد عابدینی نجف‌آبادی به آمریکا تصمیم‌گیری کند. محمد عابدینی نجف‌آبادی مدیر شرکتی در سوئیس به نام Illumove SA است که پوششی برای فعالیت‌های تجاری «صنعت دانش پویان افلاک» است. نهادی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در زمینه ساختن پهباد فعال است.

به گروگان گرفتن چچیلیا سالا توسط جمهوری اسلامی در حالیست که وی در گزارش‌های خود دولت پزشک‌های را مثبت ارزیابی کرده است. این روزنامه‌نگار ۲۸ ساله ایتالیایی که قبلاً هم به ایران سفر کرده بود، هنوز به جرم مشخصی از سوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی متهم نشده است.

کیهان لندن پیشتر در گزارش خود نوشته بود که مقامات جمهوری اسلامی قبل از متهم ساختن این خبرنگار ایتالیایی به اتهامات واهی و غیرواقعی چون «جاسوسی»، «حمایت از اغتشاشگران» و یا «تشویق به نافرمانی»، در انتظار نتایج اولیه مذاکرات مستقیم با دولت ایتالیا و گفتگوهای غیرمستقیم با آمریکا هستند.

گزارش ویژه؛ پرونده سنگین محمد عابدینی نجف آبادی و «واکنش مناسب» جمهوری اسلامی: گروگانگیری!

«صدرا» تولید می‌شود. شرکتی که محمد عابدینی نجف آبادی در سال ۱۳۸۹ با دو شریک دیگر تاسیس کرده است. مدیرعامل «صدرا» خود عابدینی است که ۳۲ درصد از سهام آنرا نیز در اختیار دارد. یکی از دو شریک دیگر حمید فاضلی است که زمانی سرپرست «سازمان فضایی ایران» بود.

محمد عابدینی نجف آبادی که در سال ۱۳۹۱ با یک بورس پژوهشی به پلی‌تکنیک لوزان در سوئیس راه پیدا کرده بود، با استفاده از این موقعیت توانست به قطعات ساخت آمریکا برای تکمیل سیستم «سپهر» دست پیدا کند که از سوی این موسسه سوئیس درخواست شده بودند. طبق مدارکی که «اف‌بی‌آی» به آنها اشاره می‌کند، این قطعات به نام عابدینی به آدرسی در لوزان ارسال می‌شدند. طبق شواهدی که در این پرونده به آنها اشاره می‌شود، محمد عابدینی نجف آبادی این قطعات را همراه خود به ایران می‌برده و آنها را با اطلاع مقامات گمرک فرودگاه ژنو؛ البته با این توجیه که برای پژوهش‌های خود در پلی‌تکنیک لوزان به آنها احتیاج دارد. البته پس از مدتی این دروغ او برملا می‌شود و دیگر نمی‌تواند رسماً قطعات الکترونیک لازم برای تکمیل سیستم «سپهر» را به صورت چمدانی به ایران ببرد.

در این مرحله است که او اقدام به ثبت شرکتی در لوزان با یک شریک سوئیس می‌کند. این شرکت در ابتدا با نام Sad-raLab فعالیت می‌کرد، ولی بعد از مدتی برای رد گم کردن نام این شرکت به Illumove تغییر پیدا می‌کند. تنها فعالیت این شرکت وارد کردن قطعات الکترونیک مورد نیاز از شرکتی آمریکایی به نام Analog Devices و ارسال غیرقانونی آنها به تهران بوده است. رابط شرکت سوئیس محمد عابدینی نجف آبادی با طرف آمریکایی، یک فارغ‌التحصیل دیگر دانشگاه «شریف» به نام مهدی محمدصادقی ۴۲ ساله است که برای ادامه تحصیلات در مقطع دکترا به میشیگان رفته بود و در حال حاضر شهروندی آمریکا را نیز به دست آورده است. او در این دانشگاه آمریکایی دکترای خود را در زمینه صنایع پهبادی نسل اول یا MAV به پایان رسانده است. پهبادهای امروزی نسل بعدی هستند و به نام UAV شناخته می‌شوند. مهدی محمدصادقی در سال ۱۳۹۶ شرکت Tacit Motion را با یک شریک آمریکایی به ثبت می‌رساند که رسماً در زمینه تولید سیستم‌های ناوبری برای صنایع فعال است. مهدی محمدصادقی با دریافت یک وام ۷۹۰ هزار دلاری از «بنیاد ملی نخبگان» جمهوری اسلامی فعالیت‌های خود را توسعه می‌دهد و با محمد عابدینی نجف آبادی که در جریان سفری به ایران در سال ۱۳۹۶ با او آشنا شده بود، همکاری را آغاز می‌کند.

مهدی محمدصادقی به درخواست محمد عابدینی نجف آبادی به شرکت آمریکایی Analog Devices مراجعه می‌کند و متوجه می‌شود که یکی از مدیران این شرکت از هم‌دانشگاهی‌های او در میشیگان است. این آشنایی روابط با شرکت سوئیس عابدینی را تسهیل می‌کند. قرارداد همکاری Analog Devices با Illumove در تابستان سال ۱۴۰۰ امضا شد. این همکاری به شرکت «صدرا» این امکان را می‌داد تا بدون دغدغه سیستم‌های ناوبری تلفیقی «سپهر» را برای پهبادهای «شاهد» تولید کند. شرکت «صدرا» بنا بر تحقیقات خزانهداری آمریکا با فروش پهبادهای ایرانی به روسیه توانست سود خود را ۵۵۶ درصد افزایش دهد.



محمد عابدینی نجف آبادی

چهار جرم متهم شده است: زیر پا گذاشتن دو مصوبه که در برگزیده تحریم‌هایی علیه جمهوری اسلامی هستند. همکاری با یک نهاد تروریستی و همچنین دست داشتن در قتل سه سرباز آمریکایی.

نهاد تروریستی که در این پرونده به آن اشاره می‌شود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که در آمریکا در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دارد. غیر از آمریکا، تنها دو کشور دیگر، کانادا و سوئد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را گروهی تروریستی اعلام کرده‌اند. کشورهای اتحادیه اروپا با وجود درخواست پارلمان اروپا برای قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی، تا کنون اقدامی در این جهت انجام نداده است.

اتهام قتل نیز در این پرونده مربوط به حمله پهبادی به پایگاه Tower 22 در ۲۸ ژانویه ۲۰۲۴ (۸ بهمن ۱۴۰۲) می‌شود که منجر به کشته شدن ۳ نظامی آمریکایی و زخمی شدن ۴۷ نفر دیگر شده است. در صورت استرداد محمد عابدینی نجف آبادی به آمریکا، دادگاه می‌تواند او را با این اتهامات به حبس ابد محکوم کند، در حالی که برای مهدی محمدصادقی که متهم به همکاری با گروه تروریستی و قتل نیست، حداکثر مجازات می‌تواند ۲۰ سال زندان و یک میلیون دلار جریمه باشد.

پهبادی که گروه «انصارالله الاوفیاء»، یک گروه شبه‌نظامی وابسته به جمهوری اسلامی که شاخه نظامی «مقاومت اسلامی در عراق» در این حمله از آن استفاده کرد، از نوع «شاهد» است. پهباد «شاهد» توسط شرکت «صنایع هوایی‌سازی ایران» (هسا) ساخته می‌شود که در سال ۱۳۵۲ تاسیس شد و بخشی از «سازمان صنایع هوایی ایران» و زیرمجموعه «وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح» است. این پهباد که توسط روسیه در جنگ اوکراین بارها استفاده شده است و حوثی‌های یمن نیز تعدادی از آنرا در اختیار دارند، مجهز به سیستم ناوبری تلفیقی «سپهر» است که با نام علمی Navi-GI-C شناخته می‌شود. این سیستم ناوبری توسط شرکت «صنعت و دانش رهپویان افلاک» یا

● ۲۷ آذر، ۲۴ ساعت پس از بازداشت محمد عابدینی نجف آبادی در میلان و ۴۸ ساعت قبل از بازداشت چچلیا سالا در تهران، نمایندگان سفارت‌های ایتالیا و سوئیس به وزارت خارجه فرخوانده شده بودند. در وزارت خارجه از این دو دیپلمات خواسته شد که به اطلاع دولت‌های ایتالیا و آمریکا برسانند که جمهوری اسلامی خواهان آزادی فوری این دو نفر است، وگرنه از خود «واکنش مناسبی» نشان خواهد داد.

● در حال حاضر یک پرونده ۳۶ صفحه برای مقامات قضائی و امنیتی ایتالیا فرستاده شده است. بر اساس این پرونده که کیهان لندن توانست بخش‌هایی از آن را مطالعه کند، محمد عابدینی نجف آبادی به ارتکاب چهار جرم متهم شده است: زیر پا گذاشتن دو مصوبه که در برگزیده تحریم‌هایی علیه جمهوری اسلامی هستند. همکاری با یک نهاد تروریستی و همچنین دست داشتن در قتل سه سرباز آمریکایی.

● برای عدم استرداد چنین فردی به آمریکا است که جمهوری اسلامی چچلیا سالا، خبرنگاری را که با ویزای معتبر و برای تهیه گزارش‌های مورد قبول تهران به ایران سفر کرده، به گروگان گرفته است.

احمد رأفت - محمد عابدینی نجف آبادی ۱۶ دسامبر (۲۶ آذر) بلافاصله پس از اینکه با پروازی از استانبول قدم به خاک ایتالیا در فرودگاه مالپینسا در میلان گذاشت توسط مامورین پلیس امنیتی ایتالیا Digos با حکم بازداشت بین‌المللی که به درخواست «اف‌بی‌آی» آمریکا صادر شده بود، بازداشت و به زندان منتقل شد.

همزمان در ماساچوست در آمریکا مهدی محمدصادقی نیز دستگیر شد. سه روز بعد در تهران چچلیا سالا روزنامه‌نگار ایتالیایی که با ویزای کاری معتبر به ایران برای تهیه چند گزارش سفر کرده بود، در هتل محل اقامت خود بازداشت و به سلول انفرادی در اوین منتقل گشت.

● ۲۷ آذر، ۲۴ ساعت پس از بازداشت محمد عابدینی نجف آبادی در میلان و ۴۸ ساعت قبل از بازداشت چچلیا سالا در تهران، نمایندگان سفارت‌های ایتالیا و سوئیس به وزارت خارجه فرخوانده شده بودند. در وزارت خارجه از این دو دیپلمات خواسته شد که به اطلاع دولت‌های ایتالیا و آمریکا (سوئیس) حافظ منافع ایالات متحده در جمهوری اسلامی است) برسانند که جمهوری اسلامی خواهان آزادی فوری این دو نفر است، وگرنه از خود «واکنش مناسبی» نشان خواهد داد «واکنش مناسب» تهران مانند همیشه به گروگان گرفتن شهروندان کشورهای غربی با هدف مبادله آنها بوده است. در دیدارهای رسمی و غیر رسمی بعدی با مقامات ایتالیایی روشن شد که برای جمهوری اسلامی آزادی محمد عابدینی نجف آبادی در اولویت قرار دارد.

اما این مهندس ۳۸ ساله فارغ‌التحصیل دانشگاه «شریف» تهران کیست؟ مقامات ایتالیایی هنوز در انتظار دریافت مدارک و شواهدی هستند که آمریکا باید جهت بررسی تقاضای استرداد محمد عابدینی نجف آبادی برای این کشور ارسال کند. در حال حاضر یک پرونده ۳۶ صفحه برای مقامات قضائی و امنیتی ایتالیا فرستاده شده است.

بر اساس این پرونده که کیهان لندن توانست بخش‌هایی از آن را مطالعه کند، محمد عابدینی نجف آبادی به ارتکاب

آزادی روزنامه‌نگار ایتالیائی از اوین، موضوع اصلی دیدار جورجیا ملونی و دونالد ترامپ در فلوریدا



جورجیا ملونی نخست وزیر ایتالیا و دونالد ترامپ رئیس جمهور منتخب آمریکا در ماراگو / فلوریدا / ۴ ژانویه ۲۰۲۵ / رویترز

زندان اپرا در میلان صادر کند. بر اساس همین بند، وزیر دادگستری نیز در صورت قبول تقاضای استرداد آمریکا توسط دادگاه، می‌تواند با این تصمیم مخالفت کند.

پرونده استرداد محمد عابدینی نجف آبادی تا آخر ماه ژانویه در دستور کار دادگاه میلان قرار نخواهد گرفت، زیرا آمریکا تا آن زمان مهلت دارد مدارک و شواهد خود را برای تکمیل درخواست استرداد در اختیار مقامات قضائی ایتالیا قرار دهد. دولت ایتالیا ولی در نظر دارد تا قبل از آن موعد چچیلیا سالا را به خانه برگرداند. منبعی که در نخست‌وزیری ایتالیا با کیهان لندن گفتگو کرده است در این رابطه می‌گوید، جورجیا ملونی به دونالد ترامپ گفته است که با رد تقاضای استرداد محمد عابدینی نجف آبادی قبل از ورود او به کاخ سفید، عملاً تقصیر رد این تقاضا از سوی ایتالیا به گردن رئیس جمهور کنونی خواهد افتاد.

به گروگان گرفتن چچیلیا سالا به نوعی انسجام در صحنه سیاسی ایتالیا انجامیده است. نیروهای مخالف و منتقد دولت ائتلافی کنونی که نیروهای راست و میانه را در بر می‌گیرد، برای اولین بار از زمان نخست‌وزیری جورجیا ملونی برای آزاد ساختن این روزنامه‌نگار با دولت وی همکاری می‌کنند. قرار است روز دوشنبه ۱۷ دی کمیسیون پارلمانی نظارت بر فعالیت‌های نیروهای امنیتی پشت درهای بسته تشکیل جلسه دهد. در این جلسه آلفردو مانتوانو معاون امنیتی دولت، نمایندگان کلیه احزاب را در جریان مذاکرات با نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی و تلاش‌های دولت برای آزادی چچیلیا سالا قرار خواهد داد.

گویا جمهوری اسلامی در مذاکرات با نیروهای امنیتی ایتالیائی گفته است که آزادی چچیلیا سالا تنها زمانی صورت خواهد گرفت که محمد عابدینی نجف آبادی نیز بتواند به ایران برگردد. محافل امنیتی ایتالیا نگران وضعیت حدود ۵۰۰ شهروند ایتالیائی و ایرانیان با تابعیت ایتالیا هستند که در ایران زندگی می‌کنند و معتقدند اگر مبادله محمد عابدینی نجف آبادی با چچیلیا سالا هرچه زودتر انجام نگیرد، امنیت این افراد نیز به خطر خواهد افتاد.

دوستی جورجیا ملونی و ایلان ماسک موضوع تازه‌ای نیست. عکس‌های این دو نفر در رستورانی در جریان سفر نخست وزیر ایتالیا به آمریکا حتی به شایعه‌هایی دامن زده بود. جورجیا ملونی و دونالد ترامپ همراه با ایلان ماسک در جریان بازگشائی کلیسای نوتردام پاریس در ۱۷ آذر در یک رستوران با هم شام خورده بودند.

در دیدار ماراگو بین دونالد ترامپ و جورجیا ملونی نیز ایلان ماسک حضور داشت. در این ملاقات غیررسمی در مورد جنگ روسیه علیه اوکراین و خاورمیانه و همچنین همکاری بین اروپا و دولت آینده آمریکا نیز صحبت شد، ولی هدف اصلی سفر نخست وزیر ایتالیا به فلوریدا گفتگو در رابطه با چچیلیا سالا بود. یک منبع نخست‌وزیری ایتالیا که به دلیل سیاست سکوت خبری دولت نمی‌خواهد از او نام برده شود، به کیهان لندن می‌گوید در این ملاقات نخست وزیر ایتالیا به اطلاع رئیس جمهور آینده آمریکا، که از ۲۰ ژانویه ساکن کاخ سفید خواهد شد، رساند که دولت ایتالیا قصد ندارد تقاضای استرداد محمد عابدینی نجف آبادی به آمریکا را بپذیرند و ایتالیا می‌خواهد با آزاد کردن او، چچیلیا سالا را به خانه بازگرداند.

همین منبع می‌افزاید که دولت ایتالیا نمی‌خواهد با این تصمیم خود روابط با دولت آینده آمریکا را به خطر بیندازد و جورجیا ملونی برای جستجوی راه حلی که مورد قبول دونالد ترامپ نیز باشد به ماراگو سفر کرده است.

جورجیا ملونی ۲۲ دی در رم با جو بایدن، رئیس جمهور کنونی آمریکا، در جریان آخرین سفر بین‌المللی‌اش قبل از ترک کاخ سفید دیدار خواهد داشت و این تصمیم را به اطلاع او نیز خواهد رساند. دادگاه تجدید نظر میلان قرار است ۲۶ دی جهت بررسی تقاضای وکیل محمد عابدینی نجف آبادی برای آزادی با وثیقه، که توسط دادستان میلان فرانچسکا نانی رده شده است، تصمیم بگیرد. البته وزیر دادگستری در ایتالیا بر پایه تبصره ۲ بند ۷۱۸ قانون کیفری این کشور حتا اگر این دادگاه نیز رأی به ماندن محمد عابدینی نجف آبادی بدهد، می‌تواند دستور آزادی او را از

● حتی اعضای دولت و وزیر خارجه ایتالیا نیز از سفر ناگهانی و غیرمترقبه جورجیا ملونی به ماراگو در ایالت فلوریدا و ملاقات او با دونالد ترامپ اطلاع نداشتند.

● مادر و پدر چچیلیا سالا پس از ملاقات با نخست وزیر ایتالیا در نامه‌ای به رسانه‌ها خواهان سکوت خبری در رابطه این پرونده شدند تا به مذاکرات مخفیانه برای آزادی این روزنامه‌نگار خللی وارد نشود.

● ملاقت جورجیا ملونی با دونالد ترامپ با وساطت و به ابتکار ایلان ماسک، کارآفرین و یکی از مشاورین رئیس جمهور منتخب و از دوستان نزدیک نخست‌وزیر ایتالیا، انجام گرفت.

احمد رأفت - سفر ناگهانی جورجیا ملونی به ماراگو در ایالت فلوریدا و ملاقات با دونالد ترامپ رئیس جمهور منتخب آمریکا همه را متعجب کرد. در ایتالیا حتی آنتونیو تایانی وزیر خارجه دولت جورجیا ملونی، زمانی از این سفر مطلع شد که هواپیمای نخست وزیر در فرودگاه شانون در ایرلند به زمین نشست. تا آن لحظه مقصد نهائی این پرواز مشخص نشده بود تا خبر ملاقات جورجیا ملونی با دونالد ترامپ تا آخرین ساعات مخفی بماند.

مخفی نگه داشتن سفر و دیدار نخست وزیر ایتالیا با دونالد ترامپ و عدم اطلاع‌رسانی در رابطه با پرونده چچیلیا سالا روزنامه‌نگار ۲۹ ساله ایتالیائی که ۲۹ آذر، ۲۴ ساعت قبل از بازگشت وی به ایتالیا و ۳ روز پس از بازداشت محمد عابدینی نجف آبادی در فرودگاه مالپنسا در میلان، دستگیر و به سلولی انفرادی در زندان اوین منتقل شده، از همان ابتدا آغاز شد. پدر و مادر این گروگان جدید جمهوری اسلامی پس از دیدار با جورجیا ملونی در بیانیه‌ای رسماً از رسانه‌ها خواستند در مورد این پرونده سکوت اختیار کنند. ملاقات جورجیا ملونی که ریاست یکی از دولت‌های همسو با دونالد ترامپ در اتحادیه اروپا را عهده‌دار است، به گفته منبعی در نخست‌وزیری ایتالیا، با وساطت ایلان ماسک سرمایه‌دار شناخته شده آمریکائی و از همکاران نزدیک رئیس جمهور منتخب آمریکا انجام میسر شد.

➔ برپایه همین تحقیقات، ۹۹.۵ درصد از این درآمدها محصول فروش سیستم «سپهر» به «صنایع هواپیماسازی ایران» وابسته به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی است. همکاری محمد عابدینی نجف آبادی با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به قبل از تاسیس «صنعت و دانش رهپویان افلاک» برمی‌گردد. وی زمانی که هنوز دانشجوی دانشگاه «شریف» بود با «جهاد خودکفائی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی» آغاز به فعالیت کرد. در ادامه این همکاری بود که به او پیشنهاد تشکیل شرکت «صنعت و دانش رهپویان افلاک» را دادند. این همکاری بنا بر اطلاعات «افبی‌آی» در این سال‌ها در حدی گسترش یافته است که می‌توان «صنعت و دانش رهپویان افلاک» را زیرمجموعه‌ای از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به حساب آورد که به عنوان یک تشکیلات تروریستی طبقه‌بندی شده است.

برای عدم استرداد چنین فردی به آمریکا است که جمهوری اسلامی چچیلیا سالا، خبرنگاری را که با ویزای معتبر و برای تهیه گزارش‌های مورد قبول تهران به ایران سفر کرده، به گروگان گرفته است.

فایننشال تایمز:

نسل دوم رهبری در رژیم‌های خودکامه مهارت مدیریت بحران را ندارند



علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و آنسوئر مجتبی‌خامنه‌ای

سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل نه تنها حماس، بلکه حزب‌الله و حامیان آنها را نیز در ایران تضعیف کردند. با این حال، این پیروزی‌ها بهای سنگینی داشت: نتانیاهو توصیه‌های دوستان نزدیک اسرائیل را نادیده گرفت و در حفاظت از جان غیرنظامیان کم‌توجهی نشان داد. در نتیجه، حمایت بلندمدت از اسرائیل در غرب کاهش یافته، هرچند دشمنان اصلی این کشور تضعیف شده‌اند.

اسرائیل بار دیگر نشان داده که کشوری کوچک اما با قدرت نظامی چشمگیر است. با وجود این، سیاستمداران آن همچنان از پذیرش این ایده سر باز می‌زنند که راه حل سیاسی با فلسطینیان برای دستیابی به صلح و امنیت پایدار ضروری است. به نظر می‌رسد اسرائیل هیچ برنامه مشخصی برای غزه ندارد جز اشغال بلندمدت، مگر اینکه هدف پنهانی دیگری مانند وادار کردن فلسطینیان به مهاجرت به مصر یا الحاق بخش‌های بیشتری از کرانه باختری به آن وجود داشته باشد. آنچه با اطمینان می‌توان گفت این است که تحقق یک دولت مستقل فلسطینی در آینده نزدیک غیرممکن به نظر می‌رسد.

حکومت ایران سال ۲۰۲۴ بیشترین آسیب را دید

جان ساورز در ادامه به بررسی وضعیت جمهوری اسلامی پرداخته و می‌نویسد، با آغاز سال جدید، تمرکز اسرائیل بطور قابل توجهی بر حکومت ایران خواهد بود؛ حکومتی که در سال ۲۰۲۴ بیشترین آسیب را دیده است. خامنه‌ای از نظر جسمی و سیاسی ضعیف شده و گزینه اصلی برای جانشینی او، پسرش مجتبی، به نظر می‌رسد. اما تجربه نشان داده که رهبران نسل دوم در رژیم‌های خودکامه که از طریق امتیاز و رانت به قدرت می‌رسند، کمتر کارآزموده هستند ←

۲۰۲۵ در روزنامه «فایننشال تایمز» منتشر شد، با نگاهی به تغییرات داخلی ایران، به تأثیر پیامدهای حمله تروریستی «هفت اکتبر ۲۰۲۳» حماس علیه اسرائیل پرداخته و تصویری از چالش‌های پیش رو در منطقه ارائه داده است. ساورز در این مقاله با عنوان «سال ۲۰۲۵ اسب‌های جنگی سالخورده خاورمیانه را آزمایش خواهند کرد» می‌نویسد، علی خامنه‌ای از نظر جسمی و سیاسی تضعیف شده و گزینه اصلی برای جانشینی او، پسرش مجتبی، به نظر می‌رسد.

در مقدمه این مقاله آمده، ما اغلب خاورمیانه را به عنوان منطقه‌ای تعریف می‌کنیم که حول محور دنیای عرب شکل گرفته است. بغداد و دمشق به مثابه مراکز تاریخی قدرت در گذشته نقش بازی کرده‌اند. در قرن بیستم، قاهره و بیروت به پایتخت‌های فرهنگی این منطقه تبدیل شدند، اما با گذر زمان و تحت تأثیر ثروت نفت و گاز عربستان سعودی و کشورهای خلیج فارس، نفوذ خود را از دست دادند. امروز نکته برجسته این است که سه کشور تأثیرگذار و قدرتمند منطقه، یعنی اسرائیل، ترکیه و ایران، غیرعرب هستند. هر یک از این کشورها تحت رهبری سیاستمدارانی با تجربه قرار دارند: بنیامین نتانیاهو ۱۷ سال از ۲۸ سال گذشته نخست‌وزیر اسرائیل بوده است؛ رجب طیب اردوغان نزدیک به ۲۲ سال قدرت را در ترکیه در دست داشته، و علی خامنه‌ای بیش از ۳۵ سال است که رهبری جمهوری اسلامی را در ایران بر عهده دارد و مانند خاندان بوربون فرانسه است که ۲۰۰ سال پیش در دوران حکومت‌شان هیچ درسی از گذشته نگرفتند و هیچ چیزی را به یاد ناسپردند.

پس از حمله بی‌رحمانه حماس در هفت اکتبر ۲۰۲۳، اسرائیل واکنشی قاطعانه نشان داد. نیروهای مسلح و

● جان ساورز (John Sawers) رئیس پیشین سازمان اطلاعات خارجی بریتانیا (MI6) در روزنامه «فایننشال تایمز» با نگاهی به تغییرات داخلی ایران، به تأثیر پیامدهای حمله تروریستی «هفت اکتبر ۲۰۲۳» حماس علیه اسرائیل پرداخته و تصویری از چالش‌های پیش رو در منطقه ارائه داده است.

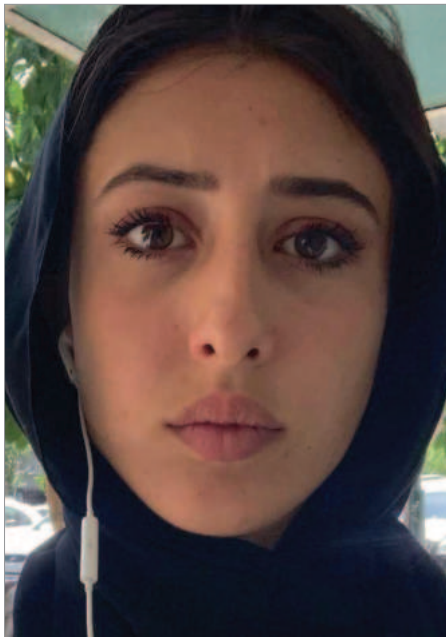
● «با آغاز سال جدید، تمرکز اسرائیل بطور قابل توجهی بر حکومت ایران خواهد بود؛ حکومتی که در سال ۲۰۲۴ بیشترین آسیب را دیده است. خامنه‌ای از نظر جسمی و سیاسی ضعیف شده و گزینه اصلی برای جانشینی او، پسرش مجتبی، به نظر می‌رسد.»

● نویسنده با اشاره به جانشینی احتمالی مجتبی خامنه‌ای می‌نویسد: «اما تجربه نشان داده که رهبران نسل دوم در رژیم‌های خودکامه که از طریق امتیاز و رانت به قدرت می‌رسند، کمتر کارآزموده هستند و فاقد تجربیاتی‌اند که نسل اول رهبران آموخته‌اند. مثال بارز آن، تفاوت حافظه اسد که مهارت مدیریت بحران را داشت با پسرش بشار که بی‌رحمی او در نهایت به فروپاشی رژیم سوریه منجر شد»

● «این تجربه ممکن است نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را نسبت به جانشینی خانوادگی خامنه‌ای محتاط کند. احتمالاً آنها تلاش خواهند کرد که رهبر جدید، قدرت مطلق در داخل رژیم نداشته باشد. اما رهبران جدید می‌توانند غافلگیرکننده نیز باشند. نمونه‌های تاریخی مانند دنگ شیائوپینگ در چین یا میخائیل گورباچف در شوروی نشان داده‌اند که تغییر رهبری ممکن است مسیرهای غیرمنتظره‌ای را باز کند.»

جان ساورز (John Sawers) رئیس پیشین سازمان اطلاعات خارجی بریتانیا (MI6) در مقاله‌ای که سوم ژانویه

آزادی پرسش برانگیز روزنامه‌نگار ایتالیایی؛ پایان سریع یک گروگانگیری به سود همه طرفین!



چچیلیا سالا در تهران / عکس آرشیوی / رویترز

بود. بر پایه تبصره دوم بند ۷۱۸ قانون کیفری ایتالیا، تصمیم نهائی استرداد یک متهم به کشور دیگر، باز هم با وزیر دادگستری است. در ایتالیا سابقه دارد که وزیر دادگستری با نادیده گرفتن رای دادگاه و با استفاده از این بند از قانون کیفری با استرداد یک متهم مخالفت کرده است.

با توجه به اینکه هیچکدام از اتهاماتی که به محمد عابدینی نجف آبادی از سوی آمریکا وارد شده، از جمله دور زدن تحریم‌های این کشور و یا همکاری با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان گروه تروریستی، در ایتالیا جرم به حساب نمی‌آید، چون نه تحریم‌ها بین‌المللی هستند و نه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی اتحادیه اروپا قرار دارد، پس تصمیم به عدم استرداد عابدینی به آمریکا توجیه قانونی نیز دارد.

همچنین آزادی موقت محمد عابدینی نجف آبادی در آخرین روزهای ریاست جمهوری جو بایدن و عدم استرداد او به درخواست وزارت خزانه‌داری دولت کنونی آمریکا، هیچ خدش‌های به روابط ایتالیا با دولتی که با ورود دونالد ترامپ با کاخ سفید در ۲۰ ژانویه آغاز به کار خواهد کرد وارد نخواهد نمود و بار سیاسی آن بر دوش دولت بایدن می‌افتد.

آزادی سریع چچیلیا سالا که مورد استقبال نیروهای مخالف دولت جورجیا ملونی قرار گرفت، موقعیت نخست وزیر ایتالیا، متحد دولت آینده آمریکا را نه تنها در این کشور بلکه در اتحادیه اروپا نیز تقویت خواهد کرد. در حقیقت بستن سریع پرونده این گروگانگیری در شرایط کنونی به نفع همه طرفین درگیر است. جمهوری اسلامی نیز که زیر حملات شدید دولت‌های اروپائی به ویژه فرانسه قرار دارد، با آزادی چچیلیا سالا بدون اینکه رسماً مبادله‌ای صورت گرفته باشد، خواهد توانست در این شرایط بحرانی از آن به سود خود استفاده کند. عابدینی هم خواهد توانست در هر زمانی که تهران تشخیص دهد، خاک ایتالیا را ترک کرده و به ایران برگردد.

● عصر روز سه‌شنبه برخی از منابع ایتالیایی از آزادی سریع این روزنامه‌نگار می‌گفتند. سخنان فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت مسعود پزشکیان که در نشست رسانه‌ای گفته بود بازداشت این روزنامه‌نگار ایتالیایی ربطی به دستگیری محمد عابدینی نجف‌آبادی ندارد، به گفته‌ی این منابع چراغ سبز برای آزادی چچیلیا سالا بود. در حالی که یک هفته قبل از آن، محمدرضا صبوری سفیر جمهوری اسلامی در رم بازداشت چچیلیا سالا و محمد عابدینی نجف‌آبادی را مرتبط با یکدیگر اعلام کرده بود.

● آزادی سریع چچیلیا سالا که مورد استقبال نیروهای مخالف دولت جورجیا ملونی قرار گرفت، موقعیت نخست وزیر ایتالیا، متحد دولت آینده آمریکا را نه تنها در این کشور بلکه در اتحادیه اروپا نیز تقویت خواهد کرد.

احمد رأفت - هواپیمائی که در اختیار مقامات دولتی ایتالیا قرار دارد، سه‌شنبه شب فرودگاه رم را به مقصد تهران ترک کرد و چهارشنبه ساعت ۱۶:۱۵ دقیقه به وقت محلی در فرودگاه چامپینو در حالی که چچیلیا سالا نیز یکی از سرنشینان آن است، به زمین خواهد نشست.

عصر روز سه‌شنبه برخی از منابع ایتالیایی از آزادی سریع این روزنامه‌نگار می‌گفتند. سخنان فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت مسعود پزشکیان که در نشست رسانه‌ای گفته بود بازداشت این روزنامه‌نگار ایتالیایی ربطی به دستگیری محمد عابدینی نجف‌آبادی ندارد، به گفته‌ی این منابع چراغ سبز برای آزادی چچیلیا سالا بود. در حالی که یک هفته قبل از آن، محمدرضا صبوری سفیر جمهوری اسلامی در رم بازداشت چچیلیا سالا و محمد عابدینی نجف‌آبادی را مرتبط با یکدیگر اعلام کرده بود.

در یک هفته چه اتفاقی افتاده است که جمهوری اسلامی تغییر موضع داد و چچیلیا سالا را که به گروگان گرفته بود، آزاد کرد؟ در ازای آزادی این خبرنگار، دولت ایتالیا چه وعده‌ای داده است؟ برای منابع ایتالیایی که کیهان لندن در این ساعات با آنها گفتگو کرده است، ملاقات جورجیا ملونی نخست وزیر ایتالیا با دونالد ترامپ رئیس‌جمهور منتخب آمریکا در مارالاگو در روز ۴ ژانویه گویا موثرترین اقدام برای آزادی چچیلیا سالا بوده است. در جریان این سفر ۴ ساعته به مارالاگو، جورجیا ملونی توانست موافقت ضمنی دونالد ترامپ را برای عدم استرداد محمد عابدینی نجف آبادی به ایالات متحده به دست آورد. دولت راست‌گرای ایتالیا که نزدیک‌ترین متحد دولت آینده آمریکا در اتحادیه اروپا به حساب می‌آید، نمی‌توانست بدون موافقت دونالد ترامپ با استرداد محمد عابدینی نجف‌آبادی مخالفت کند. دادگاه استیناف برای آزادی مشروط و با وثیقه‌ی طراح سیستم‌های ناوبری تلفیقی «سپهر» که پهبادهای «شاهد» به آن مجهز هستند، تازه روز ۱۵ ژانویه در میلان برگزار خواهد شد. دولت ایتالیا به جمهوری اسلامی وعده داده است که محمد عابدینی نجف آبادی خواهد توانست با وجود مخالفت دادستان میلان، اگر هم این دادگاه رای مخالف به آزادی مشروط بدهد، با تصمیم وزیر دادگستری، زندان «اوپرا» را ترک کرده و به آپارتمانی که کنسولگری جمهوری اسلامی در اختیار او قرار خواهد داد منتقل شود. این در حالیست که دادگاهی که تقاضای استرداد عابدینی به آمریکا را مورد بررسی قرار خواهد داد، قرار است روز ۳۰ ژانویه برگزار شود. رای این دادگاه نیز تعیین‌کننده نخواهد

و فاقد تجربیاتی‌اند که نسل اول رهبران آموخته‌اند. مثال بارز آن، تفاوت حافظ اسد که مهارت مدیریت بحران را داشت با پرسش بشار که بی‌رحمی او در نهایت به فروپاشی رژیم سوریه منجر شد.

این تجربه ممکن است نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را نسبت به جانشینی خانوادگی خامنه‌ای محتاط کند. احتمالاً آنها تلاش خواهند کرد که رهبر جدید، قدرت مطلق در داخل رژیم نداشته باشد. اما رهبران جدید می‌توانند غافلگیرکننده نیز باشند. نمونه‌های تاریخی مانند دنگ شیائوپینگ در چین یا میخائیل گورباچف در شوروی نشان داده‌اند که تغییر رهبری ممکن است مسیرهای غیرمنتظره‌ای را باز کند. حتی عربستان سعودی تحت هدایت محمد بن سلمان شاهد تحولاتی در مسیر بقا و تقویت نظام خودکامه است. هرچند این سناریو برای ایران دور از ذهن به نظر می‌رسد، اما نمی‌توان آن را به کلی رد کرد.

رئیس پیشین MI6 توضیح می‌دهد، رژیم‌های ضعیف‌تر در تهران، فرصتی برای مذاکره دوباره ایجاد می‌کند، حتی اگر خامنه‌ای همچنان برای یک یا دو سال دیگر در قدرت بماند. در چنین شرایطی، دونالد ترامپ ممکن است به دنبال توافق سیاسی باشد بجای اینکه از گزینه نظامی مورد نظر نتانیاهو برای نابودی تأسیسات هسته‌ای ایران حمایت کند. اسرائیل استدلال خواهد کرد که ایران به دنبال طولانی کردن مذاکرات است تا در عین حال به پیشرفت‌های مخفیانه هسته‌ای دست یابد. این نگرانی‌ها واقعی هستند. در عین حال، خامنه‌ای به آمریکا بی‌اعتماد است، شاید حتی بیش از بی‌اعتمادی سیاستمداران آمریکایی به رژیم ایران. احتمالاً تغییر رهبری در تهران لازم خواهد بود تا ایران مسیر خود را عوض کند.

فروپاشی رژیم اسد

در ادامه این مقاله آمده، شاید بزرگترین شگفتی در سال ۲۰۲۴، فروپاشی رژیم اسد باشد که راه را برای آینده‌ای بهتر برای مردم سوریه باز کرد. در این میان، ترکیه مانند اسرائیل از برندگان سال گذشته بود. اما اردوغان که همچنان دیدگاهش به سوریه تحت تأثیر مسئله کردها قرار دارد، ممکن است فرصت‌ها را محدود کند. چنین دیدگاهی مانع تدوین یک قانون اساسی جدید برای سوریه خواهد شد که بتواند تنوع قومی و مذهبی کشور را به رسمیت بشناسد. اردوغان به‌عنوان سیاستمداری زبردست، قدرت ترکیه را در منطقه و حتی آفریقا افزایش داده است. او نشان داده که اسلام سیاسی می‌تواند با موفقیت عمل کند و لزوماً منجر به ایجاد یک دولت اسلامی سختگیر نشود. این الگو می‌تواند الهام‌بخش رهبران جدید مانند احمد الشرع رهبر هیئت تحریرالشام باشد که اکنون قدرت را در دمشق در دست دارد.

در اینجا درس مهمی برای غرب و عربستان سعودی و امارات وجود دارد: احتیاط نسبت به پیشینه افراطی الشرع قابل درک است، اما مسیر گذار رهبران جوان از خشونت به مسئولیت‌پذیری ملی بارها در تاریخ تکرار شده است. وظیفه دیپلماتیک در این لحظه، برداشت تحریم‌ها، حذف نام‌ها از فهرست‌های تروریستی و تقویت اپوزیسیون سوریه است تا شانس موفقیت در این کشور افزایش یابد.

در پایان این مقاله آمده، به نظر می‌رسد که رویکرد غرب همچنان آهسته و محتاطانه باقی بماند و تمرکز بر مقابله ایدئولوژیک با اسلام‌گرایان باشد. اما چنین مسیری ممکن است به یکی از این نتیجه بینجامد: یا تکه‌تکه شدن کشورها، همانگونه که در لیبی رخ داده، یا ظهور دیکتاتورهای جدید مانند آنچه در تونس شاهد آن بوده‌ایم. کشورهای غربی نیز باید از اشتباهات بورین‌ها اجتناب کنند.

آیا تیم اطلاعاتی ترامپ برای چالش‌های امنیتی رژیم ایران آماده است؟



دونالد ترامپ در کنگره آمریکا / ۱۳ نوامبر ۲۰۲۴ / رویترز

آمریکا است. توطئه‌های ترور و تهدیدات فیزیکی مستقیم در داخل آمریکا وجود دارد.

در این میان، لابی‌های داخل اندیشکده‌های آمریکایی و رسانه‌های فارسی وابسته به حکومت آمریکا و یا استادان وابسته به رژیم تهران در داخل دانشگاه‌های آمریکا در تلاش برای نفوذ در فرایند سیاسی آمریکا هستند. و همین امر، به تهدیدات متنوع می‌افزاید. اما هنوز هم جان مخالفان رژیم ایران و دوستداران اسرائیل و هماهنگ با سیاست آمریکا در خاورمیانه، در داخل آمریکا در خطر است.

اما جامعه اطلاعاتی آمریکا با راهبردهای جامع و هماهنگی بین سازمان‌ها برای مقابله موثر با چالش‌های پیچیده، همچنان به جنگ اطلاعاتی با دشمن آمریکا یعنی رژیم ملایان ادامه می‌دهد.

در هر حال، به صورت فردی شاید هر کدام از چهره‌های تیم اطلاعاتی- امنیتی ترامپ دوستدار تغییر رژیم باشند اما آیا به گروه‌های مخالف داخل کمک خواهند کرد؟ آیا از چهره واقعی و شناخته‌شده اپوزیسیون ایرانی- شاهزاده رضا پهلوی- برای تضعیف رژیم تهران حمایت می‌کنند؟

آیا رسانه‌های فارسی وابسته به حکومت آمریکا را از وجود اصلاح‌طلبان طرفدار رژیم و تجزیه‌طلبان هماهنگ با تروریسم سپاه پاسداران پاک خواهند کرد؟ طبعاً برای حمایت از اعتراضات داخلی و فشارهای غیرمستقیم چنین ابزارهایی لازم است اما متأسفانه در شرایط فعلی در حالت فلج کامل و بی‌استفاده هستند.

البته شاید استراتژی چندلایه و هماهنگ و گسترده و بلندمدت بطور رسمی از سوی کاخ سفید هرگز اعلام نشود اما تصمیمات استراتژیک این چهره‌ها می‌تواند به مسیر اعتراضی مردم ایران علیه دیکتاتور فعلی با چهره مذهبی و مقدس جعلی- علی خامنه‌ای- خیانت نکند و دست‌کم از پشت خنجر نزند.

*منبع: اورشلیم پست

*نویسنده: عرفان قانعی فرد پژوهشگر تاریخ و تحلیلگر سیاسی

اگرچه عربستان و امارات در پی رفع تنش‌ها هستند اما جامعه اطلاعاتی آمریکا می‌داند که وضعیت بحرانی است و سیاست تهاجمی و مداخله‌گرایانه رژیم تهران، علیه ثبات و آرامش منطقه‌ای است.

ترامپ و جامعه اطلاعاتی ایالات متحده می‌دانند که تهدیدات امنیتی و چالش‌های ژئوپلیتیک، تهدیدات امنیتی را افزایش داده است. جامعه اطلاعاتی آمریکا و ترامپ با تهدیدهای مستقیم از طرف جمهوری اسلامی و ملأهای وابسته به چین و روسیه مواجه هستند. شاید برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگی موثر در بین جامعه اطلاعاتی آمریکا تا حدی تهدیدات و تنش‌ها را کاهش دهد اما مواجهه با حکومت تروریستی ایران، نیازمند رویکردهای دیپلماتیک پیچیده است و به راحتی قابل رفع نیست.

برای رئیس جدید سی‌ای‌ای و رئیس جدید دی‌آی‌ای در مواجهه با رژیم تهران، چالش‌های متعدد وجود دارد که مهم‌ترین آنها، تلاش جمهوری اسلامی برای ساخت بمب اتمی است و بدون شک تولید سلاح هسته‌ای را علیه اسرائیل به کار خواهد گرفت. از دیگرسو سی‌ای‌ای از همکاری مוסاد درباره بررسی توانمندی نظامی و موشکی جمهوری اسلامی برخوردار است. اما جامعه اطلاعاتی امنیتی ترامپ هنوز بر سر نفوذ منطقه‌ای و نیروهای تروریستی نیابتی جمهوری اسلامی- با وجود فلج شدن حماس و حزب‌الله و فروپاشی خانه عنکبوتی خامنه‌ای در شبکه فراملیتی تروریسم اسلامی- اختلاف نظر دارند. اما همگی بر این نکته توافق دارند که خطر تشدید تنش‌ها و درگیری مستقیم علیه اسرائیل وجود دارد. مرکزهای سی‌تی‌سی و سی‌پی‌سی داخل سی‌ای‌ای از پیچیدگی‌های داخل خاورمیانه و نحوه مواجهه موثر با رژیم تهران، اطلاع کامل دارند.

اما مشکلات به همینجا ختم نمی‌شود. برای اف‌بی‌آی و دی‌آی‌اچ اس هم مواجهه با جمهوری اسلامی دوچندان می‌شود. علاوه بر حملات سایبری و تهدیدات دیجیتال، مشکل اصلی فعالیت سلول‌های خفته تروریستی و گرگ‌های تنهای وابسته به نهادهای امنیتی رژیم تهران در داخل خاک

● چالش اصلی تیم اطلاعاتی- امنیتی ترامپ در دوران جدید در کاخ سفید این است که مشکلات چند لایه و چندسویه و چندجانبه وجود دارند که به راحتی قابل حل نیستند. یکی از آنها، تهدیدات امنیتی مستقیم است که تهدیدات جانی محسوب می‌شوند. سلول‌های خفته تروریستی و گرگ‌های تنهای وابسته به نهادهای وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه (ساس) در داخل آمریکا و یا مرزهای آمریکای لاتین، همچنان تحرک دارند.

● چالش‌های ژئوپلیتیک نیز وجود دارند. یکی از آنان رابطه با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است. اگرچه عربستان و امارات در پی رفع تنش‌ها هستند اما جامعه اطلاعاتی آمریکا می‌داند که وضعیت بحرانی است و سیاست تهاجمی و مداخله‌گرایانه رژیم تهران، علیه ثبات و آرامش منطقه‌ای است.

● در این میان، لابی‌های داخل اندیشکده‌های آمریکایی و رسانه‌های فارسی وابسته به حکومت آمریکا و یا استادان وابسته به رژیم تهران در داخل دانشگاه‌های آمریکا در تلاش برای نفوذ در فرایند سیاسی آمریکا هستند. و همین امر، به تهدیدات متنوع می‌افزاید.

● در هر حال، به صورت فردی شاید هر کدام از چهره‌های تیم اطلاعاتی- امنیتی ترامپ دوستدار تغییر رژیم باشند اما آیا به گروه‌های مخالف داخل کمک خواهند کرد؟ آیا از چهره واقعی و شناخته‌شده اپوزیسیون ایرانی- شاهزاده رضا پهلوی- برای تضعیف رژیم تهران حمایت می‌کنند؟

عرفان قانعی فرد (اورشلیم پست) - اکنون هفته اول ژانویه است و تا هفته سوم ژانویه که ترامپ به کاخ سفید بازمی‌گردد، چیزی در حدود دو هفته باقی است. چهره‌های تیم امنیتی او مشخص شده‌اند: مایکل والتز مشاور امنیت ملی؛ تولسی گابارد مدیر جامعه اطلاعاتی؛ سیاستین گورگا مشاور ضدتروریسم؛ جان راتکلینف، رئیس سی‌ای‌ای؛ تام هومن رئیس امنیت مرزی؛ کریستی نوم رئیس امنیت داخلی؛ کاش پتل رئیس اف‌بی‌آی؛ پت هگزس وزیر دفاع. این افراد تا جایی که شناخته شده‌اند، دانش خوبی درباره رژیم ملایان در ایران دارند و می‌دانند که سر حلقه همه گروه‌های تروریسم اسلامی در داخل خاورمیانه و هلال شیبی وابسته به این رژیم یاغی و افسارگسیخته است.

اما چالش اصلی تیم اطلاعاتی- امنیتی ترامپ در دوران جدید در کاخ سفید این است که مشکلات چند لایه و چندسویه و چندجانبه وجود دارند که به راحتی قابل حل نیستند. یکی از آنها، تهدیدات امنیتی مستقیم است که تهدیدات جانی محسوب می‌شوند. سلول‌های خفته تروریستی و گرگ‌های تنهای وابسته به نهادهای وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه (ساس) در داخل آمریکا و یا مرزهای آمریکای لاتین، همچنان تحرک دارند. بطور رسمی و بارها و بارها مقامات امنیتی و نظامی رژیم تهران، ترامپ را تهدید به مرگ کرده‌اند و نمونه تازه آن، سخنان معاون سپاه قدس یا ایرج مسجدی است. سوء قصد‌های نافرجام به ترامپ مقامات جامعه امنیتی آمریکا را حساس کرده و به همین دلیل تدابیر امنیتی و حفاظتی را افزایش داده است.

از دیگرسو، چالش‌های ژئوپلیتیک نیز وجود دارند. یکی از آنان رابطه با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است.

«پهلوی» گفتمان نیمه تمام انسان ایرانی؛ رستگاری در گذشته و جدال «تقویم» و «ساعت»

آنچه در تز دوم برای ما اهمیت دارد دو نکته است: اول اینکه سعادت در گرو بازاندیشی و تأمل در زمانی است که ما در آن تحول هستی خود را می‌بینیم و در مرادوات انسانی از آزادی حداکثری بهره‌مند بوده و عشق را ممکن نموده‌ایم؛ و دوم اینکه سعادت به تصویر ما از رستگاری وابسته است. حال با توجه به این دو نکته می‌توان دریافت که چرا و چگونه انسان ایرانی به آنچه زمین و زمانه‌ی پهلوی نام دارد با رشک و حسرت نگاه می‌کند و رستگاری خود را در بازتولید آن گفتمان و آن ساختار می‌داند. کشش و جذابیت هر آنچه از زمین و زمانه‌ی پهلوی باقی مانده است، چه در قالب تصویر و ایماج و چه در قالب خاطرات و اشیاء و چه در رویکردها و رهیافت‌ها در همه زمینه‌های هنر و سیاست و فرهنگ و اجتماع و زندگی فردی و اجتماعی نشان می‌دهد که انسان ایرانی رستگاری و سعادت را در رجوع به آن زمانه می‌داند. این مسئله حتی در میان ایرانیانی که آن زمین و زمانه را تجربه نکرده‌اند یعنی نسل‌های جدید نیز جاری و ساری است و نسل‌های جوانتر هم با رجوع به «تقویم» و یادبودها و بازگویی آنچه شنیده‌اند و دیده‌اند سعادت و رستگاری را در گذشته‌های می‌داند که زمین و زمانه‌ی پهلوی نام دارد. و اما رستگاری چیست؟

معنای رستگاری

مراد فرهادپور مترجم این مقاله از والتر بنیامین در پانوشت آن توضیح کوتاه اما رسایی دارد و می‌نویسد: «در زبان‌های اروپایی واژه رستگاری یا نجات redemption اساساً به معنای اعاده حیثیت، جبران نواقص و کمبودها، بخشش و محو آثار و عواقب معصیت و بازسازی و بازپروری است.» با تکیه بر این معنا و مفهوم از رستگاری، انسان ایرانی حالا و امروزه ۲۲ بهمن ۵۷ را معصیتی تلقی می‌کند که باید آثار و عواقب آن را محو کرده و برای رسیدن به سعادت و رستگاری به اعاده حیثیت از خود نسبت به آنچه انجام داده نیز اقدام کند.

اینکه گفتمان پهلوی و حداکثری از عناصر زیست انسانی در ساخت و ساحت فردی- جمعی در سپهرهای گوناگون فرهنگ و هنر و اجتماع و اقتصاد و سیاست و ورزش و... متعلق به زمین و زمانه پهلوی کماکان برای حداکثری از ایرانیان جذاب و خواستنی می‌نماید و حتی نسل‌های جدید نیز مشتاق و معطوف به آن هستند، دو پیام دارد: یکی اینکه انسان ایرانی رستگاری را در گذشته و اعاده حیثیت از خود می‌داند؛ و دوم اینکه حکومت اسلامی در نبرد «تقویم» و «ساعت» به تقویم‌ها، یادبودها و خاطرات باخته است. و این نشان می‌دهد که گفتمان پهلوی گفتمانی نیمه تمام است که اراده‌ای برای بازگشت به آن، جهت غلبه بر گسست کنونی، وجود دارد. اما اینکه این اراده و خواست به چه میزان قدرت و قوه‌ی به فعل رسیدن دارد، تابع مختصات دیگر است که در جای دیگر باید بررسی شود.

* جلال حیدری نژاد دانش‌آموخته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران و ساکن کانادا است.

* «تزهایی درباره فلسفه تاریخ»؛ بنیامین، والتر؛ ترجمه‌ی فرهادپور، مراد؛ نشریه ارغنون پاییز و زمستان ۱۳۷۵ - شماره ۱۱ و ۱۲ (۱۲ صفحه - از ۳۱۷ تا ۳۲۸)



فردی- اجتماعی بگذارد و حتی با نام‌های سفیف از آنها یاد کند؛ اما فراموش کرده است که تقویم‌ها یادبودهای نوعی آگاهی تاریخی هستند و انسان ایرانی به ویژه در سال‌های اخیر آگاهی تاریخی خود را نسبت به زمین و زمانه‌ی پهلوی و گفتمان پهلوی در همه ساخت‌ها و ساحت‌ها در قالب خاطره مرور و بازگویی می‌کند. به عبارت دیگر حکومت اسلامی در عبور زمان تنها به «ساعت» نگاه کرده که صرفاً روندی رو به جلو و قراردادی برای محاسبه‌ی زمان توسط انسان دارد و گذشته را بی نام و نشان پشت سر می‌گذارد. اما در برابر «تقویم» شکست خورده است. تقویمی که حامل مناسبت‌ها و یادبودها و خاطرات است و حالا انسان ایرانی آرام آرام آگاهی تاریخی خود را با رجوع به این تقویم و خاطرات به دست می‌آورد. خاطراتی که به دلیل حس مثبت نهادینه شده در آن شاید موجب شود روح جمعی انسان ایرانی سودای بازگشت به زمین و زمانه‌ای را داشته باشد که رستگاری خود را در آن می‌بیند.

رستگاری در گذشته

والتر بنیامین در تز دوم از «تزهایی فلسفه تاریخ» می‌نویسد: «... به یاری تأمل و بازاندیشی در خواهیم یافت که تصویر ذهنی ما از سعادت، رنگ و بوی خود را یکسره مدیون آن دوره‌ی زمانی است که از رهگذر سیر تحول هستی خودمان، نصیب ما شده است. آن نوع سعادت که تصور می‌تواند رشک ما را برانگیزد، فقط در آن جو و هوایی وجود دارد (که) تنفس‌اش کرده‌ایم؛ در جمع کسانی که می‌توانستیم با آنان گپ بزیم یا زانی که ممکن بود معشوقه ما شوند. به کلام دیگر، تصویر ما از سعادت به نحوی جدایی‌ناپذیر به تصویر ما از رستگاری وابسته است.» در بخش اول از سلسله یادداشت‌های «گفتمان پهلوی، گفتمان نیمه تمام انسان ایرانی» با اشاره به «بازگشت به آینده»، نوشته‌ام که چگونه و به چه دلیلی آینده در گذشته خانه می‌کند. و حال با این عبارت والتر بنیامین می‌توان از زاویه‌ای دیگر نیز به این مسئله نگاه کرد.

● حکومت اسلامی از ۲۲ بهمن ۵۷ با تمام همت و زور و انرژی خود تلاش کرده تا از تمام ساخت و ساحت‌های زندگی فردی و اجتماعی ایرانی در همه حوزه‌های فرهنگ و سیاست و هنر و ورزش و اجتماع و اخلاق «پهلوی‌زدایی» کند و هر آنچه رنگ و عطر پهلوی داشته را بیرون از زندگی فردی- اجتماعی بگذارد و حتی با نام‌های سفیف از آنها یاد کند؛ اما فراموش کرده است که تقویم‌ها یادبودهای نوعی آگاهی تاریخی هستند و انسان ایرانی به ویژه در سال‌های اخیر آگاهی تاریخی خود را نسبت به زمین و زمانه‌ی پهلوی و گفتمان پهلوی در همه ساخت‌ها و ساحت‌ها در قالب خاطره مرور و بازگویی می‌کند.

● اینکه گفتمان پهلوی و حداکثری از عناصر زیست انسانی در ساخت و ساحت فردی- جمعی در سپهرهای گوناگون فرهنگ و هنر و اجتماع و اقتصاد و سیاست و ورزش و... متعلق به زمین و زمانه پهلوی کماکان برای حداکثری از ایرانیان جذاب و خواستنی می‌نماید و حتی نسل‌های جدید نیز مشتاق و معطوف به آن هستند، دو پیام دارد: یکی اینکه انسان ایرانی رستگاری را در گذشته و اعاده حیثیت از خود می‌داند؛ و دوم اینکه حکومت اسلامی در نبرد «تقویم» و «ساعت» به تقویم‌ها، یادبودها و خاطرات باخته است.

جلال حیدری نژاد - والتر بنیامین یکی از اعضای «مکتب فرانکفورت» در مقاله‌ی با عنوان «تزهایی درباره‌ی فلسفه تاریخ»* علاوه بر چگونگی بررسی گذشته و رفتن به سمت آنچه آن را تاریخ می‌نامیم، در جایی از واژگان «تقویم» و «ساعت» یاد می‌کند و ضمن مقایسه آنها با یکدیگر نکته‌ای قابل تأمل را به کوتاهی می‌نویسد که این نوشته نخست بر آن مبنا ایستاده و سپس با نکته‌های دیگری که در آن مقاله آمده است به ادامه‌ی تشریح و تحلیل ایده‌ی «پهلوی، گفتمان نیمه تمام انسان ایرانی» می‌پردازد.

بنیامین در تز پانزدهم بطور تلویحی اشاره می‌کند (یا تفسیر من اینست) که «ساعت» و «تقویم» هر دو گذر زمان را نشان می‌دهند و هر دو ابزار هستند برای جدایی اینک و امروز و حال از آنچه گذشته است؛ از زمان سپری شده؛ از روز به پایان رسیده. از دیروز؛ از ماه گذشته؛ از سالی که بسر آمده؛ هر دو به موازات پیش رفتن، زمان و لحظاتی را پشت سر می‌گذارند و ما نیز به همان نسبت گذشته را فهم کنیم. اما نکات بسیار مهمی که بنیامین به آن اشاره می‌کند، از جمله یکی همان است که در ابتدای این یادداشت آمد و دیگری اینست که: «... تقویم بسان معادل تاریخی دوربین عمل می‌کند... دوربینی که گذشته و روزها را نشان می‌دهد و روزهای تعطیل را نیز!» در اینجا است که بنیامین در عبارتی سهمگین و تأمل‌برانگیز روزهای تعطیل را «روزهای خاطره» نام می‌گذارد.

نبرد ساعت و تقویم

حکومت اسلامی از ۲۲ بهمن ۵۷ با تمام همت و زور و انرژی خود تلاش کرده تا از تمام ساخت و ساحت‌های زندگی فردی و اجتماعی ایرانی در همه حوزه‌های فرهنگ و سیاست و هنر و ورزش و اجتماع و اخلاق «پهلوی‌زدایی» کند و هر آنچه رنگ و عطر پهلوی داشته را بیرون از زندگی

بازتاب تبلیغات ظریف در رسانه‌های بین‌المللی:

حالا که رژیم ایران تضعیف شده، ترامپ فرصت توافق با ملاحرا از دست ندهد!

در وضعیتی که «رهبران جمهوری اسلامی با زور حکومت را نگه داشته‌اند»، «اینترنت به شدت تحت کنترل است» و «مخالفان رژیم با بازداشت‌های خودسرانه مواجه هستند و زنان بطور خاص تحت کنترل‌های ویژه قرار دارند»، برخی از سیاست‌گذاران و تحلیلگران بر اولویت دادن به تغییر رژیم در ایران تأکید کرده‌اند. اما با استناد به همین موارد، وی ادعا می‌کند که «تغییر رژیم» گزینه مؤثری نیست.

ریچارد هاس در توجیه این استدلال نوشته است: «منطق این دیدگاه این است که ایران دموکراتیک و طرفدار غرب [ایران بدون جمهوری اسلامی] از سلاح‌های هسته‌ای چشم‌پوشی کرده (و این چشم‌پوشی واقعی خواهد بود) و حمایت از نیروهای نیابتی را متوقف می‌کند. با وجود منطقی بودن این دیدگاه، دلایل کافی برای باور به اینکه واشنگتن بتواند تغییر رژیم را با اطمینان و در بازه زمانی مشخصی تسهیل کند، وجود ندارد؛ حتی اگر جمهوری اسلامی در حال حاضر ضعیف به نظر برسد.»

وی سپس با دفاع ضمنی از دولت مسعود پزشکیان

وبسایت دفتر خامنه‌ای نه تنها گفت «آماده مذاکره با دولت ترامپ هستیم» بلکه پیشنهاد داد «ما به سمت مپ اتم نمی‌رویم، شما هم شروط ما را قبول کنید!»

استدلال‌های تحلیلگر «مسائل بین‌المللی» برای مباحثات با جمهوری اسلامی

اکنون که با بازگشت ترامپ به کاخ سفید، رژیم ایران به شدت نگران آینده است، ریچارد هاس نویسنده مقاله با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی «ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر از چند دهه اخیر است»، می‌نویسد: «منابع مالی رژیم محدود شده» و علاوه بر آن «اعتراضات داخلی در ایران که از پاییز ۲۰۲۲ شدت گرفت، نشان‌دهنده نارضایتی گسترده مردم از حکومت است.» او تأکید می‌کند که «این اعتراضات که با سرکوب خشونت‌آمیز پاسخ داده شد، منابع رژیم را کاهش داد و توانایی آن را برای ادامه حمایت از نیروهای نیابتی نیز محدود کرد.»

در بخشی از این مقاله آمده است: «حملات موشکی

یک تحلیلگر در نشریه «فارین افرز» (مسائل بین‌المللی) با مقاله‌ای تحت عنوان «فرصت ایران» به دونالد ترامپ توصیه کرده است، حالا که جمهوری اسلامی در موقعیت بسیار ضعیف قرار دارد و در عرض چند ماه، ساختار نفوذ رژیم به ویژه در منطقه فرو ریخته است، فرصت دیپلماسی با جمهوری اسلامی را برای مهار تهدیدات آتی از دست ندهد و با ملاحرا توافق کند!

برخی مخالفان جمهوری اسلامی معتقدند که در هفته‌های اخیر، پس از قطع شدن بازوهای نیابتی رژیم در منطقه و سقوط بشار اسد، بر اساس ماله‌کشی‌ها و تبلیغات توخالی محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی مجموعه‌ای از مقالات در رسانه‌های بین‌المللی منتشر می‌شوند که تقریباً همگی یک روایت و نتیجه مشترک را ارائه می‌دهند: تداوم مباحثات با جمهوری اسلامی!

نویسنده در بخش دیگری از این نوشتار دلایلی را برای رد «اقدام نظامی» علیه جمهوری اسلامی شرح داده و می‌نویسد، «حتی با تضعیف نیروهای نیابتی و دفاعی، ایران می‌تواند علیه اسرائیل با موشک‌های بالستیک باقیمانده خود، علیه تأسیسات نفت و گاز همسایگانش که بسیاری از آنها شرکای منطقه‌ای آمریکا هستند، یا علیه اهداف آمریکایی از طریق تروریسم تلافی کند. این اقدامات موجب افزایش شدید قیمت نفت و گاز، تشدید فشارهای تورمی جهانی و کاهش رشد اقتصادی می‌شود» یعنی همان شرایطی که تا کنون نیز وجود داشته است!

یک تحلیلگر در نشریه «فارین افرز» (مسائل بین‌المللی) ششم ژانویه ۲۰۲۵ (۱۷ دی‌ماه) با مقاله‌ای تحت عنوان «فرصت ایران» به دونالد ترامپ توصیه کرده است، حالا که جمهوری اسلامی در موقعیت بسیار ضعیف قرار دارد و در عرض چند ماه، ساختار نفوذ رژیم به ویژه در منطقه فرو ریخته است، فرصت دیپلماسی با جمهوری اسلامی را برای مهار تهدیدات آتی از دست ندهد و با ملاحرا توافق کند!

برخی مخالفان جمهوری اسلامی معتقدند که در هفته‌های اخیر، پس از قطع شدن بازوهای نیابتی رژیم در منطقه و سقوط بشار اسد، بر اساس ماله‌کشی‌ها و تبلیغات توخالی محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی مجموعه‌ای از مقالات در رسانه‌های بین‌المللی منتشر می‌شوند که تقریباً همگی یک روایت و نتیجه مشترک را ارائه می‌دهند: چون جمهوری اسلامی در حال حاضر در ضعیف‌ترین وضعیت خود قرار دارد، پس ایالات متحده فرصتی برای «احیای برجام» و رسیدن توافق با آن به دست آورده است.

ظریف که در حال حاضر با شغل نوظهور «معاون راهبردی» مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم فعال است، سوم دسامبر ۲۰۲۴ (۱۳ آذرماه ۱۴۰۳) در مقاله‌ای که در همین «فارین افرز» منتشر شد، اعلام کرد که «جمهوری اسلامی آماده مذاکره است، از جمله با آمریکا!» نکته قابل توجه اینکه برخلاف همیشه که پیشنهادات ظریف برای مذاکره با آمریکایی‌ها با انتقاد گسترده به ویژه از سوی جریان‌های نزدیک به علی خامنه‌ای روبرو می‌شد، اینبار همان اطرافیان از جمله علی لاریجانی مشاور خامنه‌ای همان حرف‌های ظریف را تکرار می‌کنند. وی در مصاحبه با



دیدار خامنه‌ای و اسد / اسفند ۱۳۹۷

توضیح داده است: «هرچند خامنه‌ای فعلاً محبوبیت ندارد و نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند اکثریت ایرانیان مخالف رژیم هستند، اما این به معنای فقدان حمایت قابل توجه داخلی نیست. رژیم دارای پایگاه‌های حمایتی واقعی است که برای دفاع از آن دست به خشونت می‌زنند. همچنین حکومت دارای مجموعه‌ای از نهادهای پیچیده و موازی است... در عین حال روند انتخاب جانشین ریاست جمهوری پس از مرگ ابراهیم رئیسی در سانه سقوط هلیکوپتر نیز نسبتاً منظم بود.»

نویسنده در بخش دیگری اشاره کرده است که «سیاست تغییر رژیم همزمان با اعمال تحریم‌ها، حمایت اقتصادی و حتی نظامی مخفیانه از مخالفان، به رسمیت شناختن رژیم و به رسمیت شناختن یک آلت‌ناتیو سیاسی، استفاده ←

جمهوری اسلامی به اسرائیل خسارت اندکی به اسرائیل وارد کرد. در مقابل، اسرائیل دو بار پاسخ داد و سامانه‌های پدافند هوایی، انبارهای مهمات و عناصر حیاتی پایگاه‌های دفاعی حکومت ایران را تخریب کرد و در عین حال نشان داد که می‌تواند تقریباً با آزادی کامل در ایران عملیات نظامی انجام دهد.» همه اینها به عنوان دلایل ضعیف شدن رژیم ایران مطرح می‌شود که البته واقعیت دارد اما نتیجه‌ای که از آن گرفته می‌شود، همان تبلیغات ظریف است: توافق و معامله با جمهوری اسلامی!

دلیل‌تراشی برای نفی «تغییر رژیم»

محور اصلی این مقاله‌ی «فارین افرز» دلیل‌تراشی برای «نفی تغییر رژیم» در ایران است. نویسنده توضیح می‌دهد

وبسایت اسرائیلی «والا» جزئیات جدیدی را درباره عملیات کشته شدن حسن نصرالله دبیرکل سابق حزب الله منتشر کرده است. در این گزارش که اسکای نیوز عربی هفتم ژانویه (۱۸ دی ماه) به بخش‌هایی از آن پرداخته، آمده است که یک افسر اسرائیلی با نام مستعار «جی» مدام مسئول ردیابی تحرکات نصرالله بود و در اجرای عملیات ترور او نیز مشارکت داشت.

مراسم عزاداری بسیجی‌ها برای حسن نصرالله در ایران مسئولیت این افسر ۲۹ ساله که «از نزدیکان نصرالله به شمار می‌رفت» این بود که بداند نصرالله و مقامات ارشد حزب الله هر لحظه در کجا حضور دارند. او دقیق‌ترین جزئیات درباره وضعیت زندگی آنها را ثبت می‌کرد تا یافتن مکان برای از بین بردن آنها دقیق و آسان شود.

به گفته منابع امنیتی اسرائیل، تعقیب نصرالله برای ترور او پس از جنگ ۲۰۰۶ آغاز شد، اما در آن زمان تصمیم سیاسی برای اجرای این ترور گرفته نشد.

وقتی نصرالله تصمیم به حمایت از حماس در جنگ غزه گرفت، طرح ترور او در اسرائیل بطور جدی مطرح شد و پیش رفت و تصمیم گرفته شد که او را فریب دهند و این تصور را در او ایجاد کنند که اسرائیل قصد ندارد جنگ را به حزب الله در لبنان و علیه وی گسترش دهد.

نصرالله ۲۰ شهریور ۱۴۰۳ در یک سخنرانی اعلام کرد که جنگ را متوقف نمی‌کند مگر اینکه اسرائیل جنگ علیه غزه را متوقف نماید. اسرائیل از این اظهارات به عنوان بهانه‌ای برای تشدید اقدامات خود علیه لبنان استفاده کرد و نیروهایش وارد عملیات زمینی شدند.

با این عملیات، ۱۸ سال کار اطلاعاتی در سرویس‌های امنیتی اسرائیل برای جمع‌آوری دقیق اطلاعات درباره تمامی اعضای حزب الله، از دبیرکل و رهبران ارشد تا پایین‌ترین رده فرماندهان این گروه، نتیجه داد.

آمبر بوحبوت خبرنگار نظامی اسرائیلی فاش کرد که تصمیم ترور پس از عملیات انفجار زنجیره‌ای پیجرها در ۱۷ و ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۴ گرفته شد. طی این عملیات داخل دستگاه‌های ارتباطی اعضای حزب الله از جمله «پیجرها» و بیسیم‌های «واکی تاکی» مواد منفجره کار گذاشته شده بود چند روز قبل از ترور نصرالله، یک افسر اطلاعاتی ارتش اسرائیل به مکان دقیق نصرالله دست یافت. شلومو بندر رئیس سرویس اطلاعات نظامی اسرائیل از رؤسای واحدهای مختلف خواست نظرشان را درباره عملیات این ترور اعلام کنند. همگی موافقت کردند و سپس موضوع به هرتزی هالوی رئیس ستاد ارتش اسرائیل ارجاع داده شد. او نیز با عملیات موافقت کرد و آن را به بنیامین نتانیاهو مطرح نمود که او نیز تأیید نهایی را صادر کرد.

اطلاعات دقیق درباره محل حضور نصرالله نه فقط از طریق تونل‌ها، بلکه از طریق تحرکات روی زمین نیز جمع‌آوری شد.

منابع اطلاعاتی اسرائیل پیش‌بینی کردند که او در مخفیگاه زیرزمینی واقع در مجتمع مسکونی شامل ۲۰ ساختمان عظیم در ضاحیه جنوبی حضور دارد. آنها این موقعیت را یک فرصت بی‌نظیر دانستند که ممکن است هرگز تکرار نشود.

آخرین جلسه تصمیم‌گیری با حضور نتانیاهو برگزار و یک اسکادران هوایی آماده اجرای مأموریت شد. دست‌کم ۱۴ فروند هواپیمای جنگی به سلاح و مهمات مجهز شدند و در مجموع ۸۳ مپ با وزن ۸۰ تن روی هواپیماها نصب شد. زمان اجرای عملیات برای ساعت ۱۸:۲۱ همزمان با اذان مغرب تعیین شد. در عرض ۱۰ ثانیه، عملیات به پایان رسید و سرنوشت نهایی حسن نصرالله با کشته شدن وی در این عملیات رقم خورد.

جزئیات جدید از شکار حسن نصرالله: عملیات با اذان مغرب آغاز شد و در ۱۰ ثانیه سرنوشت نهایی رهبر حزب الله رقم خورد!



● **وبسایت اسرائیلی «والا» جزئیات جدیدی را درباره عملیات کشته شدن حسن نصرالله دبیرکل سابق حزب الله منتشر کرده است. در این گزارش که اسکای نیوز عربی هفتم ژانویه (۱۸ دی ماه) به بخش‌هایی از آن پرداخته، آمده است که یک افسر اسرائیلی با نام مستعار «جی» مدام مسئول ردیابی تحرکات نصرالله بود و در اجرای عملیات ترور او نیز مشارکت داشت.**

● **تعقیب نصرالله برای ترور او پس از جنگ ۲۰۰۶ آغاز شد، اما در آن زمان تصمیم سیاسی برای اجرای این ترور گرفته نشد. وقتی نصرالله تصمیم به حمایت از حماس در جنگ غزه گرفت، طرح ترور او در اسرائیل بطور جدی مطرح شد و پیش رفت و تصمیم گرفته شد که او را فریب دهند و این تصور را در او ایجاد کنند که اسرائیل قصد ندارد جنگ را به حزب الله در لبنان و علیه وی گسترش دهد.**

● **با این عملیات، ۱۸ سال کار اطلاعاتی در سرویس‌های امنیتی اسرائیل برای جمع‌آوری دقیق اطلاعات درباره تمامی اعضای حزب الله، از دبیرکل و رهبران ارشد تا پایین‌ترین رده فرماندهان این گروه، نتیجه داد.**

● **زمان اجرای عملیات برای ساعت ۱۸:۲۱ همزمان با اذان مغرب تعیین شد. در عرض ۱۰ ثانیه، عملیات به پایان رسید و سرنوشت نهایی حسن نصرالله با کشته شدن وی در این عملیات رقم خورد.**

از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای شکل دادن به محیط اطلاعاتی و حتی مداخله نظامی، می‌تواند یک گزینه باشد اما تاریخ نشان داده که این ابزارها تضمینی برای دستیابی به اهداف نیستند، به ویژه اگر هدف جایگزینی رژیم موجود با حکومتی بهتر در یک بازه زمانی مشخص باشد.»

رد اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای در ایران

ریچارد هاس در بخش دیگری از این نوشتار دلایلی را برای رد «اقدام نظامی» علیه جمهوری اسلامی شرح داده است. در این بخش او می‌نویسد: «حتی با تضعیف نیروهای نیابتی و دفاعی، [رژیم] ایران می‌تواند علیه اسرائیل با موشک‌های بالستیک باقیمانده خود، علیه تأسیسات نفت و گاز همسایگانش که بسیاری از آنها شرکای منطقه‌ای آمریکا هستند، یا علیه اهداف آمریکایی از طریق تروریسم تلافی کند. این اقدامات موجب افزایش شدید قیمت نفت و گاز، تشدید فشارهای تورمی جهانی و کاهش رشد اقتصادی می‌شود.» یعنی همان شرایطی که تا کنون نیز وجود داشته است!

به اعتقاد نویسنده، «اثر داخلی چنین سناریویی در ایران غیرقابل پیش‌بینی است. ممکن است موجب واکنش ناسیونالیستی و حمایت از رژیم شود یا به اعتراضات ضدحکومتی دامن بزند. در سطح بین‌المللی، چنین حمله پیشگیرانه‌ای می‌تواند بی‌ثبات‌کننده باشد و به عنوان الگویی برای اقدامات مشابه علیه رقیب مورد استفاده قرار گیرد.»

او سپس همان سیاستی را توصیه می‌کند که در شرایطی هم که جمهوری اسلامی چنین «تضعیف» نشده بود، دولت‌های دموکرات آمریکا در پیش گرفتند! این تحلیلگر در واقع تغییری برای «دیپلماسی» آمریکا در شرایط «ضعف» و «قدرت» جمهوری اسلامی قائل نیست و همچنان همان مباحثات را پیشنهاد کرده و می‌نویسد: «اولویت باید محدود کردن قابلیت‌ها و رفتار خارجی جمهوری اسلامی با استفاده از دیپلماسی باشد!» و حالا که «رژیم ایران تحت فشارهای شدید قرار دارد و موقعیت استراتژیک آن به شدت تضعیف شده و نسبت به یک حمله نظامی احتمالی بسیار آسیب‌پذیر است و ارزش پول ملی ایران سقوط کرده، قیمت انرژی کاهش یافته و نارضایتی عمومی بطور قابل‌توجهی افزایش یافته است»، دونالد ترامپ نیز باید راه گفتگو در پیش بگیرد!

ریچارد هاس در ادامه به تشریح بیشتر این گزینه پرداخته و می‌گوید: «در شرایطی که برای جمهوری اسلامی مهم‌ترین هدف حفظ نظام است، خامنه‌ای مثل خمینی آمده نوشیدن جام زهر است تا جمهوری اسلامی حفظ شود.»

او در پایان باز هم توصیه می‌کند که «فرصت‌های استراتژیک دائمی نیستند» و «یک توافق جدید با جمهوری اسلامی می‌تواند نیاز به استفاده گسترده از نیروی نظامی را برطرف کند.»

ریچارد هاس با تکرار تهدیداتی که مدام از زبان فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و امرای ارتش شنیده می‌شود، هشدار داده است: رژیم «ایران به زودی ممکن است تلاش کند تا وضعیت خود را بازسازی کرده و نیروهای نیابتی خود را در منطقه احیا کند. جمهوری اسلامی با نابودی توان بازدارندگی متعارف خود، ممکن است به این نتیجه برسد که تنها یک سلاح هسته‌ای می‌تواند آن را از تهدید اسرائیل و ایالات متحده محافظت کند.»

این تحلیلگر تأکید کرده است: «لباس‌ها شاید برای همیشه باقی بمانند، اما فرصت‌های استراتژیک اینگونه نیستند. همانطور که نویسنده کتاب «هنر معامله» به خوبی می‌داند، از این فرصت‌ها باید به سرعت استفاده کرد.»

حسین طائب: برای دور زدن تحریم‌ها نباید روابط ما با همسایگان آسیب ببیند



حسین طائب

● طائب همچنین به افزایش تورم و افزایش نرخ دلار اشاره کرده و گفته: «یکی از علل مهم تورم موجود و افزایش نرخ دلار، نگاه اقتصادی دولت است و هنوز در حال بررسی آن هستیم که تک‌نرخ‌ها انجام شود یا نه»

حسین طائب رئیس پیشین سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) در یک سخنرانی با اشاره به مشکلات پیش روی جمهوری اسلامی گفته: «در سال ۱۴۰۰ تولید بنزین در کشور بیش از مصرف بود اما هم‌اینک بنزین وارد می‌کنیم زیرا طی چند سال گذشته پالایشگاه جدیدی ایجاد نکردیم و در احداث زیرساخت‌های مناسب عملکردم موفق نشدیم.»

گفته می‌شود او این سخنان را سه‌شنبه ۱۱ دی‌ماه ۱۴۰۳ در نشست با شماری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیان کرده اما با تأخیر رسانه‌ای شده است.

طائب همچنین به افزایش تورم و افزایش نرخ دلار اشاره کرده و گفته: «یکی از علل مهم تورم موجود و افزایش نرخ دلار، نگاه اقتصادی دولت است و هنوز در حال بررسی آن هستیم که تک‌نرخ‌ها انجام شود یا نه.»

یکی از موضوعاتی که طائب در این سخنرانی نسبت به آن هشدار داده است، سیاست‌های آمریکا در ارتباط با کشورهای همسایه ایران است. وی توضیح داده: «آمریکایی‌ها خواهر مرزهای ما با کشورهای همسایه نامن شود و ما در روابط خود دچار مشکل شویم. در این میان ما باید بیش از هر زمان دیگری بر قدرت، توان و اقتدار خود افزوده و دایره ارتباطاتمان را با سایر کشورها توسعه داده و تحریم‌ها را دور بزنیم تا دشمنان به مقاصد خود دست نیابند.»

طائب به نام هیچ کشور همسایه‌ای اشاره نکرده است، اما به نظر می‌رسد او و سایر مسئولان حکومت، نگران اختلال در روابط جمهوری اسلامی با ترکیه هستند. فعالیت بخشی از شبکه‌های پولشویی نظام و مجاری دور زدن تحریم‌ها از طریق ترکیه انجام می‌شود اما حمایت رجب طیب اردوغان از مخالفان رژیم بشار اسد در سوریه که به سقوط وی منجر شد و «عمق استراتژیک» جمهوری اسلامی را بر باد داد، زمامداران حکومت را نسبت به سیاست‌های ترکیه نگران کرده است

استقرار یگان‌های پدافندی ارتش و سپاه پاسداران در کنار مراکز حساس



رزمایش «مدافعان آسمان ولایت»

دریادار تونی رادکین رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح بریتانیا، اوایل دسامبر ۲۰۲۴ (اواسط آذرماه) در جریان سخنرانی سالانه خود در مؤسسه «رویال یونایتد سرویس» (RUSI) گفته بود حمله هوایی اسرائیل به مراکز نظامی در ایران «تقریباً کل سیستم پدافند هوایی جمهوری اسلامی را از کار انداخت و توانایی آنها برای تولید موشک‌های بالستیک نیز تا یک سال از بین رفت.»

در این میان، عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ۱۲ دی‌ماه ۱۴۰۳ طی سخنانی در ستاد فرماندهی نیروی هوایی ادعا کرده بود: «دشمنان هنوز قدرت واقعی ایران را ندیده‌اند» و «می‌خواهیم دست خود را رو کنیم.»

پس از صدور قطعنامه علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی در شورای حکام، مقامات رژیم در تهران با افزایش تعداد سانتریفیوژها در تأسیسات اتمی فردو و نطنز میزان ذخیره سازی اورانیوم را افزایش دادند. همین اقدام باعث شد که اروپایی‌ها در مورد احتمال فعال شدن «مکانیسم ماشه» هشدار بدهند.

در همین ارتباط عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ۸ آذرماه ۱۴۰۳ با تهدید کشورهای غربی گفت: «اگر غرب تحریم‌های سازمان ملل بر ضد جمهوری اسلامی را دوباره فعال کند، مذاکرات هسته‌ای به سمت ساخت سلاح اتمی تغییر جهت خواهد داد.»

کشورهای غربی به ویژه آمریکا و همچنین اسرائیل بارها تأکید کرده‌اند که به هیچ عنوان اجازه دستیابی به سلاح اتمی را به جمهوری اسلامی نخواهند داد. گفته می‌شود یکی از اولویت‌های دونالد ترامپ پس از بازگشت به کاخ سفید که ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ بطور رسمی انجام خواهد شد، تصمیم‌گیری درباره شکل مقابله با برنامه‌های اتمی رژیم ایران است و حمله نظامی یکی از گزینه‌هایی است که او بررسی خواهد کرد.

● در شرایطی که گفته می‌شود اسرائیل برای حمله احتمالی به تأسیسات هسته‌ای در ایران آماده می‌شود، فرمانده قرارگاه مشترک پدافند هوایی «خاتم‌الانبیاء» عنوان کرد که یگان‌های پدافند هوایی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با سیستم‌های جدید پدافندی در کنار مراکز حساس مستقر شده‌اند.

● او همچنین مدعی شد سیستم‌هایی که مستقر شده «ناشناخته» هستند و تأکید کرد: «به علت رعایت ملاحظات حفاظتی و اصل غافلگیری دشمن، فقط بخش کمی از آن رسانه‌ای می‌شود.»

در شرایطی که گفته می‌شود اسرائیل برای حمله احتمالی به تأسیسات هسته‌ای در ایران آماده می‌شود، فرمانده قرارگاه مشترک پدافند هوایی «خاتم‌الانبیاء» عنوان کرد که یگان‌های پدافند هوایی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با سیستم‌های جدید پدافندی در کنار مراکز حساس مستقر شده‌اند.

قادر رحیم‌زاده فرمانده قرارگاه «خاتم‌الانبیاء» ۱۷ دی‌ماه گفت: «ارتش و سپاه در یک رزمایش مشترک، دفاع از آسمان کشور را تمرین خواهند کرد.»

این مقام نظامی توضیح داده: «مرور آموزش‌های یکسال گذشته به نیروها، تمرین‌های انجام شده با توجه به رصد و پایش تحرکات دشمن و البته نیازمندی‌های پدافند هوایی کشور شاکله این رزمایش پدافندی خواهد بود.»

او همچنین مدعی شد سیستم‌هایی که مستقر شده «ناشناخته» هستند و تأکید کرد: «به علت رعایت ملاحظات حفاظتی و اصل غافلگیری دشمن، فقط بخش کمی از آن رسانه‌ای می‌شود.»

این رزمایش حدود دو ماه پس از حمله هوایی اسرائیل به تأسیسات نظامی و پدافندی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برگزار می‌شود.

جمهوری اسلامی ناتوان در تأمین رفاه مردم؛ چرا شیخ تمیم می‌تواند اما خامنه‌ای نه؟!



دیدار امیر قطر با علی خامنه‌ای / خرداد ۱۴۰۳

دولت‌های عربی منطقه از جمله قطر فرصت طلایی فراهم آورده است. برداشت قطر از میادین مشترک گازی در خلیج فارس و همزمان بحران گاز در کشور تصویری از عقب‌ماندگی‌های ایران به نمایش می‌گذارد که مقصر آن فقط و فقط ناتوانی و بی‌عرضگی حکومت است.

قطر از جمله دولت‌هایی است که بی‌سر و صدا کانال‌هایی دور زدن تحریم‌ها را برای جمهوری اسلامی فراهم می‌کند و نفع آن را با گرفتن «حق دلالی» می‌برد. میلیاردها دلار پول ایران در بانک‌های قطر مسدود شده که هزینه صرافی و نگهداری این پول تنها بخش کوچکی از این منفعت است. در چنین شرایطی حتا برخی جریان‌های فکری و سیاسی حکومتی نسبت به اینکه «قطر منابع ایران را می‌برد» و «غارت می‌کند» اعتراض می‌کنند.

اخیراً محمد فاضلی عضو هیأت علمی دانشگاه بهشتی (دانشگاه ملی سابق) در نشست تخصصی اتاق ایران گفت: «هر ایرانی که از فرودگاه امام سوار هواپیما شود و در فرودگاه قطر در دوحه پیاده شود می‌فهمد فاصله چقدر است!» او تأکید کرده است: «سبک زندگی امارات، قطر، عربستان و... برای ایرانی‌ها حسرت شده است.»

برخی تحلیلگران پیش‌بینی کرده‌اند با بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید احتمالاً قطر و امارات در تنگ‌تر کردن حلقه تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی مشارکت فعال‌تری داشته باشند. در همین ارتباط مقامات سیاسی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی هشدار می‌دهند که حفظ روابط با همسایگان برای «دور زدن تحریم‌ها» ضروری است. در شرایطی که همین دولت‌ها در موارد متعدد از زبان‌هایی که به منافع ملی ایران وارد می‌شود سود می‌برند اما زور جمهوری اسلامی به تأمین منافع ایران در این منازعات نمی‌رسد چه برسد به اینکه بخواهد رفاه عمومی جامعه را تأمین کند.

گزارشی به سرانه درآمد ناخالص ملی در کشورهای حوزه خلیج‌فارس پرداخت. این گزارش نشان می‌دهد که در میان ۸ کشور نفتخیز حاشیه خلیج‌فارس، ایران پایین‌ترین سرانه درآمد ناخالص ملی و قطر بالاترین درآمد ناخالص را دارد.

بر اساس این گزارش، در سال ۲۰۲۳ میلادی میزان سرانه درآمد ناخالص ملی در ایران ۴۶۸۰ دلار بوده در حالی که در قطر بیش از ۷۰ هزار دلار است.

سرانه درآمد ناخالص ملی معیار ارزیابی رفاه اقتصادی و استاندارد زندگی در یک کشور محسوب می‌شود و بر اساس تقسیم مقدار کل درآمد یک کشور به میزان جمعیت آن به دست می‌آید و سهم هر شخص را از این درآمد مشخص می‌کند.

بر اساس آخرین رتبه‌بندی «شاخص رفاه» از سوی مؤسسه «لگاتوم»، جمهوری اسلامی ایران در میان ۱۶۷ کشور در رده ۱۲۶ ایستاده در حالی که قطر در رده ۴۶ قرار دارد.

این آمار نشان می‌دهد شیخ تمیم بن حمد آل‌ثانی امیر قطر توانسته منافع ملی کشورش را تأمین کند اما علی خامنه‌ای رهبر جمهوری با همه‌ی لاف و گراف‌هایش نه!

قطر سال‌هاست به اسم «میانجیگری» برای جمهوری اسلامی دلالی می‌کند و از بحران‌هایی که ایران با آن روبروست بیشترین منافع را به دست آورده است.

وبسایت «فرارو» ۱۱ دی‌ماه ۱۴۰۳ در یک گزارش تحلیلی نوشت: «قطری‌ها همزمان که حلقه محاصره ژئوپلیتیک بر گرد ایران را قدم به قدم و به تدریج محکم می‌کنند» برای اینکه دل مقامات جمهوری اسلامی را به دست آورند «به ازاء هر تله بزرگی که در جناحین» جمهوری اسلامی کار می‌گذاشتند، «یک شکلات هم به سیاستمداران ایرانی هدیه می‌دادند تا بندهای اخوت و برادری از هم نگسلند!»

تحریم‌های اقتصادی ایران که ناشی از پیامدهای وخیم سیاست‌های جنگ‌طلبانه جمهوری اسلامی است، برای

● روابط قطر با حاکمان جدید سوریه پس از سرنگونی بشار اسد رو به افزایش است. وزیر خارجه قطر در بین اولین مقامات ارشد بود که پس از قدرت گرفتن احمد الشرع (محمد الجولانی) در سوریه، برای دیدار با او به دمشق رفت. این در شرایطی است که دولت‌مردان جدید سوریه خواسته‌اند جمهوری اسلامی دست از دخالت در امور این کشور بردارد.

● طبق گزارش «مرکز داده‌های باز ایران»، در سال ۲۰۲۳ میلادی میزان سرانه درآمد ناخالص ملی در ایران ۴۶۸۰ دلار بوده در حالی که در قطر بیش از ۷۰ هزار دلار است.

● بر اساس آخرین رتبه‌بندی «شاخص رفاه» از سوی مؤسسه «لگاتوم»، جمهوری اسلامی ایران در میان ۱۶۷ کشور در رده ۱۲۶ ایستاده و قطر در رده ۴۶ قرار دارد.

● اخیراً محمد فاضلی عضو هیأت علمی دانشگاه بهشتی (دانشگاه ملی سابق) در نشست تخصصی اتاق ایران گفت: «هر ایرانی که از فرودگاه امام سوار هواپیما شود و در فرودگاه قطر در دوحه پیاده شود می‌فهمد فاصله چقدر است!» او تأکید کرده است: «سبک زندگی امارات، قطر، عربستان و... برای ایرانی‌ها حسرت شده است.»

● وبسایت «فرارو» ۱۱ دی‌ماه ۱۴۰۳ در یک گزارش تحلیلی نوشت: «قطری‌ها همزمان که حلقه محاصره ژئوپلیتیک بر گرد ایران را قدم به قدم و بتدریج محکم می‌کنند» برای اینکه دل مقامات جمهوری اسلامی را به دست آورند «به ازاء هر تله بزرگی که در جناحین» جمهوری اسلامی کار می‌گذاشتند، «یک شکلات هم به سیاستمداران ایرانی هدیه می‌دادند تا بندهای اخوت و برادری از هم نگسلند!»

روابط قطر با حاکمان جدید سوریه پس از سرنگونی بشار اسد رو به افزایش است. وزیر خارجه قطر در بین اولین مقامات ارشد آن کشور بود که پس از به قدرت رسیدن احمد الشرع (محمد الجولانی) در سوریه، برای دیدار با او به دمشق رفت. این در شرایطی است که دولت‌مردان جدید سوریه خواسته‌اند جمهوری اسلامی دست از دخالت در امور این کشور بردارد.

در این دیدار الجولانی گفته بود: «قطر همیشه شریک مردم سوریه بوده و مواضع خود را تا پیروزی انقلاب حفظ کرد و مرحله بعدی در سوریه مرحله توسعه خواهد بود و شاهد مشارکت موثر توسط قطر خواهیم بود.»

سقوط بشار اسد یک شکست استراتژیک تاریخی برای جمهوری اسلامی و رهبرش علی خامنه‌ای به شمار می‌رود اگرچه زمامداران حکومت تلاش می‌کنند نه تنها این شکست را لاپوشانی یا فرافکنی کنند بلکه حتا آن را پیروزی جلوه دهند!

هرچند روابط قطر با جمهوری اسلامی نیز از سطح بالایی برخوردار بوده و هست، اما برخی مسائل از جمله بلوکه ماندن شش میلیارد دلار از پول‌های ایران در بانک‌های قطر، همسویی با سایر دولت‌های عربی منطقه در مورد به چالش کشیدن حق مالکیت ایران بر جزایر سه‌گانه در خلیج فارس و میزبانی از نیروهای آمریکایی در پایگاه «الحدید» روابط تهران و دوحه را تحت تأثیر قرار داده است.

اقتصاد ممتاز قطر

وبسایت «مرکز داده‌های باز ایران» دی‌ماه سال ۱۴۰۳ در

حمله به تاسیسات هسته‌ای در ایران؛ مهاشات بایدن و جسارت ترامپ؟



گرافیک از کیهان لندن

عمومی مقامات رژیم ایران که از احتمال تغییر در دکترین هسته‌ای خود صحبت کرده بودند، مطرح شد. سالیوان همچنین ابراز نگرانی کرد که ضربات استراتژیکی که رژیم ایران و نیروهای وابسته به آن در سال ۲۰۲۴ متحمل شده‌اند، ممکن است تهران را به سمت انتخاب‌های بسیار خطرناک مانند تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای سوق دهد. به همین دلیل او تأکید کرد که ایالات متحده باید هوشیارانه عمل کند.

برخی مقامات دولت آمریکا از جمله جیک سالیوان بر این باورند که تضعیف نیروهای نیابتی منطقه‌ای جمهوری اسلامی مانند حماس و حزب‌الله توسط اسرائیل، همراه با حملات هوایی اسرائیل در ۲۶ اکتبر ۲۰۲۴ که سامانه‌های دفاع هوایی ایران را هدف قرار داد، ممکن است اکنون لحظه‌ای مناسب برای حمله به تاسیسات هسته‌ای را در ایران فراهم کرده باشد.

آنها معتقدند که در این شرایط، احتمال مقاومت جدی یا واکنش‌های خطرناک و تصاعد تنش‌ها، مانند آنچه در گذشته مشاهده شده بود، کمتر است. این وضعیت، احتمال موفقیت یک حمله آمریکایی را که بتواند خطر انتقام رژیم ایران و تنش‌های منطقه‌ای را کاهش دهد، بهبود می‌بخشد. بدون چنین حمایتی، اسرائیل به تنهایی قادر به تخریب کامل تاسیسات هسته‌ای در ایران، که در اعماق زمین و دامنه کوه‌ها قرار دارند، نخواهد بود.

شک و تردید جو بایدن

با ادامه تردید بایدن در اتخاذ این گام و تمرکز بر میزان فوریت حمله در هفته‌های پایانی دوران ریاست جمهوری‌اش و اینکه آیا رژیم ایران اقداماتی انجام داده که حمله نظامی گسترده را توجیه کند یا نه، طبق گزارش وبسایت «آکسیوس» به نقل از مقامات آمریکایی، به نظر می‌رسد تردیدها درباره توانایی او در اجرای این تصمیم همچنان وجود دارد.

به گفته رونل مارک گرشیت پژوهشگر متخصص در امور ایران، صحبت درباره جدی بودن بایدن در فکر کردن

ریاست جمهوری وی افزایش یافته، اکتفا کرد. حتی زمانی که رافائل گروسی مدیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در دسامبر ۲۰۲۴ اعلام کرد ایران اکنون به اندازه کافی اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی برای ساخت چهار مپ هسته‌ای در اختیار دارد و می‌تواند آن را به غلظت ۹۰ درصدی مورد نیاز برای تولید سلاح ارتقاء دهد، بایدن واکنشی نشان نداد. این در حالیست که سانترفیوژهای جدید نصب‌شده در ایران قادرند این فرآیند را ظرف چند روز به پایان برسانند. یک دلیل و شاهد دیگری بر ضعف دولت بایدن در نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای رژیم ایران این است که ایالات متحده و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۴ در ارزیابی اطلاعاتی درباره تحقیقات مشکوکی که به نظر می‌رسد دانشمندان ایرانی برای کاهش زمان گریز هسته‌ای انجام می‌دهند، همکاری کردند. اما جو بایدن در اکتبر همان سال از دادن مجوز به اسرائیل برای مپاران تاسیسات هسته‌ای در ایران خودداری کرد، حتی زمانی که دولت بنیامین نتانیاهو در حال بررسی واکنش به حملات موشکی شدید ایران علیه اسرائیل بود.

با این حال، فاش شدن طرح گزینه‌های به دقت برنامه‌ریزی‌شده برای انجام یک حمله احتمالی توسط دولت بایدن در دوره انتقالی پیش از مراسم تحلیف دونالد ترامپ رئیس‌جمهور منتخب به تاسیسات هسته‌ای در ایران، البته در صورتی که رژیم به سمت ساخت سلاح هسته‌ای خیز بردارد، به منزله تغییر ۱۸۰ درجه‌ای در سیاست بایدن خواهد بود. این در حالیست که جلسه شورای امنیت ملی که در کاخ سفید برای بررسی سناریوهای مختلف برگزار شد، نه بر اساس داده‌های جدید اطلاعاتی صورت گرفته و نه با هدف اتخاذ تصمیم نهایی طی روزهای آینده از سوی بایدن برگزار شد.

دلیل تغییر موضع آمریکا

به نظر می‌رسد دلیل اصلی مطرح شدن این سناریوهای احتمالی، نگرانی آمریکایی‌ها از این باشد که تهران واقعاً به دنبال تسریع برنامه هسته‌ای خود بوده است. این نگرانی در پی اظهارات جیک سالیوان مشاور امنیت ملی آمریکا بیان شد که دو هفته پیش در کنفرانسی در نیویورک از اظهارات

پس از فاش شدن اینکه دولت بایدن اخیراً گزینه‌هایی برای حمله احتمالی به تاسیسات هسته‌ای ایران قبل از ۲۰ ژانویه را در صورتی که تهران گام‌هایی به سوی غنی‌سازی اورانیوم به میزان ۹۰ درصد بردارد، مورد بحث قرار داده، رژیم ایران فوراً اعلام کرد که آماده از سر گرفتن مذاکرات هسته‌ای با غرب است. حال این پرسش مطرح می‌شود: آیا جمهوری اسلامی تهدید آمریکا را جدی گرفته است؟ و آیا دولت ایالات متحده در دوران بایدن می‌تواند سیاست‌های خود را تغییر دهد و همه را شگفت‌زده کند؟

فاش شدن طرح گزینه‌های به دقت برنامه‌ریزی‌شده برای انجام یک حمله احتمالی توسط دولت بایدن در دوره انتقالی پیش از مراسم تحلیف دونالد ترامپ رئیس‌جمهور منتخب به تاسیسات هسته‌ای در ایران، البته در صورتی که رژیم به سمت ساخت سلاح هسته‌ای خیز بردارد، به منزله تغییر ۱۸۰ درجه‌ای در سیاست بایدن خواهد بود.

دلیل ضرورت دخالت آمریکا این است که اسرائیل اگرچه مپ‌های «بی‌ال‌یو ۱۰۹» ساخت آمریکا را دارد که قادر به نفوذ به پناهگاه‌ها تا عمق ۳۵ متر هستند و اسرائیلی‌ها از آنها برای ترور حسن نصر الله رهبر حزب‌الله در حومه جنوبی بیروت استفاده کرده‌اند، اما قادر به نابود کردن تعداد زیادی از تاسیسات هسته‌ای ایران که در اعماق زمین قرار دارند، نیست. نابود کردن این تاسیسات نیاز به مپ‌های فوق‌العاده قدرتمند برای نفوذ تا عمق ۶۰ متر دارد که تنها در اختیار ایالات متحده است و به نام «جی‌بی‌یو ۵۷» شناخته می‌شود.

طارق الشامی (ابن‌بیدندت عربی) - تفاوت بزرگی میان رویکرد جو بایدن رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، در مقایسه با رویکرد دونالد ترامپ رئیس‌جمهور پیشین و منتخب که از ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ ساکن کاخ سفید خواهد شد، در برخورد با پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد.

در حالی که بایدن به دنبال دیپلماسی و راه‌های طولانی است، ترامپ بر استفاده از فشار حداکثری و حتی اقدام نظامی تمرکز دارد. این تفاوت در روش و رویکردها، مسلمان چالش‌هایی را برای سیاست آمریکا در منطقه خاورمیانه ایجاد می‌کند، زیرا هر اقدام در برابر رژیم ایران می‌تواند به پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی منجر شود. برخی بر این باورند که صحبت‌ها درباره جدی بودن بایدن برای حمله به نقاطی در ایران به دلیل بی‌زاری آشکار او از استفاده از نیروی نظامی علیه تهران و همچنین امیدهای دولت او به اینکه رژیم در ازای کاهش تحریم‌ها، رفتار هسته‌ای خود را تغییر خواهد داد، معتبر نیست. پس از فاش شدن اینکه دولت بایدن اخیراً گزینه‌هایی برای حمله احتمالی به تاسیسات هسته‌ای ایران قبل از ۲۰ ژانویه را در صورتی که تهران گام‌هایی به سوی غنی‌سازی اورانیوم به میزان ۹۰ درصد بردارد، مورد بحث قرار داده، رژیم ایران فوراً اعلام کرد که آماده از سر گرفتن مذاکرات هسته‌ای با غرب است. حال این پرسش مطرح می‌شود: آیا جمهوری اسلامی تهدید آمریکا را جدی گرفته است؟ و آیا دولت ایالات متحده در دوران بایدن می‌تواند سیاست‌های خود را تغییر دهد و همه را شگفت‌زده کند؟

جو بایدن در دوران ریاست جمهوری‌اش، بارها متعهد شد که اجازه نخواهد داد جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای دست یابد، اما او تنها به نظارت از دور بر فعالیت‌های هسته‌ای تهران که بطور قابل توجهی در طول چهار سال

→ به حمله به نقاطی در ایران فاقد اعتبار است.

او معتقد است که این امر به دلیل بیزاری آشکار بایدن از استفاده از نیروی نظامی علیه تهران و امید طولانی دولت او به این است که جمهوری اسلامی با کاهش تحریمها به تعهد خود در عدم پیشبرد برنامه هسته‌ای پایبند بماند. همین رویکرد به تقویت موقعیت حکومت ایران به عنوان کشوری در آستانه ساخت سلاح هسته‌ای کمک کرده است. مارک دوپویتز مدیرعامل مؤسسه دفاع اژدموکراسی‌ها که یک مؤسسه حامی اسرائیل در واشنگتن است، بر روی دونالد ترامپ و نه بایدن حساب باز کرده است تا سال ۲۰۲۵ سالی باشد که ایالات متحده و اسرائیل بطور قاطع برنامه تسلیحات هسته‌ای رژیم ایران را برچینند. او اشاره می‌کند که بخش عمده‌ای از گسترش فعالیت‌های غنی‌سازی ایران پس از انتخاب بایدن و تصمیم او برای کنار گذاشتن سیاست فشار حداکثری به نفع رویکرد مباحثات با زمامداران جمهوری اسلامی رخ داده است. در حالی که احتمالاً ترامپ دوباره این فشار را اعمال خواهد کرد و بطور قطعی جاه‌طلبی‌های هسته‌ای حکومت ایران را نابود خواهد ساخت.

حمله هوایی به تأسیسات هسته‌ای بعید نیست

با اینکه مقامات ایران همواره تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را انکار کرده و تأکید داشته‌اند که به عنوان یک کشور عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، تنها به دنبال استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای هستند، نگرانی‌ها درباره نزدیک شدن این کشور به توانایی ساخت سلاح هسته‌ای در میان بخشی از اعضای شورای امنیت ملی آمریکا که به اسرائیل نزدیک‌تر هستند، افزایش یافته است. علاوه بر این، لابی اسرائیل در واشنگتن، که تأثیر قابل توجهی بر سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه دارد، فشار زیادی برای انجام این حمله وارد می‌کند.

با توجه به تنوع زیاد تأسیسات هسته‌ای ایران در مکان‌های مختلف و وجود برخی از آنها در تونل‌های مستحکم زیرزمینی، از جمله تأسیسات اصلی غنی‌سازی در نطنز که در چندین طبقه زیر زمین قرار دارد و تأسیساتی مانند فردو که در دل کوه حفاری شده و بطور ویژه محافظت می‌شود، علاوه بر مرکز فناوری هسته‌ای در نزدیکی اصفهان، دومین شهر بزرگ ایران، و تأسیسات جدید دیگری که در حال حفاری شدن در کوه‌ها با عمق ۱۰۰ متر در نزدیکی نطنز است (طبق تصاویر ماهواره‌ای)، مشارکت ایالات متحده در عملیات احتمالی بمباران این تأسیسات امری ضروری به نظر می‌رسد.

چرا آمریکا دخالت می‌کند

دلیل ضرورت دخالت آمریکا این است که اسرائیل اگرچه بمب‌های «بی‌ال‌یو ۱۰۹» ساخت آمریکا را دارد که قادر به نفوذ به پناهگاه‌ها تا عمق ۳۵ متر هستند و اسرائیلی‌ها از آنها برای ترور حسن نصر الله رهبر حزب‌الله در حومه جنوبی بیروت استفاده کرده‌اند، اما قادر به نابود کردن تعداد زیادی از تأسیسات هسته‌ای ایران که در اعماق زمین قرار دارند، نیست. نابود کردن این تأسیسات نیاز به بمب‌های فوق‌العاده قدرتمند برای نفوذ تا عمق ۶۰ متر دارد که تنها در اختیار ایالات متحده است و به نام «جی‌بی‌یو ۵۷» شناخته می‌شود. مسئولان پنتاگون موضوع استفاده از دو بمب متوالی را برای اطمینان از نابودی هر مرکز هسته‌ای در ایران مطرح کرده‌اند. با این حال، موفقیت این عملیات کاملاً تضمین‌شده نیست و همین نیز ضرورت دخالت ایالات متحده را بیشتر می‌کند.

به احتمال زیاد بمب «جی‌بی‌یو ۵۷» بر روی بمب‌افکن استراتژیک و پنهانکار «بی ۲» حمل خواهد شد، زیرا این بمب

بسیار بزرگ است (حدود شش متر طول و وزن آن ۱۲ تن است). ایالات متحده از هواپیماهای «بی ۲» برای حمله به پنج تأسیسات حوثی در یمن در اکتبر ۲۰۲۴ استفاده کرده که این اقدام پیامی به رژیم ایران بود و نشان‌دهنده توانایی منحصر به فرد ایالات متحده در هدف گرفتن تأسیسات مستحکم در کوه‌ها است و همانطور که لوید آوستین وزیر دفاع آمریکا اعلام کرده است، صرف نظر از اینکه این تأسیسات چقدر عمیق در زیر زمین قرار دارند یا چقدر محکم محافظت شده‌اند.

سناریوهای جایگزین

با این حال، هنوز برخی دیدگاه‌های لیبرال در تصمیم‌گیری دولت دموکرات کنونی که اکنون در حال آماده شدن برای ترک کاخ سفید است، تأثیرگذار هستند. این محافل اشاره می‌کنند که حتی در بهترین سناریوها که در آن حملات نظامی موفق به نابودی تأسیسات هسته‌ای اصلی می‌شوند، دانش مربوط به غنی‌سازی اورانیوم، فناوری راکتورها و چرخه سوخت لازم برای پایداری شکاف هسته‌ای همچنان دست‌نخورده باقی خواهد ماند. همانطور که دورین هورشیک رئیس پژوهشگران در پروژه مسائل هسته‌ای مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن اشاره می‌کند، برای از بین بردن این دانش به عملیات‌های سری و مستمر در داخل جامعه علمی ایران نیاز است که یک روند دشوار و اجرای آن پیچیده است.

به عنوان مثال، ایران بطور عمده به سانتریفیوژها برای غنی‌سازی اورانیوم متکی است که اندازه آنها کوچک است، قطر آنها بین ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر و ارتفاعشان از یک تا دو متر است و می‌توانند در مکان‌های مختلف ساخته شوند. اگر ایالات متحده و اسرائیل حملات شدیدی علیه این تأسیسات انجام دهند، ایران بطور نظری قادر خواهد بود آنها را دوباره بسازد و در عمق بیشتری زیر زمین مستقر کند.

مهم‌تر از ادامه‌ی دانش فنی، عزم رژیم ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای است. با وجود عملیات‌های سری اسرائیل از جمله حملات سایبری و ترورها، جمهوری اسلامی ذخیره‌ی اورانیوم غنی‌شده و سانتریفیوژهای عملیاتی خود را افزایش داده است. در سال ۲۰۲۱، ایران غنی‌سازی اورانیوم را برای اولین بار به میزان ۶۰ درصد رساند. این واکنش مستقیم به عملیات تخریبی اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای نطنز در همان سال بود و به این معناست که عملیات‌های سری اسرائیل تنها بطور موقت جاه‌طلبی‌های اقی رژیم ایران را متوقف می‌کند. مداخلات نظامی تنها زمانی موفق هستند که تهدید گسترش هسته‌ای در مراحل اولیه باشد، در حالی که تهران این آستانه را مدت‌هاست پشت سر گذاشته است. محافل مخالف استفاده از نیروی نظامی در آمریکا بر این باور است که رژیم ایران تا کنون از برنامه هسته‌ای خود به عنوان یک ابزار احتیاطی استفاده کرده و نه یک توانمندی تهاجمی. و اینکه ایران هنوز به آستانه هسته‌ای شدن نرسیده و همین موضوع بیانگر پنجره‌ای برای دیپلماسی است. هرچند که این دیپلماسی تا کنون بطور خاص مؤثر نبوده و منافع اسرائیل را تأمین نکرده است. این محافل معتقدند با این حال شاید مفید باشد که تلاش‌های دیپلماتیک تدریجی ادامه یابد بجای اینکه به دنبال رسیدن به یک توافق جامع و بزرگ مانند توافق هسته‌ای جامع مشترک سال ۲۰۱۵ باشیم.

آیا حمله نظامی به تأسیسات اقی در ایران به دوران ترامپ موکول خواهد شد؟
 اما اگر بایدن تصمیم بگیرد که حمله به نقاطی در ایران

را به رئیس جمهور منتخب دونالد ترامپ واگذار کند، ممکن است عوامل زیاد و ملاحظات مختلفی بر تصمیم رئیس جمهور جدید در کاخ سفید تأثیر بگذارد. با اینکه ترامپ به نتانیاهو پیشنهاد کرده بود که اول برنامه هسته‌ای ایران را هدف قرار دهد و بعد نگران باقی مسائل باشد، اما خودش در واکنش به حملات موشکی رژیم ایران علیه اسرائیل، نظرات متناقض زیادی بیان کرده است.

ترامپ که از زمامداران مذهبی ایران بسیار متنفر است و از توانایی هسته‌ای تهران نیز بیم دارد، استراتژی جدید و سختگیرانه‌ای علیه آنها اتخاذ خواهد کرد و این استراتژی و هدف اصلی سیاست خارجی آمریکا خواهد بود که احتمالاً شامل اقدام نظامی، ارسال نیروهای بیشتر آمریکایی به منطقه خاورمیانه و فروش سلاح‌های پیشرفته به اسرائیل می‌شود. با این حال، ترامپ همچنان در اقدام به جنگ جدیدی که ارتش آمریکا را به آن وارد کند، تردید دارد. ترامپ همچنین همیشه خود را بهترین شخص برای انجام مذاکرات معرفی می‌کند.

به گفته جیمز لینزی رئیس ارشد پژوهشگران در شورای روابط خارجی واشنگتن، ترامپ به سیاست «فشار حداکثری» دولت اول خود باز خواهد گشت که شامل گسترش تحریم‌های آمریکا علیه رژیم ایران و تشدید اجرای تحریم‌های موجود است تا آن را وادار به کاهش سطح برنامه هسته‌ای و موشک‌های بالستیک خود کند و همچنین حمایت از شبه‌نظامیان منطقه‌ای یا همان «محور مقاومت» را محدود سازد.

گزینه نظامی راه حل نهایی آمریکا

با این حال، استراتژی فشار حداکثری برای موفقیت به زمان نیاز دارد و احتمالاً قدرت‌های بزرگ دیگر این سیاست را تضعیف خواهند کرد زیرا چین و روسیه تحریم‌های آمریکا و تحریم‌های چندجانبه علیه رژیم ایران را همیشه نادیده گرفته‌اند. بعید است که پکن و مسکو اکنون به این تحریم‌ها پایبند باشند، مگر اینکه چیزی مهم از ایالات متحده در مقابل آن دریافت کنند، که ممکن است ترامپ تمایلی یا توانایی ارائه آن را نداشته باشد. اما اگر تهران باور کند که چین و روسیه از آن حمایت می‌کنند، مقاومت به یک استراتژی قابل قبول‌تر تبدیل می‌شود، و حتی ممکن است از مذاکرات به عنوان ابزاری برای خرید زمان و رفع نقاط ضعف خود استفاده کند.

اگر کمین فشار حداکثری نتایج سریع به همراه نداشته باشد، احتمالاً درخواست‌ها برای حمله ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای ایران افزایش خواهد یافت. همچنین انتظار می‌رود ترامپ درخواست‌هایی را بشنود که از او می‌خواهند اسرائیل را برای حمله به نقاطی در ایران تشویق کند آنهم در حالی که می‌دانند اسرائیل توانایی نابود کردن تأسیسات هسته‌ای زیرزمینی ایران را ندارد.

در نهایت، استفاده از نیروی نظامی ممکن است یک ضربه‌ی شانس‌ی باشد که فراتر از رویاهای طراحان خود به موفقیت بیانجامد و به آغاز عصری جدید و صلح‌آمیز در خاورمیانه منجر شود. اما شاید هم مانند آنچه در حمله به عراق اتفاق افتاد، درهای این منطقه را به سوی مشکلات زیادی باز کند که منطقه و ایالات متحده را برای سال‌های آینده تحت تأثیر خواهد کرد.

*منبع: اندیپندنت عربی

*نویسنده: طارق الشامی روزنامه‌نگار متخصص در امور

آمریکا و جهان عرب

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

«مکران» در منطقه مرزی گزینه انتقال پایتخت! با اینهمه بحران، پزشکيان چرا بر انتقال پایتخت اصرار دارد؟!



سواحل مکران

که قرار نیست کاری انجام بگیرد و صرفاً برای خوشامد مخاطب حرفی زده می‌شود.»

در این مطلب آمده که «محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور همچون بسیاری از مقامات دولت فعلی و سابق و اسبق از ضرورت توسعه مکران گفته است، در حالی که در همه این سال‌ها یک آجر هم در این طرح پیشرفت نداشته‌ایم و همه چیز در سخنرانی و روی کاغذ خلاصه شده است.»

کارشناسان نیز انتقال پایتخت را دست‌کم در شرایط کنونی کشور امکان‌پذیر ارزیابی نمی‌کنند. در همین رابطه مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز گفته که «سال‌هاست که بحث جابجایی پایتخت مطرح می‌شود، ولی متأسفانه مثل بسیاری از موارد دیگر، کارشناسان یا شاید بهتر است بگوییم کارناشناسان، از سر گشاد قیف [شیپور] به این نوع موضوعات می‌دمند و بیشتر دنبال معلول می‌گردند تا علت. علت اصلی تمرکز امکانات، سرمایه‌ها، ثروت‌ها و نیروهای نخبه در تهران و یکی دو شهر دیگر، بی‌تدبیری‌ها یا ناآگاهی‌هایی است که مدیران مسئول، داشته‌اند.»

مرتضی افقه افزوده که «قبل از انقلاب، قراردادی با شرکت «ستیران» فرانسه امضا شد برای مطالعات آمایشی. طرح آمایش سرزمین شرکت ستیران در سال ۱۳۵۳ تحویل داده شده که افق آن ۲۵ ساله و تا سال ۱۳۷۸ بود. این طرح بسیار جامع بود. طرح آمایش به معنای تناسب جمعیت و امکانات و قابلیت‌های مناطق مختلف است. این برنامه به‌خصوص برای بخش‌های جنوبی کشور و حاشیه خلیج فارس، طرح‌های بسیار خوبی، ارائه کرده بود. متأسفانه، این طرح اجرا نشد و برخی بی‌تدبیری‌ها و بی‌کفایتی‌ها هم باعث شده تمام امکانات در تهران جمع شود، به شکلی که اکنون نیز نمی‌توان این وضعیت را سر و سامان داد.»

این اقتصاددان معتقد است مشکل «تهران» نیست ←

در استان تهران وجود دارد» گفته «برای توسعه ظرفیت‌های منطقه مکران به همکاری دانشگاهیان و کارشناسان در زمینه‌های مهندسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد نیاز داریم.»

روز گذشته نیز محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان در سخنانی گفت: «منطقه مکران به دلیل برخورداری از منابع طبیعی کافی و عدم محدودیت‌های اساسی، یکی از گزینه‌های مناسب برای انتقال پایتخت به شمار می‌آید.»

مکران در نقطه آبی و مرزی جنوب شرق و با فاصله حدود ۲ هزار کیلومتری از تهران قرار دارد که در سال‌های گذشته آب‌پروژه‌هایی برای توسعه این منطقه تدوین و کلنگ زده شد اما اجرای آنها در مراحل نخستین باقی مانده است.

موضوع انتقال پایتخت اگرچه در دولت‌های پیشین هم مطرح شده اما گویا از جمله موضوعات مورد علاقه مسعود پزشکیان است.

پزشکیان تنها چند هفته بعد از معرفی به عنوان رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی موضوع «انتقال پایتخت» را مطرح کرد و در توجیحات لزوم اجرای این طرح گفت: «اینکه بخواهیم همچنان منابع اولیه را از جنوب کشور و دریا به مرکز بیاوریم و تبدیل به محصول کنیم و دوباره برای صادرات به جنوب بفرستیم، به شدت توان رقابت ما را مستهلک کرده و کاهش می‌دهد.»

روزنامه «جوان» در شماره امروز خود در واکنش به سخنان محمدرضا عارف که مکران را به عنوان گزینه پایتخت مطرح کرده، نوشته «دو طرح «توسعه مکران» و «انتقال پایتخت» هر دو از طرح‌های بزرگی هستند که سال‌ها در خصوص ضرورت انجام آنها فقط حرف زده می‌شود و اقدامی عملی از هیچ‌یک از دولت‌ها درباره آنها شاهد نبودیم. حال دولت پزشکیان گویا قصد زدن آنها به یکدیگر را دارد و طبیعی است از چنین سنگ بزرگی علامت نزدن هویدا باشد. یعنی

● سخنگوی دولت پزشکیان گفته: «پایتخت جدید کشور بطور قطع در منطقه مکران و جنوب کشور قرار خواهد گرفت!»

● معاون اول پزشکیان نیز گفته: «منطقه مکران به دلیل برخورداری از منابع طبیعی کافی و عدم محدودیت‌های اساسی، یکی از گزینه‌های مناسب برای انتقال پایتخت به شمار می‌آید.»

● مکران در نقطه آبی و مرزی جنوب شرق و با فاصله حدود ۲ هزار کیلومتری از تهران قرار دارد که در سال‌های گذشته آب‌پروژه‌هایی برای توسعه این منطقه تدوین و کلنگ زده شد اما اجرای آنها در مراحل نخستین باقی مانده است.

● در شرایطی که دولت پزشکیان با انبوهی از مشکلات مالی و طرح‌های نیمه‌کاره از جمله «نهضت ملی مسکن» روبروست و حتی در تأمین هزینه دستمزد و مزایای شغلی کارمندان و بازنشستگان به دلیل کسری بودجه درمانده است اما اصرار دارد طرح انتقال پایتخت به جنوب کشور را اجرا کند!

سخنگوی دولت از تشکیل دو شورا برای پیشبرد طرح انتقال پایتخت خبر داده و گفته «پایتخت جدید کشور بطور قطع در منطقه مکران و جنوب کشور قرار خواهد گرفت!»

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکیان صبح امروز سه‌شنبه ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۳ درباره طرح دولت پزشکیان برای انتقال پایتخت گفته «پایتخت جدید کشور بطور قطع در منطقه مکران و جنوب کشور قرار خواهد گرفت» و «این موضوع در حال بررسی و کار است.»

سخنگوی دولت افزوده «دو شورا تشکیل شده است؛ یکی برای بررسی مشکلات پایتخت و دیگری برای تمرکز بر اقتصاد دریامحور.»

فاطمه مهاجرانی با بیان اینکه «به دلیل افزایش جمعیت نگرانی‌هایی نسبت به ظرفیت‌های زیستی مانند منابع آبی

در پی نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام، نمایندگان نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۱ طرح جابجایی پایتخت از تهران را به کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور مجلس شورای اسلامی بردند. این طرح در حالی در کمیسیون مطرح شد که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده بود که جابجایی کشور به «صلاح» نیست. با اینهمه طرح تغییر پایتخت به مصوبه‌ای منتهی شد که بر اساس آن دولت باید کمیسیونی از سازمان‌ها و نهادهای مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، عمرانی، اجتماعی و امنیتی تحقیقاتی را برای «امکان‌سنجی تغییر پایتخت» تشکیل می‌داد.

پس از ماه‌ها در مرداد سال ۹۴ نتیجه تحقیقات این کمیسیون در گزارشی ۲۴۰ صفحه‌ای از سوی وزیر راه و شهرسازی دولت حسن روحانی به مجلس ارائه شد که نشان می‌داد همه اعضای آن تغییر پایتخت سیاسی کشور را غیرعملی خوانده و با آن مخالفت کرده‌اند.

دولت حسن روحانی نیز شورایی با عنوان «شورای انتقال پایتخت» تشکیل شد که در جلسات آن عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی وقت هم حضور داشت.

با وجود این تجارب ناکام و در شرایطی که دولت پزشکیان با انبوهی از مشکلات مالی و طرح‌های نیمه‌کاره از جمله «نهضت ملی مسکن» روبروست و حتی در تأمین هزینه دستمزد و مزایای شغلی کارمندان و بازنشستگان به دلیل کسری بودجه درمانده است اما اصرار دارد طرح انتقال پایتخت به جنوب کشور را اجرا کند!

آن را سنگین می‌کنند.»

در آنسو اما تهران به دلیل عدم توسعه زیرساختی و محیط زیست متناسب با کلانشهری که حدود ۱۵ میلیون نفر را در خود اسکان داده، با مشکلات مختلفی روبروست و دولت‌های مختلف به جای طراحی راهکارهایی عملی برای حل این مشکلات، به دنبال پاک کردن صورت مسئله با انتقال پایتخت هستند!

از دولت میرحسین موسوی، اکبر هاشمی رفسنجانی تا دولت حسن روحانی موضوع تغییر پایتخت به عنوان گزینه‌ای برای حل مشکلات تهران مطرح بوده اما پس هدر رفت بودجه‌های هنگفتی برای بررسی این طرح، و پس از امکان‌سنجی و ارائه نظرات کارشناسان این گزینه به فراموشی سپرده شد.

در دولت محمد خاتمی و در سال ۱۳۷۹ پژوهشی با عنوان «امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی از تهران» آغاز شد اما بی‌سرانجام رها شد. در دولت محمود احمدی‌نژاد هم در سال ۱۳۸۶ موضوع تغییر پایتخت از سوی وزارت کار مطرح و وزارت کشور نیز واکنش مثبت نشان داد اما موضوع در حد همین واکنش‌ها باقی ماند.

دو سال بعد هنگامی که زلزله مخصری در جنوب تهران آمد، مجمع تشخیص مصلحت نظام در آبان‌ماه ۱۳۸۸ موضوع تغییر مکان قوای سه‌گانه و مراکز دولتی تهران را مطرح و اعلام کرد مرکز سیاسی کشور باید برای بهبود استقرار جمعیت تا پایان سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، به مکانی مناسب منتقل شود.

بلکه «آمایش سرزمین» است: «اکنون، هم فشار روی محیط زیست وجود دارد و هم مسائل اجتماعی، تهران را درگیر کرده است. همچنین شاهد تخلیه بقیه نقاط ایران به سمت تهران هستیم. در واقع وقتی همه امکانات متمرکز در تهران است، از سایر نقاط به سمت تهران، مهاجرت گسترده رخ می‌دهد. در نتیجه شاهد بیابان‌زایی هم خواهیم بود. هرچه روستاها و شهرها تخلیه شوند، مشکلات محیط زیستی نیز افزایش پیدا خواهد کرد. همچنین با توجه به تراکم بالای جمعیت در تهران، می‌بینیم که برای تفریح کوتاه به سمت شمال تهران، مسیر ۲ الی ۳ ساعته، بیش از ۱۰ ساعت طول می‌کشد. پس مشکل اصلی کشور ما در حال حاضر عدم اجرای درست طرح آمایش سرزمین است. ما در حال حاضر نه توان و نه هزینه این نوع جابجایی را داریم.» او معتقد است در حالی که نه بودجه و نه امکان تغییر پایتخت وجود دارد، باید کم‌کم و با برنامه‌ریزی به سمت دو پایتختی شدن پیش رفت: «اگر مسئولان می‌خواهند فکری برای این وضعیت داشته باشند بهتر است به این سمت بروند که، همه امور سیاسی، تجاری و بانکی را در پایتخت متمرکز نکنند و اگر می‌خواهند توزیع امکانات را در بقیه مناطق کشور داشته باشند به شکل اندک اندک و به تدریج این کار را انجام دهند.»

مرتضی افقه همچنان طرح «ستیران» را که در زمان محمدرضا شاه فقید طراحی شده بود، راهکار عملی و منطقی ارزیابی می‌کند: «با افزایش تمرکز امکانات در تهران طبیعی‌ست که چاره‌ای بجز افزایش اتوبان‌ها، شهرک‌سازی‌ها و امثالهم نیست؛ بنابراین بعید است که دولت فعلی بتواند طرح تغییر پایتخت را به جایی برساند چرا که سرمایه و زمان زیادی می‌طلبد و برنامه‌ای جامع می‌خواهد. تأکید من بر آمایش سرزمین است، حتی اگر بتوان برنامه «ستیران» را به روزرسانی و اجرا کرد، بهتر از بی‌برنامگی است.»

برخی نیز معتقدند مسعود پزشکیان و اطرافیان او در دولت به دنبال انتقال پایتخت و سپس تقسیم استان تهران به سه استان هستند. موضوع تقسیم استان تهران نیز از چند سال پیش مطرح بود. بر اساس این طرح قرار بود تهران غربی و شرقی به لیست استان‌های کشور اضافه شوند و تهران مرکزی هم جای خود باقی بماند.

حسین ایمانی جاجرمی جامعه‌شناس در گفتگو با وبسایت «خبرآنلاین» گفته عدم توزیع ثروت در استان تهران ارتباطی به یکپارچه بودن استان یا تقسیم‌بندی آن ندارد بلکه برنامه نداشتن سبب این وضعیت شده است. او افزوده «ما یک برنامه جامع توسعه منطقه کلانشهری نداشتیم، چون به این مسئله بی‌توجه بودیم جزیره‌های فقر و ثروت در تهران شکل گرفت، راه حل آن تفرق اداری نیست.»

این جامعه‌شناس از مخالفان طرح تقسیم استان تهران است و آن را به ضرر مردم می‌داند و معتقد است بودجه استان‌های جدید به نفع مدیران و در ساختمان‌های اداری تازه تاسیس شده بلعیده می‌شود و تقریباً بودجه‌ای برای توسعه شهرها باقی نمی‌ماند.

او با بیان اینکه «کجای دنیا پایتخت‌شان را تقسیم می‌کنند» اجرای این «ایده خطرناک» را عامل بروز «معضل» برای حکومت دانسته است: «همین الان در هماهنگ کردن دستگاه‌های اداری مشکل داریم، با تقسیم تهران ایده منطقه کلانشهری با ویژگی‌های مشترک توسعه اقتصادی و حمل و نقل یکپارچه ناپود می‌شود، ضمن این‌که بودجه عمومی افزایش پیدا می‌کند چراکه با تقسیم تهران رده‌های مدیریتی و کارشناسی اضافه می‌شوند، همین امروز ما با مشکل تورم نیروی انسانی و تعدد سازمان‌های اداری مواجه هستیم، با ایده تقسیم تهران به جای سبک کردن بار دولت

جمشید اسدی کارشناس اقتصاد: عدم سرمایه‌گذاری خارجی در ایران فاجعه است



تحریم‌های سخت‌تر نباشد. در سال ۱۴۰۲ خورشیدی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به نیم میلیارد دلار هم نرسید. این پائین‌ترین رقم در ۲۱ سال گذشته بوده است. دلایل عمده عدم ورود سرمایه‌های خارجی به ایران، حتی از سوی کشورهای به اصطلاح دوست جمهوری اسلامی مانند چین، عدم ثبات سیاسی و نفوذ گسترده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اقتصاد ایران است احمد رأفت با جمشید اسدی کارشناس اقتصاد در پاریس گفتگویی انجام داده است.

شرکت سعودی «صافولا» به صورت غیرمنتظره‌ای اعلام کرد که سهام شرکت‌های خود را در ایران که بیش از ۵۰ درصد بازار روغن‌های خوراکی را در دست داشت به بهای ۱۸۸ میلیون دلار فروخته و بازار ایران را ترک خواهد کرد. این شرکت حتی در دوران بحرانی روابط جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی در پیامد حملات به سفارتخانه و مراکز دیپلماتیک این کشور در تهران و مشهد نیز در ایران باقی مانده بود. اکنون اما حدس زده می‌شود این تصمیم سریع بی‌ارتباط با بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید و تصویب



واکنش به ادعای «نفوذ دشمن» و «استخدام جاسوس» از درون مجلس شورای اسلامی



● علم‌الهدی امام جمعه مشهد هفته گذشته گفته بود: «دشمن این افراد [نمایندگان مجلس شورای اسلامی] را ارزیابی می‌کند که کدام یک به اهداف آنها نزدیک است بعد با چندین واسطه آنها را به استخدام خود در می‌آورد.»

● حالا پس از یک هفته برخی نمایندگان به این سخنان واکنش نشان داده‌اند از جمله فرید موسوی عضو فراکسیون مستقلین مجلس شورای اسلامی گفته: «علم‌الهدی اگر اسناد، مستندات و شواهدی دارد، ارائه بدهد چرا که حرف زدن که کنتور نمی‌اندازد، حرف را می‌گویند. اما من تا حالا ندیدم دشمن اینجا بیاید و اتفاقاتی را رقم بزند.»

● ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی نیز گفته: «اینکه نفوذ را تنها به یک بخش از سطوح حاکمیتی ببریم برای مثال تصور شود که یک جریان نفوذ را در دولت، یا مجلس و یا دستگاه‌های اجرایی ببیند، این سطحی‌نگری است.»

● در شرایطی که به اعتراف بسیاری از مقامات حکومتی، جمهوری اسلامی با خطر سقوط روبروست به نظر می‌رسد تنش‌ها نیز در میان جریان‌ها و مقامات حکومتی بالا گرفته و انگشت اتهام را از جمله در رابطه با «نفوذ» به سوی یکدیگر دراز می‌کنند.

ابراهیم عزیزی شهریورماه امسال نیز در سخنانی گفته بود: «منکر اصل نفوذ نیستیم و یکی از اقدامات دشمن تلاش برای نفوذ است. دشمن سعی دارد از عناصر نفوذی خودش در بسیاری از اقداماتش استفاده کند.»

او تأکید کرده بود که «بررسی نفوذ و جاسوس باید بطور جدی در دستور کار همه دستگاه‌ها قرار بگیرد. این کار برای جلوگیری از هر نوع نفوذ در حوزه‌های فرهنگی، آموزشی، تربیتی و امنیتی ضروری است.»

موضوع «نفوذ» بیش از یک دهه است وارد بیان سیاسی رهبر جمهوری اسلامی و دیگر مقامات حکومتی شده است. علی‌خامنه‌ای از زمان امضای توافق هسته‌ای میان دولت حسن روحانی و غرب بطور پیوسته بر «نفوذ دشمن» تأکید کرده است آنهم در حالی که «برجام» به دنبال «نرمش قهرمانانه» و رضایت خودش انجام شد. در حالی که پیش از آن در مواردی از جمله در سال ۱۳۹۴ سازمان اطلاعات سپاه (ساس) مدعی «انهدام شبکه نفوذ» در کشور شده بود.

با اینهمه طی سال‌های گذشته انجام چندین عملیات ترور از محسن فخری‌زاده در نزدیکی تهران تا اسماعیل هنیه در قلب تهران و در شرایطی که از این افراد با لایه‌های مختلف امنیتی محافظت می‌شد، در کنار لو رفتن و سرقت اطلاعات محرمانه از جمله درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و حک چندین باره سامانه‌ها و وبسایت‌های حکومتی نشان از «نفوذ» اسرائیل در درونی‌ترین تشکیلات نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی دارد.

اکنون در شرایطی که به اعتراف بسیاری از مقامات حکومتی، جمهوری اسلامی با خطر سقوط روبروست به نظر می‌رسد تنش‌ها نیز در میان جریان‌ها و مقامات حکومتی بالا گرفته و انگشت اتهام را از جمله در رابطه با «نفوذ» به سوی یکدیگر دراز می‌کنند.

هر صورت همه نمایندگان با رأی مردم به مجلس آمدند. در هر صورت علم‌الهدی باید پاسخ بدهد و شواهد خود را ارائه کند نه ما.»

کامران غضنفری عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها نیز گفته «احتمال نمی‌دهم قصد و غرض خاصی در آن بوده باشد. به نظر می‌رسد جایی برای مثال ذکر شده است و الا ما در سال‌های گذشته نمونه‌های آن را در دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف داشتیم که خبرهای آن هم رسانه‌ای شده است، یعنی مختص به یک جای خاص نیست.»

کامران غضنفری افزوده که «اسرائیل و آمریکا بیشترین تلاش خود را در زمینه نفوذ می‌کنند چراکه بیشترین ضربه را از ما دریافت کردند، بنابراین سعی می‌کنند حداکثر ضربه و خسارت را به ما وارد کنند، لذا در این سال‌های گذشته اکثر قریب به اتفاقی که پیدا شده و اخبار آن رسانه‌ای شده، مربوط به این دو کشور بوده است.»

ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی که پیشتر «نفوذ دشمن» در ساختار حکومت را تأیید کرده بود، در واکنش به ادعای علم‌الهدی گفته «نفوذ در نهادها و جاهایی رخ می‌دهد که نظارت کمتری بر آنها می‌شود نه جایی مثل مجلس که تحت نظارت است.»

او افزوده در حال حاضر دشمن تلاش می‌کند از ظرفیت‌های مختلف استفاده کند و با اعمال نفوذ در بدنه‌های مختلف مدیریتی، اجرایی و حتی در بخش‌هایی که غیراجرایی هستند، اهداف خود را پیش ببرد.

ابراهیم عزیزی همچنین گفته «اینکه نفوذ را تنها به یک بخش از سطوح حاکمیتی ببریم برای مثال تصور شود که یک جریان نفوذ را در دولت، یا مجلس و یا دستگاه‌های اجرایی ببیند، این سطحی‌نگری است.»

احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد و پدر همسر ابراهیم رئیسی هفته گذشته در سخنانی بی‌سابقه درباره «پروژه نفوذ» گفت مجلس شورای اسلامی از نقاط نفوذ دشمن برای استخدام جاسوس است.

علم‌الهدی سه‌شنبه گذشته در دیدار با اعضای «بسیج قوه مقننه» گفت: «مجلس شورای اسلامی یکی از نقاط حساس برای ضربه خوردن از دشمن و فتنه‌های اوست، دشمن برای نفوذ جاسوسی به مجلس نمی‌فرستد بلکه جاسوس استخدام و انتخاب می‌کند، لذا مجلس محلی است که برای انتخاب جاسوس از همه‌جا مناسب‌تر است.»

امام جمعه مشهد افزود که «دشمن این افراد [نمایندگان مجلس شورای اسلامی] را ارزیابی می‌کند که کدام یک به اهداف آنها نزدیک است بعد با چندین واسطه آنها را به استخدام خود در می‌آورد.»

سخنان احمد علم‌الهدی حالا پس از یک هفته با واکنش برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی روبرو شده است. روز گذشته وبسایت «خبرآنلاین» با سه نماینده درباره ادعای امام جمعه مشهد گفتگو کرد.

فرید موسوی عضو فراکسیون مستقلین مجلس شورای اسلامی در گفتگو با «خبرآنلاین» گفته علم‌الهدی باید درباره این ادعا توضیح بدهد و «اگر اسناد، مستندات و شواهدی دارد، ارائه بدهد چرا که حرف زدن که کنتور نمی‌اندازد، حرف را می‌گویند. اما من تا حالا ندیدم دشمن اینجا بیاید و اتفاقاتی را رقم بزند.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «معمولاً همه نمایندگان مراحل تأیید را طی می‌کنند، اگر موردی است خود علم‌الهدی بگوید و از طرف دیگر باید دید طی فرآیندی که فرد وارد مجلس می‌شود چه اتفاقی می‌افتد که مردم افرادی که خاستگاه دشمن هستند را انتخاب می‌کنند چرا که در

ممنوعیت ورود نفتکش‌های ایرانی به چند بندر چین؛ جمهوری اسلامی به دنبال راهی برای برگرداندن ۲۵ میلیون بشکه نفت سرگردان از چین



یک نفتکش در پایانه نفتی خارک / عکس: رویترز

محموله‌ها را در مخازن اجاره‌ای در بندر دالیان و ژوشان در شرق چین انبار کرد. اجاره این مخازن توسط شرکت ملی نفت ایران، فروش نفت در چین یا ارسال آن به سایر خریداران در منطقه را امکان‌پذیر می‌کند. بررسی‌های خبرگزاری رویترز نشان می‌دهد جمهوری اسلامی تولید نفت خود را در ماه گذشته ۴۰ هزار بشکه کاهش داده است، اما بررسی بلومبرگ نشان می‌دهد که میزان کاهش تولید نفت ایران بسیار بیشتر از این رقم و حدود ۷۰ هزار بشکه است.

به گفته سه نفر از چهار منبع رویترز، ترامپ در اوایل سال ۲۰۱۹ معافیت‌ها را لغو کرد و جمهوری اسلامی هرگز موفق نشد برای آن خریداری پیدا کند و به این ترتیب، نفت ایران در این مخازن سرگردان باقی مانده‌اند.

هزینه «۴۵۰ میلیون دلار» انبارداری

به گفته یکی از این سه منبع ایرانی، مخازن نفت در دالیان توسط شرکت PDA Energy اداره می‌شود. این شرکت از ایران خواسته «بیش از ۴۵۰ میلیون دلار» هزینه انبارداری پرداخت کند.

یکی از منابع ایرانی می‌گوید که در هفته‌های اخیر مذاکرات بین مقامات جمهوری اسلامی و انبارداران چینی در مورد پرداخت هزینه‌های انبار و همچنین شرایط لازم برای آزاد شدن نفت با جدیت بیشتری در جریان است چرا که جمهوری اسلامی در آستانه بازگشت ترامپ به کاخ سفید، از احتمال تشدید تحریم‌ها توسط دولت جدید آمریکا به شدت نگران است.

گفته می‌شود عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در جریان سفر به چین که اوایل دی‌ماه ۱۴۰۳ انجام شد در مورد نفت سرگردان ایران مذاکره کرده است. ادعا شده این مذاکرات «پیشرفت‌هایی» داشت.

علیه فروش نفت ایران وضع خواهد کرد تا درآمدهای نفتی جمهوری اسلامی کاهش یابد.

ترامپ در هشتم ماه مه ۲۰۱۸ از توافق اتمی موسوم به «برجام» خارج شد و کارزار فشار حداکثری علیه جمهوری را آغاز کرد. تحت آن تحریم‌ها صادرات روزانه نفت جمهوری اسلامی از ۲/۵ میلیون بشکه به کمتر از ۳۵۰ هزار بشکه کاهش یافت.

چین کمونیست با نادیده گرفتن تحریم‌های آمریکا، حدود ۹۰ درصد از نفت صادراتی ایران را با تخفیف‌های ویژه خریداری می‌کند. این خریداران عمدتاً پالایشگاه‌های به ظاهر غیردولتی چین هستند که از این طریق میلیاردها دلار سود برده‌اند.

رویترز در بخشی از این گزارش می‌نویسد، ارزش نفت سرگردان ایران در بندر چین ۱/۷ میلیارد دلار است. این موضوع نشان می‌دهد جمهوری اسلامی برای فروش نفت حتا به چین نیز با وجود ارزانفروشی شدید با مشکلات اساسی مواجه شده است.

مقامات جمهوری اسلامی در این رابطه حاضر به گفتگو با رویترز نشدند اما وزارت خارجه جمهوری خلق چین درباره نفت سرگردان ایران در بندر مدعی شد «همکاری میان تهران و پکن مشروع است.»

محموله‌های نفتی که با کمک «ناوگان شیخ» به سایر کشورها منتقل می‌شوند، با اسناد جعلی به عنوان محصولات غیرایرانی در بندر خارجی به ثبت می‌رسند.

دو منبع آشنا به این محموله‌ها به رویترز گفته‌اند که شرکت ملی نفت ایران [در گذشته] این محموله‌ها را در زمان معافیت‌های اعطاشده توسط ترامپ به بندر چین تحویل می‌داد و از این رو محموله‌های مربوطه «به نام ایران به ثبت می‌رسیدند.»

طبق اطلاعات به دست آمده، شرکت ملی نفت ایران این

کمتر از دو هفته پس از سفر وزیر خارجه جمهوری اسلامی به چین با هدف «تقویت همکاری‌های راهبردی تهران و پکن» گزارش شد که چینی‌ها از ورود محموله‌های نفتی ایران به بندر این کشور جلوگیری کردند.

خبرگزاری رویترز چهارشنبه ۸ ژانویه (۱۹ دی‌ماه) گزارش داد جمهوری اسلامی در حال بازگرداندن ۲۵ میلیون بشکه نفت صادراتی به چین است که به دلیل تحریم‌های آمریکا، از شش سال پیش تا کنون در بندر این کشور سرگردان مانده‌اند.

طبق اطلاعات به دست آمده، شرکت ملی نفت ایران این محموله‌ها را در مخازن اجاره‌ای در بندر دالیان و ژوشان در شرق چین انبار کرد. اجاره این مخازن توسط شرکت ملی نفت ایران، فروش نفت در چین یا ارسال آن به سایر خریداران در منطقه را امکان‌پذیر می‌کند.

رویترز در گزارشی دیگر نوشت، گروه «بندر شاندونگ» بزرگترین پایانه نفتی دریافت‌کننده نفت ایران، روسیه و ونزوئلا، همزمان با افت چشمگیر صادرات نفت ایران در دو ماه گذشته، ورود نفتکش‌های تحریم‌شده توسط آمریکا را ممنوع کرده است. بخش بزرگ نفت ایران از طریق این بندر تحویل پالایشگاه‌های چین می‌شود.

ارزش نفت سرگردان ایران در بندر چین ۱/۷ میلیارد دلار است. این موضوع نشان می‌دهد جمهوری اسلامی برای فروش نفت حتا به چین با وجود ارزانفروشی با مشکلات اساسی مواجه شده است.

کمتر از دو هفته پس از سفر وزیر خارجه جمهوری اسلامی به چین با هدف «تقویت همکاری‌های راهبردی تهران و پکن» گزارش شد که جمهوری خلق چین از ورود محموله‌های نفتی ایران به چند بندر این کشور جلوگیری کردند.

خبرگزاری رویترز چهارشنبه ۸ ژانویه (۱۹ دی‌ماه) به نقل از «سه مقام ایرانی» و «یک منبع چینی» که نام‌شان فاش نشده، گزارش داد که جمهوری اسلامی در حال تلاش برای برگرداندن ۲۵ میلیون بشکه نفت صادراتی به چین است که به دلیل تحریم‌های آمریکا، از شش سال پیش تا کنون در بندر آن کشور سرگردان مانده‌اند.

همین خبرگزاری در گزارشی دیگر نوشت، گروه «بندر شاندونگ»، بزرگترین پایانه‌های نفتی دریافت‌کننده نفت ایران، روسیه و ونزوئلا، همزمان با افت چشمگیر صادرات نفت ایران در دو ماه گذشته، ورود نفتکش‌های تحریم‌شده توسط آمریکا را ممنوع کرده است. بخش بزرگ نفت ایران از طریق این بندر تحویل پالایشگاه‌های چینی می‌شده است.

جمهوری اسلامی بخشی از نفت ایران را در بندر دالیان و جوشان تحویل پالایشگاه‌های کوچک و مستقل چین موسوم به تی‌پات (قوری چای) می‌دهد، اما حجم آن نسبت به نفت تخلیه‌شده در شاندونگ بسیار کمتر است. گفته می‌شود تی‌پات‌ها تنها مشتریان نفتی ایران در چین هستند.

رویترز در گزارش خود با اشاره به بازگشت مجدد دونالد ترامپ به کاخ سفید، از قول برخی ناظران و تحلیلگران پیش‌بینی کرده است، احتمالاً ترامپ تحریم‌های جدیدی را

وزرای اقتصاد، نفت و کار زیر تیغ استیضاح؛ احتمال طرح استیضاح دو وزیر دیگر!



● طرح استیضاح سه وزیر اقتصاد، نفت و کار به جریان افتاده است و برخی رسانه‌ها از احتمال آغاز تدوین طرح استیضاح وزرای صمت و نیرو در آینده نزدیک خبر می‌دهند.

● استیضاح وزرای دولت پزشکیان با گذشت فقط شش ماه از فعالیت دولت بیش از آنکه بیانگر تلاش نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای بهبود شرایط مردم و دفاع از حقوق آنها باشد، بیانگر تشدید درگیری‌ها میان جناحین و مقامات حکومتی است.

● همچنین به نظر می‌رسد بخشی از نمایندگان و جریانات حکومتی نگران هستند با تشدید مشکلات معیشتی و اقتصادی و مواردی مانند کمبود و بحران انرژی همراه با ناکارآمدی مزمن دولت، صبر مردم لبریز شده و اعتراضات سراسری و گسترده در کشور دوباره از سر گرفته شده و به تهدیدی علیه حیات نظام تبدیل شود.

در حالی که بخشی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تلاش هستند طرح استیضاح وزرای اقتصاد، نفت و کار کابینه پزشکیان را پیش ببرند، یکی از اعضای کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مجلس گفته «استیضاح وزیر نفت را متوقف کردیم تا نتیجه بررسی‌ها در کمیسیون انرژی مشخص شود.»

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در روزهای گذشته طرح استیضاح سه وزیر کابینه پزشکیان را تدوین کرده و در حال جمع‌آوری امضا برای آنها هستند. عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد، محسن پاک‌نژاد وزیر نفت و احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی سه وزیری هستند که طرح استیضاح آنها تدوین شده است.

بر اساس آخرین آمار که دو روز پیش از سوی احمد نادری عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی اعلام شده استیضاح عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد و محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت به ترتیب با ۷۰ و ۲۳ در سامانه مجلس شورای اسلامی ثبت شده و امضاهای آنها در حال افزایش است.

عباس گودرزی سخنگوی هیئت رئیسه مجلس گفت: استیضاح وزرای کار و نفت با بیش از ۲۰ امضا در سامانه مجلس ثبت است و امضاها در حال افزایش است. امضاکنندگان استیضاح وزیر کار، دلایل استیضاح را غیرسیاسی دانسته و می‌گویند علت استیضاح صرفاً ناکارآمدی است. همچنین استیضاح وزیر اقتصاد با بیش از ۷۰ امضا به هیئت رئیسه مجلس تقدیم شده است.

اینهمه در حالیست که خبرگزاری «تسنیم» به نقل از علی اصغر نخعی راد عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مجلس شورای اسلامی نوشته «بعد از حضور وزیر نفت در جلسات کمیسیون‌های مختلف مجلس از جمله جلسه روز گذشته در کمیسیون انرژی، ما استیضاح وزیر نفت را متوقف کردیم.»

به گفته این نماینده مجلس شورای اسلامی «از آنجا که در موضوع سوخت نیروگاهی تخلف بین دستگاهی رخ داده، یعنی علاوه بر وزارت نفت، به وزارت نیرو، سازمان حفاظت محیط زیست و رئیس جمهور هم مربوط می‌شود، قرار شد این موضوع به صورت همه‌جانبه در کمیسیون انرژی بررسی شود.»

باشد و هر زمانی که به حل مسئله‌ی مردم کمک کند، برای کارآمدتر شدن دولت استفاده خواهد کرد اما استفاده از این ظرفیت‌ها مشروط به این است که نتیجه‌ی آن کمک به دولت برای حل مسائل مردم باشد.»

رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین گفته «مسئله بی‌ثباتی در قیمت ارز غیرقابل حل نیست. اقداماتی مانند استیضاح در اوج بحران قیمت ارز، خطاست. دولت هیچ‌کس را از قانونی برای مدیریت و اتخاذ تصمیمات لازم جهت ثبات بخشی به بازار ارز ندارد. در مقطع فعلی وارد شدن به فرایند استیضاح خلاف منافع مردم است.»

آغاز استیضاح وزرای دولت پزشکیان با گذشت فقط شش ماه از فعالیت دولت بیش از آنکه بیانگر تلاش نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای بهبود شرایط مردم و دفاع از حقوق آنها باشد، بیانگر تشدید درگیری‌ها میان جناحین و مقامات حکومتی است. چرا که بارها پیشتر نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مواردی مانند تعیین رقم دستمزد کارکنان و بازنشستگان دولت در جریان بررسی لایحه بودجه کاملاً «همسو» و «هماهنگ» با دولت پزشکیان اقدام کردند!

از سوی دیگر به نظر می‌رسد بخشی از نمایندگان و جریانات حکومتی نگران هستند با تشدید مشکلات معیشتی و اقتصادی و مواردی مانند کمبود و بحران انرژی همراه با ناکارآمدی مزمن دولت، صبر مردم لبریز شده و اعتراضات سراسری و گسترده در کشور دوباره از سر گرفته شده و به تهدیدی علیه حیات نظام تبدیل شود.

در همین رابطه محمد تقی نقدعلی، نماینده نزدیک به جبهه پایداری در گفتگو با «خبرآنلاین» درباره طرح‌های استیضاح گفته «آنچه که من از فضای عمومی نمایندگان دریافت می‌کنم این است که همه نمایندگان اعم از اصلاح طلب و اصولگرا درباره مباحث اقتصادی و بحث

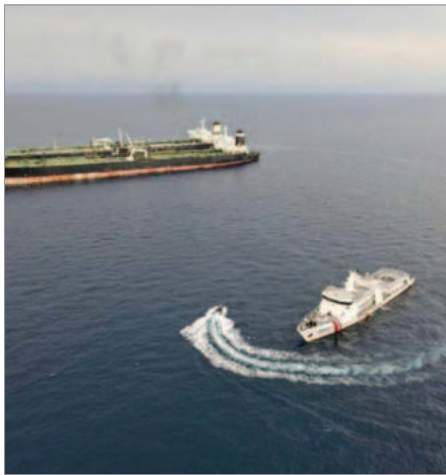
وی خاطرنشان کرد: «استیضاح وزیر نفت را متوقف کردیم تا نتیجه این بررسی در کمیسیون انرژی مشخص شود. بعد از آن، گزارش کمیسیون انرژی در صحن علنی مجلس قرائت می‌شود و اگر تخلفی متوجه هر سازمان یا نهادی باشد، در صورتی که تخلف اثبات شد و درصد آن مشخص شد، این تخلف بیان شده، گزارشی از آن به قوه قضائیه ارسال می‌شود و در صورتی که نمایندگان لازم ببینند، طرح استیضاح برای وزاری که در تخلفات احتمالی سهم داشته باشند، مطرح خواهد شد.»

مهمترین فشار نمایندگان بر کابینه دولت پزشکیان با طرح استیضاح عبدالناصر همتی پیش می‌رود. حسینعلی حاجی دلیگانی نماینده شاهین شهر در مجلس شورای اسلامی سه روز پیش در صحن علنی مجلس درباره استیضاح وزیر اقتصاد گفت: «در جریان باشید که ما به مسئولان، رئیس جمهور و تیم اقتصادی دولت نامه نوشتیم و بارها تذکر دادیم و از وزیر امور اقتصادی و دارایی سوال کردیم اما اثر نکرد لذا چاره‌ای نداشتیم و تنها راه باقی مانده استیضاح وزیر است که بارگذاری شده و تعداد قابل توجهی هم از همکاران نیز آن را امضا کردند.»

همچنین رسانه‌های داخلی درخواست استیضاح وزیر اقتصاد را منتشر کرده‌اند:

با اینهمه پس از اعلام آغاز تدوین طرح استیضاح عبدالناصر همتی، محمدباقر قالیباف پیشبرد آن را بر خلاف منافع مردم اعلام کرد.

محمدباقر قالیباف در نطق پیش از دستور روز سه‌شنبه ۱۱ دی‌ماه در سخنانی گفت: «ما کمک به دولت محترم و یاری به جناب رئیس جمهور برای حل مسائل مردم است البته روشن است که مجلس در راستای پیگیری خواسته‌های مردم از همه‌ی ابزارهای نظارتی خود از جمله سوال، استیضاح، تحقیق و تفحص و پیگیری قضائی در هر موضوعی که لازم



جمهوری اسلامی با استفاده از «ناوگان شیخ» تحریم‌های بین‌المللی را دور می‌زند / عکس: رویترز

افشای یک شبکه بزرگ قاچاق نفت ایران؛ ارسال محموله‌های نفتی با اسناد جعلی به ونزوئلا، روسیه و چین

نفتکش دیگری به نام «سونیا ۱» که زیر پرچم جمهوری اسلامی است دریافت کرده است.

بر اساس ایمیل‌های افشا شده، شرکت «سahارا تاندر» که در تهران مستقر است، از مارس ۲۰۲۲ تا فوریه ۲۰۲۴ حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت به نقاط مختلف جهان قاچاق کرده است. ارزش این محموله‌ها بر اساس قیمت‌های سال ۲۰۲۳ حدود ۱/۷ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

در بخش دیگری از این گزارش آمده شرکت «سahارا تاندر» با روش «انتقال نفت از کشتی به کشتی»، جعل اسناد، تغییر هویت کشتی‌ها و همچنین با ارسال سیگنال‌های جعلی موقعیت‌یابی (دستکاری GPS)، توانسته مسیرهای انتقال نفت را مخفی کند.

بر اساس این گزارش، مقصد اصلی نفتکش‌های این شبکه بنادر ونزوئلا، مورمانسک در شمال روسیه و چندین بندر در چین بوده است.

وزارت خزانه‌داری آمریکا در ماه آوریل ۲۰۲۴ شرکت ساهارا تاندر را به دلیل همکاری با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحریم کرد. بیانیه این وزارتخانه این شرکت را یکی از بازیگران کلیدی در تأمین مالی نیروهای شبه‌نظامی وابسته به رژیم ایران در خاورمیانه دانسته بود.

نقش ترامپ و احیای کارزار فشار حداکثری

در بخش دیگری از گزارش رویترز اشاره می‌شود دونالد ترامپ در دور اول ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۸ با خروج از برجام، تحریم‌های نفتی علیه جمهوری اسلامی را بازگرداند. اکنون با بازگشت مجدد او به کاخ سفید انتظار می‌رود او بار دیگر کارزار فشار حداکثری را احیا کند.

در بخش دیگری از این گزارش آمده، ناوگان ساهارا تاندر شامل ۳۴ نفتکش است که در عملیات قاچاق نفت از آنها استفاده می‌شد.

یکی از مقامات گمرک عراق به رویترز گفته است اسنادی که کشتی «رمی» برای انتقال نفت ایران به عراق استفاده کرده، جعلی هستند. سازمان SOMO مسئول صادرات نفت عراق نیز تأیید کرده که هیچ سابقه‌ای از بازگیری نفت خام این کشتی در بنادر عراق وجود ندارد.

به نظر می‌رسد افشای این ایمیل‌ها و همکاری‌های اطلاعاتی غرب می‌تواند فشار بیشتری بر شبکه‌های قاچاق نفت ایران وارد کند. اطلاعاتی که احتمالاً در افشای آنها همکاری نفوذی‌ها در سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم و حتی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مؤثر بوده است

● خبرگزاری رویترز بر پایه اسناد و تصاویر ماهواره‌ای گزارش داد که جمهوری اسلامی با همکاری یک شبکه بزرگ از نفتکش‌های موسوم به «ناوگان شیخ» و با اسناد جعلی، به دور زدن تحریم‌ها ادامه داده و نفت ایران را به نقاط مختلف دنیا قاچاق می‌کند.

● در این گزارش که سه‌شنبه ۸ ژانویه (۱۸ دی‌ماه) منتشر شد به ایمیل‌های افشاشده مربوط به شرکت ایرانی «سahارا تاندر» اشاره شده است که پرده از روش‌های پیچیده حکومت و دلالت‌های نفتی برای دورزدن تحریم‌های غرب و فروش نفت ایران برمی‌دارد. این ایمیل‌ها توسط گروه هکری به اسم «شبکه پرانا» افشا شده‌اند.

● بر اساس ایمیل‌های افشاشده، شرکت «سahارا تاندر» که در تهران مستقر است، از مارس ۲۰۲۲ تا فوریه ۲۰۲۴ حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت به نقاط مختلف جهان قاچاق کرده است. ارزش این محموله‌ها بر اساس قیمت‌های سال ۲۰۲۳ حدود ۱/۷ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

● بر اساس این گزارش، مقصد اصلی نفتکش‌های این شبکه بنادر ونزوئلا، مورمانسک در شمال روسیه و چندین بندر در چین بوده است.

خبرگزاری رویترز بر پایه اسناد و تصاویر ماهواره‌ای گزارش داد که جمهوری اسلامی با همکاری یک شبکه بزرگ از نفتکش‌های موسوم به «ناوگان شیخ» و با اسناد جعلی، به دور زدن تحریم‌ها ادامه داده و نفت ایران را به نقاط مختلف دنیا قاچاق می‌کند.

در این گزارش که سه‌شنبه ۸ ژانویه (۱۸ دی‌ماه) منتشر شد به ایمیل‌های افشاشده مربوط به شرکت ایرانی «سahارا تاندر» اشاره شده است که پرده از روش‌های پیچیده حکومت و دلالت‌های نفتی برای دور زدن تحریم‌های غرب و فروش نفت ایران برمی‌دارد. این ایمیل‌ها توسط گروه هکری به نام «شبکه پرانا» افشا شده‌اند.

در یکی از این موارد، نفتکش «رمی» که با پرچم پاناما فعالیت می‌کند، نفت ایران را با اسناد جعلی به نام نفت عراق حمل کرده است. تحقیقات رویترز نشان می‌دهد که این نفتکش قبلاً با نام جعلی «اقیانوس عمیق» فعال بود و نفت خام ایران را مخفیانه به سایر نقاط منتقل می‌کرده است.

این نقل و انتقالات در ۲۲ فوریه ۲۰۲۳ توسط ماهواره «سنیتیل ۲-» متعلق به آژانس فضایی اروپا رصد شده است. بر اساس این گزارش، نفتکش «رمی» محموله خود را از

دولار، ارز و تورم و عملکرد وزرا در این حوزه «ان قلت» دارند؛ من به وفور در کمیسیون‌ها مشاهده می‌کنم و از برخی از سینه چاکان جبهه اصلاحات و حامیان سرسخت دولت که در مجلس هستند، می‌شنوم که نسبت به عملکرد برخی وزرا به ویژه در حوزه قطعی برق و مازوت‌سوزی و گردن هم انداختن مسئله برق و انرژی را یک ناکارآمدی تلقی می‌کنند.»

این نماینده اصولگرا تأکید کرده که «امروز مردم از ما مطالبه می‌کنند که در باب وضعیت دلار و تورم موضع گیری کنیم. همانطور که می‌دانید کسی که برای اداره کشور برنامه ریزی و اجرا می‌کند، قوه مجریه است. علی القاعده مجلس بنا ندارد، در جایی دست دولت را بسته بهانه جویی کند، اما در جاهایی که واقعاً دست باز است و در اثر کم کاری یک مقام مسئول اعم از وزیر، معاون وزیر، رئیس سازمان و یا هر مقامی که کم کاری کند، ما موظف به انجام وظیفه نظارتی خود هستیم.»

محمد تقی نقدعلی گفته «الان هم در برخی عرصه‌ها در حال بررسی هستیم، اگر واقعاً به این نتیجه برسیم که در مسائل ارز، سوخت و تورم کوتاهی انجام شده، انجام وظیفه خواهیم کرد و بحث استیضاح را رقم خواهیم زد.»

این نماینده مجلس همچنین در واکنش به سخنان محمدباقر قالیباف درباره «زمان نامناسب استیضاح» گفته «دقیقاً مطلب این است، چه موقعی استیضاح به بهبود شرایط مردم کمک می‌کند؟ زمانی که مشاهده کنیم وزیری می‌توانسته کاری انجام بدهد اما کوتاهی کرده است و یا مسئول اجرایی امکان اقدام کاری را داشته اما کوتاهی کرده است. اما اگر مواردی اجتناب‌ناپذیر باشد همه باید همراهی کنیم که مشکل آن موارد اجتناب‌ناپذیر حل شود.»

روزنامه «همشهری» در مطلبی به تلاش نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای استیضاح وزرا انتقاد کرده و نوشته نه تنها طرح استیضاح سه وزیر اقتصاد، نفت و کار به جریان افتاده است بلکه «شنیده‌ها حاکی از احتمال طرح استیضاح وزرای صمت و نیرو در آینده نزدیک است. این حجم از استیضاح‌ها، آن هم در کمتر از دو سال از آغاز به کار دولت، بحث‌ها و پرسش‌هایی جدی در محافل سیاسی ایجاد کرده است.»

«همشهری» نوشته استیضاح به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای نظارتی مجلس در قانون اساسی تعریف شده است. این ابزار می‌تواند نقشی کلیدی در اصلاح مسیرهای اشتباه دولت و پاسخ‌گویی مسئولان ایفا کند. با این حال، ویژگی‌های خاص استیضاح، از جمله تبعات سنگین سیاسی و مدیریتی آن، ایجاد می‌کند که این ابزار تنها در مواقع ضروری و به عنوان آخرین گام در فرآیند نظارت مجلس به کار گرفته شود.

در ادامه این مطلب آمده که «مجلس، افزون بر استیضاح، ابزارهای متعددی برای نظارت بر دولت در اختیار دارد؛ از جمله سؤال، تذکر و تحقیق و تفتیش. هر یک از این ابزارها جایگاهی مشخص در ساختار نظارتی مجلس دارند و به‌کارگیری هر کدام از آنها باید بر اساس میزان اهمیت موضوع و آثار احتمالی آن باشد.»

رمضان رحیمی نماینده فلاورجان در مجلس شورای اسلامی اما به «همشهری» گفته بی‌نتیجه بودن تذکرها ضرورت استیضاح وزرا را افزایش داده است.

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «هر چه بیشتر صبر می‌کنیم، وضعیت بدتر می‌شود. اگر به جایی می‌رسیم که حرکت تورم متوقف شده بود یا برنامه‌های خاصی را مشاهده می‌کردیم، شاید می‌گفتم هنوز زود است، اما عملاً هیچ حرکت خاصی را ندیده‌ایم.»

ادعای پزشکيان برای ارائه بسته‌های معیشتی به «عموم مردم»؛ سفره‌های خالی حقوق‌بگیران با این طرح‌ها پُر نمی‌شود!



به اجرا درآمده اما نتوانسته به اهداف خود دست پیدا کند روزنامه «دنیای اقتصاد» در شماره هجدهم دی‌ماه جاری در گزارشی به شکست طرح «کالابریگ الکترونیک» و ابهام در موفق بودن تلاش دولت پزشکيان برای حذف یارانه اقشار ثروتمند و پوشش بیشتر حمایتی از اقشار کم‌درآمد پرداخته است.

بر اساس این گزارش از مشکلات زیرساختی و عدم اطلاع‌رسانی درست گرفته تا تخلفات فروشگاهی و سوءاستفاده از اعتبارهای اختصاص یافته، همه این‌ها باعث شد طرح نتواند به هدف اصلی خود، یعنی حمایت از معیشت مردم، دست یابد.

در این گزارش آمده که در بهترین حالت استقبال مشمولین از طرح «کالابریگ الکترونیک» به ۴۴ درصد رسیده است. از سوی دیگر، برخی یارانه‌بگیران با هماهنگی فروشگاه، مقدار نقدی یارانه را دریافت می‌کردند و فروشگاه‌ها، کالاها را به نرخ بالاتر به دیگر مشتریان عرضه می‌کردند. فروشگاه نیز از خرید هر سهمیه کالابریگ و فروش کالاها رقمی حدود ۳۰۰ هزار تومان سود کسب می‌کرد. بنابراین سیاستگذاران هزینه قابل توجهی برای تهیه کالاهای اساسی صرف می‌کنند؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به نیاز دهک‌های کم‌درآمد به مبالغ نقدی، این خانوارها ترجیح می‌دهند که یارانه کالایی را به پول نقد تبدیل کنند. به نظر می‌رسد افزایش جمعیت فقیر در کشور سبب شده سالها شعار بی‌عمل «فقرزدایی» جای خود را به انجام اقداماتی تحت عنوان «حمایت» در رابطه با معیشت میلیون‌ها خانواده فقیر داده است؛ اقداماتی که در موفق‌ترین حالت تنها حکم مُسکن را دارد و دولت هم البته چندان به نتیجه بهینه این اقدامات فکر نمی‌کند.

ابراهیم صادقی‌فر رئیس موسسه کار و تأمین اجتماعی در ایران گفته «بخش مهمی از مردم با مسئله فقر درگیرند که آمار این افراد بین ۲۲ تا ۲۷ درصد در نوسان است. این قسمت از جامعه، در تأمین حداقل نیازهای اساسی

ناسامانی دارند، توزیع کنیم.»

بهر روز محبی همچنین بر ایرادهایی که در گنجاندن شهروندان در دهک‌های مختلف درآمدی وجود دارد گفته «پایگاه رفاه ایرانیان مرجع تشخیص دهک‌ها است و بر اساس میزان خرید، پول‌هایی که به حساب می‌آید، دهک و توانمندی افراد سنجیده می‌شود اما در مواردی فروش ماشین برای دادن قرض و بدهی باعث ایجاد تغییراتی در دهک افراد شده است.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «اعتراضات فراوان و مراجعات زیادی داریم و برخی مردم اعلام می‌کنند که اوضاع مالی خوبی ندارند، اما دهکشان دهک بالایی درج شده است. بنابراین دولت باید آیت‌ها را هوشمند کند و افراد تغییرات را بتوانند گزارش کنند تا پایگاه بتواند بررسی دقیق کند.»

برخلاف ادعای مسعود پزشکيان درباره برنامه دولت برای حمایت از معیشت «عموم مردم»، جزئیات لایحه بودجه نشان از کمبود منابع کافی دولت، حتی برای پرداخت یارانه‌های کنونی، دارد. دولت پزشکيان حدود ۳۱۵ هزار میلیارد تومان برای پرداخت یارانه‌ها در سال ۱۴۰۴ در نظر گرفته که حدود نصف مبلغی است که در لایحه بودجه امسال برای پرداخت یارانه‌ها مصوب شده بود.

حسن نوروزی سرپرست سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها نیز گفته که در قانون بودجه ۳۱۵ هزار میلیارد تومان تحت عنوان یارانه نقدی، معیشتی و کالابریگ در نظر گرفته شده و اینکه چه مقدار از این مبلغ به شکل نقدی و چقدر به صورت کالابریگ اختصاص داده شود، در اختیار دولت است. سرپرست سازمان هدفمندی یارانه‌ها تأکید کرده بود که «اگر بخواهیم کالابریگی در اختیار مصرف‌کننده بگذاریم باید مبلغ یارانه نقدی را کمتر کنیم.»

از سوی دیگر طرح «کالابریگ الکترونیک» یا همان کوپن مواد غذایی از حدود دو سال پیش در دولت ابراهیم رئیسی

مسعود پزشکيان مدعی شده «بنا داریم برای عموم مردم علاوه بر اعطای بسته‌های معیشتی، کالاهای اساسی و پرمصرف خانوارها و نیز کالاهای مورد نیاز زوج‌های جوان را با قیمت مناسب تهیه و در اختیار آنها قرار دهیم.»

بر اساس لایحه بودجه، دولت پزشکيان حدود ۳۱۵ هزار میلیارد تومان برای پرداخت یارانه‌ها در سال ۱۴۰۴ در نظر گرفته که حدود نصف مبلغی است که در لایحه بودجه امسال برای پرداخت یارانه‌ها تصویب شده بود.

طرح «کالابریگ الکترونیک» یا همان کوپن مواد غذایی از حدود دو سال پیش در دولت ابراهیم رئیسی به اجرا درآمده اما نتوانسته به اهداف خود دست پیدا کند.

فاصله میان دستمزد و هزینه زندگی در میان بسیاری حقوق‌بگیران از جمله کارگران و بازنشستگان آنقدر عمیق است که رقم ناچیز یارانه نقدی یا ارائه کالابریگ و کوپن نمی‌تواند آن را پُر کند.

مسعود پزشکيان مدعی شده «بنا داریم برای عموم مردم علاوه بر اعطای بسته‌های معیشتی، کالاهای اساسی و پرمصرف خانوارها و نیز کالاهای مورد نیاز زوج‌های جوان را با قیمت مناسب تهیه و در اختیار آنها قرار دهیم.»

رئیس دولت چهاردهم اعلام کرده «در حال طراحی راهکارهایی هستیم که ضمن توزیع عادلانه یارانه‌ها، از اقشار آسیب‌پذیر نیز به شکل موثر حمایت کنیم و اساسا اجرای این راهکارها به رفع مشکلات و ارتقای وضعیت معیشتی این اقشار منجر شود.»

پزشکيان در حالی مدعی پرداخت یارانه‌های معیشتی به «عموم مردم» شده که بر اساس لایحه بودجه قرار است یارانه فعلی دهک‌های پردرآمد در سال آینده حذف شود. بر اساس همین بخش از لایحه بودجه نیز وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی موظف شده تا با تعریف شاخص‌ها، افرادی را که توانایی مالی بالایی دارند شناسایی کند تا از فرآیند دریافت یارانه‌ها حذف شوند.

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت مسعود پزشکيان هم در یادداشتی در روزنامه «ایران» از لزوم «بازتعریف دهک‌ها» برای شناسایی افراد با توانایی مالی بالا جهت حذف یارانه‌های نقدی آنها خبر داده است.

فاطمه مهاجرانی در این یادداشت تأکید کرده که منابع دولت محدود است و سازوکار پرداخت یارانه نقدی با هدف حمایت از جامعه پایه‌گذاری شده است. او افزوده «بر اساس این دو واقعیت، لازم است تا حد امکان بیشترین حمایت از آسیب‌پذیرترین بخش جامعه صورت بگیرد. این نگاه با رویکرد ارائه یارانه برابر به همه جامعه متفاوت است.»

بهر روز محبی عضو کمیسیون برنامه‌بودجه مجلس شورای اسلامی توضیح داده که «در لایحه بودجه ۱۴۰۴ مصوب شده که ۴۰ هزار میلیارد تومان ناشی از حذف یارانه دهک‌های بالای جامعه که برای دولت ایجاد می‌شود را به ۴۰۰ هزار خانواری که در فقر مطلق هستند و اوضاع

خود دچار مشکل هستند.»

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیشتر در گزارشی اعلام کرده که میلیون‌ها خانوار ایرانی در سال‌های اخیر، به جمع فقرای کشور اضافه شدند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که نرخ فقر در سال ۱۴۰۲ و طی یک سال با افزایش ۶۸ درصدی روبرو شده است. این گزارش افزوده تهیه کمترین امکانات ضروری زندگی و تأمین کالری مورد نیاز بدن را، حتی برای اقشار متوسط هم دشوار کرده است.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گزارشی درباره فقر مسکن در کشور تا پایان سال ۱۴۰۱ ارائه داده است. گزارش البته که بحران بد مسکنی ایرانیان را نشان می‌دهد، اما وضعیت وقتی وخیم‌تر می‌شود که بدانید بخشی از بحران‌های پیاپی سال‌های اخیر همچون رشد ۷۵ درصدی قیمت مسکن در سال ۱۴۰۲ و تورم نقطه به نقطه‌ی بیش از ۴۳ درصدی تورم مسکن تا پایان تابستان امسال در این گزارش وجود ندارد و هر کدام از این آوارها می‌تواند وضعیت را چندین برابر حتی بدتر کند.

طبق آمارهای رسمی منعکس شده در گزارش وزارت کار، از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱، تعداد خانوارهای مستأجر درگیر فقر در کشور ۴۸ درصد رشد داشته است؛ به گونه‌ای که در سال ۱۴۰۱، بیش از یک میلیون خانوار مستأجر شهری و ۲۳۳ هزار خانوار روستایی با اضافه شدن هزینه تأمین مسکن استیجاری به سبد هزینه خانوار درگیر فقر شده‌اند.

در بخشی از این گزارش آمده که در سال ۱۴۰۱، بیش از یک میلیون خانوار مستأجر درگیر فقر در مناطق شهری (۸۲ درصد)، درآمدی کمتر از خط فقر داشته و ۲۳۳ هزار خانوار (۱۸ درصد) با اضافه شدن هزینه تأمین مسکن استیجاری به سبد هزینه آنها، درگیر فقر شده‌اند.

اینهمه در حالیست که فاصله میان دستمزد و هزینه زندگی در میان بسیاری حقوق‌بگیران از جمله کارگران و بازنشستگان آنقدر عمیق است که رقم ناچیز یارانه نقدی یا ارائه‌ی کالا برگ و کوپن نمی‌تواند آن را پُر کند.

در پاییز امسال میانگین هزینه‌ی سبد معیشت یا هزینه‌های ضروری زندگی در حال حاضر برای یک خانوار سه تا چهار نفره ۳۲ میلیون تومان برآورد شده است. پایه حقوق کارگران اما در سال جاری حدود هفت میلیون تومان بوده و در حالیکه یک کارگر همه مزایای شغلی از حق مسکن تا حق اولاد را دریافت کند، حقوق او به رقمی حدود ۱۱ میلیون تومان می‌رسد. در این میان فعالان کارگری نسبت به شرایط کارگران در سال آینده خورشیدی هشدار داده و معتقدند در سال آینده موجی از سقوط خانوارهای کارگری زیر خط «فقر مطلق» رخ خواهد داد.

در همین رابطه فرشاد اسماعیلی وکیل پایه یک دادگستری و پژوهشگر حقوق کار گفته «سال آینده بروز و ظهور وحشتناکی از استیصال و فقر کارگران را خواهیم داشت. جمعیت میلیونی به زیر خط فقر مطلق کشیده خواهند شد و جمعیت فقیر مطلق ما از دهک‌های بالای مثل ۳ و ۴ و ۵ به دهک‌های ۱ و ۲ نزول خواهند کرد؛ یعنی ما یک وضعیت فقر مطلق طبقاتی را حتی بین دهک‌های فرو دست خواهیم داشت. در واقع در سال آینده تغییر جمعیتی خواهیم داشت که جمعیت فقرای مطلق ما در دهک اول جامعه بیشتر خواهد شد و سقوط افراد فقیر در دهک‌های ۳ و ۴ و ۵ به دهک‌های پایین‌تر و فقیرتر افزایش پیدا خواهد کرد. ما با سقوط طبقه کارگر فقیر از پله‌های پایین‌تر به زیر زمین یا زیر خط فقر مواجه خواهیم شد که قطعاً بروز و ظهور خشونت‌آمیزی در جامعه دارد و ممکن است اتفاقات عجیب و غریبی را رقم بزند.»

سوداگری شرکت‌های اتومبیل‌سازی داخلی؛ انحصار و دریافت مبالغ نجومی ارز برای «مونتاز بی کیفیت»



را در سایه حمایت‌های دولتی گسترش می‌دهند، اما عامل، این شرکت‌ها نیستند؛ در اصل مقصر وضعیت اقتصاد ایران و وجود شعارهای نامناسب تولید در کشور است.»

این کارشناس اقتصادی افزوده «آمارها و شواهد نشان می‌دهد به دلیل تمامی محدودیت‌های عنوان شده و تصمیمات اشتباه در روند تخصیص ارز و اصرار بر تولید، معادل خرید کمپانی فولکس واگن، مونتاز کاران ایرانی ارز برای انجام فعالیت‌های خود دریافت کرده‌اند! نباید فراموش کرد در شرایطی که اقتصاد ایران با کمبود ارز و سایر نوسانات جدی روبه‌روست، این رقم بسیار هنگفت به معنای فشار عظیم بی‌غر بر مردم است.»

پیمان مولوی گفته «این روزها دولت ادعا کرده در حال آزاد کردن نرخ ارز و اصلاحات است در حالیکه چنین اتفاقی صحیح نیست. آزادسازی به معنای آزاد کردن قیمت‌ها و گرانی نیست؛ در اصل منظور از آزاد کردن بازار، برداشتن محدودیت‌های واردات و تولید است. در چنین شرایطی بازار در هر کالایی رقابتی شده و این مصرف‌کننده است که تصمیم می‌گیرد چه کالایی را با چه نرخی انتخاب کند. در اقتصاد غیر آزاد امروز ما، منفعت در جیب تعداد محدودی از افراد است و ضررش به مردم به عنوان مصرف‌کننده می‌رسد.»

آمار تخصیص ارز از سوی بانک مرکزی در سال جاری نیز نشان می‌دهد ۷/۲ میلیارد دلار ارز برای صنایع حمل و نقل و اتومبیل‌سازی تخصیص داده شده که بیشترین سهم را در میان گروه‌های کالایی دارد.

دولت ابراهیم رئیسی اگر چه یک سال زودتر از عمر چهارساله دولت‌ها در جمهوری اسلامی به کار خود پایان داد اما توانست طرح واردات اتومبیل نو و دست دوم را پیش ببرد. این طرح البته در آخرین سال فعالیت دولت رئیسی نتوانست به اهداف تعیین شده دست پیدا کند اما همچنان در دولت مسعود پزشکیان ادامه یافته و برخی

● شرکت‌های اتومبیل‌سازی درون ایران برای «مونتاز بی‌کیفیت» به اسم تولید داخلی، ارقامی معادل خرید کمپانی فولکس واگن ارز دریافت کرده‌اند!

● در طرح جدید پیش‌فروش اتومبیل سایپا که در هفته جاری آغاز شده متقاضیان نه تنها نمی‌توانند مشخصات اتومبیل از جمله رنگ آن را انتخاب کنند بلکه حتی قیمت و زمان دقیق تحویل اتومبیل هم مشخص نیست.

● آمار تخصیص ارز از سوی بانک مرکزی در سال جاری نیز نشان می‌دهد ۷/۲ میلیارد دلار ارز برای صنایع حمل و نقل و اتومبیل‌سازی تخصیص داده شده که بیشترین سهم را در میان گروه‌های کالایی دارد.

● رئیس پلیس راهور نیز با ارائه آماری از مرگ ناشی از تصادفات جاده‌ای گفته است که ارتقای کیفیت ماشین‌های داخلی با تعارف تحقق پیدا نمی‌کند و برخورد با ترک فعل و کوتاهی‌ها برای نجات جان انسان‌ها ضروری است.

کارشناسان می‌گویند شرکت‌های اتومبیل‌سازی درون ایران برای «مونتاز بی‌کیفیت» به اسم تولید داخلی، ارقامی معادل هزینه خرید کمپانی فولکس واگن ارز دریافت کرده‌اند!

جمهوری اسلامی در حالی با ممنوعیت واردات اتومبیل‌های خارجی به ایران طی بیش از یک دهه، انحصار بازار اتومبیل کشور را در دست چند شرکت اتومبیل‌سازی داخلی قرار داده که این شرکت‌ها اتومبیل‌هایی بی‌کیفیت را مونتاز کرده و با قیمت‌های نجومی به شهروندان می‌فروشند.

از سوی دیگر این شرکت‌ها با طرح‌هایی چون پیش‌فروش اتومبیل تخلفات گسترده‌ای انجام داده و موجی از اعتراض و نارضایتی ایجاد کرده‌اند.

پیمان مولوی کارشناس و تحلیلگر اقتصادی در گفتگو با وبسایت «اقتصاد۲۴» درباره وضعیت صنعت اتومبیل‌سازی ایران گفته «شرکت‌های مونتازکار روز به روز فعالیت خود

اتومبیل‌های ساخت داخل گفته که «باید خودروسازان را به‌عنوان مانع رشد جمعیت کشور در نظر گرفت».

این مقام وزارت بهداشت گفته که «سالانه ۲۰ هزار نفر در حوادث جاده‌ای جان خود را از دست می‌دهند که سهم قابل‌توجهی از این قربانیان، جوانان مولد هستند که باید پیشگیری شود؛ وضعیت جاده‌ها، فرهنگ رانندگی و خودروها باید بهتر شود. خودرو هم باعث مرگ و میر جوان‌ها در جاده‌ها می‌شود و هم به‌دلیل نقص در سوخت بنزین، آلودگی ایجاد می‌کند، بنابراین باید خودروسازان را به‌عنوان مانع رشد جمعیت در نظر گرفت».

جالب توجه آنکه مجلس شورای اسلامی پیشتر در «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» مصوب سال ۱۴۰۰ اتومبیل را به عنوان یکی از مشوق‌های رشد جمعیت استفاده در نظر گرفته است!

در ماده ۱۲ این قانون آمده که «شرکت‌های خودروساز داخلی مکلفند از زمان ابلاغ این قانون یک خودروی داخلی به قیمت کارخانه به انتخاب و به نام مادر پس از تولد فرزند دوم به بعد در هر نوبت ثبت‌نام برای یک مرتبه تحویل دهند. در هر نوبت ثبت‌نام ۵۰ درصد خودروها مشمول این ماده هستند».

ضروری است.

به گفته سردار تیمور حسینی «در سال گذشته بالغ بر ۲۰ هزار نفر از هموطنانمان در حوادث ترافیکی جان خود را از دست دادند که از منظر اقتصادی تبعات سنگینی را به کشور وارد کرد».

او تأکید کرده «این میزان تلفات، علاوه بر آسیب‌های جانی، موجب وارد شدن خسارات هنگفت به خانواده‌ها، و جامعه می‌شود که باید به عنوان یک اولویت ملی مورد توجه قرار گیرد».

رئیس پلیس راهور تأکید کرده که «بسیاری از تصادفات به دلیل ضعف ایمنی خودروها و عدم توانایی آنها در مقابله با تصادفات شدید به وقوع می‌پیوندد. ما از وزارت صمت و سازمان استاندارد انتظار داریم که به منظور کاهش تلفات، اقدامات جدی در راستای ارتقای ایمنی خودروها انجام دهند».

کیفیت پایین اتومبیل‌های داخلی حتی از سوی وزارت بهداشت به عنوان مانعی برای افزایش جمعیت نیز معرفی شده است!

علیرضا رئیسی، معاون بهداشت وزارت بهداشت و درمان به تازگی در یک گفتگوی تلویزیونی با انتقاد از ایمنی

فعلان بازار اتومبیل امیدوارند با واردات اتومبیل، انحصار بازار اتومبیل از دست شرکت‌های داخلی خارج شود اینهمه در حالیست که شرکت‌های اتومبیل‌سازی داخلی نیز به دلیل برخورداری از رانت گسترده به واردکننده اتومبیل هم تبدیل شده‌اند. این شرکت‌ها اما نه در تحویل اتومبیل‌های ثبت سفارش شده ساخت خود و نه در تحویل اتومبیل‌های وارداتی نتوانسته‌اند تعهدات خود را انجام دهند و سبب بروز نارضایتی گسترده‌ای شده‌اند.

در نبود نظارت و یا بی‌تفاوتی نهادهای دولتی و قضایی، اقدامات مجرمانه شرکت‌های اتومبیل‌سازی داخلی همچنان ادامه دارد. برای نمونه شرکت اتومبیل‌سازی سایپا در هفته جاری طرح جدید پیش‌فروش جدیدی را آغاز کرده که در عمل متقاضیان حق انتخابات مشخصات یا اطلاع از قیمت نهایی اتومبیل مورد نظر خود را ندارند!

متقاضیان باید در لحظه ثبت سفارش مبلغی را به حساب شرکت سایپا واریز کنند اما نه تنها نمی‌توانند مشخصات اتومبیل از جمله رنگ آن را انتخاب کنند بلکه حتی قیمت و زمان دقیق تحویل اتومبیل هم مشخص نیست و دست‌کم بعد از یک سال متقاضی می‌تواند در مورد زمان تحویل و قیمت نهایی اتومبیل اطلاعاتی کسب کنند.

از سوی دیگر شرکت‌های اتومبیل‌سازی داخلی در حالیکه هیچ تلاشی برای بهبود کیفیت و تکنولوژی محصولات خود انجام نمی‌دهند به طور مداوم قیمت‌ها را نیز افزایش داده و به اعتقاد برخی کارشناسان تعادل بازار را بیش از پیش به هم می‌زنند.

در همین رابطه حسن بیگلری عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در گفتگو با روزنامه «دنیای اقتصاد» گفته «خودروسازان داخلی اخیراً قیمت خودروهایشان را ۳۰ درصد افزایش دادند، اما این افزایش برای چه بود؟ آیا کیفیتشان را افزایش دادند؟! خیر... اگر قرار بود قیمت خودروهای داخلی افزایش یابد باید سال بعد این اتفاق می‌افتاد».

حسن بیگلری گفته «خودروسازان امروز زیر پیمان خود می‌زنند و افراد با قیمت دیگری خودرو را ثبت‌نام کردند، اما خودروسازان در تحویل تاخیر کردند و خودرو را با افزایش ۳۰ درصدی تحویل می‌دهند! چرا؟ چون رقیب ندارند. اما اگر قرار باشد واردات خودرو آزاد شود این مشکلات حل می‌شود».

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس واردات اتومبیل‌های خارجی را تنها راه رقابتی کردن بازار ارزیابی کرده و گفته «در مجلس تصویب کردیم که تعرفه واردات به ۶۰ درصد کاهش یابد و این به نفع مردم و مصرف‌کننده است. در این شرایط اگر قیمت خودروسازان داخلی بالا و کیفیتشان پایین باشد مردم دیگر مجبور نیستند خودروی بی‌کیفیت و گران بخرند و خودروی خارجی استفاده می‌کنند. بر این اساس نمایندگان حتماً از واردات خودروی خارجی دفاع کنند. ایراد مجمع قابل حل است و ما به صورت جدی پیگیر هستیم».

کریم معصومی عضو کمیسیون تلفیق لایحه بودجه نیز به «دنیای اقتصاد» گفته «ما به دنبال شکست انحصار خودرو و رقابت‌پذیری بازار خودرو هستیم. در مجلس در بررسی بودجه سقف واردات خودرو را افزایش دادیم. با توجه به ایرادات هیات عالی نظارت باید برای حل این مشکل راهکار پیدا کنیم و اصلاح کنیم، اما باید اصلاح به نحوی باشد که رقابت‌پذیری ایجاد کند».

سردار تیمور حسینی رئیس پلیس راهور نیز با ارائه آماری از مرگ ناشی از تصادفات جاده‌ای گفته است که ارتقای کیفیت ماشین‌های داخلی با تعارف تحقیق پیدا نمی‌کند و برخورد با ترک فعل و کوتاهی‌ها برای نجات جان انسان‌ها

رویارویی...



جمهوری اسلامی دارای دومین مقام در محدودیت و اختلال اینترنت؛ افزایش کاربران استارلینک در ایران



● انجمن تجارت الکترونیک ایران اعلام کرده کیفیت اینترنت ایران نسبت به گزارش قبلی در تیر ۱۴۰۳، تفاوت چشمگیری نداشته و همچنان در وضعیت خطرناک است.

● اینترنت ایران پس از میانمار و اوکراین، پراختلال‌ترین اینترنت و پس از چین محدودترین اینترنت در چند ماه گذشته بوده است.

● انجمن تجارت الکترونیک ایران برآورد کرده تعداد کاربران استارلینک در داخل ایران به بیش از ۱۰۰ هزار نفر می‌رسد.

● انجمن تجارت الکترونیک ایران تأکید کرده افزایش استفاده از اینترنت استارلینک به معنای اینست که شهروندان ایرانی در مقابل اینترنت کند، پراختلال و محدود داخلی حاضرند با هزینه‌ای ۷۰۰ تا ۲۰۰۰ دلاری در ماه، اینترنت ماهواره‌ای تهیه کنند.

چهارمین گزارش کیفیت اینترنت در ایران که توسط کمیسیون اینترنت و زیرساخت انجمن تجارت الکترونیک تهران منتشر شده، نشان می‌دهد که برخلاف وعده‌های انتخاباتی مسعود پزشکیان، وضعیت اینترنت در ایران تغییری نکرده و محدودیت‌های زیانبار اینترنت همچنان ادامه دارد.

انجمن تجارت الکترونیک ایران اعلام کرده کیفیت اینترنت ایران نسبت به گزارش قبلی در تیر ۱۴۰۳، تفاوت چشمگیری نداشته و همچنان در وضعیت خطرناک است.

این انجمن تأکید کرده نتیجه تداوم سیاست‌های محدودکننده داخلی، تحریم‌های خارجی و مشکلات گسترده شبکه Access است. بر اساس داده‌های این گزارش، اینترنت ایران پس از میانمار و اوکراین، پراختلال‌ترین اینترنت و پس از چین محدودترین اینترنت در چند ماه گذشته بوده است.

بر اساس گزارش Google Crux کیفیت اینترنت ایران در رتبه ۹۱ و بر اساس داده‌های ooni در رتبه ۹۹ از ۱۰۰ کشور است. در تجمیع این دو شاخص، ایران در جایگاه ۹۵ از ۱۰۰ کشور ایستاده است.

علاوه بر این در رابطه با اختلالات با وضعیت slow-2GDensity که پس از شهریور ۱۴۰۱ افزایش چشمگیری پیدا کرده بود، اینترنت ایران همچنان به نقطه قبل از آن برنگشته است.

انجمن تجارت الکترونیک ایران اعلام کرده که روند استفاده از اینترنت استارلینک در یک سال گذشته در ایران افزایش ۲۰ برابری داشته است.

بر اساس داده‌های این گزارش، مشترکان اینترنت ماهواره‌ای استارلینک در ایران بیش از ۳۰ هزار تخمین زده شده است. با این حال تعداد کاربران استارلینک در داخل ایران به بیش از ۱۰۰ هزار نفر می‌رسد.

این انجمن تأکید کرده افزایش استفاده از اینترنت استارلینک به معنای اینست که شهروندان ایرانی در مقابل اینترنت کند، پراختلال و محدود داخلی حاضرند با هزینه‌ای ۷۰۰ تا ۲۰۰۰ دلاری در ماه، اینترنت ماهواره‌ای تهیه کنند.

همچنین طبق بررسی‌هایی که در گزارش چهارم کیفیت اینترنت ایران آمده تلفن‌های همراه ایرانی‌ها به دلیل استفاده از فیلترشکن‌های رایگان به عامل مهمی در آلودگی شبکه تبدیل شده و این آلودگی را بازتولید می‌کنند!

این گزارش افزوده کاربران ایرانی با اختلال‌های متفاوتی به شکل کامل یا مقطعی در دسترسی به اینترنت روبرو هستند. اهمیت این اختلال برای کسب و کار ایرانیان تا آنجاست که طبق محاسبات این انجمن، اختلال روی http3 معادل خسارت روزانه‌ی ۲ میلیارد تومانی در یک شرکت استارتابی است.

در بخشی از گزارش انجمن تجارت الکترونیک ایران برای روشن‌تر شدن وضعیت تجربه کاربران در ایران، میانگین کیفیت Density دو سرویس پر استفاده در ترکیه- ایران و امارات- ایران مقایسه شده است.

در مقایسه اول مشخص شد که ۷۷ درصد کاربران اسنپ و تپسی در ایران با کیفیت Fg Density توانسته‌اند این وبسایت‌ها را مشاهده کنند در حالی که شهروندان اماراتی، تاکسی آنلاین این کشور (Careem) را با ۹۲ درصد Fg Density مشاهده می‌کنند.

در مثال دیگر درباره‌ی فروشگاه‌های آنلاین، ۸۱ درصد شهروندان ایرانی دیجی‌کالا را با کیفیت Fg Density مشاهده می‌کنند و سرویس مشابه آن در ترکیه (Trendyol) برای شهروندان ترک با ۹۷ درصد در این شاخص قابل مشاهده است.

در این گزارش آمده، «لازم به یادآوری است در گزارش سوم کیفیت تماشای «آپارات» در ایران را با یوتیوب در ترکیه مقایسه کرده بودیم که نتایج آنهم مشابه این نتایج بود.»

انجمن تجارت الکترونیک ایران تأکید کرده که یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش حملات DDoS از مبدا ایران، فیلترینگ گسترده و در نتیجه استفاده گسترده مردم از فیلترشکن‌های رایگان و در نهایت افزایش آلودگی شبکه است. تلفن همراه بسیاری از شهروندان از طریق نصب فیلترشکن‌های رایگان به عنوان bot-net مورد سوء استفاده‌ی هکرها قرار می‌گیرد.

در این گزارش آمده که بررسی وضعیت کنونی حاکی از آن است که سیاست‌گذاران داخلی که تا کنون با وضع محدودیت بر اینترنت آزاد، عملکردی همسو با تحریم‌کنندگان خارجی داشته‌اند، اکنون با تحلیلی عظیم در فناوری روبرو شده‌اند. هرچند تا کنون نیز ناکارآمدی و هزینه‌بر بودن این محدودیت‌ها و تحریم‌ها آشکار شده است، اما از این پس با پیشرفت‌های تازه در حوزه فناوری، ادامه مسیر نادرست گذشته عملاً غیرممکن خواهد شد.

به گفته کارشناسان در این گزارش، با فراگیر شدن نسل بعدی اینترنت ماهواره‌ای که بدون نیاز به تجهیزات جداگانه (Direct To Cell) امکان اتصال مستقیم تلفن همراه به اینترنت را فراهم می‌کند، نرخ انطباق کاربران با فناوری‌های نوین شتاب چشمگیری خواهد گرفت و در نتیجه آن محدودیت‌های سنتی دسترسی به اینترنت بیش از پیش کارایی خود را از دست می‌دهند.

در بخش پایانی چهارمین گزارش کیفیت اینترنت ایران، کمیسیون اینترنت انجمن تجارت الکترونیک به سند پیش‌نویسی برای مطالبه از کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه از کشور رسیده است. در این سند پیش‌نویس از این کارگروه خواسته شده است که در چند بخش درباره مسدود ساختن آی‌پی‌ها یا دامنه‌های اینترنتی شفاف و نسبت به سکوها اینترنتی پاسخگو باشند.

بخشی از بندهای این سند پیش‌نویس شامل مواردی مانند امکان استعلام برخط (آنلاین) دامنه‌ها و آی‌پی‌های اینترنت مسدود شده در یک سامانه اینترنتی، درخواست رفع انسداد به کارگروه و پاسخ به آن ظرف ۱۰ روز کاری است. همچنین در این سند پیش‌نویس، پیشنهاد سامانه ثبت اعتراض شهروندان نسبت به مسدود ساختن آدرس دامنه یا آی‌پی اینترنتی آمده است.

۱۲ سال گذشت؛ سرنوشت شلر فرهادی از بازداشت تا «خودکشی»



وضعیت جامعه ایران و به ویژه دانشگاه‌ها نگاهی انتقادی داشت. یکی از این امضاکنندگان آن طومار، شلر فرهادی بود و برخلاف ادعاهای توخالی خامنه‌ای درباره «جوانی و پیری» و نقش «دانشگاه» و «جوان‌ها»، بیشتر امضاکنندگان این طومار احضار و به زندان محکوم شدند.

شلر فرهادی نیز دو روز پس از امضای این طومار، توسط نیروهای لباس شخصی ربوده و ناپدید شد. سرانجام پس از گذشت ۵ ماه بازداشت و بی‌خبری، از زندان اوین در تهران با پدر شلر فرهادی تماس گرفتند که «بیا دخترت را بر!» اینکه در بازداشتگاه وزارت اطلاعات چه بر این دختر جوان گذشت اطلاعی در دست نیست اما خانواده شلر او را که پیش از این یک دختر رزمی‌کار و بسیار سر حال و شاداب بود در حالی که از لحاظ جسمی به شدت ضعیف و لاغر شده بود و حتی توان حرف زدن نداشت از بازداشتگاه وزارت اطلاعات در زندان اوین تحویل گرفتند و به روستای خود در کرمانشاه برگرداندند.

ماموران وزارت اطلاعات با این شرط شلر را به خانواده‌اش تحویل دادند که در صورت احضار به زندان مراجعه کند. شلر فرهادی در حالی به خانه پدری خود بازگشت که تحت تأثیر سلول انفرادی و دوره بازداشت خود در زندان و آنچه بر سر او آورده بودند، تا هفته‌ها وضعیت روحی نابسامانی داشت. از اطرافیان خود هراس داشت، از خانه خارج نمی‌شد و تا ماه‌ها با کسی حرف نمی‌زد.

۱۰ ماه پس از آزادی، در دی‌ماه ۱۳۹۱ وی را دوباره احضار کردند و بازجویی و تهدید از سوی اطلاعات و دادستانی کرمانشاه شروع شد و به او گفتند که باید طی س روز خود را به تهران برساند.

شلر پس از آگاهی از این احضار، در ۱۵ دی‌ماه ۱۳۹۱ هنگامی که در خانه روستایی پدرش تنها بود، با شلیک گلوله اسلحه شکاری پدر بزرگش به زندگی خود پایان داد تا مجبور نباشد برای بازجویی دوباره به تهران برود.

محمد نوریزاد روزنامه‌نگار و مستندساز منتقد

۲۵ ساله کرمانشاهی ۱۰ ماه پس از آزادی از زندان اوین، بعد از آگاهی از احضار برای بازجویی دوباره از سوی اطلاعات و دادستانی، با اسلحه قدیمی پدر بزرگش «به زندگی خود پایان داد».

شلر به زبان کردی یعنی «لاله واژگون»: این دختر جوان زاده ۲ خرداد ۱۳۶۶ در روستای «قلعه گرینه» از توابع بخش کوزران استان کرمانشاه بود و تحصیلات خود را تا مقطع دبیرستان در کوزران به پایان رساند و در سال ۱۳۸۶ وارد دانشگاه رازی کرمانشاه شد و در رشته علوم سیاسی به تحصیل ادامه داد.

در پاییز ۱۳۹۰ بود که شلر فرهادی این دختر رزمی‌کار ایل سنجابی در حالی که خود را برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد آماده می‌کرد، ناپدید شد.

به روایت خانواده، او پس از سفر علی خامنه‌ای به کرمانشاه به دلیل امضا کردن یک طومار انتقادی علیه رهبر جمهوری اسلامی بازداشت شد.

در ۲۴ مهر ۱۳۹۰ علی خامنه‌ای به کرمانشاه رفت و برای جمعی از استادان و دانشجویان دانشگاه رازی سخنرانی کرد. در آن روز، خامنه‌ای صحبت‌های برخی دانشجویان و استادان این دانشگاه را نیز شنید و در بخشی از سخنان‌اش گفت: «... مسئله پیری و جوانی نظام چگونه قابل تحلیل است؟ هر موجود زنده‌ای دوران جوانی و پیری دارد. وضع نظام اسلامی در این زمینه چیست و چگونه خواهد شد؟ آیا نظام اسلامی پیر خواهد شد؟ فرسوده خواهد شد؟ از کار افتاده خواهد شد؟ برای اینکه چنین وضعی پیش نیاید، آیا راهی وجود دارد؟ اینها سوالات مهمی است که باید در مراکز فکر و تصمیم‌گیری که عمدتاً حوزه و دانشگاه است، مطرح شود. باید روی این موارد فکر شود. شما جوان‌ها هم روی این مسائل فکر کنید.»

در همان جلسه جوان‌هایی که «روی این موارد فکر» کرده بودند، بخش‌هایی از طوماری را که به امضای ۸۷ نفر از دانشجویان این دانشگاه رسیده بود خواندند. طوماری که به

● در پاییز ۱۳۹۰ بود که شلر فرهادی این دختر رزمی‌کار ایل سنجابی در حالی که خود را برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد آماده می‌کرد، ناپدید شد. به روایت خانواده، او پس از سفر علی خامنه‌ای به کرمانشاه به دلیل امضا کردن یک طومار انتقادی علیه رهبر جمهوری اسلامی بازداشت شد.

● شلر فرهادی دو روز پس از امضای این طومار، توسط نیروهای لباس شخصی ربوده و ناپدید شد. سرانجام پس از گذشت ۵ ماه بازداشت و بی‌خبری، از زندان اوین در تهران با پدر شلر فرهادی تماس گرفتند که «بیا دخترت را بر!»

محمد نوریزاد روزنامه‌نگار و مستندساز منتقد حکومت ایران که همان زمان در وبسایت رسمی خود درباره بازداشت و خودکشی شلر فرهادی نوشته بود، درباره گم شدن دختر دانشجوی دیگری به نام شیده فرهودی و احضار و بازداشت بسیاری از امضاکنندگان آن طومار نیز خبر داده بود.

● اکنون در ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۳ دلنوشته‌ای از مادر دادخواه وی به مناسبت دوازدهمین سالگرد مرگ مشکوک او در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده که به فرزندش از جمله چنین می‌نویسد: «تو رفتی، دخترم، اما رؤیاهایت باقی ماندند. صداقت، فریادت، حقیقتی که برایش ایستادی، هنوز در قلب ما زنده است. آنها که تو را از ما گرفتند، شاید گمان کردند سکوت فراموشی می‌آورد. شاید فکر کردند مادری که فرزندش را از دست می‌دهد، دیگر توان ایستادن ندارد. اما اشتباه کردند. تو رفتی تا چیزی بزرگتر از خودت زنده بماند. و من اینجا هستم تا این مشعل را نگه دارم؛ برای تو، برای خون تو، برای آرزوهای تو... بجای اشک با تو پیمان می‌بندم: رهاست ادامه دارد، دخترم. ما هنوز زنده‌ایم، چون تو زنده‌ای؛ در دل من، در خون من، در فریاد این سرزمین.»

دوازده سال پیش در ۱۵ دی‌ماه ۱۳۹۱ شلر فرهادی دختر

نقش شهروندان بهائی در توسعه فرهنگ و ادب و هنر ایران



«انجمن ادب و هنر ایران» از ۲۶ سال پیش سالانه کنفرانسی را توسط جامعه بهائیان ایرانی در لندن برگزار می‌کند. امسال این کنفرانس با عنوان «جلوه‌های انسانیت» در روزهای ۷ تا ۹ دی برگزار شد. در یکی از میزگردهای این کنفرانس پدیده ثابتی سخنگوی جامعه جهانی بهائی در رابطه با نقش ایرانیان بهائی در توسعه فرهنگ و ادب و هنر کشورشان صحبت کرد. در حاشیه این کنفرانس احمد رأفت با پدیده ثابتی گفتگویی انجام داده است.

«زنان در سایه تبعیض»؛ نگاه حقوقی مهرانگیز کار به قوانین زن‌ستیز در جمهوری اسلامی



آوردن حداقل حقوق در چارچوب قوانین جاری جمهوری اسلامی نیز راهنمایی می‌کند. نویسنده «زنان در سایه تبعیض» در گفتگو با احمد رأفت به اهمیت تغییراتی که در سال‌های قبل از انقلاب در جهت ارتقاء موقعیت زنان در جامعه و گسترش حقوق آنها انجام گرفت نیز اشاره می‌کند.

در ماه دسامبر ۲۰۲۴ کتاب «زنان در سایه تبعیض؛ شناخت برخی از راه‌های قانونی از دل قوانین زن‌ستیز» نوشته مهرانگیز کار منتشر شد. این حقوقدان در این کتاب ۷۴ صفحه‌ای که می‌توان رایگان تهیه کرد، علاوه بر بررسی اشکال مختلف خشونت علیه زنان، آنها را برای به دست

حکومت ایران که همان زمان در وبسایت رسمی خود درباره بازداشت و خودکشی شلر فرهادی نوشته بود، درباره گم شدن دختر دانشجوی دیگری به نام شیده فرهودی و احضار و بازداشت بسیاری از امضاکنندگان آن طومار نیز خبر داده بود.

نوریزاد در همین ارتباط به وبسایت دویچه‌وله گفت: «اطلاعات من در این رابطه هنوز بسیار کم است. برای مثال من در مورد دختری به نام «شیده فرهودی» هم خبرهایی شنیدم که پس از امضای این طومار به کلی ناپدید شده است. بسیاری از امضاکنندگان طومار پس از آن جلسه مورد بازجویی قرار گرفتند. هر کدام چند ماه در بازداشت بسر می‌بردند. یکی از این دانشجویان هم دختری به نام «شلر» بود که به اوین منتقل شد. شاید فکر کردند از آنجا که رشته تحصیلی این دختر علوم سیاسی بود پس حتما یکی از افراد اصلی در رابطه با تهیه این طومار است و به همین خاطر او را به اوین منتقل کردند.»

در صفحه اینستاگرام «شورای آزادخواهان کرمانشاه» اما آمده که مرگ شلر فرهادی نمی‌تواند خودکشی باشد چرا که خانواده‌ی وی «شلر را در حالی مشاهده می‌کنند که اسلحه‌ای [که] با آن هدف قرار گرفته در کنارش است و اینکه حوله‌ای خیس شده با آب به عنوان [صدا] خفه‌کن برای جلوگیری از انعکاس صدای شلیک استفاده شده است؛ اما برای کسی که قصد خودکشی دارد صدای شلیک چه اهمیتی دارد؟! و اینکه این روش برای خفه کردن صدای شلیک تنها از یک مامور ویژه ترور بر می‌آید نه یک دختر ۲۵ ساله!»

اکنون در ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۳ دلنوشته‌ای از مادر دادخواه وی به مناسبت دوازدهمین سالگرد مرگ مشکوک او در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده که به فرزندش چنین می‌نویسد:

«دخترم

دوازده سال گذشته، اما هنوز صدای خنده‌هایت در گوشم زنده است. هنوز بوی لباس‌هایت عطر بودندت را به یاد می‌آورد. هنوز وقتی کسی در را می‌زند، دلم می‌خواهد که تو باشی.

می‌گویند زمان زخم‌ها را درمان می‌کند، اما هیچکس نگفت زمان چطور می‌تواند جای خالی یک دختر را پر کند؟ هیچکس نگفت وقتی مادری دوازده سال چشم به راه دخترش بماند، زمان چه دردی را دوا می‌کند؟

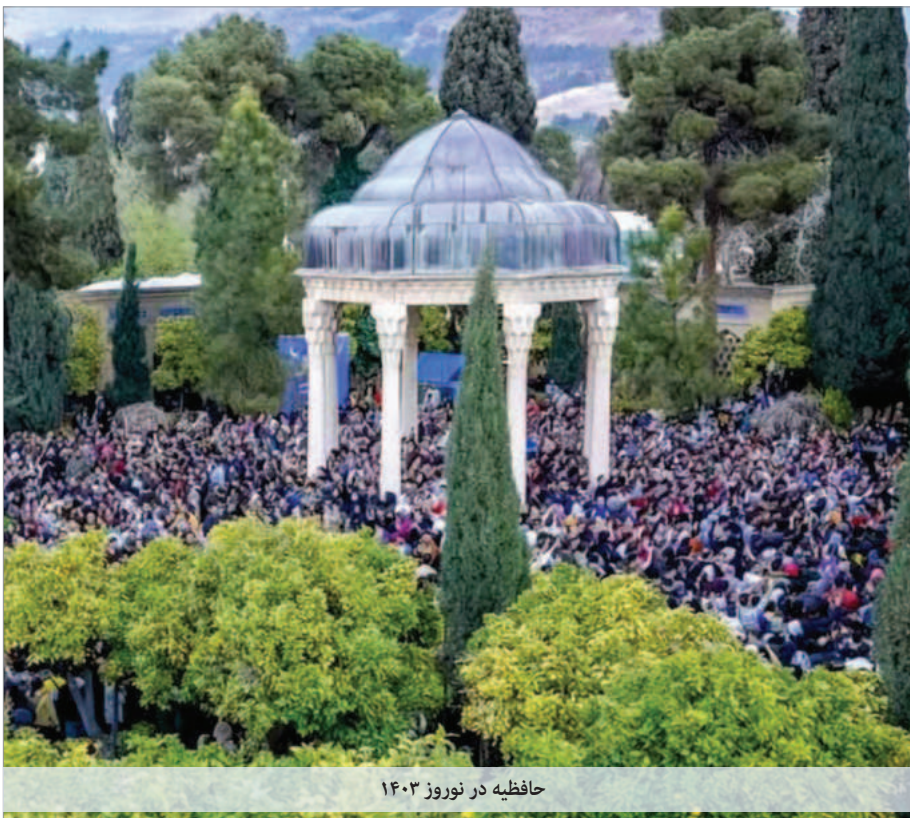
تو رفتی، دخترم، اما رؤیاهایت باقی ماندند. صدایت، فریادت، حقیقتی که برایش ایستادی، هنوز در قلب ما زنده است. آنها که تو را از ما گرفتند، شاید گمان کردند سکوت فراموشی می‌آورد. شاید فکر کردند مادری که فرزندش را از دست می‌دهد، دیگر توان ایستادن ندارد. اما اشتباه کردند. تو رفتی تا چیزی بزرگتر از خودت زنده بماند. و من اینجا هستم تا این مشعل را نگه دارم؛ برای تو، برای خون تو، برای آرزوهای تو.

دخترم، هر سال که می‌گذرد، دلنگنی‌ام عمیق‌تر می‌شود، اما هر سال هم قوی‌تر می‌شوم؛ قوی‌تر برای گفتن حقیقت، قوی‌تر برای ادامه‌ی مسیری که تو آغاز کردی. می‌دانم که می‌بینی. می‌دانم که هنوز کنارم هستی.

تو فقط یک دختر نبودی؛ تو نوری بودی در تاریکی، نوری که خاموش نمی‌شود، نوری که هیچگاه فراموش نخواهد شد. دوازدهمین سالگرد رفتنت است، اما بجای اشک با تو پیمان می‌بندم: رهاست ادامه دارد، دخترم. ما هنوز زنده‌ایم، چون تو زنده‌ای؛ در دل من، در خون من، در فریاد این سرزمین.

دوستت دارم دخترم، همیشه و تا ابد.»

حافظیه شیراز در چنبره‌ی «سپاه پاسداران» و «قرارگاه خاتم‌الانبیاء»



حافظیه در نوروز ۱۴۰۳

صندلی مدیریتی خودش در اداره کل میراث فرهنگی استان فارس، نگران و حافظ منافع نهادهای متجاوز به آثار تاریخی است؛ نهادهایی مانند شهرداری و شورای اسلامی شهر شیراز، تولید شاهچراغ و نمایندگان امنیتی مجلس شورای اسلامی در استان فارس.»

این کارشناس میراث فرهنگی در ادامه توضیح می‌دهد: «بد نیست بدانید که شهردار شیراز (محمد حسن اسدی) از افراد حامی سیدابراهیم رئیسی و از اصولگرایان نزدیک به سعید جلیلی است و معاون عمرانی شهرداری شیراز (محمد امین) قبل از انتصاب به این مقام، مسئول قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء سپاه پاسداران در شیراز بوده؛ همچنین علی کلاتری مزرعه نو رئیس سازمان قطار شهری شهرداری شیراز هم از یکی از شرکت‌های زیرمجموعه سپاه پاسداران به شهرداری شیراز منتقل شده است.»

به گفته وی، بسیاری از اعضای شورای اسلامی شهر شیراز سابقه فعالیت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دارند و برخی از آنها هم که سپاهی نیستند، وابستگان نهادها و شرکت‌ها و زیرمجموعه‌های سپاه هستند. از جمله محمدتقی تذروی که فرمانده سابق سپاه شیراز بوده، رئیس کمیسیون تلفیق شورای اسلامی چهارم در شیراز و عضو دور چهارم و پنجم این شورا است و برای سومین بار به آن راه یافته است.

ابراهیم حسینی، نفر دوم انتخابات شورای اسلامی شهر شیراز «دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی» از دانشگاه قم دارد! مهدی طاهری هم بازنشسته سپاه بوده و در قرارگاه «خاتم‌الانبیاء» و چند شرکت فنی مهندسی سابقه فعالیت دارد و چندین سال در سوریه نیز حضور داشته است.

این کارشناس میراث فرهنگی در ادامه صحبت‌هایش

● یک کارشناس میراث فرهنگی: «بسیاری از اعضای شورای اسلامی شهر شیراز، سابقه فعالیت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دارند. برخی از آنها هم که سپاهی نیستند، وابستگان نهادها و شرکت‌ها و زیرمجموعه‌های سپاه هستند.»

● «یکی از این افراد محمدتقی تذروی فرمانده سابق سپاه شیراز بوده که رئیس کمیسیون تلفیق شورای اسلامی چهارم در شیراز و عضو دور چهارم و پنجم این شورا است و برای سومین بار به آن راه یافته است.»

● «وابستگان نظامی امنیتی و آخوندهای حامی جمهوری اسلامی در شیراز به دنبال این هستند که هویت فرهنگی و تاریخی شیراز را کاملاً تغییر دهند و از شیراز شهری مذهبی با عنوان «سومین حرم اهل بیت» در ایران بسازند که این اقدامات در پی سفر خامنه‌ای به شیراز در سال ۸۷ و نامیدن این شهر با این عنوان، افزایش یافته است.»

فیروزه نوردستروم- معاون حمل و نقل شهرداری شیراز در ۲۸ آذر ۱۴۰۳ اعلام کرده بود که خط ۲ مترو شیراز از زیر حافظیه عبور کرده است. این در حالیست که در دوره پیشین شورای اسلامی شهر شیراز عبور مترو از زیر حافظیه غیرقانونی اعلام شده بود.

این خبر در حالی از سوی معاون شهرداری شیراز مطرح شده بود که دو روز پیش از آن در ۲۶ آذرماه، شورای فنی معاونت میراث فرهنگی کشور با حضور معاون میراث فرهنگی و رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری جلسه‌ای برای بررسی عبور خط دو مترو شیراز از حافظیه برگزار کرده بودند.

سازمان میراث فرهنگی در شرایطی با برگزاری این نشست برای بررسی عبور خط دو مترو شیراز از زیر حافظیه موافقت کرده بود که معاون شهرداری شیراز اعلام کرده بود که این خط مترو پیشتر از زیر این بنای تاریخی عبور کرده است! عبور خط مترو شیراز از زیر حافظیه، آب انبار تاریخی و آرامستان باستانی قبلا از سوی شهردار شیراز نیز تأیید شده بود.

در همین ارتباط یک کارشناس میراث فرهنگی اهل استان فارس که نخواست نامش فاش شود با اشاره به اینکه پیمانکار پروژه خط دو مترو شیراز قرارگاه «خاتم‌الانبیاء» است به کیهان لندن می‌گوید: «پس از اطلاع‌رسانی در مورد این پروژه و اینکه مترو از روبروی حافظیه بدون مجوز میراث فرهنگی و رعایت ضوابط قانونی عبور می‌کند وزیر میراث فرهنگی، صالحی امیری، ابتدا دستور داد پروژه متوقف شود و سپس هیأتی را به سرپرستی رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و معاونان و مسئولان مرتبط برای بررسی موضوع به شیراز فرستاد.»

به گفته این مرمتگر آثار تاریخی، مدیرکل میراث فرهنگی، ثابت اقلیدی، قبلا مصاحبه و ادعا کرده بود که امکان ندارد از کنار حافظیه تونل مترو عبور کند اما وقتی این هیأت از تهران به شیراز می‌آید، به صورت فعالانه در حمایت از شهرداری وارد عمل می‌شود و به اعضای این هیأت اعلام می‌کند که این سر و صداها شیطنت رسانه‌ای است. همزمان رئیس سازمان قطار شهری شهرداری شیراز، علی کلاتری هم می‌گوید که این اخبار همه سیاسی‌کاری برای ضربه زدن به شهرداری شیراز و خدماش است و واقعیت ندارد! این کارشناس فرهنگی در ادامه‌ی گفتگو با کیهان لندن

می‌افزاید: «شنیده شده که ثابت اقلیدی به رییس سابق پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور (دکتر ده پهلوان) قول داده که چنانچه پژوهشگاه نظر مثبتی در مورد مترو بدهد، تمام قراردادهای پژوهشی میراث فرهنگی استان فارس را با پژوهشگاه منعقد خواهد کرد. بلافاصله بعد از این بازدید، لحن ده پهلوان تغییر می‌کند و در اظهارات بعدی خودش، به بی‌خطر بودن و حتما مفید بودن مترو اشاره می‌کند!»

این کارشناس همچنین توضیح می‌دهد: «همزمان با برگزاری جشنواره چندرسانه‌ای پرحاشیه میراث فرهنگی در شیراز در آبان‌ماه امسال، خبری منتشر شد مبنی بر اینکه یک تفاهم‌نامه همکاری سه‌جانبه میان شهرداری شیراز، پژوهشگاه میراث فرهنگی و دانشگاه هنر شیراز بسته شده که در عملیات پروژه‌های حمل و نقلی شهرداری شیراز پیش از اجرا، بررسی‌های باستان‌شناسی انجام دهند، در حالی که میراث فرهنگی به عنوان نهاد ناظر، همزمان در حال بررسی پرونده تخلف شهرداری در خصوص مترو حافظیه بود! این به معنای تبانی میان معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری شیراز (هادی شه دوست شیرازی)، رییس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور (مصطفی ده پهلوان) و با عاملیت دانشگاه هنر شیراز با تسهیلاتی از سوی ثابت اقلیدی مدیرکل میراث فرهنگی استان فارس است.»

او در ادامه می‌گوید: «شنیده شده مدیرکل میراث فرهنگی استان فارس قول انعقاد یک قرارداد پژوهشی چهار میلیارد تومانی با ده پهلوان را برای گرفتن نظر موافق میراث فرهنگی در خصوص مترو حافظیه داده است. بررسی این گزارش‌ها نشان می‌دهد که ثابت اقلیدی به عنوان مدیرکل نهاد مسئول حفاظت از آثار تاریخی استان فارس، برای حفظ

رهبر گروه تبهکار «یاکوزا» به تلاش برای قاچاق مواد هسته‌ای به ایران اعتراف کرد

تاکاشی ایبساوا همچنین به قاچاق بین‌المللی مواد مخدر و سلاح نیز اعتراف کرده است.

مقامات فدرال آمریکا فوریه سال ۲۰۲۴ (اسفند ۱۴۰۲) گزارش داده بودند، تاکاشی ایبساوا و همدست او نمونه‌هایی از مواد هسته‌ای را که از میانمار به تایلند برده شده بود به یکی از مأموران مخفی اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا که خود را به عنوان قاچاقچی مواد مخدر و اسلحه جا زده بود نشان دادند. این مأمور مخفی ادعا کرده بود با یک افسر ارشد ایرانی ارتباط دارد.

در همان زمان، او برای ارسال مقدار زیادی هروئین و مت آمفتامین به ایالات متحده در ازای تسلیحات سنگین مانند موشک‌های زمین به هوا برای استفاده در میدان‌های جنگ در برمه فعالیت می‌کرد.

ادوارد کیم دادستان موقت ایالات متحده در منطقه جنوبی نیویورک گفت: «تاکاشی ایبساوا همانگونه که در دادگاه فدرال به جرم خود اعتراف کرد، وقیحانه مواد هسته‌ای از جمله پلوتونیوم با درجه‌ی غلظتی برای تولید

● وزارت دادگستری آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد که تاکاشی ایبساوا رهبر جنایتکاران ژاپنی «یاکوزا» متهم به قاچاق مواد هسته‌ای از میانمار به چند کشور از جمله ایران، به جرم خود اعتراف کرده است.

● خبرگزاری رویترز ۹ ژانویه (۲۰ دی‌ماه) به نقل از وزارت دادگستری آمریکا گزارش داد این تبهکار ۶۰ ساله ژاپنی روز چهارشنبه ۱۹ دی‌ماه در جریان بازجویی‌ها به همکاری با شبکه‌ای از تبهکاران برای انتقال مواد هسته‌ای از جمله اورانیوم و پلوتونیوم با درجه تسلیحاتی، از میانمار به سایر کشورها از جمله ایران اعتراف کرده است.

● تاکاشی ایبساوا همچنین به قاچاق بین‌المللی مواد مخدر و سلاح نیز اعتراف کرده است.

● مقامات فدرال آمریکا فوریه سال ۲۰۲۴ (اسفند ۱۴۰۲) گزارش داده بودند، تاکاشی ایبساوا و همدست او نمونه‌هایی از مواد هسته‌ای را که از میانمار به تایلند برده شده بود به یکی از مأموران مخفی اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا که خود را به عنوان قاچاقچی مواد مخدر و



تاکاشی ایبساوا

تسلیحات نظامی را از میانمار به خارج از این کشور قاچاق می‌کرد.»

بنا به گفته دادستان‌های آمریکا، مواد هسته‌ای را یکی از رهبران ناشناس «گروه‌های قومی شورشی» در میانمار که یک معدن اورانیوم را در این کشور در اختیار دارد، فرستاده بود بر اساس اسناد دادگاه، تاکاشی ایبساوا به این رهبر شورشیان میانمار پیشنهاد کرده بود که او واسطه فروش اورانیوم بشود تا بتواند هزینه خرید سلاح را از آن «افسر ارشد ایرانی» تامین کند.

در جریان عملیات شناسایی و بازداشت این تبهکار، آمریکا، اندونزی، ژاپن و تایلند همکاری داشتند. اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا در آوریل ۲۰۲۲ در جریان یک عملیات ضربتی در منهن، ایبساوا و سه نفر دیگر را دستگیر کرد.

اسلحه جا زده بود نشان دادند. این مأمور مخفی ادعا کرده بود با یک افسر ارشد ایرانی ارتباط دارد.

وزارت دادگستری آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد که تاکاشی ایبساوا رهبر جنایتکاران ژاپنی «یاکوزا» متهم به قاچاق مواد هسته‌ای از میانمار به چند کشور از جمله ایران، به جرم خود اعتراف کرده است.

خبرگزاری رویترز ۹ ژانویه (۲۰ دی‌ماه) به نقل از وزارت دادگستری آمریکا گزارش داد این تبهکار ۶۰ ساله ژاپنی که در منهن نیویورک بازداشت است، روز چهارشنبه ۱۹ دی‌ماه در جریان بازجویی‌ها به همکاری با شبکه‌ای از تبهکاران برای انتقال مواد هسته‌ای از جمله اورانیوم و پلوتونیوم با درجه تسلیحاتی از میانمار به سایر کشورها از جمله ایران اعتراف کرده است.

تاکید می‌کند: «وابستگان نظامی و امنیتی و آخوندهای حامی جمهوری اسلامی در شیراز به دنبال این هستند که هویت فرهنگی و تاریخی شیراز را کاملاً تغییر دهند و از شیراز شهری مذهبی با عنوان «سومین حرم اهل بیت» در ایران بسازند که این اقدامات در پی سفر خامنه‌ای به شیراز در سال ۸۷ و نامیدن شیراز با این عنوان، افزایش یافته است. البته بخشی از رفتار و عملکرد آنها هم در حوزه عمرانی، ناشی از بی‌سوادی و نادانی و بی‌اطلاعی و نگاه منفعت‌طلبانه مدیران باقیمانده از دولت رئیسی است.»

اینهمه در حالیست که اعضای دوره پیشین شورای اسلامی شهر شیراز عبور مترو از زیر حافظیه را غیرقانونی اعلام و تصویب کرده بودند که جابجایی مسافران در این مسیر باید با ترمو صورت بگیرد.

کارشناس میراث فرهنگی با اشاره به اعضای دوره پیشین شورای اسلامی شهر شیراز توضیح می‌دهد: «برخی از اعضای شورا بعدتر از آن خارج شدند؛ مثل ترابی به خاطر شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی؛ یا اصنافی که شهردار شیراز شد اما یک سال بعد استیضاح شد و به استانداری فارس رفت. اسدی هم بعد از اصنافی، شهردار شیراز شد. نصیری هم به اتهامات مالی دستگیر شد و از شورا کنار گذاشته شد؛ سلطانی عضو دیگر شورای اسلامی شهر شیراز به اتهامات مالی دستگیر شد و از آن کنار گذاشته شد. فرخزاده هم از شورای اسلامی خارج شد و به عنوان معاون زیارتی و گردشگری به استانداری فارس رفت.»

وی در مورد اهداف مسئولان پیمانکاری پروژه طرح اتصال خط ۲ مترو شیراز از زیر حافظیه توضیح می‌دهد: «مدیران شهری هدف از اتصال خط ۲ مترو به خط ۴ را افزایش دسترسی حرم شاهچراغ عنوان می‌کنند اما در شهر شیراز، بسیاری از پروژه‌هایی که به قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء وابسته به سپاه پاسداران واگذار شده، توسط شرکت‌های عمرانی دیگر هم قابل اجراست اما معمولاً این قراردادهای به قرارگاه خاتم‌الانبیاء به صورت عمده و بدون رعایت تشریفات معاملاتی و به صورت ترک ضروریات معامله واگذار می‌شوند و معمولاً انگیزه‌های اقتصادی خاص پشت واگذاری این پروژه‌ها وجود دارد.»

این کارشناس میراث فرهنگی در پایان تاکید می‌کند: «به همین دلیل، موضوعات مذهبی مانند توسعه حرم شاهچراغ، موضوعات امنیتی مانند دسترسی سریع‌تر به نقاط مرکزی و پیرامونی شهر که عمدتاً محل استقرار پادگان‌های سپاه هستند و مانند آن را برای تعریف و طراحی این پروژه‌ها و سپس واگذاری آنها به شرکت‌های تحت پوشش سپاه، بهانه قرار می‌دهند.»

جداً از موضوع عبور مترو از زیر حافظیه، این محوطه از درون نیز با آسیب‌های متعددی روبروست. در حال حاضر ورود برخی عناصر غیرمأنوس و بی‌مورد به این فضا، حافظیه را از آن هدفی که فضای آن طراحی شده است دور کرده است. رقص نور و نورپردازی در اطراف حوض‌های آن، کاشت گل‌های رز هلندی و درختان کاج غیربومی، وجود کافه و فروشگاه‌های متعدد در ضلع‌های مختلف حافظیه و حضور دستفروشان در یک قدمی آن و... همگی باعث تغییر هویت و چهره این اثر تاریخی شده است. چندی پیش نیز نحوه شستشوی محوطه و احتمال آسیب رسیدن به سازه به دلیل رطوبت در لایه‌های میانی این بنا سبب نگرانی‌هایی برای فعالان میراث فرهنگی و دوستداران حافظیه شده بود بنای معروف حافظیه در سال ۱۳۱۴ توسط علی اصغر حکمت وزیر فرهنگ وقت و به دستور رضاشاه پهلوی بر اساس طرحی از آندره گدار معمار و باستان‌شناس فرانسوی بازسازی شد.

افزایش ۸۲ درصدی نرخ مهاجرت نخبگان از ایران؛ ثبت رکورد جدیدی در تعداد دانشجویان ایرانی خارج از کشور



ناترازی انرژی» هستند.»

به عقیده محمدحسین شریف‌زادگان «اختلال در حکمروایی و فقدان سیاست خارجی معطوف به توسعه» مهمترین عامل موج گسترده مهاجرت شهروندان از ایران است.

مجتبی لشگربلوکی مشاور ارشد استراتژی و سرمایه‌گذاری اقتصادی نیز یکی دیگر از سخنرانان این همایش بود که گفت: «به جای مهاجرت نخبگان با «تخلیه ملی» مواجه هستیم.»

مجتبی لشکر بلوکس خواستار تشکیل «لابی ایرانی در خارج کشور» شد و گفت باید «دنبال اتصال فرامرزی باشیم و هر کس هر جای دنیا هست، برای ایران کار کند.»

بهرام صلواتی جامعه‌شناس و پژوهشگر نیز در این همایش گفته «ما دقیقا نمی‌دانیم چند درصد از دانشجویان ما به صورت اختیاری و چند درصد به صورت اجباری مهاجرت کرده‌اند. این در حالی است که اطلاع از این آمار بسیار مهم است. زیرا اگر مهاجرت اختیاری صورت گرفته باشد، ارتباط با آنها آسانتر خواهد بود. از این رو ما نیازمند وزارت خانه مهاجرت در داخل هستیم اما چیزی که پیش آمده این است که رصد خانه قبلی نیز دیگر از فعالیت بازمانده است.»

بهرام صلواتی افزوده که بر پایه گزارش‌ها مهاجرت نخبگان از ایران در سال‌های اخیر، از ۶۰ هزار به ۱۱۰ هزار نفر رسیده یعنی رشد ۸۲ درصدی داشته است.

او همچنین تأکید کرده که «به نظر می‌رسد مسئله مهاجرت تحصیلکردگان به خوبی فهم نشده و نیازمند ایجاد وزارت‌خانه مهاجرت هستیم.»

«فاینشیل تایمز» نیز در گزارشی با اشاره به اینکه تعداد دانشجویان ایرانی در خارج از کشور در سال ۲۰۲۴ به رکورد ۱۱۰ هزار نفر رسیده است نوشته این آمار افزایشی نشان‌دهنده افزایش چشمگیر مهاجرت و تخلیه سرمایه انسانی از ایران است.

بر اساس این گزارش، این موج مهاجرت نتیجه مشکلات اقتصادی نظیر تورم بالا، ارز ضعیف و کمبود فرصت‌های شغلی است که نسل جوان را به ناامیدی کشانده است.

● محمدحسین شریف‌زادگان پژوهشگر معتقد است که «اختلال در حکمروایی و فقدان سیاست خارجی معطوف به توسعه» مهمترین عامل موج گسترده مهاجرت شهروندان از ایران است.

● مجتبی لشگربلوکی مشاور ارشد استراتژی و سرمایه‌گذاری اقتصادی معتقد است ایران بجای مهاجرت نخبگان با «تخلیه ملی» مواجه است.

● بهرام صلواتی جامعه‌شناس و پژوهشگر حوزه مهاجرت گفته مهاجرت نخبگان از ایران در سال‌های اخیر، از ۶۰ هزار به ۱۱۰ هزار نفر رسیده یعنی رشد ۸۲ درصدی داشته است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد طی سال‌های گذشته نرخ مهاجرت نخبگان از ایران با افزایش ۸۲ درصدی روبرو شده است. بر اساس آمارها دست‌کم پنج میلیون نفر در سال‌های گذشته به دیگر کشورها مهاجرت کرده و میلیون‌ها نفر نیز در حال انجام مراحل مهاجرت و یا در انتظار صدور ویزا برای مهاجرت از ایران هستند.

موج مهاجرت از ایران در میان همه اقشار درآمدی و افرادی در تمام رشته‌های شغلی و رشته‌های تحصیلی فراگیر شده است با اینهمه همچنان آمار دقیق و رسمی از ایرانیان مهاجرت کرده یا در حال مهاجرت وجود ندارد.

در روزهای گذشته همایشی دو روزه با عنوان «مهاجرت نخبگان علمی در ایران امروز، چالش‌ها و راهکارها» با همکاری ۱۴ نهاد دولتی و غیردولتی و با مشارکت ۳۷ نفر از پژوهشگران و اساتید دانشگاه برگزار شد.

محمدحسین شریف‌زادگان پژوهشگر در این نشست به «۱۳ ابرچالش» که در ایران سبب مهاجرت نخبگان می‌شود اشاره کرد. از جمله این ابرچالش‌ها «کاهش سرمایه اجتماعی و ارتباط دولت و ملت، کاهش تولید ثروت، افزایش تورم، نبود سیاست خارجی معطوف به توسعه اقتصادی، فساد در همه ابعاد، فقر و نابرابری، مشکل آب، محیط زیست، بحران بانک‌ها، صندوقهای بازنشستگی، ناترازی بودجه،

علاوه بر این، ناامنی‌های سیاسی و تهدیدات جنگی نیز باعث افزایش تمایل به مهاجرت شده است.

در حالی که ترکیه و کانادا به دلیل تسهیلات و برنامه‌های تحصیلی مقصدهای اصلی ایرانیان شده‌اند، کشورهای اروپایی مانند آلمان و ایتالیا نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. آمارها نشان می‌دهند که ۲۵ درصد از استادان دانشگاه‌ها در چند سال اخیر مهاجرت کرده‌اند. این روند نه فقط باعث کاهش نیروی متخصص در ایران شده، بلکه ظرفیت علمی و فنی کشور را نیز تضعیف کرده است.

ایران سالهاست که با مهاجرت پرتعداد سرمایه انسانی، از نیروهای دانش‌آموخته و نخبه و نیروی کار فنی و حرفه‌ای روبرو است اما دولت رویکرد موثری در کاهش سرعت مهاجرت نداشته است. مهاجرت نیروی انسانی از ایران معمولا با فراقکنی و یا دادن آدرس‌های اشتباه از سوی مقامات روبرو می‌شود.

برای نمونه محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در همایش «مهاجرت نخبگان علمی در ایران امروز، چالش‌ها و راهکارها» حضور داشته و در سخنانی گفته «در حوزه پزشکی بسیاری از افراد هستند که کار مشخص و معین و خوبی دارند رتبه عالی در همه علم و هم عمل دارند استاد هستند، مطب دارند، زندگی خوبی هم دارند اما مهاجرت می‌کنند.»

به گفته وزیر بهداشت جمهوری اسلامی «بین افرادی که به کشورهای عربی می‌روند اسم آن را کاریابی می‌گذارم به دلیل شرایط اقتصادی و به دلیل ارزش پول به دلیل بسیاری از مسائل دیگر پزشکی که به کشورهای آمریکا و کانادا می‌روند به شما بگویم که بالای ۸۰ درصد مجبورند رشته پزشکی را کنار بگذارند چون در آنجا نمی‌توانند کار پزشکی کنند در واقع مبنای اقتصادی ندارد.»

محمدرضا ظفرقندی افزوده «واقعیت‌ها را باید دقیق دید، همکاران به آن کشورها می‌روند اما مدرک‌شان مورد قبول نیست سن‌شان هم طوری نیست که در آزمون‌های



با قابلیت بیشتر هستند. خریداران بال، کتف و گردن تا سال پیش بیشتر صاحبان حیوانات خانگی بودند، اما امسال اغلب برای خوراک خود و خانواده از این قطعات مرغ خریداری می‌کنند.

فرانک اسماعیلی افزوده «از سال گذشته تاکنون بیش از ۳۰ درصد تقاضای خرید مرغ در بازار مصرف کمتر شده و



این بسیار وحشتناک است. تا سال پیش مردم برای خرید دو سه تا مرغ در هفته اقدام می‌کردند، اما امسال اگر هفته‌ای یک مرغ هم بخرند باید خدا رو شکر کنند. خرید کردن و بال هم اعیانی شده و شاید تا سال دیگر مردم همین را هم نتوانند بخرند.»

اینهمه در سیاست جدید ارزی دولت در آذرماه امسال اجرایی شده و قیمت ارز با افزایش پرسرعتی نسبت به چند ماه پیشتر در حال افزایش است.

تیم اقتصادی دولت پزشکیان با حذف ارز نیمایی و راه‌اندازی بازار جدیدی با عنوان «بازار ارز تجاری» سبب شوکی مضاعف بر بازار ارز ایران شد بطوری که قیمت دلار که در آغاز فعالیت دولت پزشکیان ۴۸ هزار تومان بود تا مرز ۸۳ هزار تومان افزایش یافته است.

از سوی دیگر قیمت‌ها در «بازار ارز تجاری» تابعی از قیمت‌ها در بازار ارز آزاد است. در حالیکه قیمت دلار در سامانه نیما در آخرین روزهای فعالیت این سامانه در مرز ۵۰ هزار تومان قرار داشت، اکنون قیمت دلار در «بازار ارز تجاری» حدود ۶۷ هزار تومان است. با تعطیلی سامانه نیما، واردکنندگان کالا باید ارز مورد نیاز واردات را از «بازار ارز تجاری» تهیه کنند. از سوی دیگر تیم اقتصادی دولت مدعی بود راه‌اندازی بازار ارز تجاری و نزدیک شدن قیمت‌ها در این بازار در پی سیاست‌های دولت برای تک‌نرخ کردن ارز و جمع شدن رانت گسترده در توزیع ارز واردات کالا است. اکنون اما قیمت دلار در بازار آزاد در نزدیکی ۸۳ هزار تومان و قیمت دلار در بازار ارز ترجیحی حدود ۶۷ هزار تومان است که اختلافی در محدوده ۲۵ درصد با هم دارد و همچنان بستری برای رانتخواران است که ارز در بازار ارز ترجیحی را به اسم واردات کالا دریافت و در بازار آزاد بفروشند و سودی قابل توجه به جیب بزنند.

اینهمه بیانگر موجی از افزایش قیمت کالاهای وارداتی از جمله کالاهای اساسی در ماه‌های پیش رو است. سهراب هاشمی کارشناس و تحلیلگر بازار ارز گفته «دلار در حال صعود قیمت است و این زنگ خطر به دلیل مشکلات متعدد در اقتصاد کشور حائز اهمیت و خطرناک است. ارز تعیین کننده قیمت‌هاست و این وابستگی هر روز بیشتر از گذشته می‌شود.»

سهراب هاشمی با اشاره به اینکه سیاست دولت پزشکیان هنوز در اصلاح نظام اقتصادی کشور مشخص نیست، گفته که «قرار بر این بود قیمت دلار در مسیر تثبیت قیمت قرار بگیرد. گرانی ۲۵۰ تا ۴۸۰ درصدی اقلام اساسی ظرف سه سال یعنی فاجعه! طبق گزارش جدید مرکز آمار، قیمت اقلام اساسی از سال ۱۴۰۰ تا تابستان ۱۴۰۳ شاهد افزایش بیش از ۲۰۰ درصدی بوده است. دولت چرا در اینباره پاسخ نمی‌دهد. ما فقط پاسخ تولیدکنندگان و فروشندگان کالاها و محصولات مورد نیاز مصرف مردم را می‌شنویم؛ آنها تأکید دارند که دولت باید نرخ ارز را ثابت نگه دارد تا ما هم قیمت‌ها را ثابت نگه داریم.»

به گفته این کارشناس، شواهد نشان از این است که دولت قصد دارد قیمت دلار را تا ۹۰ هزار تومان پیش ببرد و این با سیاست‌های راهبردی دولت چهاردهم تناقض دارد؛ لذا از این پس وضعیت معیشت مردم و اقتصاد کشور را نمی‌توان به راحتی پیش‌بینی کرد.

محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی به تازگی مدعی شده که «کانال بن‌بست که از ۹ صبح برای همه صرافی‌هایی ایران نرخ دلار تعیین می‌کند در آمریکا ثبت شده و همه سرورهای آن هم در آمریکا است.»

رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی افزوده «صبح که معامله‌ای صورت نمی‌گیرد، این کانال نرخ می‌گذارد و صرافی‌ها هم از روی آن نرخ می‌گیرند. با این کانال علائم غیر واقعی به بازار ما می‌دهند.»

این ادعای محمدرضا فرزین با واکنش‌هایی روبرو شده است. روزنامه «هم‌میهن» در مطلبی به قلم منصور بیطرف تحلیلگر اقتصادی با اشاره به ادعای فرزین درباره تعیین قیمت نرخ بازار ارز ایران از ایالات متحده نوشته «اگر اسم فرزین و رئیس کل بانک مرکزی از این سخنان حذف شود، گمان می‌کنیم که این اظهارات از سوی فردی غیرمطلع به سیاست‌های پولی و ارزی بیان می‌شود؛ اما شگفتی‌برانگیز در اینجاست که این سخن نه از سوی افراد غیرمطلع و غیرکارشناس که یادآور صحبت‌های درون تاکسی‌هاست، بلکه از سوی رئیس کل بانک مرکزی ایران بیان می‌شود؛ نهادهای که سیاستگذار پولی و مسئول کنترل نرخ تورم و حفظ ارزش پول ملی است.»

در بخشی از این مطلب آمده «در «سفر لاوین» کتاب عهد عتیق از حیوانی به نام «بز طلیعه» نام می‌برند. بز که بار گناهان دیگران بر او تحمیل و از جامعه رانده می‌شود. به نظر می‌آید که این سیاست یعنی پیدا کردن «بز طلیعه» در اقتصاد ایران داستان بلندی دارد. هر زمان که مسئولان دچار کاستی می‌شوند و یا جرأت بیان دلایل و ریشه‌های کاستی را ندارند و یا نمی‌خواهند قصور خود را باور کنند به دنبال «بز طلیعه» می‌گردند تا بار گناهان و قصور خود را بر گردن او بیاندازند.»

این مطلب افزوده «بهتر است آقای فرزین روایت‌ها را که خود به خوبی می‌داند چیست، باور کند و از «بز طلیعه» کردن کانال تلگرامی «بن‌بست» دست بردارد که نه در شأن نهاد بانک مرکزی است که نشان دهد از یک کانال تلگرامی شکست می‌خورد و نه در شأن دولت چهاردهم.»

هنگامی دولت مسعود پزشکیان در امرداد امسال آغاز بکار کرد قیمت هر دلار آمریکا در کانال ۴۸ هزار تومان قرار داشت اما در روزهای گذشته قیمت دلار به حدود ۸۳ هزار تومان افزایش یافته است. قابل توجه اینکه محمدرضا فرزین در اوایل امسال و در پی افزایش قیمت دلار در بازار آزاد گفته بود نرخ‌های بازار آزاد که توسط سوداگران در تلگرام تعیین می‌شود کاذب است و بانک مرکزی این قیمت‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد و مبنای قیمت دلار را سامانه نیما عنوان کرده بود

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ارتباط میان فهرست سیاه FATF و ارزش پول ملی را نمی‌داند!

● مصطفی میرسلیم عضو تشخیص مصلحت نظام با ادعای اینکه برنامه‌های FATF برخلاف منافع و خواسته‌های مردم است، گفته «مردم با FATF چه کار دارند، تکلیف ارزش پول ملی را برای مردم مشخص کنیم.»

● افزایش ارزش پول ملی از مسیر افزایش تجارت خارجی و افزایش درآمدهای ارزی امکان‌پذیر است و قرار داشتن ایران در فهرست سیاه FATF سبب ایجاد اختلال شدید در انجام تبادلات مالی و بانکی با خارج از کشور و آفت تجارت شده است.

● رهبر جمهوری اسلامی به تازگی با بررسی دوباره لوایح FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام موافقت کرده تا شاید زمینه خروج ایران از فهرست سیاه این نهاد بین‌المللی فراهم و بحران خزانه خالی حکومت مدیریت شود.

مصطفی میرسلیم عضو تشخیص مصلحت نظام با ادعای اینکه برنامه‌های FATF برخلاف منافع و خواسته‌های مردم است، گفته «مردم با FATF چه کار دارند، تکلیف ارزش پول ملی را برای مردم مشخص کنیم.» این در حالیست که قرار داشتن ایران در فهرست سیاه FATF تبادلات مالی و تجاری ایران را با بحران روبرو کرده و مانعی در مسیر بهبود ارزش پول ملی است!

مصطفی میرسلیم عضو تشخیص مصلحت نظام درباره موافقت علی‌خامنه‌ای با بررسی دوباره لوایح پارلمو و CFT در چارچوب FATF گفته «اگر پیوست ما به این معاهده باعث شود که حرکت‌های آزادی‌بخش دچار لطمه شوند، بطور طبیعی پیوستن به این برنامه‌ها صحیح نخواهد بود. اما اگر همه دست در دست هم دهند و در مقابل برنامه‌هایی که واقعاً با تروریسم مبارزه می‌کنند، عمل کنند و از این معاهدات به عنوان ابزاری برای سرکوب افرادی که بطور جدی در حال مقابله با تروریسم هستند، استفاده نشود، امکان موفقیت بیشتری وجود دارد. مسئله اصلی این است و نباید در دام آمریکا افتاد.»

مصطفی میرسلیم افزوده «اگر اطلاعات به اعضای مجمع برسد که برنامه‌های این معاهده در جهت خلاف منافع و خواسته‌های مردم حرکت می‌کند، مشکل پیدا خواهیم کرد. این موضوع جنبه مردمی ندارد، این موضوع سیاست بین‌المللی است و آن چیزی که باید تکلیفش را برای مردم مشخص کنیم، ارزش پول ملی ما است؛ این برای مردم مهم است»

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام افزوده «مشکل ما FATF نیست، کشور ما غنی است. ما اجازه داده‌ایم به یک عده که پول‌های باد آورده‌ای بدست آورند و آن را به دلار تبدیل کنند، وارد بازار کنند و باعث التهاب بازار دلار و گرانی‌ها شوند. این موضوعات مشکل اساسی ما ←

→ هستند و مردم این را می‌خواهند، با FATF چه کار دارند؟»

در حالیکه رهبر جمهوری اسلامی با موافقت برای بررسی دوباره لوایح FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام، چراغ سبز برای پذیرش لوایح در جهت خروج ایران از فهرست سیاه این نهاد بین‌المللی را صادر کرده تا شاید بحران خزانه خالی حکومت مدیریت شود، اما همچنان برخی از مقامات تندرو حکومت با تلاش جمهوری اسلامی برای پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی (FATF) مخالف هستند.

مصطفی میرسلیم در حالی ادعا کرده FATF ارتباطی با مشکلات اقتصادی ندارد و دولت باید تلاش کند که ارزش

کشانده است.

«پارمو» معاهده سازمان ملل متحد علیه «جرائم سازمانیافته فراملی» است که در سال ۲۰۰۱ میلادی تصویب و از سال ۲۰۰۳ برای کشورهای عضو سازمان ملل لازم‌الاجرا شده است. معاهده مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) نیز یک قرارداد بین‌المللی است که در سال ۱۹۹۹ توسط سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است.

با نمایان شدن آثار منفی قرار داشتن ایران در فهرست سیاه FATF و فلج شدن مبادلات بانکی و مالی شرکت‌های دولتی و خصوصی ایران در سطح بین‌المللی، تلاش برای خروج ایران از این فهرست سیاه از دولت ابراهیم رئیسی آغاز شد.

در تلاش است.

عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد نیز نهم آبان‌ماه در جمع خبرنگاران گفت مسئول سازمانی FATF وزارت اقتصاد است و ما بر اساس نظر رئیس جمهور در حال پیگیری موضوع هستیم و بر اساس منافع ملی، موضوع را پیش خواهیم برد روزنامه «کیهان» چاپ تهران اما بلافاصله در مطلبی با عنوان «اصرار بر پیوستن به FATF، به نام معیبت به کام اسرائیل» به دولت پزشکیان تاخت و نوشت: «باید برای دولت چهاردهم یادآوری کرد که ایران بر سر تحریم‌ها با آمریکا مذاکره کرد و جلو رفت. در انتها آمریکا همه تعهداتی که داده بود را نقض کرد و یکطرفه از برجام خارج



شد. حال آنکه به اذعان خود غرب ایران به تمامی تعهدات خود پایبند بود.»

در این مطلب آمده بود که «FATF در نشست اخیر خود لبنان را در فهرست خاکستری قرار داد و تحت نظر قرار گرفت. این سازمان که با رژیم غاصب صهیونیستی ارتباط دارد و همکاری می‌کند، لبنان را تحت فشار گذاشته است تا نسبت به اقدامات و فعالیت‌های حزب‌الله مطلع شود.» «کیهان» افزوده بود که «کاملاً واضح است، در شرایطی که رژیم صهیونیستی بعد از طوفان الاقصی به اهدافی که برای خود تعیین کرده بود نرسیده است و همچنین در نبرد زمینی با حزب‌الله لبنان دچار مشکل شده است، با استفاده از این سازمان سعی دارد تا نسبت به حزب‌الله اطلاعات بیشتری به دست آورد.»

در ادامه ادعا شده بود «این معاهده دیکته شده که سعی بر تحمیل آن به جمهوری اسلامی ایران شده است، واضح است که هیچ عایدی جز فشار بیشتر اقتصادی بر کشور نخواهد داشت.»

شاخ و شانه کشیدن بخشی از جریانات و مقامات حکومتی در برابر پیوستن ایران به FATF در حالی ادامه داشته که به نظر می‌رسد کفگیر جمهوری اسلامی آنچنان به کف دیگ خورده و نیازمند «گشایش» است که حالا خامنه‌ای وارد میدان شده و موافقت رسمی خود با پذیرش لوایح FATF را اعلام کرده است.

احسان خاندوزی وزیر وقت امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی دی‌ماه سال گذشته در نامه‌ای به گروه ویژه اقدام مالی (FATF) خواستار آن شد تا نام جمهوری اسلامی ایران از ذیل توصیه ۷ و سایر اسناد مرتبط این نهاد با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد حذف شود یک هفته پس از انتشار نامه‌نگاری وزیر اقتصاد وقت جمهوری اسلامی، رسانه‌های حامی دولت رئیسی خبرهایی با تیتیر «خروج ایران از فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف» منتشر کردند. این موج «خبرسازی دروغین» وزیر اقتصاد را ناچار به ارائه توضیحاتی کرد.

او گفته بود: «پس از پذیرش اعتراض حقوقی ایران از طرف FATF، طی ایمیلی به تمام کشورهای عضو اعلام شد که جمهوری اسلامی از ذیل بند ۷ گروه ویژه اقدام مالی خارج شد.»

دولت مسعود پزشکیان نیز از بدو تأسیس برای خروج ایران از فهرست سیاه FATF اقداماتی را در دستور کار قرار داد. مسعود پزشکیان در نخستین کنفرانس مطبوعاتی به عنوان رئیس دولت چهاردهم گفته بود «برای پذیرش FATF به مجمع تشخیص مصلحت نظام نامه می‌نویسم» و «باید درباره FATF دوباره بحث کنیم و مسئله را حل کنیم.»

دو هفته بعد و در دوازدهم مهرماه مجید انصاری معاون حقوق مسعود پزشکیان در گفتگو با روزنامه «اعتماد» گفت دولت پزشکیان برای خروج ایران از فهرست سیاه FATF

پول ملی افزایش پیدا کند که به عقیده بسیاری از کارشناسان و فعالان تجاری قرار داشتن ایران در فهرست سیاه FATF بیش از تحریم‌های ایالات متحده برای تجارت خارجی کشور مشکل‌ساز بوده است.

افزایش ارزش پول ملی از مسیر افزایش تجارت خارجی و افزایش درآمدهای ارزی امکان‌پذیر است و قرار داشتن ایران در فهرست سیاه FATF سبب ایجاد اختلال شدید در انجام تبادلات مالی و بانکی با خارج از کشور و اُفت تجارت خارجی شده است؛ این محدودیت فقط شامل بخش دولتی نیست و حتی شرکت‌ها و تجار فعال در بخش خصوصی نیز برای انجام تبادلات مالی و نقل و انتقال پول دچار مشکل هستند.

گروه ویژه اقدام مالی (FATF) که دارای ۳۷ عضو است یکی از سازمان‌های بین‌المللی محسوب می‌شود که بطور منظم کشورهای در معرض اقدام به پولشویی و تأمین مالی تروریسم ارزیابی می‌کند.

ایران از فوریه ۲۰۲۰ در فهرست سیاه FATF قرار گرفته و جمهوری اسلامی بیش از چهار سال است برای تصویب دو کنوانسیون «پارمو» و «CFT» مقاومت می‌کند و این دو لایحه سال‌هاست در مجمع تشخیص مصلحت نظام معلق مانده است. همین موضوع ایران را از فهرست «خاکستری» که مربوط به کشورهایی است که پناهگاه امن برای حمایت از تأمین مالی تروریسم و پولشویی هستند به فهرست «سیاه» که متعلق به کشورهای «غیرهمکار» این گروه است

زنان و مجازات اعدام در ایران: دریچهای به آسیب‌شناسی جنسیتی مجازات مرگ

● سازمان حقوق بشر ایران با انتشار گزارشی جدید، پرده از واقعیت‌های تکان‌دهنده درباره اعدام زنان در ایران برداشته است. این گزارش با عنوان «زنان و مجازات اعدام در ایران: دریچهای به آسیب‌شناسی جنسیتی مجازات مرگ» به بررسی ابعاد هولناک و نابرابری‌های جنسیتی در این مجازات غیرانسانی می‌پردازد.

● دست‌کم ۳۱ زن در سال ۲۰۲۴ اعدام شدند که بالاترین تعداد اعدام زنان طی بیش از ۱۵ سال بوده است ● ۱۲۱ نفر (۵۰ درصد) از زنان اعدام‌شده تنها با حرف اول نام/ نام خانوادگی خود شناسایی شده یا به کلی ناشناس مانده‌اند.

● ۹ نفر از زنان اعدام‌شده کودک‌همسر بودند. ۷۰ درصد از زنانی که به اتهام قتل عمد اعدام شدند، متهم به قتل همسر/ شریک زندگی خود شده بودند.

سازمان حقوق بشر ایران با انتشار گزارشی جدید، پرده از واقعیت‌های تکان‌دهنده درباره اعدام زنان در ایران برداشته است. این گزارش با عنوان «زنان و مجازات اعدام در ایران: دریچهای به آسیب‌شناسی جنسیتی مجازات مرگ» به بررسی ابعاد هولناک و نابرابری‌های جنسیتی در این مجازات غیرانسانی می‌پردازد.

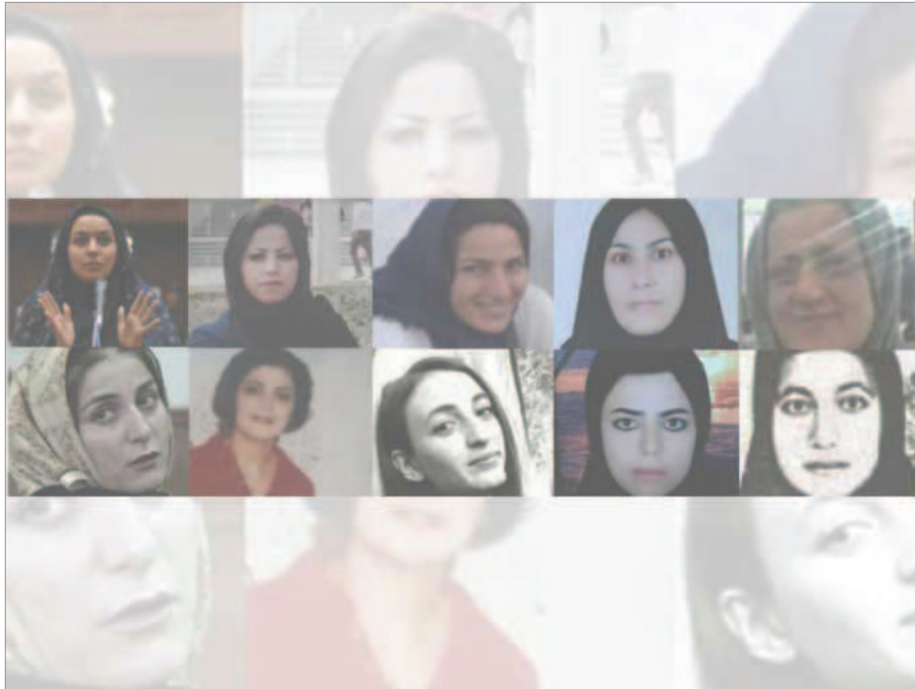
بر اساس این گزارش، در سال ۲۰۲۴، دو سال پس از آغاز جنبش «زن، زندگی، آزادی»، جمهوری اسلامی بالاترین آمار سالانه اعدام زنان در ۱۷ سال اخیر را ثبت کرد و ۳۱ زن در زندان‌های ایران اعدام شدند. این آمار از زمان آغاز ثبت اعدام‌ها توسط این سازمان در سال ۲۰۰۸، بی‌سابقه بوده است. این گزارش بر مبنای آمارهای ثبت و تأییدشده در سازمان حقوق بشر ایران تهیه شده است.

محمود امیری‌مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران به مناسبت انتشار این گزارش می‌گوید: «اعدام زنان در ایران نه‌تنها بعد بی‌رحمانه و غیرانسانی مجازات اعدام را نشان می‌دهد، بلکه عمق تبعیض و نابرابری جنسیتی را در سیستم قضایی این کشور برملا می‌کند. از جامعه جهانی می‌خواهیم که در برابر این بی‌عدالتی‌های نهادینه‌شده و آپارتاید جنسیتی در ایران سکوت نکنند و تلاش‌های خود را برای نجات محکومان به اعدام افزایش دهند.»

برخی آمارها در یک نگاه

● دست‌کم ۳۱ زن در سال ۲۰۲۴ اعدام شدند که بالاترین تعداد اعدام زنان طی بیش از ۱۵ سال بوده است.
● حداقل ۲۴۱ زن بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ اعدام شده‌اند.
● ۱۲۱ نفر (۵۰ درصد) از زنان اعدام‌شده تنها با حرف اول نام/ نام خانوادگی خود شناسایی شده یا به کلی ناشناس مانده‌اند.
● ۱۱۴ زن به اتهام قتل به قصاص نفس محکوم و اعدام شدند.

● ۱۰۷ زن به اتهامات مرتبط با مواد مخدر به اعدام محکوم شدند.
● ۴۰ زن به اتهامات امنیتی محاربه و افساد فی‌الارض اعدام شدند؛ یکی از آنها یهودی و دو نفرشان زندانیان سیاسی کرد بودند.



رسید. بسیاری از این زنان تحت فشار مجبور به ورود به جرائم مواد مخدر شدند یا حتی از نقش خود در این جرائم بی‌اطلاع بودند. با این حال، قوه قضائیه جمهوری اسلامی به ندرت این موارد را هنگام صدور حکم اعدام در نظر می‌گیرد.

ادامه صدور احکام اعدام برای زنان

نتیجه پژوهش سازمان حقوق بشر ایران در یک دوره دوساله در رسانه‌های رسمی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که در مدت بین ژانویه ۲۰۲۲ تا ژانویه ۲۰۲۴ دست‌کم ۴۱ زن در معرض صدور احکام اعدام قرار گرفته‌اند. ابعاد مختلف این آمار در گزارش این سازمان بررسی شده است.

زنان در صف اعدام: صدای خاموش عدالت

تعداد نامعلومی از زنان همچنان در انتظار حکم اعدام هستند و زندگی آنها هر لحظه در معرض خطر است. از جمله، فعالان گُرد، «وریشه مرادی» و «پخشان عزیز» که زیر حکم اعدام هستند. از آغاز حکومت جمهوری اسلامی، اعدام به عنوان ابزاری برای سرکوب سیاسی به کار گرفته شده و با ایجاد رعب و وحشت، به بقای حکومت کمک کرده است. ده‌ها هزار زن و مرد پس از محاکمه‌های نمایشی اعدام شده‌اند؛ اما داستان زنان و ابعاد جنسیتی مجازات مرگ، همچنان در سایه پنهان مانده است.

هر عدد، یک داستان دردناک

این گزارش یادآور می‌شود که هر آمار، نمایانگر یک انسان با رویاهای و داستان‌های زندگی است؛ زندگی‌هایی که قربانی بی‌عدالتی و انگ اجتماعی شدند و خاموش گشتند.

متن کامل گزارش در نسخه پی‌دی‌اف در وبسایت سازمان حقوق بشر ایران

● ۹ نفر از زنان اعدام‌شده کودک‌همسر بودند.

● ۳ نفر از کودک‌همسران، کودک-مجرم نیز محسوب می‌شدند؛ یعنی در هنگام جرم انتسابی زیر ۱۸ سال داشتند
● ۷۰ درصد از زنانی که به اتهام قتل عمد اعدام شدند، متهم به قتل همسر/ شریک زندگی خود شده بودند.

● زنان مناطق محرومی مانند سیستان و بلوچستان بطور نامتناسبی در میان اعدام‌شدگان مرتبط با مواد مخدر دیده می‌شوند؛ این آمار نشان‌دهنده تلاقی تبعیض سیستماتیک، فقر و جانبداری قضایی است.

اعدام در سایه خشونت خانگی

بسیاری از زنانی که به اتهام قتل اعدام شدند، قربانی خشونت خانگی یا تجاوز بودند و از سر ناچاری به این اقدام دست زدند. حدود ۷۰ درصد از آنها به قتل همسران خود متهم شدند، در حالی که بیشتر آنها در ازدواج‌های آزردهنده گرفتار بودند. با وجود این، سیستم قضایی ایران به ندرت چنین شرایطی را در صدور احکام لحاظ می‌کند.

فقر، انزوای و بی‌پناهی

زنان محکوم به اعدام معمولاً از سوی خانواده‌هایشان طرد می‌شوند و مجبورند شرایط غیرانسانی زندان را به‌تنهایی تحمل کنند. فقر و کمبود سواد، به ویژه در میان زنان اقلیت‌های اتنیک، امکان دفاع موثر را از آنها می‌گیرد و آسیب‌پذیری آنها را افزایش می‌دهد.

اعدام‌های مرتبط با مواد مخدر

بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴، دست‌کم ۱۰۷ زن به اتهام جرائم مرتبط با مواد مخدر اعدام شده‌اند. اصلاحات قانونی سال ۲۰۱۷ در ابتدا باعث کاهش اعدام‌ها شد، اما این روند در سال ۲۰۲۴ به بالاترین میزان در ۹ سال اخیر

هشدار درباره خطر «سستی زمین» در مازندران به دلیل گسترش فرونشست

در سراسر کشور حدود ۱۵ درصد (معادل یک هزار و ۳۸۰ کیلومتر) در نواحی درگیر فرونشست کشیده شده‌اند. فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های مترو و ایستگاه‌های راه‌آهن نیز به گونه قابل ملاحظه‌ای در معرض خطر فرونشست قرار دارند.

همچنین هشت فرودگاه بزرگ و متوسط شامل فرودگاه بین‌المللی تهران با بیش از ۸ میلیون مسافر در سال، فرودگاه‌های بین‌المللی اصفهان و ارومیه و نیز فرودگاه‌های کرمان، گرگان و شهرکرد که از جمله فرودگاه‌هایی هستند که در مناطق شهری قرار دارند با خطر آسیب زیرساختی از فرونشست روبرو هستند.

از سوی دیگر ۵۴ ایستگاه از ۳۱۰ ایستگاه راه‌آهن و ۲۵ ایستگاه مترو از ۲۱۵ ایستگاه احداث شده در نواحی فرونشست واقع شده‌اند.

گزارش سازمان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به اینکه فرونشست اثر قابل توجهی بر جمعیت ایران دارد، تأکید کرده حدود ۱۴ میلیون نفر، یعنی یک‌پنجم جمعیت فعلی ایران، متأثر از فرونشست شدید هستند. تحلیل ریسک با استفاده از داده‌های جمعیتی و سنجش فرونشست‌ها نشان می‌دهد که تقریباً ۷ درصد از جمعیت ایران در مناطق کم‌خطر، ۱۰ درصد در مناطق در خطر متوسط و یک درصد در مناطق پرخطر ساکن هستند. استان‌هایی مانند کرمان، البرز، خراسان رضوی، اصفهان و تهران بیش از یک‌چهارم جمعیت‌شان در مناطقی زندگی می‌کنند که با فرونشست روبرو است.

همچنین بیش از ۹۵ درصد جمعیت در ساکن در مناطق پرخطر از نظر فرونشست در تهران، البرز، فارس، «خراسان رضوی» و کرمان متمرکز هستند. در تهران ۳۵۰ هزار نفر، در البرز ۲۹۰ هزار نفر، در فارس ۹۱ هزار نفر، در «خراسان رضوی» ۸۹ هزار نفر و در کرمان ۵۲ هزار نفر در مناطقی سکونت دارند که خطر فرونشست در بالاترین حد برآورد می‌شود.

در ادامه این گزارش آمده در مجموع ۳/۵ درصد از مساحت ایران یعنی حدود ۵۶ هزار کیلومتر مربع با خطر فرونشست مواجه است؛ در حالی که ایران بطور میانگین ۱/۸ سانتی‌متر در سال در خود فرومی‌رود، بیش از سه‌هزار کیلومتر مربع از این سرزمین شاهد فرونشست بیش از ۱۰ سانتی‌متر در سال است. این عارضه در برخی نقاط به ۳۵ سانتی‌متر در سال نیز می‌رسد.

اینهمه در حالیست که آمارها و گزارش‌ها بیانگر بدتر شدن وضعیت فرونشست به دلیل کاهش بارندگی‌ها است. احد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی کشور با تأکید بر اینکه چشم‌انداز خوبی از بارش‌های فصل زمستان پیش رو ندارد، هشدار داد که اگر وضع به همین شیوه پیش برود، ایران شرایط بسیار ناخوشایندی را تجربه خواهد کرد.

احد وظیفه تأکید کرده احتمال بروز ناترازی شدید آب در صورت تداوم روند بارش پاییز در ادامه سال آبی وجود دارد او افزوده در استان‌هایی مثل تهران و «خراسان رضوی» که منابع آب در آنها کفاف جمعیت را نمی‌دهد، اگر این کمبودها هم وجود داشته باشد در ادامه سال امکان تنش آبی وجود دارد.



ساحل (شمال) مازندران، وقوع و توسعه پدیده «فرونشست زمین»، به عنوان فرجام این پروسه در محدوده‌های شرقی استان، قابل انتظار است.

عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی تأکید کرده بر اساس آخرین گزارش‌های انجام شده توسط «سازمان نقشه برداری کشور» در استان مازندران، مناطقی به وسعت تقریبی ۴۱۰۰ کیلومتر مربع در شرق استان مازندران و در نواحی شهری و اطراف گلگاه، بهشهر، نکا، سورک، ساری، جویبار، بابلسر، کیاکلا، قائمشهر (شاهی)، بابل، فریدونکنار، محمودآباد و آمل دچار فرونشست زمین است.

او همچنین یک نقشه از فرونشست زمین در استان مازندران بر اساس داده‌های سازمان نقشه‌برداری کشور در سال ۱۴۰۲ منتشر کرده است.

استفاده بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی و حفر چاه‌های کشاورزی غیرمجاز در کنار کاهش بارندگی به دلیل تغییرات اقلیمی سبب گسترش پدیده فرونشست زمین در ایران شده است.

گزارش سازمان حفاظت محیط‌زیست نشان می‌دهد در حال حاضر ۲۵۶ شهر از ۴۲۹ شهر ایران درگیر مسئله فرونشست هستند. در این میان، هشت شهرستان شامل کرمان، رفسنجان، و سیرجان در استان کرمان، مرودشت در استان فارس، نیشابور در «خراسان رضوی»، بوئین‌زهرا در استان قزوین و گنبدکاووس و آق‌قلا در استان گلستان گرفتار فرونشستی به وسعت بیش از یک‌هزار کیلومتر مربع را هستند. خطوط مترو، بزرگراه‌ها، جاده‌های اصلی، خطوط راه‌آهن و جاده‌های کامیون‌رو از جمله زیرساخت‌هایی هستند که در معرض آسیب از فرونشست قرار دارند.

این گزارش افزوده از ۹ هزار و ۵۰۰ کیلومتر خطوط ریلی

● در استان مازندران، مناطقی به وسعت تقریبی ۴۱۰۰ کیلومتر مربع در شرق استان مازندران و در نواحی شهری و اطراف گلگاه، بهشهر، نکا، سورک، ساری، جویبار، بابلسر، کیاکلا، «قائم‌شهر (شاهی)»، بابل، فریدونکنار، محمودآباد و آمل دچار فرونشست زمین است.

● استفاده بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی و حفر چاه‌های کشاورزی غیرمجاز در کنار کاهش بارندگی به دلیل تغییرات اقلیمی سبب گسترش پدیده فرونشست زمین در ایران شده است.

● بیش از یک چهارم از جمعیت استان‌های کرمان، البرز، «خراسان رضوی»، اصفهان و تهران در مناطقی زندگی می‌کنند که با فرونشست روبرو هستند.

● از ۹ هزار و ۵۰۰ کیلومتر خطوط ریلی در سراسر کشور حدود ۱۵ درصد معادل یک‌هزار و ۳۸۰ کیلومتر در نواحی درگیر فرونشست کشیده شده‌اند.

یک عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با هشدار درباره خطر «سستی زمین» در استان مازندران اعلام کرده است که برداشت نامتعارف آب از چاه‌ها و سفره‌های زیرزمینی در این استان طی سال‌های گذشته سبب فرونشست شدید زمین به ویژه در شرق این مازندران شده است.

علی بیت‌اللهی عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با انتشار مطلبی در کانال تلگرامی خود از وضعیت بحرانی فرونشست در استان مازندران خبر داده است.

در این مطلب آمده: «فرهاد خلردی مدیر وقت مطالعات پایه منابع آب شرکت آب منطقه‌ای مازندران در ۲۵ مرداد ۱۴۰۳ اعلام کرده که در پایان تیرماه سال ۱۴۰۳ سطح آب‌های زیرزمینی مازندران نسبت به پایان تیر ۳۰ سال پیش، ۹۴ سانتیمتر پایین‌تر رفته است. از نظر حجم آبخوان نیز کاهش ۱۶۶ میلیون متر مکعبی نسبت به دوره دراز مدت رخ داده است.»

علی بیت‌اللهی همچنین با نقل سخنان مهدی میرعمادی مدیر وقت اداره حفاظت از منابع آب شرکت آب منطقه‌ای مازندران اشاره کرده که سال ۹۸ از کاهش تا مرز ۱/۵۷ متری سطح آب‌های زیرزمینی طی ۱۵ تا ۲۰ سال اخیر در شرق استان و ممنوعه اعلام شدن دشت بهشهر-بندرگز خبر داده بود.

وی نوشته: «این سخنان در شرایطی است که برداشت یک میلیارد و ۱۴۰ میلیون متر مکعبی آب از چاه‌های استان مازندران در سال ۱۴۰۲ برای آبیاری و برداشت آب از ۷۲۰ حلقه چاه برای تأمین آب شرب مردم استان (۸۵ درصد آب مورد نیاز ساکنان استان از طریق منابع آب زیرزمینی تأمین می‌شود، مصرف ۹۰ درصد آب در حوزه کشاورزی و ۸ درصد برای تأمین آب شرب و وجود ۱۴۸ هزار حلقه چاه (چاه‌های مجوزدار و فاقد مجوز) از دیگر موارد اعلامی مسوولان آب استان مازندران است.»

او افزوده است که بر این اساس با توجه به افت سطح آب زیرزمینی به ویژه در محدوده‌های شرقی استان مازندران (بنا به تأکید مسوولان آب استان) و آمارهای اعلامی و با توجه به نوع نهشته‌های آبرفتی در نوار بین کوهستان (جنوب)-

گفتگو با هنرمندی که جریان آگاهی در هنر را رسالت آن می‌داند

بچه‌دار شوم و بچه‌دار دختر باشد در یک فضای خفقان قرار می‌گیرد و به آرزوهایش دست نخواهد یافت یعنی مانند من خواهد شد. من به دلیل دختر بودنم بسیاری از فرصت‌ها را از دست دادم. چون دختر بودم مسئله آبرو و این چیزها مطرح می‌شد و من از نخستین چیزی که عاشقش بودم محروم شدم.

شاید اگر قدرت و روحیه جنگندگی کنونی را داشتم می‌توانستم بر این محدودیت‌ها غلبه کنم و راهم را ادامه دهم. ولی آن موقع دختری کم سن و سال بودم و قطعا نیروی خانواده بر من چیره می‌شد تا نتوانم کارم را ادامه دهم.

مسئله آزادی برای من همیشه در تمام عرصه‌های زندگی مهم‌ترین موضوع بوده است. یعنی در روابط دوستانه، روابط عاشقانه و در فضای زندگی اجتماعی خواهان آزادی هستم به این معنا که بتوانم اندیشه مستقل راهنمای عمل خودم را داشته باشم و مورد قضاوت قرار نگیرم و تحت تاثیر عوامل بیرونی نباشم و بتوانم نفس بکشم و مسیر زندگی‌ام را تعیین کنم. خلاصه اینکه آزادی دغدغه بسیار مهمی برای من است. هرچند که در شهر کوچکی مانند بندر انزلی بزرگ شدم، ولی آزادی برای من فقط آزادی پوشش نبود بلکه کل آزادی‌های فردی بود. البته آزادی پوشش جزئی از آزادی فردی است ولی آزادی فردی در آزادی پوشش خلاصه نمی‌شود. همه اینها انگیزه‌های مهاجرت من بود و به من نیرو می‌داد که از آن محیط بیرون بیایم.

در سال ۲۰۱۴ وارد انگلستان شدم و از همان ابتدا با هاله جلالی مؤسس و مدیر آکادمی تئاتر آدیسه آشنا شدم ولی فرصت همکاری پیش نیامد. ولی از ۲۰۱۹ با او در همان آکادمی شروع به فراگرفتن هنر تئاتر و همکاری در زمینه‌ی اجرا کردم.

● شما یک فرزند کوچک دارید و از همسرتان جدا شده‌اید. چطور توانستید این مسئولیت را با فعالیت هنری انطباق دهید؟

-واقعاً به سختی؛ از هفت روز هفته پسرم فقط دو روز را با پدرش می‌گذرانند و بقیه روزها با من است. من از این دو روز یکی را به فعالیت تئاتری اختصاص می‌دهم و روز دوم را تمام‌وقت کار می‌کنم. بقیه روزها، تمام وقت آزاد من محدود می‌شود به همان شش ساعتی که پسرم در مدرسه است.

در کنار کاری که برای کسب درآمد انجام می‌دهم یک گروه موسیقی کوچک به نام «نت سفید» هم راه انداختم که برای مناسبت‌های مختلف سرویس موزیک ارائه می‌دهد. بخشی از زمان من معطوف به این کار می‌شود. کار بسیار دشواری است. به راستی خودم هم نمی‌دانم چگونه از عهده اینهمه کار و وظیفه برمی‌آیم. آنجوری هم نیست که من برنامه‌ریزی دقیق برای همه این کارها بکنم.

افزافه کنم که اینهمه فعالیت باعث می‌شود که در بخش‌های دیگر تحت فشار قرار بگیرم که برای من قطعاً بخش مالی است زیرا وقت من برای کار کردن و کسب درآمد محدود است. از سوی دیگر، در عرصه موسیقی مستقل کار می‌کنم و پشتیبان مالی ندارم. شریکی ندارم که بار مالی این فعالیت را به عهده بگیرد. همین باعث می‌شود که گاهی نمی‌توانم به راحتی از عهده مخارج بالای ملودی و ترانه برآیم. با وجود تمام اینها ترجیح می‌دهم که فعال و پویا باشم و نگذارم که تنگناهای مالی جلوی



یلدا فرمهر

مکان تمرین را در اداره ارشاد بندر انزلی از دست دادیم و به پیشنهاد من یک جلسه از تمرین را در منزل پدرم انجام دادیم در حضور خانواده‌ام. همین موضوع باعث شد که خانواده من در جزئی‌ترین مسائل فعالیت هنری من شروع به دخالت کند. در افکار عمومی ما عمدتاً اینگونه فعالیت‌ها براننده یک زن نیست و این تفکر عقب‌مانده خود را در خانواده من نیز تحمیل کرد. مادر بزرگم می‌گفت دخترتان را که می‌فرستید به چنین جاهایی برای ما حرف درمی‌آوردند. بالاخره خانواده جلوی این فعالیت مرا گرفت و این تلخی با من ماند تا اینکه ازدواج کردم. فکر می‌کردم بعد از ازدواج می‌توانم به فعالیت مورد علاقه‌ام بپردازم که اینهم خیالی بیش نبود.

سپس من و همسرم تصمیم گرفتیم به انگلستان مهاجرت کنیم. انگیزه‌های هرکدام از ما البته متفاوت بود. او برای زندگی بهتر و رفاه بیشتر تصمیم به مهاجرت گرفت. وقتی از من می‌پرسیدند که چرا می‌خواهی مهاجرت کنی می‌گفتم که اگر اینجا مانم، هیچوقت بچه‌دار نخواهم شد زیرا اگر

● یلدا فرمهر در عرصه بازیگری تئاتر و سینما و نیز خوانندگی فعالیت می‌کند و به تازگی توانایی خود را در عرصه کارگردانی تئاتر با اجرای یک نمایش تک‌پرده‌ای با بازی خودش به آزمون گذاشت.

● «مسئله آزادی برای من همیشه در تمام عرصه‌های زندگی مهم‌ترین موضوع بوده است. یعنی در روابط دوستانه، روابط عاشقانه و در فضای زندگی اجتماعی خواهان آزادی هستم به این معنا که بتوانم اندیشه مستقل راهنمای عمل خودم را داشته باشم و مورد قضاوت قرار نگیرم و تحت تاثیر عوامل بیرونی نباشم و بتوانم نفس بکشم و مسیر زندگی‌ام را تعیین کنم.»

● «قطعا به عنوان یک زن از خاورمیانه و از ایران من خیلی دغدغه‌های زنانه نیز دارم و علیه فرصت‌هایی که از زنان گرفته شده و تبعیضاتی که بر آنان اعمال و حق‌هایی که پایمال می‌شود مبارزه می‌کنم. یعنی جاهایی که باید شایسته‌سالاری معیار قرار گیرد به دلیل زن بودن از بسیاری از فرصت‌ها محروم می‌شویم و نگاه جنسی به ما می‌شود... به عنوان هنرمند دوست دارم که آگاهی در کارهایم جریان داشته باشد و به جریان انداختن این آگاهی یکی از رسالت‌های هنرمند است و برای من این مهم‌ترین رسالت است.»

یلدا فرمهر در عرصه بازیگری تئاتر و سینما و نیز خوانندگی فعالیت می‌کند و به تازگی توانایی خود را در عرصه کارگردانی تئاتر با اجرای یک نمایش تک‌پرده‌ای با بازی خودش به آزمون گذاشت. کیهان لندن که پیشتر نیز در حاشیه‌ی اجرای نمایش‌هایی در لندن با این هنرمند گفتگو کرده، در ارتباط با فعالیت‌های تازه‌ی این هنرمند با وی گفتگو کرده است.

● لطفا کمی از زندگی‌تان بگویید و اینکه چه انگیزه‌ای شما را به طرف فعالیت هنری کشاند؟

-من زاده و بزرگ‌شده در بندر انزلی هستم. از بچگی به تئاتر و سینما علاقمند بودم و فیلم‌هایی را که می‌دیدم، دیالوگ‌ها و مونولوگ‌های آنها را حفظ می‌کردم و جلوی آینه اجرا می‌کردم. من از یک خانواده تقریباً پُر جمعیت می‌آیم. ما دو خواهر و چهار برادر هستیم. در چنین فضایی توجه لازم به استعدادها و توانایی‌های فرزندان از سوی والدین یا عملاً نمی‌شود و یا بسیار کم است. دغدغه‌های والدین در چنین خانواده‌هایی بیشتر معطوف به رفع نیازهای ضروری فرزندان‌شان است. ولی من در عالم تنهایی خودم غرق در این علاقه خودم بودم. این علاقه را بعضی وقت‌ها با نوشتن داستان هم دنبال می‌کردم. در سال دوم دبیرستان یک داستان نوشتم با عنوان «مانیا» که رتبه دوم این رشته را در استان گیلان کسب کرد.

علاقه بازیگری و تئاتر با من بود تا اینکه بطور اتفاقی در ۱۸ سالگی در اداره ارشاد بندر انزلی یکسری کلاس‌های بازیگری برگزار شد. در جلسات این دوره ما نمایشنامه‌خوانی داشتیم و در مورد تئاتر صحبت می‌کردیم. ولی من احساس می‌کردم که چیزی برای من در این کلاس‌ها کم است. با اینکه پیشینه حرفه‌ای نداشتم ولی این حس را داشتم که این کلاس‌ها آن چیزی نیست که من دنبالش هستم. تا اینکه در همان کلاس‌ها با یک کارگردان تئاتر به نام وحید درویشی آشنا شدم که در حال تمرین نمایشنامه‌ای از بهرام بیضایی با عنوان «شب هزار و یکم» بود. من هم به عنوان مکمل درگیر این کار شدم ولی به دلیل ساخت و ساز محل، ما

دی ماه ۱۴۰۳ در پنجمین سالگرد این فاجعه در محل سقوط هواپیما در «شاهدشهر» تهران مراسم یادبود برگزار کردند. حاضرین با نمایش آخرین یادگاری‌هایی که از عزیزانشان بجا مانده بود، اعلام کردند: «نه می‌بخشیم، نه فراموش می‌کنیم، داد خواهیم.»

در این مراسم که شماری از خانواده‌های جانبختگان خیزش ملی ۱۴۰۱ نیز حضور داشتند، تعدادی از خانواده‌ها به سخنرانی پرداختند از جمله مسعود ابراهیم پدر نیلوفر ابراهیم که درباره ساعات آخر زندگی دخترش و نزدیک شدن به زمان پرواز او گفت: «فی‌دانستیم همه در بیت جمع شده‌اند و تصمیم سرنگونی هواپیما گرفته شده است.» او سخنان خود را با «زن، زندگی، آزادی» آغاز کرد و یاد «همه جانبختگان و ستم‌دیدگان در ۴۶ سال گذشته» را گرامی داشت.

انجمن خانواده‌های جانبختگان پرواز PS752 نیز در بیانیه‌ای با اشاره به گذشت پنج سال از جنایت سپاه

برگزاری مراسم یادبود جانبختگان سرنگونی «پرواز ۷۵۲»؛ «فی‌دانستیم همه در بیت جمع شده بودند!»



مراسم یادبود جانبختگان سرنگونی پرواز پی‌اس ۷۵۲

پاسداران انقلاب اسلامی خواستار روشن شدن حقیقت و اجرای عدالت از طریق دادگاه کیفری لاهه و پاسخگویی سازمان بین‌المللی هوانوردی کشوری (ایکائو) شده است. در این بیانیه اشاره شده است: «قرار گرفتن نام سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریستی در کانادا بسیار اهمیت دارد و امیدواریم سایر کشورها هم در این مورد از آمریکا و کانادا تبعیت کنند.»

این انجمن تأکید کرده است که «جمهوری اسلامی هیچ مستنداتی مبنی بر خطای انسانی در اختیار ندارد. از طرف دیگر فشار فزاینده جمهوری اسلامی به خانواده‌های جانبختگان در هر جای دنیا به ویژه در ایران افزایش پیدا کرده است.»

خانواده‌های پرواز ۷۵۲ روز جمعه چهارم دی‌ماه ۱۴۰۳ نیز به همراه دیگر خانواده‌های دادخواه در آرامستان «بهشت زهرا» در تهران با اهدای شاخه‌های گل به جانبختگان جنایات جمهوری اسلامی ادای احترام کرده بودند.

هواپیمای مسافری «اوکراین اینترنشنال» سحرگاه ۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۸ مورد اصابت دست‌کم دو موشک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفت و همه ۱۷۶ سرنشین آن کشته شدند.

● خانواده‌های شماری از جانبختگان سرنگونی هواپیما «اوکراین اینترنشنال» (پرواز PS752) روز سه‌شنبه ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۳ در پنجمین سالگرد این فاجعه در محل سقوط هواپیما در «شاهدشهر» تهران مراسم یادبود برگزار کردند.

● در این مراسم که شماری از خانواده‌های جانبختگان خیزش ملی ۱۴۰۱ نیز حضور داشتند، تعدادی از خانواده‌ها به سخنرانی پرداختند از جمله مسعود ابراهیم پدر نیلوفر ابراهیم که درباره ساعات آخر زندگی دخترش و نزدیک شدن به زمان پرواز او گفت: «فی‌دانستیم همه در بیت جمع شده‌اند و تصمیم سرنگونی هواپیما گرفته شده است.»

● انجمن خانواده‌های جانبختگان پرواز PS752 نیز در بیانیه‌ای با اشاره به گذشت پنج سال از جنایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواستار روشن شدن حقیقت و اجرای عدالت از طریق دادگاه کیفری لاهه و پاسخگویی سازمان بین‌المللی هوانوردی کشوری (ایکائو) شده است.

خانواده‌های شماری از جانبختگان سرنگونی هواپیما «اوکراین اینترنشنال» (پرواز PS752) روز سه‌شنبه ۱۸

→ کار و پیشرفتم را بگیرد و مرا منفعل کند؛ هرچند که در برخی موارد ممکن است توقع من از شعر و ملودی ایده‌آم به صورت کامل بر آورده نشود.

● درباره فعالیت در زمینه موسیقی کمی بیشتر توضیح دهید.

-من از بچگی به خوانندگی هم علاقه زیادی داشتم ولی در احوالات خودم بودم و اعتماد به نفس کار خوانندگی را نداشتم. همسرم اولین کسی بود که مرا تشویق به خوانندگی کرد و گفت صدای خوبی دارم. می‌دانستم در ایران به عنوان خواننده زن آینده‌ای ندارم در نتیجه آن را چندان جدی دنبال نکردم و تصمیم گرفتم که با گیتار پاپ کارم را در موسیقی شروع کنم هرچند که علاقه اصلی من خوانندگی بود. می‌خواستم در آینده بتوانم بنوازم و بخوانم ولی به راستی در ایران برای خودم آینده‌ای نمی‌دیدم. بعد از آمدن به انگلستان دیگر مانعی در برابر کار خوانندگی‌ام نبود. بعد از جدایی از همسرم سعی کردم که در عرصه موسیقی هم به صورت حرفه‌ای و جدی کار کنم. یک دوره آواز با گروه گُر بهار که زمانی بسیار کوتاه در منچستر فعالیت داشت گذراندم. دوره آواز دیگری را نیز گذرانده‌ام. ترانه‌هایی هم که می‌خوانم یا از ایران برابم می‌رسد یا اینکه دوستان هنرمند در اینجا درست می‌کنند.

● در دوران اخیر یعنی دوره همکاری شما با آکادمی اودیسه چه انگیزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مشوق شما در کار بازیگری و کارگردانی تئاتر بوده‌اند؟

-تئاتر به نظر من تنها جایی است که می‌توانیم تفکر و اندیشه خودمان را در آن به جریان بیندازیم. یعنی به نظر من انسانی که دغدغه‌مند است هنر تئاتر بهترین رسانه و پلتفرم برای اوست. یکی ممکن است کنشگر سیاسی باشد، یکی دیگر کنشگر فمینیستی و دیگران در بخش‌های دیگر. ولی تئاتر جایی است که به صورت هنری می‌توان تمام مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و بطور کلی انسانی را در آن گنجانند و در اختیار عموم گذاشت که آنهم ماندگار می‌شود. تئاتر برای من در وحله اول این است.

قطعا به عنوان یک زن از خاورمیانه و از ایران من خیلی دغدغه‌های زنانه نیز دارم و علیه فرصت‌هایی که از زنان گرفته شده و تبعیضاتی که بر آنان اعمال و حق‌هایی که پایمال می‌شود مبارزه می‌کنم. یعنی جاهایی که باید شایسته‌سالاری معیار قرار گیرد به دلیل زن بودن از بسیاری از فرصت‌ها محروم می‌شویم و نگاه جنسی به ما می‌شود. طرح این مسائل انگیزه‌های من در بازیگری و کارگردانی تئاتر است. مادر من با وجود توانایی‌هایی که داشت و زن فوق‌العاده باهوش و با استعدادی بود که از روستا به شهر آمده و درس خوانده بود و رویایش آن بود که وکیل شود، ولی زود ازدواج کرد و شش تا بچه آورد و سرانجام هم از بیماری سرطان درگذشت. من می‌گویم که غصه نرسیدن به رویاهایش باعث این بیماری در وجودش شد. من نمی‌توانم چشمم را به پایمال شدن حقوق و تبعیضات علیه زنان ببندم.

در آخر این را هم بگویم که یک انسان معنوی و شهودی هستم و به هیچ عنوان دوست ندارم که انسان مذهبی شمرده شوم. فکر می‌کنم که برای هنرمند بُعد شهودی بسیار مهم و منبع خلاقیت اوست. و به نظر من انسان شهودی انسان معنوی است و درواقع با بُعد الهی خودش ارتباط مؤثری دارد حتی اگر خودش این موضوع را انکار کند یا نپذیرد. به عنوان هنرمند دوست دارم که آگاهی در کارهایم جریان داشته باشد و به جریان انداختن این آگاهی یکی از رسالت‌های هنرمند است و برای من این مهم‌ترین رسالت است.

گاز ۱۲ کارخانه پتروشیمی قطع شد؛ هشدار وزیر صمت درباره «اختلال در چرخه تولید» به علت قطع انرژی



اسلامی روز گذشته در گفتگو با وبسایت «تجارت نیوز» درباره دلایل خاموشی‌ها و کمبودهای انرژی در کشور توضیح داد: «اگر یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون متر مکعب در شبکه گاز کشور داشته باشیم هیچ مشکلی وجود نخواهد داشت. میزان گازی که الان در شبکه وجود دارد حدود ۸۵۰ میلیون متر مکعب است. پس از آن شکل آرمانی چیزی حدود ۳۵۰ میلیون متر مکعب فاصله داریم.»

وی افزوده: «حدود ۷۰۰ میلیون متر مکعب در شبانه‌روز مصرف گاز شبکه خانگی است یعنی کل گازی که باقی می‌ماند ۱۵۰ میلیون متر مکعب است که باید در صنایع و سایر بخش‌ها توزیع شود. با توجه به اینکه امسال میانگین دما نسبت به سال قبل کمتر است، عملاً باعث شده شرایط ما با سال گذشته قابل مقایسه نباشد.»

عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی همچنین به تعهد صادرات گاز به ترکیه به عنوان دیگر عوامل کمبود گاز برای مصرف داخلی اشاره کرده است: «شرکت‌های ترکی قراردادی از سال‌ها قبل با ایران داشتند که براساس آن ایران باید حدود ۳ میلیارد متر مکعب در زمستان به آنها گاز تحویل می‌داد. سال گذشته به علت مشکلی که در شبکه ترکیه به وجود آمد این گاز را از ایران نگرفتند و این باعث شد که گاز به شبکه داخلی تزریق و به مصرف کمک کند. اما امسال براساس آن قرارداد گاز خود را می‌برند.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرده دولت با قطع گاز و برق بخش‌های مختلف تولیدی و صنعتی «ضربه مهلکی» به کشور وارد کرده و «بنابراین به نظر من مراجع بالادستی رسیدگی کنند که اگر نیروگاه‌ها باید در ۶ ماه اول مازوت‌سوزی می‌کردند و امتناع کرده‌اند، الان صادقانه به مردم اطلاع دهند و در اینباره پاسخگو باشند.»

هاشم اورعی عضو هیئت علمی دانشگاه «شریف» هفته گذشته در یکی از برنامه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی درباره بحران انرژی گفته «درواقع «ناترازی» واژه درستی نیست. «کمبود» واژه مناسبی است، اما ما از کمبود هم گذشتیم. ما در حوزه انرژی وارد مرحله «بحران» شده‌ایم.»

هاشم اورعی گفته: «در سال جاری ۱۸ هزار

تشدید شده بلکه گاز ۱۲ کارخانه پتروشیمی نیز قطع شده تا گاز بخش خانگی قطع نشود!

مدیرعامل شرکت ملی گاز نهم آذر گفته بود در صورت عدم صرفه‌جویی خانوارها، شرکت ملی گاز نمی‌تواند گاز را به صنایع مولد، پتروشیمی‌ها، سیمان، فولاد و سایر صنایع برساند.

حسن عباس‌زاده مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران امروز اعلام کرده که ۱۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری صنعت پتروشیمی به دلیل مصرف بیش از حد گاز در بخش خانگی و نبود آن در صنعت در دسترس نیست.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران تأکید کرده باید با کاهش مصرف در بخش خانگی این میزان سرمایه‌گذاری را در صنعت پتروشیمی فعال کرد.

حسن عباس‌زاده افزوده: «مقرر شده در برنامه هفتم پیشرفت کشور ظرفیت صنعت پتروشیمی به ۱۳۱ میلیون تن برسد، اما اکنون ۲۱ درصد ظرفیت صنعت پتروشیمی را نمی‌توان استفاده کرد که ۶۰ درصد از آن به دلیل نبود گاز است.»

کمبود گاز از یکسو سبب قطع گاز صنایع مختلف کشور شده و از سوی دیگر تولید برق را با چالش روبرو کرده است. صنایع در حالی با قطع گاز روبرو هستند که بار کمبود برق نیز به این بخش تحمیل شده و برق در صنایع مختلف کشور جیره‌بندی شده است.

قطع گاز و برق صنایع زیان گسترده‌ای را برای اقتصاد کشور در پی داشته است. در حالی که فعالان صنعتی مدت‌هاست درباره زیان ناشی از قطع انرژی صنایع هشدار می‌دهند، محمد اتابک وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز امروز شبانه ۱۵ دی‌ماه ناترازی انرژی و قطع برق صنایع را سبب اختلال در چرخه تولید دانسته است.

وزیر صمت اعلام کرده: «بهترین راهکار برای جبران این ناترازی‌ها این است که صنایع بخشی از انرژی مورد نیاز صنعت خود را تولید کنند و بخشی از آن را نیز وزارتخانه‌ها تأمین کنند.»

فرهاد شهرکی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای

● دبیرکل انجمن کارفرمایی صنعت پتروشیمی اعلام کرده به علت افزایش مصرف گاز در بخش خانگی طی روزهای گذشته و تشدید کمبود گاز، گاز ۱۲ کارخانه پتروشیمی قطع شده است.

● در حالی که فعالان صنعتی مدت‌هاست درباره زیان ناشی از قطع انرژی صنایع هشدار می‌دهند، محمد اتابک وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز امروز شبانه ۱۵ دی‌ماه ناترازی انرژی و قطع برق صنایع را سبب اختلال در چرخه تولید دانسته است.

● مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران امروز اعلام کرده که ۱۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری صنعت پتروشیمی به دلیل مصرف بیش از حد گاز در بخش خانگی و نبود آن در صنعت در دسترس نیست.

● عضو هیئت علمی دانشگاه «شریف»: «درواقع «ناترازی» واژه درستی نیست. «کمبود» واژه مناسبی است، اما ما از کمبود هم گذشتیم. ما در حوزه انرژی وارد مرحله «بحران» شده‌ایم.»

دبیرکل انجمن کارفرمایی صنعت پتروشیمی اعلام کرده به علت کمبود گاز و افزایش مصرف در بخش خانگی، گاز ۱۲ کارخانه پتروشیمی قطع شده است. همزمان محمد اتابک وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز امروز شبانه ۱۵ دی‌ماه ناترازی انرژی و قطع برق صنایع را سبب اختلال در چرخه تولید دانسته است.

احمد مهدوی ابهری دبیرکل انجمن کارفرمایی صنعت پتروشیمی اعلام کرده به علت افزایش مصرف گاز در بخش خانگی طی روزهای گذشته و تشدید کمبود گاز، گاز ۱۲ پتروشیمی قطع شده است.

سعید توکلی معاون وزیر نفت در امور گاز هفته گذشته از افزایش اوج مصرف در آخر هفته خبر داده و گفته بود روزهای پنجشنبه و جمعه، ۱۳ و ۱۴ دی‌ماه، مصرف گاز به اوج می‌رسد و مدیریت مصرف ضروری است.

وی در حالی شرایط را «پایدار» خوانده بود که اکنون مشخص شده نه تنها قطع گاز صنایع در روزهای گذشته

هشدار وزیر نیرو درباره «تابستان سخت»؛ سرقت انرژی توسط مافیاهای حکومتی ادامه دارد

بود که برق منازل در پاییز و زمستان قطع شود.»
 عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی مشکلات امروز کشور در رابطه با تأمین انرژی را محصول عملکرد دولت‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا دانسته و گفته «حدود پنج ماه است که دولت جدید مستقر است و حتما بخشی از مشکل عدم ذخیره‌سازی سوخت به همین دولت بازمی‌گردد. البته نباید فراموش کنیم که برخی مسئولان دولت جدید، همان مدیران دولت قبلی هستند. اساسا برخی مسئولان کشورمان، مدام از حالتی به حالت دیگر تغییر شکل می‌دهند، یعنی زمانی اصلاح‌طلب هستند، بعدا اصولگرا می‌شوند و بعدا دوباره اصلاح‌طلب می‌شوند؛ این‌ها نه اصولگرا هستند، نه اصلاح‌طلب، بلکه فرصت‌طلب هستند. برخی از این افراد هنوز هم بر سر کار هستند.»

او افزوده «بعضی افراد بیش از ۲۵ سال در کشورمان وزیر یا معاون وزیر یا مدیرکل یا استاندار یا فرماندار یا ... بوده‌اند، اما وقتی با آن‌ها صحبت می‌کنیم، منتقد مدیران گذشته می‌شوند؛ یک‌بار در یک جلسه استانی، یکی از مدیران می‌گفت که مدیران قبلی فلان مجموعه واقعا ناتوان بودند، یک نفر برگشت به او گفت که شما خودت شش ماه قبل در همان مجموعه بودی! حالا درست است که روزی اصلاح‌طلب بودی، بعد اصولگرا شدی که بتوانی پُست بگیری، ولی عملکرد خودت را زیر سوال نبر! برخی مدیران کشورمان فکر می‌کنند که همیشه زنگ انشاء است، ولی زمان زنگ املاء هم می‌رسد!»

یکی از مشکلاتی که در تأمین انرژی به ویژه در رابطه با بنزین و برق مطرح است، موضوع سرقت انرژی است؛ سرقتی که شواهد نشان می‌دهد از سوی شهروندان عادی رخ می‌دهد و مافیاهایی از درون حکومت مشغول قاچاق و سرقت انرژی هستند.

در رابطه با برق تا کمبود بنزین بارها موضوع قاچاق سوخت مطرح شده و در حالی که انگشت اتهام مدت‌ها به سوی سوخت‌رانی دراز بوده که در ابعاد ناچیز سوخت برای تأمین هزینه زندگی خود از سیستان و بلوچستان به پاکستان می‌برند. اکنون اما حتی مقامات حکومتی نیز اعتراف می‌کنند قاچاق از سوی مافیاهای و از لوله‌های توزیع سوخت صورت می‌گیرد.

در یکی از جدیدترین اظهارات، مجتبی قهرمانی رئیس کل دادگستری هرمزگان اعلام کرده که «طی بازدیدهای میدانی اخیر آشکارا مشاهده شد با سرقت از خطوط لوله یا در بخش‌هایی از انتقال سوخت به کشتی‌ها تخلفات گسترده‌ای انجام می‌شود.»

رئیس کل دادگستری هرمزگان افزوده «دادستان مرکز استان علیه پالایشگاه‌های دولتی و بخش خصوصی و هم مسئولان دولتی پرونده کفبری تشکیل خواهد داد.»

عباس علی‌آبادی وزیر نیرو در جلسه کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی از سرقت گسترده برق خبر داده و گفته «برق داخل مایر می‌شود، مایر تبدیل به رمزارز می‌شود رمزارز هم به خارج از کشور می‌رود.»

وی همچنین گفته «بیش از ۲۴۰ هزار مایر در همین دوره کوتاه کشف کردیم. بعضی از رمزارزها پیدا می‌شوند و ما این‌ها را ثبت می‌کنیم دوباره پیدایش می‌کنیم، نمی‌دانیم این نشانی از کجاست!»

● وزیر نیرو: «واقعیت این است که ناترازی انرژی وجود دارد. واقعیت این است که گاز در زمستان به میزان کافی نیست. وزارت نفت هم نمی‌تواند ظرف دو ماه آن را جبران کند. این امکان‌پذیر نیست.»

● یکی از مشکلاتی که در تأمین انرژی به ویژه در رابطه با بنزین و برق مطرح است موضوع سرقت انرژی است؛ سرقتی که شواهد نشان می‌دهد از سوی شهروندان عادی رخ می‌دهد و مافیاهایی از درون حکومت مشغول قاچاق و سرقت انرژی هستند.

● رئیس کل دادگستری هرمزگان: طی بازدیدهای میدانی اخیر آشکارا مشاهده شد با سرقت از خطوط لوله یا در بخش‌هایی از انتقال سوخت به کشتی‌ها تخلفات گسترده‌ای انجام می‌شود.

● وزیر نیرو: بیش از ۲۴۰ هزار مایر در همین دوره کوتاه کشف کردیم. بعضی از رمزارزها پیدا می‌شوند و ما این‌ها را ثبت می‌کنیم دوباره پیدایش می‌کنیم، نمی‌دانیم این نشانی از کجاست!

وزیر نیرو نسبت به در پیش بودن «زمستان سخت» به دلیل کمبود گاز هشدار داده و در عین حال برنامه‌ای برای مدیریت این کمبود ارائه نداده است. سرقت گسترده بنزین و برق از سوی مافیاهای حکومتی ادامه دارد و جمهوری اسلامی اراده برخورد با آنها را هم ندارد!

عباس علی‌آبادی وزیر نیرو در دولت پزشکیان در نشست روز یکشنبه ۱۶ دی‌ماه در جلسه کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی که با حضور محمدباقر قالیباف برگزار شد، از کمبود گاز و برق در زمستان امسال و تابستان سال آینده خبر داده و گفته عبور از «تابستان سخت» به سادگی امکان‌پذیر نیست.

وزیر نیرو گفته «واقعیت این است که ناترازی انرژی وجود دارد. واقعیت این است که گاز در زمستان به میزان کافی نیست. وزارت نفت هم نمی‌تواند ظرف دو ماه آن را جبران کند. این امکان‌پذیر نیست.»

او افزوده «تابستان سال گذشته بیش از ۲۰ هزار مگاوات ناترازی داشتیم، پیش‌بینی می‌شود که ناترازی به ۲۵ هزار مگاوات برسد.»

علی‌آبادی در ادامه گفته «خدا کند که این اتفاق نیفتد. باید اجازه داد که وزارت نیرو خود را آماده ناترازی برق در تابستان گرم آینده بکند چراکه سرمای زمستان با پوشیدن لباس گرم سپری می‌شود، اما عبور از شرایط تابستان به این سادگی نیست و من خواهش می‌کنم همانطور که مجلس تاکنون کمک کرده است، این کمک را ادامه دهد و اجازه دهد که ما به حل مسئله تابستان که نگرانی بزرگ است، تمرکز کنیم.»

پیش از این، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی هم در سخنانی به ناتوانی نظام برای تأمین برق و گاز مورد نیاز شهروندان اعتراف کرده و گفته بود: «مردم از مدیریت ما گله‌مند هستند. تابستان برق نداریم زمستان گاز. همین‌طور پیش برویم هیچ‌کدامش را نخواهیم داشت.»

مجتبی یوسفی عضو هیئت رئیسه مجلس درباره کمبود انرژی به وبسایت «دیده‌بان ایران» گفته که «هیچ‌وقت حتی در روزهای سخت کشورمان در دهه ۶۰ پیش نیامده

→ مگاوات کمبود برق داشتیم که نتوانستیم پاسخ دهیم. پیش‌بینی می‌کنیم این عدد برای سال آینده به ۲۴ هزار مگاوات برسد. وقتی همه حامل‌های انرژی را کنار هم می‌گذاریم می‌بینیم که ایران یکی از بزرگترین تولیدکنندگان حامل‌های انرژی است. اما مشکل اصلی ما تولید نیست مشکل ما مصرف است که باعث این بحران می‌شود.»

او درباره ریشه‌های بحران ناترازی گفته «این مشکل یک شبه ایجاد نشده و حاصل حداقل دو دهه بی‌برنامگی در سیاست‌های انرژی است. هر دولتی انرژی را از یک کالای تجاری به ابزار سیاسی تبدیل کرده است. این مشکل یک شبه و بدون درد حل نمی‌شود. اولین گام این است که مسئولین در کمال صراحت و شجاعت به مردم توضیح بدهند. معتقدم در مسیر درستی گام برمی‌داریم. مسیر درست این است که یک جمعی خارج از دولت جلساتی داشته باشند و سیاست انرژی در حوزه‌های مختلف را تدوین کنند و در نهایت به این برسند که گاز، بنزین و برق طی دوره پنج ساله به بخش خصوصی منتقل شود.»

به تازگی گروه‌های انرژی و علوم سیاسی «پروژه ققنوس ایران» در مطلبی با عنوان «تله انرژی: سوء مدیریت منابع و مسیر جمهوری اسلامی به سوی فروپاشی» به بحران انرژی و پیامدهای آن در ایران پرداخته است.

بر اساس این مطلب «بحران کمبود انرژی یکی از مهم‌ترین عوامل تسریع زوال دولت‌ها محسوب می‌شود و برای جمهوری اسلامی این بحران مستقیماً مدل حکومت آن را هدف قرار داده است. ناتوانی در تأمین امنیت انرژی کشور، ستون‌های کلیدی ثبات دولت را متزلزل می‌کند، از جمله کارکرد اقتصادی، اعتماد عمومی، و اهرم‌های ژئوپلیتیک. فشارهای ناشی از کمبود انرژی در ایران نه تنها خطر تعمیق وضعیت زوال دولت را افزایش می‌دهد، بلکه آن را به سمت فروپاشی احتمالی سوق می‌دهد.»

در بخشی از این مطلب آمده «کمبود انرژی یکی از آشکارترین و فوری‌ترین نشانه‌های ناکارآمدی حکومت است و تأثیر آن در سراسر جامعه احساس می‌شود و از مرزهای اجتماعی- اقتصادی و منطقه‌ای نیز فراتر می‌رود. این بحران به عنوان یک محرک قدرتمند در شکل گرفتن ناآرامی‌های عمومی عمل کرده و گروه‌های مختلف را حول نارضایتی‌های مشترک متحد می‌کند. برای مثال، در ژانویه ۲۰۲۳، خاموشی‌های گسترده و کمبود گاز باعث اعتراضاتی در چندین استان شد که معترضان خشم خود را نه تنها علیه مسئولان محلی بلکه علیه نظام و دولت نیز معطوف کردند. همچنین در نوامبر ۲۰۱۹ (آبان ۹۸) افزایش ناگهانی ۲۰۰ درصدی قیمت بنزین باعث اعتراضات گسترده در سراسر کشور شد، به ویژه در میان اقشار کم‌درآمدی که به پاران‌های سوخت وابسته هستند. این اعتراضات با سرکوب خشونت‌آمیز مواجه شد و گزارش‌هایی مبنی بر کشته و زخمی شدن و دستگیری هزاران نفر، از جمله هدف قرار دادن شهروندان توسط تک‌تیراندازهای دولتی منتشر شد.»

«پروژه ققنوس ایران» تأکید کرده: «این الگوی ناآرامی‌ها بیانگر تعمیق و گسترش نارضایتی‌های اجتماعی است. بر اساس نظرسنجی سال ۲۰۲۳ مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، بیش از ۷۰ درصد از پاسخ‌دهندگان کمبود انرژی را یک «تهدید جدی» برای کیفیت زندگی خود می‌دانند. در طول تاریخ، ناتوانی دولت‌ها در ارائه خدمات پایه و اولیه همواره موجب تشدید نارضایتی عمومی و افزایش اعتراضات شده است. در این شرایط، کمبود انرژی نه تنها به عنوان نمادی از شکست حکومت، بلکه به عنوان یک محرک بحرانی برای اعتراضات گسترده‌تر که مشروعیت و اقتدار نظام را به چالش می‌کشد، عمل می‌کند.»

هشدار درباره استیصال و فقر وحشتناک کارگران ایران در سال ۱۴۰۴

● فعالان کارگری نسبت به شرایط کارگران در سال آینده خورشیدی هشدار داده و معتقدند در سال آینده موجی از سقوط خانوارهای کارگری زیر خط «فقر مطلق» رخ خواهد داد.

● فرهاد اسماعیلی پژوهشگر حقوق کار: ما با سقوط طبقه کارگر فقیر از پله‌های پایین‌تر به زیر زمین یا زیر خط فقر مواجه خواهیم شد که قطعاً بروز و ظهور خشونت‌آمیزی در جامعه دارد و ممکن است اتفاقات عجیب و غریبی را رقم بزند.

● ابراهیم صادقی‌فر رئیس موسسه کار و تأمین اجتماعی: بخش مهمی از مردم با مسئله فقر درگیرند که آمار این افراد بین ۲۲ تا ۲۷ درصد در نوسان است. این قسمت از جامعه، در تأمین حداقل نیازهای اساسی خود دچار مشکل هستند

به عقیده یک کارشناس حقوق کار، درآمدهای ناچیز و تورم فزاینده در سال ۱۴۰۴ سبب ریزش میلیونی کارگران به زیر خط «فقر مطلق» خواهد شد و خانوارهایی که امسال در دهک‌های متوسط درآمدی شناخته می‌شوند به دهک‌های فقیر و بی‌بضاعت سقوط خواهند کرد.

با نزدیک شدن به پایان سال خورشیدی جامعه کارگری در ایران در انتظار تعیین رقم حداقل دستمزد برای سال ۱۴۰۴ است. رقم این دستمزد در «کمیته دستمزد» زیر نظر شورای عالی کار وزارت کار و متشکل از نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت تعیین می‌شود.

مقدار حداقل دستمزد منبای پرداخت دستمزد مشمولان قانون کار در ایران از جمله جامعه کارگری، و همچنین بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی است. این رقم در سال‌های گذشته همواره کمتر از حداقل دستمزد کارکنان و بازنشستگان دولت تعیین شده است.

در سال‌های گذشته در حالی که تورم در ایران با سرعت در حال افزایش بوده اما دستمزد کارگران با تحمیل ارقامی از سوی نمایندگان دولت در کمیته دستمزد، غیرمتناسب با نرخ تورم تعیین شده است. دستمزدهای ناچیز سبب کاهش شدید قدرت خرید کارگران و رانده شدن اقشار کارگری زیر خط بوده است.

اکنون پیش‌بینی‌ها حاکی از آنست که مقدار حداقل دستمزد با افزایش حدود ۳۰ درصد نسبت به امسال تعیین خواهد شد. در چنین شرایطی حداقل دستمزد حدود ۱۰ میلیون خواهد بود در صورتی که یک خانوار کارگری اگر همه مزایای شغلی از حق مسکن تا حق اولاد را دریافت کند، مقداری حدود ۱۳ تا نهایتاً ۱۴ میلیون درآمد خواهد داشت.

این در حالیست که میانگین هزینه‌ی سبد معیشت یا هزینه‌های ضروری زندگی در حال حاضر برای یک

به فکر ذخیره‌سازی سوخت برای فصل زمستان نبوده است و در نتیجه با اوج‌گرفتن سرما، نیروگاه‌ها با دشواری کمبود سوخت روبه‌رو می‌شوند و چاره‌ای جز زمان‌بندی قطع برق نداریم. مسئول دیگری به‌موقع به فکر بهبود کیفیت ناوگان حمل‌ونقل جاده‌ای نبوده و اینک با ناترازی روبه‌رو هستیم و ...»

در بخش دیگری از این یادداشت تأکید شده «نتیجه کوتاه‌مدت تخصیص نادرست بودجه، توفیق در دنبال کردن اهداف دیگر است، اما نتیجه بلندمدت آن تخریب بنیان تولید و تسهیلات زیربنایی کشور است. این وضعیت را می‌توان با وضعیت فردی مقایسه کرد که از صرف هزینه برای تعویض به‌موقع روغن خودرو یا فیلترهای آن، بازبینی ادواری چرخ‌ها و بقیه بخش‌های خودرو خودداری کرده و به زعم خود رنده‌ساز صرفه‌جویی می‌کند. ناگفته پیداست که دیر یا زود خودرو از کار افتاده و خسارت سنگین مالی و شاید جانی نصیب فرد خواهد شد. تخصیص نامطلوب منابع بودجه‌ای سال‌هاست که در کشور ما رواج دارد و اینک

پیش از این هرویک یاریجانیان رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی تهران با اشاره به اثر استخراج رزمراز بر ناترازی برق گفته بود که منشاء ماینینگ‌ها بخش دولتی است و برخی دستگاه‌های دولتی که بر آنها نظارت و کنترلی نیست در حال استخراج رزمراز هستند.

بحران انرژی در ایران و ناتوانی جمهوری اسلامی برای حل آن از یکسو سبب زیان گسترده اقتصادی به واحدهای تولیدی و صنعتی شده و از سوی دیگر کشور را با تهدید قحطی روبرو کرده است. سلمان ذاکر عضو کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی گفته «ادامه ناترازی‌ها در این سطح، احتمال بروز قحطی را به وجود می‌آورد البته دولت برنامه دارد و ما امیدواریم هر چه زودتر عملیاتی شود.»

عضو کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه «ناترازی شوخی نیست و مسئولین باید به فکر ذخیره و راهکار باشند» تأکید کرده «این یک اصل است که وقتی تولید نباشد، حتماً آرزآوری نیست، حتماً نیازهای مردم برآورده نمی‌شود، حتماً بحث اشتغال تحت‌الشعاع



ویژگی بارز نظام بودجه‌ریزی‌مان است.» این تحلیلگر اقتصادی افزوده «نظام مدیریت دولتی ما در سال‌های گذشته نه تنها شیوه‌های حاکمیتی را جایگزین شیوه‌های ناکارآمد تصدی‌گری نکرده است، بلکه گام بزرگی به عقب برداشته و وارد مرحله‌ای شده که باید آن را دوران پیشاتصدی‌گری نامید؛ زیرا حوزه نظارتی دولت نه‌تنها فراتر از دایره منابع بودجه‌ای آن نیست، بلکه حتی امکان نظارت بر بخشی در حال رشد از بودجه جاری خود را نیز از دست داده است. در واقع متناسب کردن ناترازی‌ها به صرف سوءمدیریت‌ها و نادیده‌گرفتن محدودیت‌های تحمیلی بودجه‌ای به دولت، نوعی آدرس غلط دادن است. هرچند سوءمدیریت در تشدید ناترازی‌ها مؤثر است، اما راه درمان یکباره ناترازی‌ها، اصلاح شیوه تخصیص منابع و اولویت‌دادن به رفاه عمومی و تلاش برای هموارکردن راه رونق اقتصاد ملی از طریق بهبود شیوه تعامل با اقتصاد جهانی و استفاده از فرصت‌های بزرگ ولی بسیار زودگذر ثروت‌اندوزی است.»

قرار می‌گیرد و حتماً سرانه درآمدی مردم پایین آمده و سفره‌هایشان تنگ می‌شود.»

ناصر ذاکری کارشناس و تحلیلگر اقتصادی در شماره امروز روزنامه «شرق» در یادداشتی درباره ناترازی در ایران نوشته «ناترازی عنوانی جدید برای یک عارضه مزمن است که این روزها به‌صورت یک واژه پرتکرار درآمده است. امروزه در بسیاری از حوزه‌ها در سطح اقتصاد ملی گرفتار ناترازی هستیم؛ درآمد دولت کفاف هزینه‌هایش را نمی‌کند، تولید برق با تقاضای در حال رشد نمی‌خواند، درآمدهای خانوارها با هزینه‌های ماهانه‌شان جور در نمی‌آید، ظرفیت اقتصاد ملی در میدان عرضه فرصت‌های شغلی جدید با جمعیت جویای شغل سازگاری ندارد و موارد بی‌شماری از این قبیل کاستی‌ها که همه با عنوان کلی «ناترازی» شناخته می‌شوند. اما به‌راستی ناترازی چرا و چگونه در اقتصاد ما با این گستردگی ظاهر شده است؟»

در این یادداشت آمده «در نظر اول می‌توان ناترازی‌ها را نتیجه بی‌تدبیری مسئولان تلقی کرد. فلان مقام مسئول

اما وضعیت وقتی وخیم‌تر می‌شود که بدانید بخشی از بحران‌های پیاپی سال‌های اخیر همچون رشد ۷۵ درصدی قیمت مسکن در سال ۱۴۰۲ و تورم نقطه به نقطه بیش از ۴۳ درصدی تورم مسکن تا پایان تابستان امسال در این گزارش وجود ندارد و هر کدام از این آوارها می‌تواند وضعیت را چندین برابر حتی بدتر کند.

طبق آمارهای رسمی منعکس شده در گزارش وزارت کار، از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱، تعداد خانوارهای مستأجر درگیر فقر در کشور ۴۸ درصد رشد داشته است؛ به گونه‌ای که در سال ۱۴۰۱، بیش از یک میلیون خانوار مستأجر شهری و ۲۳۳ هزار خانوار روستایی با اضافه شدن هزینه تأمین مسکن استیجاری به سبد هزینه خانوار درگیر فقر شده‌اند.

در بخشی از این گزارش آمده که در سال ۱۴۰۱، بیش از یک میلیون خانوار مستأجر درگیر فقر در مناطق شهری (۸۲ درصد)، درآمدی کمتر از خط فقر داشته و ۲۳۳ هزار خانوار (۱۸ درصد) با اضافه شدن هزینه تأمین مسکن استیجاری به سبد هزینه آنها، درگیر فقر شده‌اند.



این گزارش افزوده با وجود اسکان بیشترین تعداد خانوار مستأجر درگیر فقر در استان تهران، نرخ محرومیت مسکونی در این استان پایین و تنها ۵ درصد است در حالیکه این نرخ در استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان نزدیک به ۶۰ درصد است.

آمارهای این گزارش نشان می‌دهد که در بررسی خانوارهای دچار محرومیت مسکن به تفکیک مناطق روستایی و شهری، ۴۸ درصد این خانوارها شهری و ۵۲ درصد روستایی هستند. محرومیت مسکن به معنای مشکلات در ساخت، متراژ، آبرسانی و زیرساخت‌های عمرانی مسکن است که در این مورد همواره روستاها دارای آمار بزرگ‌تری در ایران بوده‌اند.

همچنین در سال ۱۴۰۱ بیشترین نرخ محرومیت مسکونی، از نظر تعداد خانوار، در استان سیستان و بلوچستان بوده که ۵۸/۷ درصد مستأجران را در بر گرفته است و کمترین نرخ محرومیت مسکن نیز معادل ۲/۷ درصد خانوارها به استان سمنان تعلق داشته است.

ساعت‌های طولانی با دستمزدهای پایین کار کند. این وضعیت به بیکاری ارادی نیز منجر می‌شود.»

رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران گفته: «کارفرما اتباع را با کمترین حقوق و حتی پایین‌تر از دستمزد کارگر ایرانی استخدام می‌کنند. که تنها حق و حقوق کارگران افغانی برای کارفرماها اهمیت ندارد، جان و سلامت‌شان نیز در نظر آنها کم‌ارزش است.»

این فعال کارگری افزوده: «ایرانی‌هایی که بدون شغل و کار می‌مانند، ناچارند به کشورهای دیگر مهاجرت کنند. آنها از خانواده‌ی خود دور می‌شوند، در سختی و فشار قرار می‌گیرند و حتماً با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. ولی این وضعیت را می‌پذیرند تا بتوانند با حداقل دستمزد کشورهای دیگر معیشت و نیازهای زندگی خانواده‌ی خود را تأمین نمایند.»

همانطور که فعالان کارگری اشاره دارند با بی‌ارزش شدن درآمدها و در حالی که دولت برنامه‌های کارآمدی برای فقرزدایی و حمایت از اقشار کم‌درآمد ندارد، جمعیت زیر

خانوار سه تا چهار نفره ۳۲ میلیون تومان برآورد شده و این رقم به علت تورم فزاینده در سال آینده بیشتر هم خواهد بود.

فعالان کارگری نسبت به شرایط کارگران در سال آینده خورشیدی هشدار داده و معتقدند در سال آینده موجی از سقوط خانوارهای کارگری زیر خط «فقر مطلق» رخ خواهد داد.

در همین رابطه فرشاد اسماعیلی وکیل پایه یک دادگستری و پژوهشگر حقوق کار معتقد است: «آنچه پیش‌بینی می‌شود این است که سال آینده هم احتمالاً میزانی از دستمزد افزایش پیدا می‌کند که رضایت دولت و کارفرما را در سطحی جلب کند. احتمالاً میزان آن هم یکپارچه با کارمندان دولت افزایش پیدا خواهد کرد. این سیاست و اراده حاکمیت است که هرآنچه به حقوق کارمندان اضافه می‌شود به کارگران هم افزوده شود در حالی که باید تفکیک قائل شد چراکه کارمندانی که دارای قرارداد رسمی هستند، از مزایای دیگری غیر از حقوق و دستمزد بهره‌مند خواهد شد در حالی که طبق قانون، عدد و شاخص دیگری غیر از افزایش دستمزد سالانه شامل کارگران نمی‌شود.»

فرشاد اسماعیلی تأکید کرده است: «کارگران و طبقه کارگری از نمایندگان خود و شورای عالی دستمزد قطع امید کردند و نماینده کارگری هم توان و قدرت چانه‌زنی برای حتی نزدیک شدن به افزایش اسمی که به میزان تورم نزدیک باشد را ندارد. گویی فقط تصمیم دولت تعیین‌کننده است و صرفاً می‌خواهند ویتزینی از گفتگوی اجتماعی را نشان دهند ولی در عمل گفتگوی اجتماعی در بحث تعیین دستمزد از بین رفته است. کما اینکه در دولت قبلی بحثی شده بود که تعیین دستمزد را به مجلس واگذار کنیم که این درواقع دور زدن قانون کار و کارگر است.»

این پژوهشگر حقوق کار درباره وضعیت معیشت کارگران در سال آینده گفته: «سال آینده بروز و ظهور وحشتناکی از استیصال و فقر کارگران را خواهیم داشت. جمعیت میلیونی به زیر خط فقر مطلق کشیده خواهند شد و جمعیت فقیر مطلق ما از دهک‌های بالایی مثل ۳ و ۴ و ۵ به دهک‌های ۱ و ۲ نزل خواهند کرد؛ یعنی ما یک وضعیت فقر مطلق طبقاتی را حتی بین دهک‌های فرو دست خواهیم داشت. درواقع در سال آینده تغییر جمعیتی خواهیم داشت که جمعیت فقرای مطلق ما در دهک اول جامعه بیشتر خواهد شد و سقوط افراد فقیر در دهک‌های ۳ و ۴ یا ۲ و ۳ به دهک‌های پایین‌تر و فقیرتر افزایش پیدا خواهد کرد. ما با سقوط طبقه کارگر فقیر از پله‌های پایین‌تر به زیر زمین یا زیر خط فقر مواجه خواهیم شد که قطعاً بروز و ظهور خشونت‌آمیزی در جامعه دارد و ممکن است اتفاقات عجیب و غریبی را رقم بزند.»

هشدارها در باره وضعیت معیشتی کارگران در حال حاضر و در سال آینده بسیار گسترده است. سمیه گلپور رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران هم با تأکید بر اینکه «دستمزد با نرخ تورم همخوانی ندارد» گفته «کارگران ماهر مهاجرت می‌کنند.»

وی با انتقاد از مقاومت کارفرمایان و دولت برای افزایش حقوق کارگران گفته: «نرخ تورم با دستمزد همخوانی و تناسب ندارد و فاصله‌ی آنها هر سال بیشتر و بیشتر می‌شود و در حال نجومی شدن است. در چنین شرایطی کارگر با اینکه به شغل نیاز دارد و در بازار کار هم به کار و مهارت او نیاز است، در عمل این دو عنصر بهم نزدیک نمی‌شوند چون حقوق مصوب ۱۲-۱۱ میلیون تومانی نیاز کارگر را تأمین نمی‌کند. کارگر با این پرداختی حتی از عهده‌ی تأمین معاش خودش بر نمی‌آید، به همین دلیل برایش عقلانی نیست

خط فقر مطلق در ایران در حال گسترش است.

ابراهیم صادقی‌فر رئیس موسسه کار و تأمین اجتماعی در ایران گفته «بخش مهمی از مردم با مسئله فقر درگیرند که آمار این افراد بین ۲۲ تا ۲۷ درصد در نوسان است. این قسمت از جامعه، در تأمین حداقل نیازهای اساسی خود دچار مشکل هستند.»

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیشتر در گزارشی اعلام کرده که میلیون‌ها خانوار ایرانی در سال‌های اخیر، به جمع فقرای کشور اضافه شدند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که نرخ فقر در سال ۱۴۰۲ و طی یک سال با افزایش ۶۸ درصدی روبرو شده است. این گزارش افزوده تهیه کمترین امکانات ضروری زندگی و تأمین کالری مورد نیاز بدن را، حتی برای اقشار متوسط هم دشوار کرده است.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گزارشی درباره فقر مسکن در کشور تا پایان سال ۱۴۰۱ ارائه داده است. گزارش البته که بحران بد مسکنی ایرانیان را نشان می‌دهد،

۸۵۳۲ کلاس درس در پایتخت نیازمند تخریب و نوسازی؛ حدود سه هزار کلاس درس در ایران کانکسی و سنگی هستند



بر اساس این گزارش از ۲۸۰۰ مدرسه تهران نیمی توسط سازمان مدیریت بحران از نظر سازه‌ای بررسی شده و تا پایان سال تمام مدارس مورد بررسی قرار می‌گیرند. رئیس سازمان آتش‌نشانی هم می‌گوید که از نظر ایمنی حریق هم مدارس را مورد بررسی قرار داده‌ایم اما «وضعیت خوبی ندارند» و از سال گذشته تاکنون حتی یک پرونده مبنی بر اینکه مدرسه‌ای اقدامات ایمن‌سازی را انجام داده به دست ما نرسیده است.

«هم‌میهن» همچنین نوشته بود شهرداری آموزش‌های ایمنی لازم را به مدارس ارائه می‌کند و به گفته مدیران شهری، اگر مالکان برای ایمن‌سازی اقدام کنند، شهرداری در صدور پروانه و ارائه مجوزهای لازم با آنها همکاری می‌کند. اینهمه در حالیکه هفت‌گذاشته در آمار دیگری مجید عبداللهی، معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور اعلام کرد ۱۸۲۰ کلاس کانکسی و ۱۱۰۰ کلاس درس سنگی در استان‌های مختلف شناسایی شده است او همچنین از وجود بیش از هزار کلاس درس سنگی خبر داده و گفته «شناسایی اولیه حدود هزار و صد کلاس سنگی انجام شده که برنامه‌ریزی‌های لازم برای تشخیص نیاز محلی و مکان یابی این پروژه بر عهده سازمان نوسازی و آموزش و پرورش استان‌ها است.»

این در حالیست که مهرماه امسال روزنامه «ایران» به نقل از حمیدرضا خان‌محمدی رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور از شناسایی ۱۰۷۳ کلاس درس کانکسی با جمعیت بیش از ۱۰ دانش‌آموز خبر داده بود. مقایسه این دو آمار نشان از افزایش شمار کلاس‌های کانکسی در سال تحصیلی جدید حکایت دارد.

امرداد سال گذشته حمیدرضا خان‌محمدی رئیس

سرانه، نیاز به ساخت ۱۳ هزار کلاس درس جدید دارد. بر اساس گزارشی که آبان امسال در روزنامه «همشهری» منتشر شده بود استان‌های خوزستان، سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، تهران، قم، البرز و آذربایجان غربی هفت استانی هستند که با بیشترین کمبود کلاس درس و سرانه آموزشی روبرو هستند.

این گزارش افزوده بود که «تصور مردم کل ایران از تهران این است که بهترین مدارس در تهران است و در این باره وضعیت آن نسبت به شهرهای دیگر خیلی بهتر است اما جالب است که سرانه فضای آموزشی در بسیاری از شهرهای دیگر نسبت به تهران بهتر است.»

چند روز مانده به آغاز سال تحصیلی جاری نیز قدرت‌الله محمدی رئیس سازمان آتش‌نشانی شهر تهران از نایمن بودن بیش از ۵۰ درصد مدارس تهران خبر داده و گفته بود آموزش و پرورش برای ایمن‌سازی مدارس اقدامی انجام نداده است علی نصیری رئیس سازمان مدیریت بحران شهر تهران نیز همزمان با اشاره به فرسودگی مدارس گفته بود که تمام موارد نایمنی را ریزه‌ریز اعلام کرده‌ایم» و منتظریم که مسئولان مربوطه اقدامات لازم را انجام دهند.

افزایش شمار مدارس نایمن به یکی از بحران‌های ساختار آموزشی تبدیل شده اما همانطور که مقامات آتش‌نشانی و رئیس سازمان مدیریت بحران پایتخت اعلام کرده‌اند، آموزش و پرورش نتوانسته در ایمن‌سازی مدارس موفق عمل کند. روزنامه «هم‌میهن» نیز در گزارشی نوشته بود که از سال گذشته موضوع ایمن‌سازی مدارس تهران در دستور کار آتش‌نشانی و سازمان مدیریت بحران شهر تهران قرار گرفت و تفاهم‌نامه‌ای هم در این زمینه با آموزش و پرورش تهران بسته شد.

● مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس تهران: بر اساس اطلاعات فضاهای آموزشی، در استان تهران ۸ هزار و ۵۳۲ کلاس درس نیازمند تخریب و بازسازی هستند.

● استان‌های خوزستان، سیستان و بلوچستان، «خراسان رضوی»، تهران، قم، البرز و آذربایجان غربی هفت استانی هستند که با بیشترین کمبود کلاس درس و سرانه فضای آموزشی روبرو هستند.

● معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور اعلام کرد که ۱۸۲۰ کلاس کانکسی و ۱۱۰۰ کلاس درس سنگی در استان‌های مختلف شناسایی شده است.

مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس تهران اعلام کرده ۸۵۳۲ کلاس درس در شهر تهران نیاز به تخریب و بازسازی دوباره دارد. آمار دیگری نشان می‌دهد تعداد کلاس‌های درس کانکسی با افزایش روبرو شده و در حال حاضر ۱۸۲۰ کلاس کانکسی در استان‌های مختلف شناسایی شده است.

عباس زارع مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس تهران درباره وضعیت مدارس استان تهران امروز شنبه ۱۵ دی‌ماه اعلام کرده است: «بر اساس اطلاعات فضاهای آموزشی، در استان تهران ۸ هزار و ۵۳۲ کلاس درس نیازمند تخریب و بازسازی هستند که سالانه و مطابق اعتباراتی که در این بخش تخصیص داده می‌شود، تعدادی از آنها هر ساله بازسازی می‌شوند.»

به گفته عباس زارع، «سرانه آموزشی پنج منطقه شهر تهران پایین‌تر از میانگین کشوری است و رئیس‌جمهور دستور داده است تا هرچه سریع‌تر برای رفع مشکلات این پنج منطقه اقدامات لازم صورت پذیرد.»
وی همچنین افزوده که استان تهران برای رسیدن به این

ورود غیرمجاز روزانه ۳ الی ۴ هزار افغان به ایران



شماری از اتباع افغان در تهران کنار برج «شهید» (آزادی)

روزانه به صورت قانونی وارد می‌شوند، حدود ۳ تا ۴ هزار نفر هستند، اما متأسفانه به دلیل شرایط مرزها افرادی نیز به صورت غیرقانونی وارد می‌شوند که امیدواریم با ایجاد تسهیلات در حوزه قانونی تعداد این افراد نیز کاهش یابد.»

مشخص نیست این تعداد افغان چطور و از طریق کدام کانال مرزی وارد ایران می‌شوند، آنهم در شرایطی که فرماندهان مرزبانی، سپاه پاسداران و ارتش ادعا می‌کنند مرزها را بطور کامل تحت پوشش دارند و کاملاً رصد می‌کنند اغلب افغان‌هایی که وارد ایران می‌شوند از روی ناچاری و ترس از رژیم تروریستی طالبان است، هرچند که تروریست‌های حاکم در افغانستان پیوندهای محکمی با جمهوری اسلامی دارند. برای برخی اتباع افغان، ایران به عنوان پل مهاجرت و مسیر ابتدای روند پناهنجویی در کشورهای دیگر به ویژه اروپاست؛ اما اغلب آنها در ایران می‌مانند. از این تعداد برخی با حقوق و دستمزدهای بسیار کم و بدون بیمه در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها به صورت «سپاه» کار می‌کنند. برخی دیگر جذب «سپاه قدس» می‌شوند و در ازای دریافت پول و کارت اقامت موقت تن به مزدوری اجباری برای اهداف نظامی رژیم در منطقه و یا سرکوب اعتراضات مردم در داخل کشور می‌دهند.

در این میان اما حتا برخی منابع حکومتی نسبت به تهدید اتباع غیرمجاز برای امنیت ملی هشدار داده‌اند. در همین ارتباط روزنامه «جمهوری اسلامی» اواسط شهریورماه ۱۴۰۳ با اشاره به «خطر حضور میلیون‌ها نفر از اتباع غیرمجاز افغانستانی در کشور»، نسبت به خطر ورود عوامل تروریستی طالبان به ایران برای شهروندان و امنیت کشور هشدار داده بود.

این روزنامه گزارش داد که طالبان «ده‌ها هزار نفر از عناصر آموزش‌دیده خود را وارد ایران کرده» و «اعضای طالبان در نقاط مختلف کشور مستقرند و افراد حتا سلاح نیز در اختیار دارند و تا کنون مرتکب جنایات زیادی نیز در داخل شهرها و حتی روستاهای کشورمان شده‌اند.»

● رئیس مرکز امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور جمهوری اسلامی می‌گوید طی سه سال گذشته حدود سه میلیون نفر از اتباع غیرمجاز اخراج شدند، اما دوباره به ایران برگشتند!

● نادر یاراحمدی می‌گوید: «افرادی که در حال حاضر روزانه به صورت قانونی وارد می‌شوند، حدود ۳ تا ۴ هزار نفر هستند، اما متأسفانه به دلیل شرایط مرزها افرادی نیز به صورت غیرقانونی وارد می‌شوند که امیدواریم با ایجاد تسهیلات در حوزه قانونی تعداد این افراد نیز کاهش یابد.»

● مشخص نیست این تعداد افغان چطور و از طریق کدام کانال مرزی وارد ایران می‌شوند، آنهم در شرایطی که فرماندهان مرزبانی، سپاه پاسداران و ارتش ادعا می‌کنند مرزها را بطور کامل تحت پوشش دارند و کاملاً رصد می‌کنند.

● روزنامه «جمهوری اسلامی» اواسط شهریورماه ۱۴۰۳ گزارش داده بود که طالبان در پوشش پناهجو «ده‌ها هزار نفر از عناصر آموزش‌دیده خود را وارد ایران کرده» و «اعضای طالبان در نقاط مختلف کشور مستقرند و افراد حتا سلاح نیز در اختیار دارند و تا کنون مرتکب جنایات زیادی نیز در داخل شهرها و حتی روستاهای کشورمان شده‌اند.»

رئیس مرکز امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور جمهوری اسلامی می‌گوید طی سه سال گذشته حدود سه میلیون نفر از اتباع غیرمجاز اخراج شدند، اما دوباره به ایران برگشتند!

شماری از اتباع افغان در تهران کنار برج «شهید» (آزادی) نادر یاراحمدی ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۳ در اظهاراتی عنوان کرد: «نزدیک به ۷۰۰ پزشک فوق تخصص و متخصص افغان در کشور داریم که مشغول به کار در بیمارستان‌ها هستند اما مشکل اساسی شرایط جنگی و سخت حاکم در افغانستان است که باعث ورود مجدد اتباع غیرمجاز شده است.» او همچنین تأکید کرده است: «افرادی که در حال حاضر

→ سازمان نوسازی، توسعه و تجهیزات مدارس کشور با ارائه آماری درباره وضعیت کلاس‌های درس گفته بود ۱۰۴ هزار کلاس درس در کشور نامستحکم هستند، ۳۰ هزار کلاس درس نیاز به بازسازی و ۷۰ هزار کلاس نیز نیاز به نوسازی دارند.

حمیدرضا خان‌محمدی افزوده بود که «مدارس تهران پر تراکم هستند و اگر اعتبارات با رویکردی که ما پیشنهاد دادیم در برنامه هفتم مصوب شود می‌توانیم به سرعت این مسئله را حل کنیم» و تأکید کرده بود که در مدرسی که پر خطر تشخیص داده شده‌اند دانش‌آموزان در شیفت‌های مخالف یکدیگر تحصیل می‌کنند.

بر اساس توضیحاتی که حمیدرضا خان‌محمدی داده بود، مدارس به دلیل نداشتن سرانه دچار مشکلات مالی هستند و خودشان نمی‌توانند کلاس‌های درس را ترمیم کنند. عدم بازسازی و نوسازی کلاس‌های درس حادثه‌آفرین شده است و در نخستین روز بازگشایی مدارس در سال تحصیلی جاری دو حادثه در دو مدرسه کشور رخ داد.

در شهر تبریز یک دختر ۱۳ ساله به دلیل مجهز نبودن مدرسه به حفاظ‌های ایمن از طبقه چهارم سقوط کرد و به خیابان افتاد. این دانش‌آموز به بیمارستان منتقل گشته و آسیب‌دیدگی او «شدید» گزارش شده است.

در شهر ارومیه در استان آذربایجان غربی نیز سقف یک کلاس در یک هنرستان فرو ریخت و دو دانش‌آموز مجروح و به بیمارستان منتقل شدند. بر اساس آخرین گزارش‌ها یکی از دانش‌آموزان پس از یک روز از بیمارستان مرخص شده و قرار است درمانش در خانه ادامه پیدا کند اما یکی دیگر از دانش‌آموزان همچنان در بیمارستان بستری است.

در برخی از شهرها فرونشست زمین به عاملی برای نایمن شدن کلاس‌های درس تبدیل شده است. در همین رابطه محمدرضا ابراهیمی مدیرکل آموزش و پرورش استان اصفهان اواخر آبان امسال با ارائه آماری تکانه‌دهنده از مدارس درگیر با فرونشست در این استان گفته حدود ۱۵۰ مدرسه استان اصفهان تحت تأثیر فرونشست قرار گرفته‌اند و تاکنون ۴۲ مدرسه استان اصفهان بطور کامل تخلیه شده‌اند.

او با اشاره به اینکه تخلیه مدارس بر سرانه فضای آموزشی استان اثر داشته توضیح داده بود که درصد تأثیر فرونشست در هر مدرسه‌ای متفاوت از دیگری است؛ اداره کل نوسازی دستور داده که برخی از مدارس تخلیه شوند که بخش‌هایی از آن تخریب و عملیات بازسازی شروع و بخش دیگر بهسازی و مقاوم‌سازی شده است.

محمدرضا ابراهیمی همچنین گفته بود «متأسفانه پدیده فرونشست در کل کشور وجود دارد اما شدت و فراوانی آن در سطح استان اصفهان زیاد است و قاعدتاً برخی از مدارس استان نیز تحت تأثیر این پدیده قرار گرفته‌اند.»

همزمان ناصر فتحی مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان اصفهان نیز گفته بود ۴۲ مدرسه‌ی تخلیه شده که عمدتاً در نواحی ۴، ۵، ۶ شهر اصفهان و دیگر شهرها از جمله فلاورجان و خمینی‌شهر بوده‌اند، دیگر قابل استفاده نیستند و آنقدر نایمن بودند که حکم تخلیه‌شان صادر شد او همچنین گفته بود در شماری از مدرسی که به علت فرونشست دچار آسیب شده بودند نیز تعمیراتی انجام شد و مدارس برقرار و فعال هستند.

ناصر فتحی نیز بر ایجاد مشکل در سرانه آموزشی به علت تخلیه مدارس اشاره کرده و گفته بود «آموزش و پرورش استان اصفهان برای جبران این مسئله، برخی مدارس را دو نویته کرده است. یک راهکار دیگر نیز افزایش تراکم کلاس‌ها در مدارس مجاور بود. حل مسئله از این طریق برای آموزش و پرورش سختی‌های خاص خودش را دارد.»

ادعای حسین خمینی:

هیچ وقت مانع دینی برای ورزش بانوان وجود نداشت!

حسن خمینی نوه روح‌الله خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی روز شنبه ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۳ در دیدار با شماری از ورزشکاران فدراسیون ورزش دانش‌آموزی ادعا کرده است: «هیچ وقت مانع دینی برای ورزش بانوان وجود نداشت.» او مدعی شده: «ممکن است ذهنیت‌های سنتی ما برای ورزش بانوان مانع باشد که الحمدلله برداشته شده و در این مورد هم در مدارس خیلی قوی‌تر می‌توان روی آن کار کرد.» این درحالیست که محدودیت‌های شرعی و مذهبی حکومت برای زنان ورزشکار باعث شده است بسیاری از مدال‌آوران و قهرمانان ورزش مجبور به ترک ایران شوند. سارا خادم‌الشریعه، میترا حجازی‌پور، کیمیا عیزاده، فاطمه کشاورز، پریسا جهان‌فکریان و یکتا جمالی و بسیاری دیگر از زنان ورزشکار طی سال‌های اخیر برای همین محدودیت‌ها از ایران مهاجرت کردند

شاهزاده رضا پهلوی:

شلیک به هوایم‌ای اوکراینی نمود تمام‌عیار «وحشت بزرگ»!

شاهزاده رضا پهلوی در پنجمین سالگرد فاجعه‌ی شلیک موشکی به هوایم‌ای مسافربری «اوکراین اینترنشنال» که سحرگاه ۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۸ توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام شد، آن را «نمودی تمام‌عیار» از همان «وحشت بزرگ» دانست که شاه فقید ایران پس از وقوع انقلاب ۵۷ و روی کار آمدن جمهوری اسلامی نسبت به آن هشدار داده بود. در این پیام همچنین آمده است که «پرونده این جنایت همچنان باز خواهد ماند تا در دادگاهی ملی به آن رسیدگی شود.»

متن کامل پیام به شرح زیر است:
«شلیک به هوایم‌ای اوکراینی نمود تمام‌عیار «وحشت بزرگ»ی بود که پیش از فاجعه ۵۷ به مردم ایران هشدارش



داده شده بود. همه آمران و عاملان این جنایت هولناک و قاتلان ده‌ها مسافر بی‌گناه، از شخص علی خامنه‌ای گرفته تا سرکردگان تبهکار سپاه تروریستی، بدانند که پرونده این جنایت همچنان باز خواهد ماند تا در دادگاهی ملی به آن رسیدگی شود.
یاد جانبختگان بی‌پناه آن پرواز را گرامی می‌دارم و برای خانواده‌های داغدارشان آرزوی شکیبایی و آرامش دارم.»

وزیر علوم خواستار حذف محتوای آموزشی مخالف فرزندآوری در دانشگاه‌ها شد

حسین سیمایی صراف وزیر علوم دولت پزشک‌یان در جلسه «ستاد جوانی» این وزارتخانه گفته باید رشته‌هایی مانند مدیریت خانه و خانواده تقویت و محتوای آموزشی مخالف فرزندآوری حذف شود!

وزیر علوم همچنین خواستار گسترش و تقویت رشته‌های تحصیلی در همه دانشگاه‌های کشور متناسب با جایگاه و نقش خانواده و زن بر اساس فرهنگ اسلامی شده است.

پیام شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت سالگرد ۱۷ دی روز آزادی زنان ایران

هفدهم دی‌ماه یادآور اقدام شجاعانه و تاریخ‌ساز رضاشاه بزرگ در آزادسازی زنان ایران از پستوی تحجر و انزوا است. این روز، به معنای دقیق، نه روز «کشف حجاب» بلکه روز «آزادی پوشش» است. زنان ایران در این روز، به پشتوانه‌ی دولت ملی که نگاهبان آزادی و امنیت‌شان بود، فرصت یافتند از بند ارتجاع رها شوند و همسان مردان در اجتماع حضور داشته باشند. بدین ترتیب، میهن کهن ما توانست از توان و استعداد نیمی از جامعه برای پیشرفت و آبادانی کشور بهره‌مند شود.

من آن تصمیم رضاشاه را دوران‌ساز می‌دانم چرا که نه تنها در زمان خود پیشرو بود، بلکه آغازگر تحولی تاریخی در دستیابی زنان ایران به حقوق خود شد که تا همین امروز نیز آثار آن در جامعه ایران پدیدار است، و حتی جمهوری اسلامی نیز با وجود سرشت عمیقاً واپس‌گرای خود هرگز نتوانست وضعیت را به پیش از آن باز گرداند. چنانکه امروز نیز زنان ایران از پیشگامان انقلاب ملی برای برانداختن جمهوری اسلامی هستند و همچون سدی استوار، مقابل زن‌ستیزی و آزادی‌ستیزی این ارتجاع مذهبی



ایستاده‌اند.
یاد همه مردان و زنان میهن‌پرستی را که در آن روزها از پیشگامان آزادسازی زنان ایران بودند، گرامی می‌دارم، و به زنان و مردان شجاع ایران که امروز دوشادوش هم برای بازیگیری میهن و آزادی‌شان مبارزه می‌کنند، درود می‌فرستم.
پاینده ایران

خسارت سنگین مرغداری‌ها به علت قطع گاز

صدها مرغ در «خراسان رضوی» از سرما تلف شدند منابع محلی در استان «خراسان رضوی» ۱۶ دی‌ماه ۱۴۰۳ گزارش دادند که به علت قطع گاز و از کار افتادن «سیستم گرمایشی» مرغداری‌ها، صدها مرغ از سرما تلف شدند.

آمار هولناک ابتلا به سرطان در ایران

ایرج خسرونیا رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران می‌گوید در ایران از هر ۵ نفر زیر ۵۰ سال یک نفر دچار سرطان می‌شود. او مصرف دخانیات، الکل و رژیم غذایی نامناسب را از جمله دلایل افزایش آمار ابتلا به سرطان اعلام، و بر انجام اقدامات پیشگیرانه از جمله غربالگری از سنین جوانی تأکید کرده است. وقتی شعارهای مردم به ترانه و امید و باور به ایران آینده تبدیل می‌شود بزرگترین گردهمایی خودانگیخته‌ی ایرانیان در هفتم آبان سال ۱۳۹۵ در پاسارگاد و کنار آرامگاه کوروش بزرگ روی داد. شعار «کوروش پدر ماست، ایران وطن ماست» که در همان روز توسط مردم سر داده شد، در کنار دیگر شعارهای اعتراضات مداوم ملت ایران، بیانگر خودآگاهی ملی و حقوقی و فرهنگی جامعه ایران است که گذشته‌ی مستمر و هزاران ساله و دستاوردهای آن را برای غلبه بر گسست ۵۷ و جمهوری اسلامی‌اش، به زیربنای ایران آینده تبدیل کرده و استوار بر آن ایستاده است. این شعارها در آثار هنرمندان به ترانه تبدیل می‌شوند و شادی و امید می‌آفرینند. آریوش نیز این شعار معروف را ترانه کرده تا مردم آن را بخوانند و برقصد و شاد باشند و باور داشته باشند که ایران آینده در حال از راه رسیدن است.

استارلینک در ایران ۱۰۰ هزار کاربر دارد

پویا پیرحسینلو رئیس کمیسیون اینترنت و زیرساخت انجمن تجارت الکترونیک می‌گوید، بر پایه ترافیک داخلی از ابتدای ۲۰۲۴ استفاده از اینترنت ماهواره‌ای در ایران رشد چشمگیری داشته و در حال حاضر بیش از ۳۰ هزار استارلینک در ایران فعال هستند که طبق برآوردها بیش از ۱۰۰ هزار کاربر از این ۳۰



هزار نقطه استفاده می‌کنند. روزنامه «شرق» دوشنبه ۱۷ دی‌ماه ۱۴۰۳ در گزارشی نوشته است: «ایرانی‌ها به دلیل استفاده از فیلترشکن‌های رایگان به عامل مهمی در آلودگی شبکه تبدیل شده‌اند و آلودگی شبکه را بازتولید می‌کنند و دستگاه‌ها را به زامبی‌ها تبدیل می‌کنند.» در این گزارش عنوان شده: «وقتی چیزی محدود می‌شود بدون دلیل درست و باعث افزایش استفاده از فیلترشکن‌ها می‌شود، باعث افزایش حملات می‌شود.»

استخراج رمزارز از سوی دستگاه‌های دولتی در ایران

هرویگ یاریجانیان رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی تهران با اشاره به اثر استخراج رمزارز بر ناترازی برق گفته منشاء ماینینگ‌ها بخش دولتی است و برخی دستگاه‌های دولتی که بر آنها نظارت و کنترلی نیست در حال استخراج رمزارز هستند.

تجمع هواداران رژیم ایران در تورنتو؛ ولایتمداران کانادا پرچم اسرائیل را آتش زدند

گروهی از هواداران حکومت با پرچم‌های جمهوری اسلامی و فلسطین به مناسبت پنجمین سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده پیشین نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تورنتو تجمع کردند.

بهرنگ رهبری خبرنگار آزاد پنجم ژانویه (۱۶ دی‌ماه) با انتشار این ویدیو در «ایکس» نوشت: «عاشقان ولایت در این ویدیو مشغول فحاشی هستند».

سلمان سیما فعال سیاسی نیز ویدیویی از آتش زدن پرچم اسرائیل توسط هواداران حکومت، در مقابل کنسولگری آمریکا در تورنتو به مناسبت سالگرد کشته شدن سلیمانی منتشر کرد.

بازداشت مهسا قربانی داور بین‌المللی به اتهام «جعل مدارک اقامت»

مهسا قربانی داور باتجربه فوتبال که مدتی پیش خبر مهاجرتش از ایران رسانه‌ای شد، به تازگی در داهمارک به اتهام «جعل مدارک اقامت» دستگیر شده است.

روزنامه «برلینسکه» ۱۴ دی‌ماه ۱۴۰۳ گزارش داد او قصد داشت از داهمارک به ادینبورگ برود و آنجا درخواست پناهندگی بدهد که توسط پلیس بازداشت شد. مهسا قربانی اولین زن ایرانی است که مسابقه مردان را



مهسا قربانی داور بین‌المللی
به اتهام «جعل مدارک اقامت»

داوری کرد و اولین داور زن فوتبال ایران است که مدرک VAR دارد. قربانی کمتر از یک ماه پیش به دلایلی ایران را ترک کرد. آنطور که رسانه‌های داهمارکی می‌گویند او ابتدا با هواپیمای ترکیه رفته و از آنجا به ترتیب به سوئیس، سوئد و داهمارک پرواز کرده است. با این حال او زمانی که می‌خواست از گیت پرواز رد شود و خود را به ادینبورگ برساند، به خاطر ویزای جعلی توسط پلیس متوقف و بازداشت شد.

احمد خاقتی: از بیرون خط می‌دهند دلار چند باشد!

احمد خاقتی امام جمعه تهران ۱۴ دی‌ماه ۱۴۰۳ در خطبه‌های نماز گفت: «دلار بالای ۸۰ هزار تومان یعنی چه؟ یعنی زیر پا بردن ارزش ملی پول که کار خطرناکی است.» او افزود: «از بیرون خط می‌دهند دلار چند باشد. این بیرونی‌ها را شناسایی کرده و هرچه می‌توانید برای سامان دادن اقتصاد مردم تلاش کنید.» پیشتر محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی گفته بود: «کانال بن‌بست که از ۹ صبح برای همه صرافی‌هایی ایران نرخ دلار تعیین می‌کند در آمریکا ثبت شده و همه سرورهای آن هم در آمریکا است.»

سهم ایران از گردشگری کشورهای منطقه فقط عراقی‌ها هستند

وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی که ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۳ منتشر شد، بر اساس آمار و ارقام نوشته است که جمهوری اسلامی در جذب گردشگر و درآمدزایی از توریسم نه تنها از ترکیه، امارات، قطر، عربستان و حتی پاکستان بسیار عقب افتاده بلکه کشورهایی چون جمهوری آذربایجان و تاجیکستان نیز با سیاست «درهای باز برای توریست‌ها» احتمالاً به زودی چنان از ایران پیش بیافتند که رویای فعالان گردشگری دیگر نه رسیدن به وضعیت گردشگری استانبول و دوی بی‌بلکه رقابت با باکو و دوشنبه باشد. در این گزارش آمده، شرکت‌های توریستی منطقه‌ای نیز دیگر تمایلی به خرید تورهای ایران ندارند و بجز عراقی‌ها سایر توریست‌ها به ایران نمی‌آیند.

مانور مقابله با انتشار گازهای سمی در مترو تهران

مدیر ایمنی و مهندسی عملیات شرکت بهره‌برداری مترو تهران و حومه شنبه ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۳ توضیح داده است که



گازهای سمی در مترو تهران
مانور مقابله با انتشار

این مانور با هدف افزایش آمادگی در شرایط اضطراری و مقابله با انتشار گازهای شیمیایی و سمی در مترو برگزار شد. حسین امیراحمدی همچنین توضیح داد، برگزاری این مانورها کمک می‌کند که «در صورت وقوع حادثه انتشار گازهای شیمیایی و سمی، اقدامات لازم برای رفع اختلال و تضمین بهره‌برداری پایدار اجرا شود» و «اعتماد به نفس کارکنان و سرعت عمل در مواجهه با شرایط اضطراری» را تقویت می‌کند.

اگر پیوستن ما به FATF باعث لطمه به حرکت‌های آزادیبخش شود، پیوستن به آن صحیح نیست!

این حرف را مصطفی میرسلیم روز جمعه ۱۴ دی‌ماه ۱۴۰۳ در گفتگو با خبرنگاری «ایلنا» در ارتباط با تصویب لوایحی ابراز داشت که هفته گذشته علی خامنه‌ای حکم به بررسی دوباره آنها در مجمع تشخیص مصلحت نظام داد. اف ای تی اف FATF یا گروه ویژه اقدام مالی از سال ۱۹۸۹ میلادی برای مبارزه با پولشویی و همچنین مقابله با تأمین مالی تروریسم، لویحی و مقرراتی را تنظیم کرده که برخی رژیم‌ها از جمله جمهوری اسلامی به دلیل عدم تصویب و نپیوستن به آنها لیست سیاه قرار می‌گیرند و به این ترتیب معاملات تجاری آنها در سطح بین‌الملل با محدودیت‌های فلج‌کننده روبرو می‌شود. منظور میرسلیم عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام از «حرکت‌های آزادیبخش» همان گروه‌های نیابتی و تروریستی است که رژیم ایران میلیون‌ها دلار برای ایجاد و حمایت آنها هزینه کرده و حالا با حملات اسرائیل ناکار شده‌اند و جمهوری اسلامی ورشکسته را به فکر بررسی این لویحی برای تصویب احتمالی آنها انداخته است.

خروج ناگهانی هلدینگ عربستانی «صافولا» از ایران

هلندینگ عربستانی «صافولا» که در تولید روغن‌های خوراکی در ایران سرمایه‌گذاری کرده بود، کل دارایی خود را در ایران به ارزش ۷۰۵ میلیون ریال عربستان (معادل ۱۸۸ میلیون دلار) فروخته و از ایران خارج می‌شود. بر اساس بیانیه‌ای که گروه صافولا چهارشنبه ۱۲ دی‌ماه ۱۴۰۳ منتشر کرد، تصمیم برای توقف فعالیت این شرکت در ایران «در راستای استراتژی گروه برای خروج به‌موقع از بازارهای غیراصلی» اتخاذ شده است. گروه صافولا که بزرگترین سرمایه‌گذار سعودی در ایران به شمار می‌رفت، در تولید روغن‌های خوراکی شامل لادن، لادن طلایی، بهار و نسترن سرمایه‌گذاری کرده بود.



خروج ناگهانی
هلدینگ عربستانی
«صافولا» از ایران

خرگزاری تسنیم نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۹۴ گزارش داده بود: «صافولا ۴۰ درصد روغن مصرفی در ایران را تأمین می‌کند و همچنین مالکیت کامل شرکت شکر صافولا به‌شهر و شرکت توزیع‌کننده طلوع پخش آفتاب را در اختیار دارد.» برخی تحلیلگران می‌گویند خروج این شرکت از ایران، با تحریم‌ها و بازگشت مجدد ترامپ به قدرت و شرایط مبهم و متزلزل جمهوری



عکس هفته | رؤسای جمهور در مراسم درگذشت یک رئیس جمهور

دونالد ترامپ و باراک اوباما و جرج دبلیو بوش در مراسم درگذشت جیمی کارتر

در کلیسای جامع واشنگتن / ۹ ژانویه ۲۰۲۵